



رژیم مخابرات، مخابرات و ارتباطات  
وزارت مخابرات و ارتباطات

**بررسی**  
**ساختار و محتوای برنامه های**  
**شبکه تلویزیونی ماهواره ای**  
**بی بی سی فارسی**

محمد محمدخانی ملکوه





بررسی ساختار و محتوای

برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی



بررسی ساختار و محتوای  
برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی

مجری طرح

محمد محمدخانی ملکوه



سرشناسه	محمدخانی ملکوه، محمد ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور	بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی / مجری طرح محمد محمدخانی ملکوه
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	ص. ۳۲۴.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۰۳-۱، ریال، ۴۶۰۰۰
موضوع	پنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا
موضوع	تلویزیون -- بخش برنامه‌های فارسی
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
رده‌بندی کنگره	HE ۸۶۸۹/۹/الف ۹م۳ ۱۳۹۰:
رده‌بندی دیویی	۳۸۴/۵۴۴۰۹۴۱:
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۰۰۱۷۷:



### بررسی ساختار و محتوای

### برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مجری طرح: محمد محمدخانی ملکوه

ناظر طرح: دکتر سید مجتبی رضوی طوسی

همکاران طرح: مهناز ترابی، سید سروش بنکدار اول، محمد نیک ملکی

ویراستار: هوشنگ رضایی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۱۸-۰۳-۱

نوبت چاپ: اول - آبان ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۶۰۰۰ ریال

چاپخانه: بیمان نواندیش

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولیعصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن ۸۸۹۱۹۱۷۷ دورنگار ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: Nashr@ricac.ac.ir

## فهرست مطالب

سخن ناشر..... ۹

چکیده..... ۱۱

### فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- طرح مسئله..... ۱۵

۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق..... ۲۱

۳-۱- هدف اصلی تحقیق..... ۲۵

۴-۱- سؤال‌های تحقیق..... ۲۵

### فصل دوم: پیشینه، مبانی و چارچوب نظری تحقیق

۱-۲- پیشینه تحقیق..... ۲۹

۱-۱-۲- بررسی ساختار و محتوای اخبار شبکه العالم..... ۲۹

۲-۱-۲- تحلیل محتوای اخبار هسته‌ای فاکس نیوز در مورد مسائل ایران در دی‌ماه ۱۳۸۴..... ۳۰

۳-۱-۲- تحلیل محتوای مقایسه‌ای بخش‌های خبر سیاسی شبکه خبر سیما و شبکه الجزیره..... ۳۱

۴-۱-۲- تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در ایران..... ۳۳

۵-۱-۲- نظرسنجی از مردم ۱۸ شهر مرزی درباره شبکه‌های رادیویی و تلویزیون کشورهای همسایه..... ۳۵

۶-۱-۲- نظرسنجی از مردم ۳۱ شهر درباره شبکه‌های ماهواره‌ای..... ۳۵

۷-۱-۲- چرا برخی از ایرانیان شبکه‌های ماهواره‌ای تماشا می‌کنند؟ (بررسی دلایل تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران)..... ۳۶

۸-۱-۲- راه‌اندازی تلویزیون فارسی زبان بی‌بی‌سی..... ۳۷

۹-۱-۲- تلویزیون فارسی زبان پارلمان اروپا..... ۳۸

۱۰-۱-۲- بررسی شبکه بی‌بی‌سی..... ۳۸

۲-۲- مبانی نظری..... ۳۸

- ۳۸-۲-۱- دیپلماسی رسانه‌ای.....
- ۴۰-۲-۲- از جنگ روانی تا عملیات روانی.....
- ۴۲-۲-۳- جنگ رسانه‌ای.....
- ۴۴-۲-۴- تکنیک‌های تبلیغاتی.....
- ۴۸-۲-۵- تاریخچه و روند پیدایش بی‌بی‌سی فارسی.....
- ۵۲-۲-۶- ارتباط شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی با دولت انگلیس.....
- ۵۳-۲-۷- تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی.....
- ۵۷-۲-۸- اهداف تأسیس تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی.....
- ۶۳-۲-۹- راهکارهای جذب مخاطب توسط تلویزیون بی‌بی‌سی.....
- ۶۵-۲-۱۰- روش‌های تبلیغی مورد استفاده از رسانه‌ها به‌خصوص بی‌بی‌سی.....
- ۶۶-۲-۱۱- نوآوری‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در سطح محتوا.....
- ۷۱-۲-۱۲- استفاده از قواعد تبلیغاتی در برنامه‌های شبکه بی‌بی‌سی فارسی.....
- ۸۸-۲-۱۳- تکنیک‌های شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در جذب مخاطب در برنامه‌های مختلف.....
- ۱۰۶-۳-۲- چارچوب نظری.....
- ۱۰۶-۳-۱- انگاره‌سازی خبری.....
- ۱۰۸-۳-۲- برجسته‌سازی.....
- ۱۰۹-۳-۳- متقاعدسازی.....
- ۱۱۰-۳-۴- نظریه نیازجویی.....
- ۱۱۲-۳-۵- نظریه بازنمایی رسانه‌ای.....

### فصل سوم: روش تحقیق

- ۱۱۷-۳-۱- روش تحقیق.....
- ۱۱۹-۳-۲- واحد تحلیل.....
- ۱۱۹-۳-۳- جامعه آماری.....
- ۱۱۹-۳-۴- حجم نمونه.....
- ۱۲۰-۳-۵- ابزار گردآوری.....
- ۱۲۰-۳-۶- روش نمونه‌گیری؛ غیراحتمالی و هدفمند.....
- ۱۲۰-۳-۷- اعتبار (روایی) محتوایی.....
- ۱۲۱-۳-۸- پایایی (قابلیت اعتماد).....

۳-۹- متغیرهای تحقیق و کارویژه‌های آن..... ۱۲۱

#### فصل چهارم: یافته‌های تحقیق

- ۴-۱- مقدمه..... ۱۳۳
- ۴-۲- برنامه «نوبت شما»..... ۱۳۳
- ۴-۳- عنوان برنامه «به عبارت دیگر»..... ۱۶۱
- ۴-۳-۱- موضوع برنامه: کناره‌گیری هاشمی از مناصب سیاسی..... ۱۶۱
- ۴-۳-۲- موضوع برنامه «اشغال سفارت آمریکا در تهران»..... ۱۷۴
- ۴-۴- عنوان برنامه «صفحه ۲» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی..... ۱۹۴
- ۴-۴-۱- موضوع برنامه: بررسی واکنش‌ها به دو انفجار در استان سیستان و بلوچستان..... ۱۹۴
- ۴-۴-۲- موضوع برنامه: تصمیمات دولت و اعتصابات بازاریان به افزایش ۷۰ درصدی مالیات..... ۲۰۹
- ۴-۵- عنوان برنامه «آپارات»..... ۲۱۸
- ۴-۵-۱- موضوع فیلم: «پرسش»، «پرپر»، «بازی کودکی» و «تیزتن» (تنهای من) الیکا هدایت..... ۲۱۸
- ۴-۵-۲- موضوع فیلم «آمریکایی فراری» (*American Fugitive*) یا حقایق درباره‌ی حسن..... ۲۳۰
- ۴-۶- عنوان برنامه «پرگار»..... ۲۴۹
- ۴-۶-۱- موضوع برنامه: موانع دموکراسی در ایران..... ۲۴۹
- ۴-۶-۲- موضوع برنامه «اسلام و سیاست»..... ۲۷۶
- ۴-۷- عنوان برنامه «کوک»..... ۲۸۷

#### فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- ۵-۱- نتیجه‌گیری..... ۲۲۹
- ۵-۱-۱- محورهای القایی جنگ رسانه‌ای تلویزیون بی‌بی‌سی علیه ایران..... ۳۰۶
- ۵-۱-۲- سیاست‌های مقابله با جنگ نرم تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی..... ۳۱۰

منابع..... ۳۲۱

پیوست‌ها..... ۳۲۵





## سخن ناشر

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.» (امام

خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۵: ۱۶)

رشد و توسعه اقتصادی یا سیاسی بدون توجه به ارزش‌های والای فرهنگی می‌تواند موجبات سستی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه را فراهم آورد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و پروژه‌های پژوهشی و نیز برگزاری نشست‌های علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ارائه نتایج حاصل، در قالب «گزارش پژوهش» یا «کتاب»، تلاش خود را مصروف گسترش ارزش‌های اصیل فرهنگی می‌کند. امید است با بهره‌گیری از توان علمی پژوهشگران، بتوان گام مؤثری در برنامه‌ریزی جامع توسعه کشور برداشت.

اثر حاضر، نتیجه پژوهشی است در موضوع «بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی» به کوشش محمد محمدخانی ملکوه و با همکاری مهناز ترابی، سیدسروش بنکدار اول و محمد نیک‌ملکی و به راهنمایی دکتر سیدمجتبی رضوی طوسی که در پژوهشگاه انجام شده و در قالب گزارش پژوهش در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.



## چکیده

رسانه‌های دنیای امروز نقش بسزایی در پیشبرد برنامه‌های مختلف دولت‌ها دارند و استفاده بهینه و بهنگام از توان آن‌ها می‌تواند میزان کارایی دولتمردان را در اجرای سیاست‌هایشان افزایش دهد. افزایش روزافزون شبکه‌های خبری ماهواره‌ای حکایت از نقش مهم رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی دارد و در این میان آغاز به‌کار تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی با پوشش جغرافیایی سه منطقه فارسی‌زبان ایران، تاجیکستان و افغانستان برخی تمایزات جدی محتوایی و روشی را میان این رسانه نوپا و سایر تلویزیون‌های ماهواره‌ای آشکار می‌سازد. شبکه‌ای که آغاز به‌کار آن را باید موج جدیدی از «جنگ رسانه‌ای نرم» علیه ایران دانست اگر چه در کوتاه‌مدت با رویکرد سیاسی خواهد بود اما در بلندمدت فرهنگ، اعتقادات، هویت (ایرانی-اسلامی)، قومیت و

باورهای مردم و به‌ویژه کشورهای فارسی‌زبان را هدف جنگ رسانه‌ای خود قرار می‌دهد.

در این پژوهش برای بررسی برداشت‌ها، استنتاج‌ها و پیش‌فرض‌ها در برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی علاوه بر تحلیل محتوا از روش محتوایی (تحلیل گفتمان) سود جستیم. با توجه به نظر کارشناسان درخصوص برنامه‌های شاخص این شبکه، از میان برنامه‌ها، برنامه‌های «به عبارت دیگر»، «صفحه ۲»، «آپارات»، «پرگار» و «کوک» به‌عنوان حجم نمونه به روش تحلیل گفتمانی مورد ارزیابی قرار گرفت و درخصوص برنامه «نوبت شما» از روش تحلیل محتوا استفاده شده که به‌صورت کمی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

در این بررسی سعی بر آن است که برنامه‌های فارسی‌زبان شبکه خبری بی‌بی‌سی را مورد بررسی قرار دهیم تا با مروری بر صورت ظاهری و درون‌مایه این برنامه‌ها که حاکی از رویکردها، تکنیک‌ها و پندارهای حرفه‌ای گردانندگان آن در مأموریت خبررسانی و تبلیغی این رسانه است به شیوه‌های مورد استفاده در این شبکه در جذب مخاطب پی ببریم.

فصل اول

کلیات تحقیق



## کلیات

### ۱-۱. طرح مسئله

رسانه‌های دنیای امروز نقش بسزایی در پیشبرد برنامه‌های مختلف دولت‌ها دارند، استفاده بهینه و بهنگام از توان آن‌ها می‌تواند میزان «کارایی» دولتمردان را در اجرای سیاست‌هایشان افزایش دهد. در اغلب رسانه‌های غربی تلاش معناداری برای جهت‌دهی هدفمند اخبار صورت می‌گیرد. در واقع این رسانه‌ها می‌کوشند با استفاده از ابزار و تکنیک‌های قضاوت و پرهیز از بیان واقعیت مغایر با اهداف خاص خود، افکار عمومی را به گونه‌ای شکل دهند که تأثیر مورد نظر را بر ذهن مخاطب بر جای بگذارد.

افزایش روزافزون شبکه‌های خبری ماهواره‌ای، روزنامه‌ها و کمیسیون‌های خبری حکایت از نقش مهم رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی دارد. موقعیت رسانه‌ها و اطمینان مخاطبان به آن‌ها تا آنجاست که حتی گاه آن‌ها خبرهای تحریف شده و مطالب به‌ظاهر پراهمیت را در سراسر دنیا به‌عنوان مهم‌ترین بحث روز مطرح می‌کنند و در مقابل، مطالب بسیار مهم و بزرگ را اتفاقی عادی و روزمره جلوه می‌دهند. امروزه دامنه



بخش‌هایی که تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرند، بسیار وسیع شده است. از سوی دیگر میزان این تأثیرات نیز عمق قابل ملاحظه‌ای یافته است. در این زمینه «مک‌لوهان» از «ارشمیدس» نقل می‌کند که «یک نقطه اتکا در جهان به من نشان دهید تا من توسط آن دنیا را تکان دهم». مک لوهان باور دارد که اگر امروز ارشمیدس زنده بود، به‌طور حتم رسانه‌های ما را به انگشت نشان می‌داد و می‌گفت من چشم‌ها، گوش‌ها، اعضا و مغز شما را به‌عنوان نقطه اتکا به‌کار می‌گیرم و دنیا را آن‌گونه که مایلم به حرکت در می‌آورم. ورود رسانه‌ها به عرصه سیاست به تدریج تغییراتی را در مؤلفه‌های قدرت ایجاد کرده است. امروزه شاهد قرار گرفتن «رسانه‌ها» در فهرست «عناصر قدرت» و در کنار عواملی نظیر اقتصاد، تسلیحات، نیروی انسانی و... هستیم. همچنین به دلیل ماهیت و نوع اثرگذاری قدرت رسانه‌ها (قدرت نرم) و پیشرفت فناورانه در دو دهه گذشته حضور همه‌جایی مجازی<sup>۱</sup> رسانه‌ها را می‌بینیم.

امروزه تسلط بر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها قدرت عظیم و فوق‌العاده‌ای را در اختیار بازیگران عمده صحنه سیاست یعنی دولت‌ها قرار داده است به‌گونه‌ای که به‌خوبی با به‌کارگیری اهرم‌های خبری و اطلاعاتی توانسته‌اند به تغییر باورها و نگرش‌های جمعی یا شکل‌دهی به افکار عمومی ملی یا فراملی اقدام کنند. سوءاستفاده‌های گروهی از حکومت‌های قدرتمند از ظرفیت بالای رسانه‌ای می‌تواند به بروز پدیده‌ای در سطوح ملی یا بین‌المللی بینجامد که می‌توان آن را «استبداد اطلاعاتی»<sup>۲</sup> نامید.

امروزه در عصر ارتباطات، جنگ‌ها از جنگ رسانه‌ای آغاز می‌شوند و با جنگ رسانه‌ای ادامه می‌یابند و پایان می‌پذیرند. پیروزی و شکست کشورها در قالب سیاست‌های رسانه‌ای رقم می‌خورد و این رسانه‌ها هستند که پیروزی می‌آفرینند، مغلوب می‌سازند و افکار عمومی را به هرسو که می‌خواهند هدایت می‌کنند. (ترابی،

---

1. Virtual ubiquity  
2. Information despotism

جنگ رسانه‌ای در شرایط صلح به صورت غیررسمی وجود دارد و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره‌گیری می‌کند. جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیو - تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی و شبکه‌های خبری جریان دارد. اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست رسانه‌ای یک کشور» نهفته است که مستقیماً از بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا از بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شود. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات، استراتژیست‌های تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند.

جنگ رسانه‌ای، جنگ بدون خونریزی، آرام، بهداشتی و تمیز تلقی می‌شود. جنگی که بر صفحات روزنامه‌ها و میکروفون رادیوها، صفحات تلویزیون‌ها و عدسی دوربین‌ها جریان دارد. حتی ممکن است مردمی که تحت بمباران جنگ رسانه‌ای قرار دارند، خود از وجود جنگ سنگینی که بر فضای تنفسی آن‌ها جریان دارد، بی‌اطلاع باشند. اگرچه هدف جنگ رسانه‌ای، در نهایت تغییر کارکرد و عملیات دولت‌هاست، اما به طرز ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد. (مؤسسه فرهنگی صوت‌الحکیم، ۱۳۸۷: ۱۲)

این عقیده وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع کرد یا به آن سمت و سو و جهت خاصی بخشید، مسلماً دولت‌ها نیز تحت فشار افکار عمومی به آن سمت کشیده خواهند شد.

«نیل پستمن» معتقد است که «برداشت‌ها و باورهای ما از حقایق، در نتیجه تحول وسایل ارتباط جمعی و ایجاد وسایل نوین (شبکه‌های ماهواره‌ای) به سرعت تغییر یافته و دستخوش تحول شده است. امروزه رسانه‌ها ساختار روابط انسان‌ها و حوزه تفکر، اندیشه و افکار عمومی را دگرگون ساخته و به گونه‌ای خاص شکل معین و خاصی را

در به‌کارگیری عقل و هوش تحمیل می‌کند. همچنین نوع ویژه‌ای از مفهوم و محتوا را طلب کرده و اشکال جدیدی از حقیقت و شیوه اظهار حقایق ارائه می‌دهد.» (عباسی، ۱۳۸۲: ۷۹)

به‌طور خلاصه به‌نظر می‌رسد در شرایطی که عمده توجه مسئولان نظام به جنگ روانی رسانه‌های غربی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به شیطنت‌های سیاسی آن‌ها معطوف شده است، تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در چنین شرایطی با زیرکی خاص می‌کوشد با مؤثرترین روش‌های تأثیرگذاری، مخاطبان را به سوی خود بکشاند که دلایل این امر صرفاً سیاسی یا اجتماعی نیست بلکه عوامل دیگری از جمله ویژگی‌های دینی، فرهنگی، زبانی، قومی، تاریخی و ویژگی‌های زیست‌محیطی و کنش‌های بین‌المللی است.

از طرفی مسئولان راه‌اندازی و مدیران تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در شرایطی پا به عرصه رقابت رسانه‌ای به‌ویژه در رسته تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان گذاشته‌اند که با اصرار خود بر رویکرد مخاطب‌محوری، به اهمیت اینترنت و دنیای فناوری اطلاعات در جلب اعتماد جوانان و افزایش شانس تعداد بالایی از کاربران اینترنتی در ایران پی برده‌اند. این مهم به‌ویژه با توجه به این‌که طبق آمارهای رسمی اعلام شده ایران از حیث رشد وبلاگ‌نویسی در رتبه سوم جهان و از لحاظ رشد وبلاگ‌هایی با درون‌مایه کمپین ضدحاکمیتی در رتبه دوم جهان ایستاده است، قابل تأمل است. به این ترتیب، وجود درصد بالایی از کاربران اینترنت در ایران که البته متوسط سنی‌شان حاکی از تعلق آن‌ها به نوجوانان و جوانان است، نشان می‌دهد که تلویزیون بی‌بی‌سی از اهمیت «ضریب نفوذ» اینترنت در جامعه ایرانی به‌ویژه در میان نسل سوم به‌خوبی باخبر است و بنابراین با ارتباط تنگاتنگی که میان خود و دنیای اینترنت برقرار می‌کند، ضریب نفوذ خود را در میان جوانان ایرانی افزایش می‌دهد.

شاید ورود تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی موجب شده است تا توجه به شبکه‌های

## فصل اول - کلیات ۱۹

فارسی‌زبان شکل جدی‌تری یابد. نکته آن است که شبکه‌ی یادشده با استفاده از تجهیزات حرفه‌ای بنگاه سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی و نیز حمایت‌های مالی مناسب دولت انگلیس توانسته است در مدت کوتاهی تمایل بینندگان شبکه‌های ماهواره‌ای را جلب کند. برنامه‌ها در این شبکه به گونه‌ای تعریف شده‌اند که بتوانند پاسخگوی علایق و سلیق مختلف طیف بینندگان شبکه‌های ماهواره‌ای باشند.

آغاز به کار تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی‌زبان با پوشش جغرافیایی سه منطقه فارسی‌زبان ایران، تاجیکستان و افغانستان برخی تمایزات جدی محتوایی و روشی را میان این رسانه نوپا و سایر تلویزیون‌های ماهواره‌ای آشکار می‌سازد. در سطح محتوایی و معنایی این تمایزات گاه خود را در پوشش تمرکز بر فرهنگ به‌جای سیاست نشان می‌دهد و گاه در قالب محتوای جوان‌پسند ظاهر می‌شود. در سطح روش، تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی تمایز خود را عمدتاً با سبک و سیاق جدید و متفاوت اجرای برنامه‌ها در مقایسه با دیگر تلویزیون‌های فارسی‌زبان به نمایش می‌گذارد و می‌کوشد صفت اپوزیسیون را از رسانه خود بزدايد و برخلاف تلویزیون‌های مشابه تا حد زیادی از برجسب وابستگی به غرب و یکسونگری رهایی یابد. این سبک و سیاق متفاوت در مقولاتی چون استفاده مشهود و سیال از قابلیت‌ها و تسهیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات، استفاده از روش جدلی به‌جای القایی، هم‌نوایی و هم‌آوایی میان متن، صدا و تصویر و استفاده از نماها و نمادها به منصف ظهور می‌رسد.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد با رسانه‌ای طرف هستیم که با برخورداری از شناخت کافی نسبت به حساسیت‌ها و مشخصات اقلیم جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی تجدید نظری اساسی در محتوا و سیاق برنامه‌های خود کرده است و همین مسئله موجب می‌شود تا تأثیرات تبلیغی آن در مقایسه با رسانه‌های مشابه دیگر پیچیده‌تر، خزنده‌تر، عمیق‌تر و طولانی‌تر باشد. به این ترتیب، با تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در یک دوره، برخی از ویژگی‌های خاص این

## ۲۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

رسانه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و از این رهگذر می‌کوشیم مسئولان اجرایی کشور، اصحاب فرهنگ، قلم و رسانه را به اهمیت ورود به عرصه تولید برنامه‌های جذاب، تأثیرگذار و بازدارنده گرایش جوانان به این تلویزیون فارسی‌زبان وابسته به دولت انگلیس رهنمون سازیم.

حال با توجه به مطالبی که در مورد سیاست خبری رسانه‌های خبری به‌خصوص بی‌بی‌سی ذکر شد، در این بررسی سعی می‌کنیم که برنامه‌های فارسی‌زبان شبکه خبری بی‌بی‌سی را مورد بررسی قرار دهیم تا با مروری بر صورت ظاهری و درون‌مایه این برنامه‌ها که حاکی از رویکردها، تکنیک‌ها و پندارهای حرفه‌ای گردانندگان آن در مأموریت خبررسانی و تبلیغی این رسانه است، پی به محتوای آن ببریم. تلویزیون بی‌بی‌سی با برنامه‌هایی مانند «اخبار ۶۰ دقیقه»، «برنامه مستند»، «نوبت شما»، «کوک» و ... می‌کوشد خود را از جهات مختلف، از دایره موضوعی سوژه‌ها گرفته تا عمق تحلیلی تحولات و نهایتاً جذابیت‌های بصری و محتوایی به بهترین نحو نسبت به سایر رسانه‌ها نشان دهد.

تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در رهیافت‌های رسانه‌ای و حرفه‌ای خود از تلفیق عناصری مانند هنر، ادبیات، تصویر، خبر و تحلیل استفاده می‌کند و به تدریج می‌کوشد تا به یک مانیفست تبلیغی کارآمد و مؤثر برسد. بر مبنای این قاموس تبلیغی مدون، تلویزیون بی‌بی‌سی خواهد کوشید تا بیشترین تأثیر را با کمترین درصد مقاومت و تردید در میان شهروندان به جا بگذارد. در این جهت رسانه مزبور برآن است تا رویکردهایی را به کار بندد که «ضریب نفوذ» این رسانه را در مقایسه با سایر رسانه‌ها به حداکثر ممکن برساند. رویکردهایی نظیر مخاطب قراردادن لایه‌های گسترده و عمیق اجتماعی از توده‌ای‌ترین افراد گرفته تا نخبگان و روشنفکران؛ تمرکز بر فرهنگ و اجتماع به جای سیاست و حکومت؛ تسری تدریجی و نرم تبلیغات از موضوعات غیرسیاسی به موضوعات سیاسی؛ حرکت از نتایج/کارکردها به گزاره‌های تبلیغی به جای حرکت از

گزاره‌ها به نتایج و...

در چنین فضایی بررسی برخی تکنیک‌ها و تاکتیک‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در برنامه‌های مختلف که در نوع خود خاص و قابل تأمل به نظر می‌رسند، ضروری است؛ تکنیک‌هایی که با هماهنگی با قدرت هوشمند رسانه‌های دیجیتالی در دنیای جهانی شده امروز و بر مبنای حساسیت و هوشیاری کاربران فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی طراحی و به کار بسته می‌شوند.

#### ۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

در دنیای کنونی، شبکه‌های تلویزیونی به منظور بقا و حفظ مخاطبان خود مجبور به کسب آخرین و تازه‌ترین خبرهای جهان هستند تا آن را به شیوه‌هایی نو و متفاوت از دیگر رسانه‌ها به بینندگان خود ارائه دهند. در چنین فضایی چگونه می‌توان به اخبار و اطلاعات ارائه شده از سوی شبکه‌ها اعتماد کرد؟ آیا آن‌ها که مسیر هدایت اخبار و اطلاعات را در دست گرفته‌اند به تحریف واقعیت‌ها و حقیقت‌ها اقدام کرده‌اند؟ آیا رسانه‌های خبری و بین‌المللی به حقیقت‌گرایی و واقعیت‌نگاری - آنچنان که ادعا می‌کنند - پای بندند.

«والتر لیپمن» در تعریف خبر می‌گوید: «خبر انعکاس موقعیت‌های اجتماعی نیست، بلکه گزارش جنبه‌های مطرح‌شده در جامعه است. خبر به مسائلی می‌پردازد که فوری، تازه و الزاماً پیچیده و مبهم باشد.» وی معتقد است که «خبر» و «حقیقت» الزاماً یکی نیستند. وظیفه خبر این است که حادثه‌ای را مطرح کند و سر زبان‌ها بیندازد. حال آنکه وظیفه «حقیقت» این است که واقعیت‌های پنهان و نامعلوم را روشن کند، آن‌ها را به هم مرتبط سازد و تصویری از واقعیت به دست دهد که بیشتر براساس آن عمل کند. با نگاهی به رویدادها و پدیده‌های سال‌های گذشته مانند جنگ خلیج فارس - جنگ آمریکا علیه عراق، افغانستان، جنگ ۳۳ روزه لبنان، مسائل فلسطین، مسائل مربوط به ایران

(مسائل هسته‌ای) و ... می‌توان دریافت که «مصلحت‌گرایی» و «منفعت‌گرایی» پیوسته بر حقیقت‌گرایی چربیده‌اند. بسیاری از اخبار و اطلاعات منتشرشده در جهان از سوی «شبکه‌های خبری و شبکه‌های خبری ماهواره‌ای» در واقع گزینش‌شده‌ی اربابان رسانه‌های بزرگی هستند که هدایت افکار عمومی را در اختیار گرفته‌اند. این چنین است که حقایق موجود دور از دسترس جهانیان قرار می‌گیرد و چهره‌ای دگرگون‌شده از جهان اسلام، خاورمیانه و حتی دنیای غرب به مردم دنیا ارائه می‌شود.

امروزه فناوری نوین ارتباطی و ظهور شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فضای تازه‌ای برای خلق پیام‌های تلویزیونی و از جمله اخبار و انتقال سریع آن به انبوه مخاطبان فراهم کرده است. مخاطبان بی‌آنکه به اثرات منفی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای واقف باشند، خود را در معرض پیام‌های اغواگر این شبکه‌ها قرار می‌دهند. آنچه در کارکرد خبری این شبکه به کار گرفته می‌شود چیزی جز «شبه‌خبر»، «القای پیام»، «تحریف و دستکاری»، «برجسته‌سازی»، «تبلیغ روی تبلیغ»، «اسطوره‌سازی»، «انگاره‌سازی» و ... نیست. امتزاج این شیوه‌ها سبب افزایش فرایندهای اجتماعی، رقابت و کشمکش و تضعیف حاکمیت‌ها می‌شود. (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۹۹)

امروزه گروه‌های صنعتی و سرمایه‌داری در جنگی مرگبار برای حکمرانی بر منابع رسانه‌ها و بزرگراه‌های اطلاعاتی درگیر شده‌اند و دسترسی به انبوه مخاطبان در مقیاس جهانی، جنگ‌های افسانه‌ای را ایجاد کرده است. اکنون واقعیت قدرت جهانی به‌طور گسترده‌ای از اختیار حکومت‌ها و دولت‌ها خارج شده و قدرت‌های تازه‌ای سر برآورده‌اند که ساختار حکومتی و دولتی کشورها را بی‌رحمانه درمی‌نوردند. در این وادی است که آداب و رسوم، فرهنگ‌ها و ارزش‌های اقتصادی جوامع مختلف دستخوش دگرگونی و نابودی می‌شود و برای حفظ و نگهداری آن‌ها نیازمند رسانه‌های جمعی قدرتمند، با اهداف و گرایش‌هایی هستیم که به پوشش خبرهایی که به آن صورت رخ داده‌اند، بپردازند.

### فصل اول - کلیات ۲۳

امروزه مدیران شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی سعی می‌کنند که در پشت تدابیر ارتباطی این شبکه، یک سنت دیرینه بنگاه خبری یعنی «اعتماد سازی» را از طریق روش‌های گوناگون اعمال کنند. یکی از رویکردهای اصلی شبکه بی‌بی‌سی تولید برنامه‌های اجتماعی در متن و بطن جامعه ایران، البته با اهداف خاصی است، به گونه‌ای که مخاطب ناخودآگاه احساس راحتی و تفاهم با این شبکه می‌کند. ساخت برنامه‌های مستند، گزارش ویژه، مصاحبه با افراد از طبقات گوناگون و نیز انتخاب سوژه‌های به‌روز از مصادیق این شیوه است. سابقه طولانی و تجربیات زیاد بی‌بی‌سی در تولید برنامه برای فارسی‌زبانان و موفقیت‌هایی که این پایگاه خبری در طول حیات خود کسب کرده، همه و همه سبب می‌شود که شبکه تلویزیونی فارسی بی‌بی‌سی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود. از این‌رو بررسی همه‌جانبه و پیوسته برنامه‌های این شبکه امری است ضروری، چراکه راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای همانند بی‌بی‌سی در درازمدت بر شیوه تفریح، گذران اوقات فراغت و زندگی مردم و به‌ویژه نوجوانان و جوانان تأثیر بسزایی خواهد داشت.

با توجه به مطالبی که ذکر شد و با توجه به اطلاعات و آمار و ارقامی که از مراکز تحقیقاتی از جمله مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های داریم درمی‌یابیم که «میزان استفاده مردم ایران از ماهواره» در اواخر اسفندماه ۸۷ بیش از ۱۹ درصد است. سابقه تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان حداقل به یک دهه قبل باز می‌گردد. موج مهاجرت مخالفان جمهوری اسلامی به ایالات متحده، آنجا را به کانون فعالیت علیه حکومت تبدیل کرده است. در میان شبکه‌های مختلف فارسی‌زبان با اهداف متنوع، شبکه‌های سیاسی نیز طراحی شد. این شبکه‌ها به مجرد بروز هرگونه تجمع یا اغتشاش در شهرهای بزرگ به سرعت کنترل حادثه را در دست گرفته و مردم را به پیوستن به آن تجمع تحریک می‌کردند. سرعت اطلاع‌رسانی این شبکه‌ها و بزرگ‌نمایی حوادث، سبب تحریک امنیتی از سوی این شبکه‌ها می‌شد. در میان شبکه‌های فارسی‌زبان، تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی پدیده‌ای ویژه است. سه ویژگی بی‌بی‌سی سبب ویژه شدن آن



است: ۱. محتوای برنامه‌های ارائه شده از سوی این شبکه که کاملاً متمایز از برنامه‌های ارائه شده در ایران است؛ ۲. شیوه ارائه برنامه‌ها؛ در شیوه ارائه بی‌بی‌سی سعی می‌کند که به نوعی بی‌طرفی را رعایت کند یعنی موافق و مخالف به نوعی حضور داشته باشند؛ ۳. کوتاه‌کردن زمان ارائه و افزایش کیفیت آن؛ این فشردگی باعث می‌شود که بیننده از تلویزیون به راحتی جدا شود. این شبکه که منحصراً برای مردم داخل ایران، افغانستان، تاجیکستان و بخش‌هایی از شبه‌قاره پخش می‌شود و متعلق به دولت انگلیس است، به دلیل کیفیت بالای برنامه‌های خود و در خلال یک شبکه خبری آزاد فارسی توانسته است جایگاه مهمی را به خود اختصاص دهد. دست‌اندرکاران این شبکه ادعا می‌کنند که تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی روزانه ۱۰ میلیون مخاطب ثابت دارد. (سایت بی‌بی‌سی، ۵ دی ۱۳۸۷)

تمرکز بیش از حد این شبکه بر «حقوق بشر»، نقض آزادهای سیاسی و مدنی، مسائل قومیتی و جنبش دانشجویی و تضاد حاکمیت با مردم و لحن آشکار و در بعضی مواقع غیرآشکار آن علیه جمهوری اسلامی باعث شده که تلویزیون بی‌بی‌سی در میان قشرهای رادیکال از جایگاهی برخوردار باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده، در این تحقیق سعی بر آن است که یکی از شبکه‌های خبری فارسی‌زبان را که به پوشش خبری در مورد ایران می‌پردازد، مورد بررسی قرار دهیم. از آنجا که شبکه خبری بی‌بی‌سی با پخش مدت زمان شش ساعت در روز به پوشش خبری و بیان دیدگاه‌ها، نظرات افراد و کارشناسان مسائل سیاسی، اقتصادی و حقوقی می‌پردازد و همچنین با توجه به پاسخ بینندگان به نظرسنجی‌ها، شبکه خبری بی‌بی‌سی بیش از سایر شبکه‌های خبری بیننده داشته است، (غفوری، ۱۳۸۶) لازم است به تجزیه و تحلیل برنامه‌های این شبکه بپردازیم تا دریابیم چگونه و از چه تکنیک‌ها و روش‌های تبلیغی به کار رفته در جنگ نرم برای اقناع افکار عمومی استفاده می‌کند؛ چگونه دست به گزینش خبرها می‌زند؛ تاکتیک‌های خبری و استراتژی رسانه‌ای این

## فصل اول - کلیات ۲۵

شبکه در مورد مسائل ایران چیست؛ برای بازنمایی آنچه واقعیت خبری است چگونه عمل می‌کند؟ ... برای پاسخ به این سؤالات نیاز است که برنامه‌های این شبکه از نظر محتوایی مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱-۳- هدف اصلی تحقیق

- بررسی شیوه‌های مورد استفاده در برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در جذب مخاطب

### ۱-۴- سؤال‌های تحقیق

#### محتوای برنامه‌ها\*

۱. هر برنامه به چه موضوع‌هایی پرداخته است؟
۲. هدف اصلی هر موضوع از نظر کارکردهای رسانه چیست؟
۳. مخاطب موضوع برنامه‌ها کیست؟
۴. چه نوع مشکلاتی از ایرانیان در هر برنامه مطرح می‌شود؟
۵. جهت‌گیری موضوع نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟
۶. گروه‌های اجتماعی (زنان، جوانان و...) چگونه به تصویر کشیده شده‌اند؟
۷. چه نوع موسیقی پخش شده است؟
۸. آیا نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران از الفاظ سوگیرانه منفی استفاده شده است؟ چه نوع الفاظی؟
۹. به چه میزان مخاطبان در برنامه‌ها مشارکت دارند؟
۱۰. مخاطبان در برنامه‌ها چگونه مشارکت دارند؟

توجه: با توجه به تعدد برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی، برنامه‌های شاخص (برنامه‌های

---

\* جهت‌گیری‌های هر برنامه (مثبت و منفی) از جمله متغیرهای مهم پژوهش است.

۲۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

مورد نظر کارشناسان که بیشتر با مسائل ایران در ارتباط است) به صورت جداگانه بررسی خواهد شد و متغیرهای مربوط به «محتوای» هر برنامه متفاوت از برنامه دیگر، خواهد بود.

## فصل دوم

پیشینه، مبانی و چارچوب نظری تحقیق



## پیشینه، مبانی و چارچوب نظری تحقیق

### ۱-۲. پیشینه تحقیق

#### ۱-۱-۲. بررسی ساختار و محتوای اخبار شبکه العالم

شبکه العالم با دید فراملی و با در نظر گرفتن ارزش‌های اسلامی و انقلابی راه‌اندازی شده است. لذا با در نظر داشتن ویژگی فراملیتی، اخبار این شبکه به لحاظ محتوا و ساختار مورد بررسی قرار گرفته است. روش کار تحلیل محتوا بوده و فصل زمستان ۱۳۸۲ به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است. نتایج این پژوهش نشان داده است که بیشترین محل رویداد خبر در منطقه خاورمیانه و بیشتر موضوعات خبری در این منطقه موضوعات سیاسی و نظامی و مسائل مربوط به جنگ (برخورد و درگیری)، دیدار مقامات، مذاکرات و روابط دیپلماسی بوده است. بیشترین عناوین خبری با اولویت‌های بالا مربوط به موضوعات سیاسی و نظامی است. ارزش‌های خبری «شهرت» و بعد از آن «برخورد» و همچنین عناصر خبری «که، چه، چرا، چگونه، کجا» در موضوع‌های سیاسی و نظامی از عمده‌ترین عناصر و ارزش‌ها بوده‌اند.

### ۳۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

بیشترین کارکرد خبر، جنبه اطلاع‌رسانی داشته و خبرهای رویدادمدار بیش از خبرهای فرایندمدار مطرح شده‌اند. بیشتر تصاویر از نوع اختصاصی و تصاویر همراه با گفتار مجری بوده است. عمده‌ترین عوامل ایجاد خبر در این بررسی، شخصیت‌ها و نظامیان بیان شده‌اند. عمده‌ترین منابع خبری در موضوع‌های سیاسی و نظامی را خبرنگاران شبکه‌العالم پوشش داده‌اند. بیشترین خبرها با موضوعات سیاسی و نظامی خبرهای خارجی بوده‌اند.

اخباری که فاقد جنبه «امیدوارکننده یا ناامیدکننده» بوده‌اند (خنثی) بیش از سایر خبرها مطرح شده‌اند. عمده‌ترین موضوع‌های سیاسی و نظامی در بخش‌های خبری ساعت ۴:۳۰ و ۲۱:۲۰ بیان شده است. (ترابی و غفوری، ۱۳۸۲)

### ۲-۱-۲- تحلیل محتوای اخبار هسته‌ای فاکس‌نیوز در مورد مسائل ایران در دی‌ماه ۱۳۸۴

نتایج این پژوهش به این شرح است: در برنامه‌های خبری فاکس‌نیوز تعادل خبری به نوعی رعایت شده است؛ یعنی همان میزان که خبر در قالب «خبر صرف» ارائه شده، به همان میزان نیز خبرها در قالب گفتگوی خبری - گزارش و میزگرد- بیان شده‌اند. بیشترین کشورهای خبرساز در زمینه مسائل هسته‌ای، ایران، آمریکا و بعد از آن اسرائیل بوده است. منابع خبری بیشتر این شبکه‌ها خود فاکس‌نیوز و بعد از آن ایتترفاکس است. بیشتر محتوای این شبکه به صورت «هشدار- اطلاع‌رسانی» بوده و «مذاکره و تهدید» در مرتبه بعدی قرار گرفته‌اند.

مسائل هسته‌ای ایران از جمله پرونده هسته‌ای، تحقیقات هسته‌ای و غنی‌سازی گاز هگزا بیشترین موضوعات خبری این شبکه و موضوعاتی از قبیل «عملیات نظامی در ایران» و اصرار ایران بر «فعالیت هسته‌ای در خاک خودش» از دیگر موضوعات خبری بوده است.

بیشترین جهت‌گیری خبری در زمینه مسائل هسته‌ای ایران «جهت‌گیری منفی» و

## فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۳۱۰۰

بیشتر جهت‌گیری منفی معطوف به آقای احمدی‌نژاد بوده است.

بیان «تحلیلی و توصیفی»، نحوه بیان غالب در اخبار این شبکه بوده و مسائل هسته‌ای ایران همراه با «تحلیل، تفسیر و ارائه ذکر چرایی و چگونگی» بیشتر از سایر شیوه‌های بیان از سوی مجری - کارشناسان و سایر عوامل خبر به‌کار رفته است. عمده‌ترین عامل ایجاد خبر در زمینه مسائل هسته‌ای ایران، کارشناسان، تحلیلگران، روزنامه‌نگاران و بعد از آن رؤسای جمهور و نخست‌وزیران بوده‌اند. مهم‌ترین عامل ترس از مسائل هسته‌ای ایران، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای عنوان شده است. دیپلماسی سخت‌گیرانه (همراه با تهدید و فشار) از جمله اقداماتی است که در اخبار این شبکه همراه با نظر کارشناسان، تحلیلگران و سایر عوامل ایجاد خبری در برخورد با مسائل هسته‌ای ایران ذکر شده است. بیشتر خبرهای این شبکه با راهکار در زمینه مسائل هسته‌ای ایران مطرح شده است. بیشترین نوع برخورد با مسائل هسته‌ای ایران از نوع صلح‌آمیز عنوان شده و بیشتر کارشناسان، تحلیلگران، رؤسای جمهور، نخست‌وزیران و سایر عوامل ایجاد خبر، خواهان برخورد دیپلماسی در مورد مسائل هسته‌ای بوده‌اند. (ترابی، ۱۳۸۵)

### ۲-۱-۳- تحلیل محتوای مقایسه‌ای بخش‌های خبر سیاسی شبکه خبر سیما و شبکه الجزیره

در این تحقیق دو شبکه خبر سیما و الجزیره قطر از جنبه پرداختن به اخبار و رویدادهای مختلف و نحوه انعکاس هر خبر با توجه به قابلیت‌های دو شبکه، بررسی و وضعیت آن‌ها از جنبه علمی تبیین شده است. این تحقیق به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری شبکه‌های خبر و الجزیره پرداخته و آن‌ها را براساس تکنیک‌های عملی ارزیابی کرده است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش به این قرار است: از میان ۲۷۲ خبر پخش‌شده، در بخش‌های مشروح خبر شبکه، ۱۳۰ خبر در بخش‌هایی با چهار عنوان خلاصه خبر، ۸۳ خبر در بخش‌هایی با پنج عنوان خلاصه خبر و ۶۰ خبر هم در



### ۳۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

بخش‌هایی با هفت مورد خلاصه خبر و بیشتر، پخش شده است. در مقابل، شبکه الجزیره از میان ۷۰۶ خبر پخش شده در بخش‌های مشروح خود، ۴۴۵ خبر را در بخش‌هایی با سه عنوان خلاصه خبر و ۲۶۱ خبر را در بخش‌هایی با چهار عنوان خلاصه خبر پخش کرده است. در شبکه خبر، ۲۶/۱ درصد خبرها با موضوع سیاست داخلی و ۲۰ درصد با موضوع روابط خارجی بوده است. در شبکه الجزیره، موضوع ۴۷/۴ درصد اخبار روابط خارجی و ۳۸/۴ درصد نظامی بوده است. ۹۹/۶ درصد خبرها در شبکه خبر به صورت «خبر» و ۰/۴ درصد به صورت تفسیر و در شبکه الجزیره، ۸۵/۵ درصد خبرها به صورت «خبر» و ۷/۸ درصد به صورت تفسیر پخش شده‌اند. بیشتر خبرهای شبکه خبر به صورت «خبر مکتوب» بوده است. بیشتر خبرها در شبکه الجزیره به صورت «گزارش با صدا» به مخاطبان عرضه شده است. بیشتر خبرهای شبکه خبر (۸۹/۷ درصد) با مدت زمان تا ۳۰ ثانیه پخش شده و در شبکه الجزیره پخش ۱۰۰ درصد خبرها با همین مدت زمان (۳۰ ثانیه) بوده است. ۳۸ درصد کل ارزش‌های خبری شبکه خبر ارزش «شهرت» و پس از آن ارزش خبری «برخورد + مجاورت» بوده است. داده‌های شبکه الجزیره حکایت از آن دارد که ۲۰ درصد کل ارزش‌های خبری این شبکه «شهرت» و بعد از آن «تازگی» و «برخورد + مجاورت» بوده است.

۶۳/۴ درصد اخبار شبکه خبر با عنصر خبری «که» و ۵۱ درصد اخبار شبکه الجزیره با عنصر خبری «کجا» آغاز شده است. بیشتر خبرهای شبکه خبر «اخبار داخلی» (۳۹/۶ درصد) و بیشتر خبرهای الجزیره «خبرهای مربوط به فلسطین» (۲۶/۳ درصد) بوده است.

۶۷ درصد از منابع خبری شبکه خبر «واحد مرکزی خبر» و ۶۷/۲ درصد منبع خبری شبکه الجزیره «خود شبکه الجزیره» بوده است.

۳۶/۵ درصد اخبار شبکه خبر با جهت‌گیری «منفی» پخش شده‌اند و در شبکه الجزیره نیز ۴۰/۴ درصد خبرها چنین جهت‌گیری (منفی) داشته‌اند. (زنده‌دل، ۱۳۸۱)

## ۲-۱-۴- تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در ایران

هدف اصلی این پژوهش بررسی رفتارها، انگیزه‌ها و معنای تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در بین مخاطبان تهرانی است. برای رسیدن به این هدف از دو رویکرد جامعه‌شناسی رسانه‌ها و مطالعات فرهنگی رسانه‌ها به‌عنوان مبانی نظری تحقیق استفاده شده است. همچنین برای انجام این پژوهش تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی مورد استفاده قرار گرفته است؛ به‌صورتی که در ابتدا با انجام ۳۲ مصاحبه عمیق و تحلیل آن‌ها از طریق نظریه مبنایی، سعی شده تا علاوه بر کشف معنای تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای مخاطبان تهرانی، به کشف گویه‌های متناسب با اوضاع و شرایط حال حاضر شهر تهران مبادرت شود. این کار برای استفاده در کار پیمایشی و در زمینه انگیزه‌های تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان مناسب است. اما بخش کمی تحقیق عبارت است از انجام یک کار پیمایشی با استفاده از تکنیک پرسشنامه روی ۴۰۰ نفر از مخاطبان تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان. لازم به ذکر است که شیوه نمونه‌گیری در هر دو بخش کمی و کیفی، نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است. نتیجه نهایی انجام بخش کیفی علاوه بر کشف ابعاد انگیزه‌های استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان یعنی چهار بُعد عاطفی، شناختی، اجتماعی و سیاسی، رسیدن به این گزاره کلی بود که تماشا و استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان توسط مخاطبان تهرانی را باید درون چارچوب پیچیده‌ای از عوامل در نظر گرفت. این عوامل هم از کاربردها، فواید و لذاتی که تماشای این تلویزیون‌ها برای مخاطبان دارد، ناشی می‌شود و هم از معنای تماشای برنامه‌های آن‌ها. در زمینه معنای تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان نیز باید گفت که تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان برای زنان تفسیر و معنایی متفاوت با مردان دارد، به این صورت که تجربه تماشای این تلویزیون‌ها برای زنان به معنای یک عامل جبرانی است که مخاطبان زن آن را جایگزین کمبودها و محدودیت‌های موجود در زندگی روزمره خود می‌کنند. محدودیت‌ها و

کمبودهایی که طبق گفته خود آن‌ها، حاصل تجربه ذهنی و شرایط اجتماعی- فرهنگی جامعه است. اما تماشای برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان برای مردان معنایی دیگر به همراه دارد، به گونه‌ای که برای مخاطبان مرد مسن‌تر تماشای برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان وسیله‌ای برای رسیدن به واقعیت از طریق کسب خبر است و در واقع تماشای برنامه‌های این تلویزیون‌ها برای آن‌ها معنایی واقعیت‌گرایانه به همراه دارد، در حالی که برای مخاطبان جوان‌تر، تماشای برنامه‌های این تلویزیون‌ها با کسب لذت، تفریح و شادی معنای تخلیه عاطفی را به همراه دارد. یافته‌های تحقیق کمی نیز نشان دادند که مخاطبان تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان با دلایل و انگیزه‌های متنوع و متفاوت این تلویزیون‌ها را تماشا می‌کنند. این انگیزه‌ها بعد از انجام تحلیل عاملی و براساس نامگذاری محقق عبارتند از: نارضایتی از تلویزیون‌ها، کسب اطلاعات سیاسی، مقایسه بین فرهنگ‌ها، فرار از واقعیات زندگی، الگو گرفتن برای سبک زندگی، تسهیل تعامل اجتماعی، آشنایی و لذت بردن از فرهنگ عامه ایرانی و خارجی، انگیزه‌های مسافرتی و مهاجرتی، کسب حیثیت اجتماعی و بالاخره کسب اطلاعات ورزشی. یافته‌های همچنین کمی تحقیق به تأیید فرضیه رویکرد استفاده و رضامندی انجامید که بین زمینه اجتماعی استفاده از رسانه از یک طرف و انگیزه‌های استفاده از رسانه و رفتارهای رسانه‌ای از طرف دیگر ارتباط وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حکایت از این موضوع دارند که تماشای تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان عرصه جدیدی برای تسهیل و مخفی‌تر کردن تعاملات و اطلاعات یا جبران محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در زندگی اجتماعی مخاطبان بوده است. همچنین باید گفت که استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در زندگی روزمره مخاطبان استفاده از سایر رسانه‌های در دسترس را کاهش نداده است. استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان توسط مخاطبان تهرانی بیشتر برای تسهیل و مخفی‌تر کردن تعاملات و اطلاعات مورد نیاز مخاطبان بوده است. (جهانگردی، ۱۳۸۶)

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۳۵

## ۲-۱-۵- نظرسنجی از مردم ۱۸ شهر مرزی درباره شبکه‌های رادیویی و تلویزیون

### کشورهای همسایه

هدف اصلی این تحقیق «بررسی انگیزه، نگرش و سلايق مخاطبان رسانه‌های کشورهای همسایه و نیز ویژگی‌های این رسانه‌ها» بوده است.

این نظرسنجی در بین زنان و مردان ۱۵ سال و بالاتر ساکن ۱۸ شهر مورد پژوهش انجام شده است. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد ۹۳ درصد پاسخگویان در یک ماه گذشته کم‌وبیش برنامه‌های شبکه‌های تلویزیون داخلی را تماشا کرده‌اند. ۴۵ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که «همه مردم» و «بسیاری از مردم» برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی کشورهای همسایه را تماشا می‌کنند و به نظر ۱۷ درصد «عده کمی از مردم» تماشاگر این شبکه‌ها هستند و ۹ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که مردم برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی کشورهای همسایه را «اصلاً» تماشا نمی‌کنند.

در ادامه به نحوه دسترسی به شبکه‌های کشورهای همسایه اشاره شده که دارای نکات در خور توجهی است و این موضوع به تفکیک شهرهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

در پایان، شبکه‌های مورد علاقه بینندگان و مدت زمان تماشای برنامه‌های تلویزیونی کشورهای همسایه به تفکیک شهرهای مختلف ذکر شده است. (ذوالقدر و عنایتی، ۱۳۸۵)

## ۲-۱-۶- نظرسنجی از مردم ۳۱ شهر درباره شبکه‌های ماهواره‌ای

اهداف این تحقیق شامل آگاهی از میزان تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای، آگاهی از شبکه‌های پربیننده و ویژگی‌های آن‌ها از نظر پاسخگویان و آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه‌های تلویزیون داخل در مقایسه با برنامه‌های ماهواره‌ای است.

جامعه آماری شامل تمامی شهروندان ۱۵ ساله و بالاتر ۳۱ شهر انتخابی کشور است

۳۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

که از بین این افراد تعداد ۱۴ هزار و ۳۴۹ نفر به‌عنوان افراد نمونه انتخاب شده‌اند. اطلاعات مربوط به میزان بینندگان صداوسیما و ماهواره از جمله یافته‌های این بررسی است. ویژگی‌های شبکه‌های پربیننده، مقایسه برنامه‌های تلویزیونی صداوسیما و برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان، مقایسه برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی و شبکه‌های ماهواره‌ای از نظر بینندگان، مهم‌ترین ضعف برنامه‌های صداوسیما، پیامدها و آثار تماشای برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، مقایسه آثار و پیامدهای تماشای شبکه‌های ماهواره از دیگر مواردی است که در این تحقیق به آن‌ها پرداخته شده است. (فتحی و علیخواه، ۱۳۸۵)

۲-۱-۷- چرا برخی از ایرانیان شبکه‌های ماهواره‌ای تماشا می‌کنند؟ (بررسی دلایل

تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران)

این تحقیق به منظور پاسخگویی به پرسش‌های زیر انجام شده است:

۱. از نظر قانونگذاری و اقدامات جانبی، موضوع ماهواره چه تغییراتی را پشت

سر نهاده است؟

۲. هم اکنون امواج چه ماهواره‌هایی، با چه تعداد شبکه، با چه موضوعاتی در

ایران قابل دریافت است؟

۳. مشخصات شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای چیست و این شبکه‌ها چه فراز و

نشیبی داشته‌اند؟

۴. از نظر مخاطب‌شناسی، بررسی‌های پیمایشی‌های مرکز تحقیقات صداوسیما

چه یافته‌هایی را در اختیار ما می‌نهد؟

۵. در مجموع در مواجهه با رسانه رقیب جدید، کدام سیاست‌ها قابل بررسی و اجراست؟

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد: شبکه‌های فارسی‌زبان عمدتاً از ماهواره‌های

هات‌برد و تل‌استار ۱۲ پخش می‌شوند. در سال‌های قبل بیشتر شبکه‌های غیرسیاسی از

فصل دوم - پیشینه، میانی و ۳۷۰۰۰

هات‌برد و شبکه‌های سیاسی از تل‌استار پخش می‌شد ولی از سال ۱۳۸۵، شبکه‌های سیاسی نیز تلاش می‌کنند که برنامه‌های خود را از ماهواره هات‌برد ارسال کنند. NITV به‌عنوان اولین شبکه فارسی‌زبان تقریباً از سال ۱۳۷۸ در ایران قابل دریافت است. بعد از آن شبکه‌های ایران و پارس و بعد از آن‌ها چندین شبکه دیگر تأسیس شده است. به‌طوری که امروز تعداد آن‌ها بالغ بر حدود ۵۰ شبکه می‌شود. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ هر ساله یک شبکه بر تعداد شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان افزوده شده است. این رقم در سال ۱۳۸۲، هفت و در سال ۱۳۸۳ به دو برابر یعنی ۱۴ شبکه رسیده است. در سال ۱۳۸۴ نرخ رشد کند شده و شش شبکه بر تعداد شبکه‌ها افزوده شده است. جالب آنکه در سال ۱۳۸۵، ۱۸ شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان بر تعداد شبکه‌های قبلی افزوده شده است. (علیخواه، ۱۳۸۶)

#### ۲-۱-۸- راه‌اندازی تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی

عناوین این تحقیق شامل نگاه اجمالی به شبکه تلویزیونی فارسی بی‌بی‌سی، تغییرات عمده با راه‌اندازی شبکه تلویزیونی عربی بی‌بی‌سی و استخدام نیرو در تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی است.

در این تحقیق آمده است: شرکت بی‌بی‌سی شبکه تلویزیون فارسی‌زبان را اوایل سال ۲۰۰۸ برای مردم ایران راه‌اندازی می‌کند. با راه‌اندازی تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی، زبان فارسی پس از انگلیسی و عربی سومین زبان خواهد بود که شبکه‌ای تلویزیونی را در بی‌بی‌سی به‌خود اختصاص می‌دهد. به گفته «چپمن»، تأمین‌کننده بودجه این شبکه تلویزیونی، دولت بریتانیا است. شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در شروع کار، روزانه هشت ساعت برنامه خواهد داشت که عصرها به وقت ایران خواهد بود. برنامه‌های تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی شامل اخبار، تحلیل، گفتگو، مناظره و برنامه‌های مستند و فرهنگی با کیفیت بالا خواهد بود.

۳۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

در پایان این پژوهش ضمن نتیجه‌گیری، از دست‌اندرکاران و مسئولان مربوطه خواسته شده است که با برنامه‌ریزی‌های گسترده‌تر امکان رقابتی این شبکه‌ها را کاهش دهند. (نیک‌ملکی، ۱۳۸۶)

#### ۲-۱-۹- تلویزیون فارسی‌زبان پارلمان اروپا

در این پژوهش به تفصیل به «راه‌اندازی تلویزیون فارسی‌زبان اروپایی»، «جایگاه پارلمان اروپا در اتحادیه اروپا»، «عوامل مؤثر در طرح این بحث در پارلمان اروپا»، «اهداف تأسیس تلویزیون فارسی‌زبان اروپایی»، «سناریوهای احتمالی راه‌اندازی تلویزیون فارسی‌زبان اروپایی» پرداخته شده است. (صمدی و احمدی‌فر، ۱۳۸۶)

#### ۲-۱-۱۰- بررسی شبکه بی‌بی‌سی

در این تحقیق به تاریخچه و ساختار و امور مالی، ادارات و دفاتر منطقه‌ای، سیاست رسانه‌ای ملی بی‌بی‌سی، سیاست برنامه‌سازان، مأموریت و سیاست‌گذاری، استراتژی سازمان، توانایی‌ها و کاستی‌های شبکه جهانی بی‌بی‌سی اشاره شده است. (نیک‌ملکی و مرادی، ۱۳۸۶)

#### ۲-۲- مبانی نظری

##### ۲-۲-۱- دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای به صورت عام به معنای به‌کارگیری رسانه‌ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است. «راما یراساد» محقق آمریکایی آن را به عنوان نقشی که رسانه‌ها در فعالیت‌های دیپلماتیک میان کشورها بازی می‌کنند، تعریف کرده است. (اردستانی، ۱۳۸۶)

دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجی هر کشور به دو صورت تحقق می‌یابد:  
۱. به صورت مدیریت سازمان‌های دیپلماتیک رسمی کشور؛ ۲. به صورت خودجوش و

### فصل دوم - پیشینه، مبانی و ۳۹۰۰

در جهت سیاست‌های کلان کشورها. در شیوه اول، دولت‌ها با اقدام به تأسیس رسانه‌های ویژه «دیپلماسی» می‌کنند یا اینکه رسانه‌های موجود را به انجام اقداماتی در جهت سیاست‌های خارجی خود موظف می‌کنند. تأسیس رادیو و شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی از نوع اول است. رسانه‌های همگانی در نقش دیپلماتیک خود می‌توانند در موقعیت‌های طیفی (مثبت، منفی) ذیل قرار گیرند.

#### طیف وضعیت‌های دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای منفی	دیپلماسی رسانه‌ای مثبت
بدبین‌سازی افکار عمومی جهان نسبت به کشور متبوع	بهینه‌سازی افکار عمومی نسبت به کشور متبوع
عامل خشی در روابط بین‌الملل	بازنمایی تصویر واقعی از ملل دیگر
بازنمایی تصویر مخدوش	تحکیم تفاهات بین‌المللی
تشدید تخصصات بین‌المللی	عینیت‌گرایی خبری بین‌المللی
مرعوب‌سازی	
جریان‌سازی خبری	

امروزه یکی از اهداف دیپلماسی رسانه‌ای، ایجاد عملیات روانی فراملی، ایجاد تنفر و دشمنی نسبت به حاکمیت (کشور مورد هدف)، اعمال فشارهای سیاسی، فرهنگی و نظامی کشورهای دیگر علیه کشور مورد هدف، ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبان کشور مورد هدف نسبت به برنامه‌های رسانه‌ای کشور کارگزار و مشروعیت‌بخشی و توجیه اعمال و رفتار کارگزاران عملیات روانی یا دیپلماسی رسانه‌ای است. برای دسترسی به این اهداف، هریک از رسانه‌ها با توجه به نوع نشانگاهها می‌تواند کارایی خاصی داشته باشد. لذا در توضیح نوع رسانه‌ها در دیپلماسی رسانه‌ای در مرحله اول باید نشانگاه‌های عملیات روانی را برشمرد. (اردستانی، ۱۳۸۶)

#### نشانگاههای عملیات روانی در دیپلماسی رسانه‌ای

۱. کشور مبدأ و افکار عمومی



۴۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

۲. حاکمیت ابزار (اینترنت، رسانه‌های فراملی، رادیوهای برون‌مرزی، خبرگزاری‌های فراملی) هدف از این نشانگاه (تهدید و تطمیع مسئولان، الزام پاسخگویی جهانی، القای چنددستگی در حاکمیت)

۳. دولت‌ها و افکار عمومی فرمانطقه

هدف از این نشانگاه (اقناع افکار عمومی جهانی، توجیه رفتار رسانه‌ی مورد نظر، فشار عملی بر کشور هدف، فشار بر سازمان‌های بین‌المللی) امروزه بهترین ابزار دیپلماسی رسانه‌ای، حوزه‌ی نشانگاهی است، به‌خصوص نشانگاه کشور مورد هدف. این نشانگاه به دو بخش تقسیم می‌شود: الف) افکار عمومی و شهروندان ب) حاکمیت.

کارگزاران عملیات روانی برای شهروندان کشور مورد هدف چند هدف می‌توانند داشته باشند:

۱. بدبین ساختن آن‌ها نسبت به حاکمیت؛ ۲. بالا بردن توقعات آن‌ها نسبت به حاکمیت؛ ۳. ایجاد بحران‌های ساختگی (آجیتاسیون یا شورشگری)؛ ۴. ترویج فرهنگ‌هایی که مغایر منویات حاکمیت است؛ ۵. منجی نشان دادن خود.

در دیپلماسی رسانه‌ای، حاکمیت‌ها از طریق رسانه‌های همسو و البته به‌صورت نامرئی و غیرعلنی، درصدد تأثیرگذاری بر نشانگاه‌ها برای مطلوب‌سازی افکار آن‌ها نسبت به خود هستند. (اردستانی، ۱۳۸۶)

## ۲-۲-۲- از جنگ روانی تا عملیات روانی

اعتقاد بر این است که مورخ و تحلیلگر نظامی بریتانیایی «فولر»<sup>۱</sup> اولین کسی است که اصطلاح «جنگ روانی» را در سال ۱۹۲۰ به کار برد. اما اقدامات نهفته در دل این اصطلاح، سابقه‌ای باستانی دارند. رجزخوانی‌ها، شایعه‌پردازی‌ها و ایجاد ترس و ...

---

1. Fuller

سابقه‌ای طولانی در تاریخ جنگ‌های بشری دارند.

ولی هر اندازه تاریخ زندگی بشر از گذشته‌های دور فاصله می‌گیرد و به عصر ارتباطات نزدیک می‌شود بر ابعاد، گستردگی و پیچیدگی جنگ روانی افزوده می‌شود. به‌ویژه با پیدایش زندگی صنعتی و ظهور وسایل ارتباط جمعی و تعاملی استفاده انسان از جنگ روانی نظام‌مندتر شده است. اما آنچه بر پیچیدگی آن در دهه‌های اخیر افزوده، بهره‌برداری از علوم گوناگون و به خدمت گرفتن محققان و اندیشمندان صاحب‌نظر در این مقوله بوده است. به عبارت دیگر از زمانی که دست‌اندرکاران جنگ روانی اقدامات خود را بر پایه تحقیقات و مطالعات دانشمندان و هماهنگی و همگامی با سیاستمداران و دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دنبال کردند، میزان موفقیت و تأثیر فعالیت‌های آنان به‌طور چشمگیری افزایش یافته و رشد فناوری و علوم ارتباطات دایره تأثیرات این فعالیت‌ها را به طرز بی‌سابقه‌ای گسترده‌تر کرده است.

در واقع جنگ روانی، همراه همیشگی جنگ‌ها و عملیات نظامی بوده است و اسم بردن اقدامات تبلیغی و سیاسی یک کشور یا یک گروه علیه کشور و گروه‌های دیگر با عنوان «جنگ» نشان از مفهوم خصمانه و منفی این‌گونه اقدامات دارد. به همین دلیل دست‌اندرکاران اقدامات تبلیغاتی و سیاسی برای اقدامات خود اصطلاح «عملیات روانی» را رواج دادند.

ستاد مشترک آمریکا، عملیات روانی را عملیاتی می‌داند که برای رساندن، اطلاعات و علائم انتخاب شده به مخاطبان خارجی طرح‌ریزی می‌شود تا از این طریق هیجان‌ها، انگیزه‌ها، اهداف، استدلال‌ها و بالاخره عملکرد دولت‌های خارجی، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد را تحت تأثیر قرار دهد. به اعتقاد ستاد مشترک آمریکا، هدف عملیات روانی تسلط بر دیدگاه‌ها و عملکردهای خارجی و تقویت آن‌ها در جهت اهداف مجریانش است.

تقریباً در تمامی تعاریفی که محققان از عملیات روانی ارائه داده‌اند (مثلاً حسینی، ۱۳۷۷؛ رفیعی، ۱۳۸۳؛ فرشچی، ۱۳۸۲؛ وایت، ۱۳۸۲؛ وارد، ۱۳۸۴؛ داقرتی،

۴۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

(۱۳۷۷) مخاطبان، عملیات روانی را مردم، دولتمردان و سازمان‌های کشورهای خارجی (دشمن، بی‌طرف و دوست) دانسته‌اند. (اردستانی، ۱۳۸۶)

## ۲-۳-۲- جنگ رسانه‌ای

جنگ رسانه‌ای، جنگ بدون خونریزی، آرام، بهداشتی و تمیز، تلقی می‌شود. جنگی که بر صفحات روزنامه‌ها و میکروفون رادیوها، صفحات تلویزیون‌ها و عدسی دوربین‌ها جریان دارد.

بنیادی‌ترین تعریف از «جنگ رسانه‌ای»<sup>۱</sup> استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منافع ملی است. جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جنبه‌های «جنگ نرم»<sup>۲</sup> و «جنگ‌های جدید بین‌المللی» است. اگر چه جنگ رسانه‌ای عمدتاً به هنگام جنگ‌های نظامی کاربرد بیشتری پیدا می‌کند، اما به مفهوم آن نیست که در سایر مواقع جنگ رسانه‌ای در جریان نبوده یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیررسمی ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها، بهره‌گیری می‌کند. جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایت‌های اینترنتی جریان دارد، اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست رسانه‌ای یک کشور»<sup>۳</sup> نهفته است که مستقیماً توسط بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی تغذیه می‌شود. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات،

---

1. Media war  
2. Soft war  
3. Media policy

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۴۳

استراتژیست‌های تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. طراحان جنگ رسانه‌ای نه لزوماً ژنرال‌های پادگان‌نشین، بلکه ممکن است پروفیسورهای کالج‌ها و دپارتمان‌های رسانه‌ای در دانشگاه‌های معتبر هر کشوری باشند. مردمی که تحت بمباران جنگ رسانه‌ای قرار دارند، حتی ممکن است خود از وجود جنگ سنگینی که بر فضای تنفسی آن‌ها جریان دارد، بی‌اطلاع باشند. اگرچه هدف جنگ رسانه‌ای، در نهایت تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌ها است، اما به طرز ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد.

این عقیده وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع کرد یا به آن سمت و سوی خاصی بخشید، مسلماً دولت‌ها نیز تحت فشار افکار عمومی به آن سمت کشیده خواهند شد.

از این رو، نظام‌های سیاسی ضمن کسب اطلاع از این پدیده مهم توسط سازمان‌های زیرزمینی و سرویس‌های اطلاعاتی، از طریق مؤسسات افکارسنجی نیز به این مهم می‌پردازند و با توجه به نتایج این پژوهش‌ها تصمیم‌گیری و اقدام می‌کنند.

جنگ رسانه‌ای برخلاف جنگ‌های نظامی که عمدتاً میان دو یا «چند کشور به‌عنوان ائتلاف با یک کشور» جریان می‌یابند، می‌تواند میان یک گروه از کشورها با گروه بزرگ دیگری از کشورها با ویژگی‌های مشخص جریان یابد. جنگ رسانه‌ای غرب علیه جهان اسلام و جنگ رسانه‌ای غرب علیه کشورهای جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوعی هستند که می‌توانیم آن‌را به «جنگ جهانی رسانه‌ای» تعبیر کنیم.

احتمالاً هر جنگی حداقل در دو زمینه رخ می‌دهد: میدان نبرد<sup>۱</sup> و اذهان مردم<sup>۲</sup> از طریق تبلیغات. افراد خوب و بد اغلب می‌توانند از طریق تحریف واقعیت‌ها،<sup>۳</sup>

---

1. Battle field  
2. Mind of the people  
3. Distortions

۴۴ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

مبالغه‌گویی‌ها،<sup>۱</sup> ایجاد ذهنیت،<sup>۲</sup> خطا<sup>۳</sup> و حتی دروغ‌پردازی،<sup>۴</sup> به گمراه کردن مردم بپردازند تا حمایت و مشروعیت،<sup>۵</sup> یابند.

اما می‌توان از جنگ رسانه‌ای یا جنگ روانی در کنترل بحران‌هایی که بعضی مواقع براساس عملیات خصمانه دیگر کشورها ایجاد می‌شود، بهره برد. در فرایند تدبیر یک بحران، جنگ روانی می‌تواند اهداف زیر را محقق سازد:

۱. ایجاد تأثیر کلی بر عقاید، احساسات، آداب و رفتار عناصر بحران‌ساز، به نحوی که موجب تحدید و مهار بحران شود؛

۲. ایجاد تردید در باور به امکان دستیابی به اهداف از طریق ایجاد بحران، از طریق طرح بدیل‌های دیگر؛

۳. ایجاد انشقاق و اصطکاک در صفوف عناصر بحران‌ساز؛

۴. کاهش کارایی راهبردهای تعمیق و گسترش بحران؛

۵. تقلیل و تخفیف انگیزه‌ها و انگیزه‌های جریان‌های بحران‌ساز؛

۶. اعتمادسازی و ایجاد حس مساعد در لایه‌های بی‌طرف با هدف ممانعت از پیوستن آنان به جریان بحران؛

۷. مشروعیت‌زدایی و تضعیف رابطه رهبری بحران با لایه‌های میانی و حاشیه‌ای آن.

(تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۸)

## ۲-۲-۴- تکنیک‌های تبلیغاتی

امروزه رسانه‌ها با اتخاذ دیپلماسی رسانه‌ای، فنون و روش‌های خاص، به متقاعدسازی و ترغیب مخاطبان می‌پردازند. در این بررسی به بخشی از فنون تبلیغاتی

- 
1. Exaggerations
  2. Ubjectivity
  3. Inaccuracy
  4. Fabrication
  5. Support and Legitimacy

رسانه‌ها که مورد استفاده در این پژوهش است می‌پردازیم.

### ۱. برجسب زدن

اصحاب رسانه می‌کوشند که با القاب یا برجسب‌های منفی و مثبت، برداشت اولیه ما را نسبت به موضوعات مورد نظر تحت تأثیر قرار دهند. بعضی از برجسب به صورت مثبت (پایداری، دفاع جانانه، اقتصاد سالم، رهبری قاطع و استوار رئیس‌جمهور، دفاع قدرتمند) و بعضی به صورت منفی (تروریست‌های اسلامی، نظریه‌پردازان توطئه، محور شرارت و ...) استفاده می‌کنند.

برجسب‌ها، ساختار ایدئولوژیکی را تا حد زیادی در اختیار ما قرار می‌دهد و حاکی از نگرش آن‌ها نسبت به موضوع یا سیاست‌های کشورهای مورد هدف است. در این بررسی با طراحی متغیرهایی همچون اصطلاحات و واژه‌ها، نوع برجسب‌های عنوان‌شده از سوی این شبکه در برنامه تفسیری خبری مورد توجه قرار خواهد گرفت. (مهرداد، ۱۳۸۰: ۱۹۰)

### ۲. قالب‌سازی یا جهت‌دار کردن

بیشتر تبلیغات مؤثر به جای کذب و دروغ، بر جهت‌دهی هدفمند اخبار و حوادث وابسته‌اند. به این معنا که با استفاده از تأکید و دیگر ابزارهای کمکی بیان منظور، می‌توان بدون تکذیب حقیقت آن‌را به نفع خود شکل داد و تأثیر مورد نظر را بر ذهن مخاطب باقی گذاشت. جهت‌دار کردن اخبار می‌تواند براساس این موارد انجام گیرد: «دفعات ارائه موضوع»، «لحن بیان خبر» (به صورت دلسوزانه، از سر بی‌اعتنایی یا خوارکننده)، استفاده از «تصاویر، عکس‌ها، جلوه‌های ویژه صوتی و تصویری».

آن‌ها معمولاً با ساختار و آهنگ مشخص سخن می‌گویند که نوعی حس اعتبار، اطمینان یا تجاهل عالمانه را به مخاطب القا می‌کنند. گزاره‌هایی مانند «این ماجرا به کجا می‌انجامد؟»، «تنها زمان می‌تواند به این سؤال پاسخ گوید»، «در صورتی که اعتراض

۴۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

همچنان ادامه یابد، تنش و درگیری میان دو طرف شدت خواهد یافت.» ... از جمله مواردی است که در رسانه‌ها برای جهت‌دار کردن خبر استفاده می‌کنند. (آشنا، ۱۳۸۷)

### ۳. تصریحات

اظهارات قطعی و مسلمی که به‌عنوان حقیقت بیان می‌شوند. استفاده از اظهارات صریح که ممکن است صحیح یا نادرست باشد و این دلالت ضمنی را به همراه داشته باشد که اظهارات بدیهی و مبرهن بوده و نیازی به اثبات ندارد. (آشنا، ۱۳۸۷)

### ۴. مستندسازی

در تکنیک مستندسازی معمولاً نقل قول‌هایی برای رد یا حمایت از یک سیاست، عملکرد، برنامه یا شخصیت خاصی آورده می‌شود. استناد به آمار، ارقام و اسنادی که در عمل، امکان صحت و سقم آن‌ها وجود ندارد از جمله روش‌هایی است که دستگاه عملیات روانی آمریکا از آن بهره می‌گیرد. (آشنا، ۱۳۸۷)

### ۵. نامگذاری

این تکنیک می‌تواند به‌سادگی غرض‌ورزی و تعصب مخاطبان را تحریک کند. به این شکل که موضوع یا مفهوم مورد نظر با عناوینی معرفی شود که حس هراس، تفر و ناخرسندی آن‌ها را برانگیزد. مصادیق مختلف این تکنیک عبارت است از:

۱. نامگذاری مستقیم: به‌ویژه زمانی که مخاطبان مورد نظر موافق مقامات رسمی یا خنثی نباشند، کاربرد دارد. در این مرحله حمله به رقیب یا طرز فکر مخاطب ساده و بی‌دردسر است.

۲. نامگذاری غیرمستقیم: زمانی به‌کار گرفته می‌شود که نامگذاری مستقیم موجب واکنش منفی شود. این تکنیک بسیار کاربرد دارد.

۳. کاریکاتور، عکس و تصویر نیز از جمله نمونه‌های نامگذاری محسوب می‌شوند. (آشنا،

### ۶. تظاهر به بی طرفی

بسیاری از رسانه های خبری برای القای بی طرفی خود به مخاطبان و در نتیجه جلب اعتماد آنان، از تاکتیک تظاهر به بی طرفی استفاده می کنند. در این تاکتیک، سخنان و دیدگاه های مخالفان به اشکال مختلف نظیر گزارش، مصاحبه و خبر منعکس می شود. رسانه به دلیل اتخاذ یک موضع بی طرف، اعتبار بیشتری در میان مخاطبان خود کسب می کند. همچنین رسانه با حفظ پوشش بی طرفی، می تواند پیام های خود را به آسانی به مخاطب القا کند و اهداف مورد نظر خود را تأمین سازد. در این اصل، ضمن اظهار بی طرفی و حفظ احترام مخالفان، اقدام به پخش سخنان و نظرات مخالفان می کنند و به دنبال آن، مطالب خود را القا می کنند. در واقع با پوشش خبری به شکل بی طرفانه و به طور مؤدبانه، سعی می شود حمایت های لازم یا تخریب هایی در جهت اهداف مورد نظر اعمال شود. (سلطانی فر، ۱۳۸۲: ۴۶)

### ۷. ایجاد تفرقه و تضاد

از جمله اموری که در فرایند جنگ روانی مورد توجه قرار می گیرد، تضعیف دشمن به ویژه به لحاظ روانی است. دشمن باید به شکست خوردن انس بگیرد. آنچه در این زمینه می تواند مؤثر باشد، ایجاد و یا تلقین تضادهای مختلف در جبهه دشمن است. رسانه می تواند با ایجاد یا تلقین درگیری میان اقلیت ها، قومیت ها، نخبگان و حاکمیت، وحدت را بین نیروهای دشمن متزلزل سازد. (لطفیان، ۱۳۸۳)

### ۸. ترور شخصیت

در شیوه های جدید، ترور فیزیکی جای خود را به ترور شخصیت داده است. هنگامی که نتواند شخصیت های مطرح و مؤثر در جناح مقابل را ترور فیزیکی کنند یا



نباید ترور فیزیکی شوند، سعی می‌کنند که از طریق عوامل تبلیغاتی جنگ روانی و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی آنان به زیر ذره‌بین کشیده و با بزرگ‌نمایی نقاط ضعفشان، ترور شخصیت کنند. هدف، ترور شخصیت‌های سیاسی و مهم از طریق به تصویر کشیدن نقاط ضعف و حرکات نادرست آن‌هاست. این عوامل باعث می‌شود رهبران ذی‌نفوذ نزد مخاطبان، دچار بی‌منزلتی و تخریب چهره شوند. (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲: ۲۵)

### ۹. دروغ

تاکتیک قدیمی دروغ که هنوز هم رسانه‌ها به طور فراوان استفاده می‌کنند، عمدتاً برای مرعوب کردن حریف یا حتی افکار عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یعنی پیامی را که به هیچ‌وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند. معروف‌ترین استفاده این تاکتیک، در زمان هیتلر و توسط گوبلز بوده است. گوبلز می‌گوید: «هرچه دروغ بزرگتر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است.» (سلطانی‌فر، ۱۳۸۲: ۲۵)

### ۱۰. کلی‌گویی

محتوای واقعی بسیاری از مفاهیمی که از سوی رسانه‌های غربی صادر و در جامعه منتشر می‌شود، مورد کنکاش قرار نمی‌گیرد. تولیدات رسانه‌های غربی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، مملو از ارزش‌ها و مفاهیمی مانند جهانی‌شدن، لیبرالیسم، اقتصاد باز، امنیت ملی، کثرت‌گرایی، نظام نوین جهانی، حقوق بشر، دموکراسی، تروریسم و... است. این‌ها مفاهیمی هستند که بدون تعریف مشخص، در جهت اقناع مخاطبان در زمینه‌ای مشخص به‌کارگرفته می‌شوند. (محمدی نجم، ۱۳۸۴: ۴۷)

### ۲-۲-۵- تاریخچه و روند پیدایش بی‌بی‌سی فارسی

بخش فارسی بی‌بی‌سی در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم به راه افتاد و در روابط

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ۴۹...

انگلیس و دنیای فارسی زبان نقش عمده‌ای ایفا کرده است. بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی زیر سایه بدبینی راه‌اندازی و از سوی وزارت خارجه این کشور حمایت مالی شد. در این مختصر ضمن بررسی تاریخچه و روند پیدایش بی‌بی‌سی فارسی به برخی از دخالت‌های دولت انگلیس از طریق جهت‌گیری تبلیغی این رسانه در قبال تحولات سیاسی ایران اشاره می‌شود.

### الف) آغاز به کار بی‌بی‌سی فارسی در ایران

۶۵ سال پیش در روز ۷ دی‌ماه سال ۱۳۱۹ شمسی (۲۸ دسامبر ۱۹۴۰ میلادی) بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی به طور رسمی آغاز به کار کرد. در پس زمینه پیدایش بی‌بی‌سی فارسی در شرایط آن زمان به دو عامل همسویی با اهداف استعماری دولت انگلیس و همچنین مهم‌ترین دغدغه سیاست انگلیس در آن دوران یعنی جنگ جهانی دوم می‌توان اشاره کرد. در حقیقت می‌توان گفت که اندیشه تولید و پخش برنامه به زبان‌های غیرانگلیسی بیش از آنکه ابتکار دولت وقت انگلیس باشد، واکنشی در مقابل قدرت روزافزون ماشین تبلیغات آلمان نازی بود. به واقع شاید بتوان گفت که بی‌بی‌سی فارسی فرزند جنگ بود. در میانه دهه ۱۹۳۰ میلادی دولت انگلیس از بی‌بی‌سی خواست برای مقابله با دستگاه تبلیغاتی هیتلر و موسولینی برنامه‌هایی برای پخش در سراسر جهان به زبان‌های بومی تولید کند. حدود دو سال بعد اولین برنامه‌های غیرانگلیسی رادیو بی‌بی‌سی به زبان‌های اسپانیایی، پرتغالی و عربی آماده پخش شده بود، اما راه‌اندازی بخش فارسی تا سال اول جنگ جهانی دوم اتفاق نیفتاد. زبان فارسی یکی از دهها زبانی بود که در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ میلادی (درست زمانی که جنگ کاملاً به ضرر انگلیس پیش می‌رفت) به مجموعه زبان‌های خارجی رادیو بی‌بی‌سی اضافه شد. با پیروزی‌های محسوس آلمانی‌ها در جنگ و شدت گرفتن تبلیغات حزب نازی، دولت انگلیس نیز از بی‌بی‌سی درخواست کرد که برنامه‌های غیرانگلیسی خود را

## ۵۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

سه برابر افزایش دهد. جنگ رسانه‌ای، عرصه‌ای بود که دولتمردان انگلیسی نمی‌خواستند بازنده آن باشند. طی یک سال، تعداد زیادی از زبان‌های اروپایی و زبان‌هایی چون هندی، ژاپنی و فارسی نیز به رادیو بی‌بی‌سی راه یافتند. در روزهای آغازین جنگ جهانی دوم (سپتامبر ۱۹۳۹) رادیو بی‌بی‌سی به هفت زبان غیرانگلیسی برنامه پخش می‌کرد. در پایان جنگ (۱۹۴۴) این تعداد به ۴۰ رسیده بود.

### ب) جایگاه بی‌بی‌سی در ایران قبل از انقلاب

جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن، جایگاه بی‌بی‌سی را به‌عنوان یکی از رسانه‌های خبری تثبیت کرد. در ایران نیز پس از سقوط رضاشاه و حضور آشکار انگلیس در تحولات ایران، رادیو بی‌بی‌سی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. با این حال نگاه مردم ایران به این رسانه انگلیسی‌نگاهی دوگانه و سرگردان میان حس اعتماد و بی‌اعتمادی بود. از یک‌سو پیشینه عملکرد انگلیسی‌ها در ایران و به‌ویژه در دوران قاجار، مردم ایران را نسبت به «هر چیز انگلیسی» بدبین کرده بود. مداخله مستقیم در امور سیاسی و حضور پررنگ در اقتصاد ایران، انگلیس را در ذهن ایرانیان به پدیده‌ای بدل کرده بود که «همه کارها زیر سر اوست». رادیو فارسی بی‌بی‌سی، با خبررسانی گسترده از آنچه در ایران رخ می‌داد - و گاه با ارائه تحلیل از آنچه ممکن بود رخ دهد - حس بدبینی عمومی جامعه ایران را تقویت می‌کرد. اما از سوی دیگر، همین تصویر ذهنی از انگلیس، باوری کلی در میان ایرانیان ایجاد می‌کرد که رسانه دولتی این کشور، رادیو بی‌بی‌سی، بدون شک «می‌داند» این حس اعتماد اگر چه همراه با نگرانی بود، اما به هر روی شنوندگان بسیاری را به بی‌بی‌سی فارسی جذب می‌کرد. گزارش‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی از ماجرای حمله متفقین به ایران و برکناری رضاشاه از سلطنت نمونه مشخص و چه بسا نقطه عطفی بود که هر دو حس اعتماد همراه با نگرانی و بی‌اعتمادی را در میان ایرانیان تقویت کرد. اما نتیجه این هر دو حس، افزایش شنوندگان و گسترش دامنه پوشش

بی‌بی‌سی فارسی در ایران بود.

در طول بیش از نیم قرن حضور در فضای رسانه‌ای ایران، رادیو فارسی بی‌بی‌سی همچنان انبوهی از رخدادهای تاریخ معاصر ایران را پوشش داده است؛ از افول سلطنت پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی. در تمام این دوران کم نبوده‌اند کسانی که نقش رادیو فارسی بی‌بی‌سی را بیش از خبررسانی صرف می‌دانسته‌اند. این گروه بر این باور بوده و هستند که بی‌بی‌سی در همین زمان در شکل دادن به برخی از این رخدادهای نیز نقش بازی کرده است.

### ج) گسترش بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی پس از انقلاب اسلامی

بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی پس از انقلاب اسلامی، گروه خود را گسترش داد و برنامه‌های خود را از ترجمه صرف اخبار و گزارش‌های تهیه شده در شبکه جهانی بی‌بی‌سی به تولیدات جدید به زبان فارسی تغییر داد. بخش فارسی بی‌بی‌سی در سال‌های اخیر، شمار نسبتاً زیادی از روزنامه‌نگاران ایرانی را استخدام کرده و گروه‌های رادیویی و آنلاین خود را گسترش داده است. سایت فارسی بی‌بی‌سی آنلاین نیز با بهره‌گیری از وبسایت‌های پشتیبان و ناظر، حوزه فعالیت خود را گسترش داده است. بودجه بخش برون‌مرزی بی‌بی‌سی را دولت تأمین می‌کند، اما مسئولان این شبکه به دنبال ارائه چهره‌ای مستقل از این شبکه هستند. از این رو مدعی هستند که دولت انگلیس در محتوای برنامه‌ها یا تعیین مأموریت خاصی برای این شبکه دخالت نمی‌کند در حالی که این امر واضح و مبرهن است که برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و چه بسا پایگاه‌های اینترنتی سرویس جهانی بی‌بی‌سی از جمله مهم‌ترین و بارزترین ابزارهای دیپلماسی عمومی انگلیس برای تشریح سیاست‌های منطقه‌ای انگلیس و سپس توجیه این اقدامات برای مخاطبان عام و خاص ایرانی است که این رویکرد در چارچوب شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی تجلی می‌یابد.

## ۲-۶-۲- ارتباط شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی با دولت انگلیس

بی‌بی‌سی مدعی است که برنامه‌های شبکه تلویزیونی فارسی با استقلال از دولت و حفظ بی‌طرفی کامل پخش خواهد شد و مستقل از دولت انگلیس عمل خواهد کرد. اما آیا واقعاً شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی می‌تواند به‌طور کامل مستقل و بی‌طرف از دولت عمل کند؟ مسئولان و کارکنان سرویس جهانی بی‌بی‌سی بر ماهیت مستقل و بی‌طرفانه آن تأکید دارند و علت این موضوع را در وابستگی بی‌بی‌سی به مکتب راستین ژورنالیسم عنوان می‌کنند. به گفته آن‌ها سرویس جهانی بی‌بی‌سی پس از جنگ جهانی دوم از حالت ستاد تبلیغاتی جنگ فاصله گرفت و با تدوین منشور نوین تلاش کرد که در نقش رسانه‌ای مستقل و بی‌طرف ظاهر شود. به این منظور به عملکرد رسانه‌ای بی‌بی‌سی در پوشش تحولات انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند. این در حالی است که بررسی موردی نوع پوشش خبری بی‌بی‌سی در تحولات خبری مختلف از جمله موضوع هسته‌ای ایران، بیان‌کننده غلبه پس‌زمینه‌های سیاسی بر رویکردهای حرفه‌ای رسانه‌ای است.

بی‌بی‌سی با بهره‌گیری هدفمند از اصول و فنون‌های نوین خبرنگاری و تحلیل رسانه‌ای تلاش می‌کند که فهم وابستگی سیاسی به دولت انگلیس را برای مخاطب دشوار کند. در واقع ادبیات نرم خبر بی‌بی‌سی در کنار مؤلفه‌های تنوع و عمق‌بخشی خبری، این ذهنیت را به مخاطب القا می‌کند که این رسانه فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی صرفاً در خدمت اطلاع‌رسانی قرار گرفته است. بدین‌سان شاید بتوان گفت که تصمیم به راه‌اندازی تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در کنار رادیوی آن خطرناک‌تر از فعالیت کنونی تلویزیون صدای آمریکا (VOA) باشد، زیرا اولاً، سبک تبلیغی بی‌بی‌سی بسیار نرم‌تر از تلویزیون آمریکاست و می‌کوشد به‌جای القای مستقیم که به مقاومت مخاطب می‌انجامد از روش القای غیرمستقیم و در پوشش برنامه‌های تحلیلی سود بجوید و ثانیاً، بی‌بی‌سی به‌جای پرداختن صرف به موضوعات سیاسی و بین‌المللی در

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۵۳

بسیاری از مواقع بر موضوعات و سوژه‌های عمیق اجتماعی متمرکز می‌شود و از این رهگذر می‌کوشد تا مخاطبان و حتی حامیانی از دل طبقات و شئون مختلف اجتماعی برای خود دست‌وپا کند. (مانند برخی از عناصر برنامه‌های اجتماعی از جمله: برنامه ترفیک، خرید شب عید، دید و بازدید عید، آلودگی محیط‌زیست، خرافات و باورهای مردم و...)

نکته قابل توجه آنکه در مواردی شاهد نوعی چالش میان دولت انگلیس و سرویس جهانی بی‌بی‌سی درباره پوشش تحولات خبری مختلف هستیم که به‌نظر می‌رسد با هدف بالابردن ضریب اعتبار و بی‌طرفی بی‌بی‌سی صورت می‌گیرد و تأمل در کنه و ماهیت این چالش‌ها و نحوه مدیریت آن‌ها از هدفمندی و همسویی آن با دیپلماسی رسانه‌ای انگلیس حکایت دارد. دیپلماسی رسانه‌ای معمولاً به دو صورت تحقق می‌یابد: در شیوه اول، دولت‌ها به تأسیس رسانه‌های ویژه دیپلماسی اقدام کرده و رسانه‌های موجود را به اقداماتی در جهت سیاست‌های خارجی خود موظف می‌کنند. شیوه دوم، همگامی و همراهی رسانه‌ها با اهداف و سیاست‌های خارجی کشورها است. به‌نظر می‌رسد که رویکرد بی‌بی‌سی از شیوه دوم بهره می‌گیرد. در این شیوه هرچند که به‌ظاهر این رسانه دستور خاصی از دولت انگلیس دریافت نمی‌کند، ولی به علت بلوغ حرفه‌ای و همچنین مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای در جهت سیاست‌های کلان نظام دولت انگلیس در سطح جهان عمل می‌کند و در عین حال با ارائه چهره به‌ظاهر مستقل از دولت به دنبال تأثیرگذاری بیشتر است.

## ۲-۲-۷- تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی

در سال ۲۰۰۷ خبر تلاش مؤسسه بی‌بی‌سی برای راه‌اندازی یک تلویزیون فارسی‌زبان در سایت‌های اینترنتی انتشار یافت. پس از اعلام این خبر، آگهی استخدام نیروی انسانی مورد نیاز این شبکه در برخی سایت‌های فارسی‌زبان و نیز سایت اصلی

۵۴ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

مؤسسه قرار گرفت. «نیگل چاپمن» رئیس شبکه جهانی بی‌بی‌سی بیان داشت که بودجه اولیه تأسیس این شبکه فارسی‌زبان ۲۲ میلیون دلار بوده و در آغاز روزی هشت ساعت برنامه خواهد داشت. همچنین مخاطب اصلی آن ۱۰۰ میلیون فارسی‌زبان کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان و سایر کشورهای جهان خواهند بود.

در ساعت ۱۷ روز ۲۵ دی‌ماه ۱۳۸۷، تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی با ۱۵۰ کارمند و از ساختمان مرکزی مؤسسه بی‌بی‌سی پخش برنامه‌های خود را رسماً آغاز کرد. در جدول زیر اسامی برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی ارائه شده است.

فهرست و زمان پخش برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی

روز	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۱۷	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۱۷,۳۰	کوک (تکرار)	برنامه‌های مستند	از نزدیک (تکرار)	کلیک (تکرار)	تماشا (تکرار)	کلیک	تماشا (تکرار)
۱۸	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۱۸,۳۰	برنامه‌های مستند	برنامه‌های مستند	خبرنگاران (تکرار)	به عبارت دیگر (تکرار)	برنامه‌های مستند	برنامه‌های مستند (تکرار)	خبرنگاران
۱۹	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۱۹,۰۵	نوبت شما	نوبت شما	نوبت شما	نوبت شما	نوبت شما	برنامه‌های مستند	ورزش ۷
۲۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۲۰,۳۰	برنامه‌های مستند	کلیک (تکرار)	کوک (تکرار)	تماشا (تکرار)	از نزدیک (تکرار)	تماشا	جمعه بازار
۲۱	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۲۱,۱۰	برنامه‌های مستند	برنامه‌های مستند	برنامه‌های مستند	آپارات (تکرار)	تخت گاز	آپارات	برنامه‌های مستند

فصل دوم - پیشینه، میانی و ... ۵۵

روز	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
ساعت	۶۰ دقیقه	۶۰ دقیقه	۶۰ دقیقه	۶۰ دقیقه	۶۰ دقیقه	صفحه ۲ (۲۲:۰۵)	اخبار کوتاه کوک (۲۲:۰۵) از نزدیک (۲۲:۳۰)
۲۲	جمعه بازار (تکرار)	خبرنگاران	برنامه‌های مستند	صفحه ۲	اخبار	اخبار	اخبار
۲۳،۳۰	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	به عبارت دیگر (تکرار)	برنامه‌های مستند	ورزش ۷ (تکرار)
۲۴	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار	اخبار
۰۰،۳۰	آپارات (تکرار)	برنامه‌های مستند (تکرار)	پرگار	آپارات (تکرار)	پرگار (تکرار)	برنامه‌های مستند	صفحه ۲ آخر هفته (تکرار)

توصیف برنامه‌ها

**تماشا:** برنامه‌ای ماهانه دربارهٔ دنیای فرهنگ و هنر. در این برنامه با هنرمندان ساکن خارج از کشور گفتگو می‌شود و برنامه تازه‌ترین آثار در عرصه‌های مختلف هنری را معرفی می‌کند.

**امروزی‌ها:** برنامه‌ای است که هر دو هفته یک بار روزهای پنج‌شنبه از شبکهٔ فارسی بی‌بی‌سی پخش می‌شود. این برنامه به موضوعات مختلف از جمله موضوعات فرهنگی، هنری، اجتماعی و اتفاقات عجیب و سرگرم‌کننده، می‌پردازد. **اکران:** این برنامه ماهانه فیلم‌های جدید و گفتگو با کارگردانان، بازیگران و دیگر دست‌اندرکاران دنیای سینمای داخلی و خارجی را بررسی می‌کند.

**کلیک:** برنامه‌ای هفتگی دربارهٔ جدیدترین اختراعات و نوآوری‌ها در زمینهٔ کامپیوتر و فناوری اطلاعات، معرفی وبسایت‌های جدید و جالب همراه با بررسی ابزارهای نوین زندگی.



**کوک:** برنامه‌های هفتگی دربارهٔ دنیای موسیقی. مرور رویدادهای جالب در این عرصه و پخش تازه‌ترین موزیک ویدئوهای روز از بخش‌های گوناگون این برنامه است. در این برنامه با خواننده‌ها و نوازنده‌های معروف و همچنین نوپای ایرانی، افغان و تاجیک گفتگو می‌شود، ترانه‌هایشان پخش می‌شود و جدول پرفرودارترین ترانه‌های هفته را هم معرفی می‌کند.

**از نزدیک:** در این رشته برنامه‌ها کنسرت‌ها و اجراهای اختصاصی خوانندگان ایرانی، افغان و تاجیک پخش می‌شود و با آن‌ها دربارهٔ سبک موسیقی و آثارشان گفتگو می‌شود.

**برنامه‌های مستند:** این برنامه‌ها توسط بخش تولید فیلم‌های مستند بی‌بی‌سی یا شرکت‌های مستقل تهیه شده‌اند و طیف وسیعی از موضوعات گوناگون از جمله علوم، معماری، موسیقی، محیط زیست و تحولات سیاسی و وقایع تاریخی معاصر را دربر می‌گیرند. سرگذشت موسیقی پاپ، تاریخ اسلام در اروپا، درمان‌های جایگزین، قدرت هنر، ماجراجویی در معماری، پخت‌وپز در منطقه خطر و کودکان در خط مقدم از جمله این برنامه‌های مستند است.

**صفحه ۲:** تحلیل مهم‌ترین رویدادهای سیاسی هفته، مصاحبه با خبرسازان در داخل و خارج از ایران و نگاهی به عملکرد دولتمردان و فعالان سیاسی در منطقه و جهان. همچنین مسعود بهنود در صفحه ۲ آخر هفته اخبار مهم مطبوعات ایران را تحلیل و بیان می‌کند.

**به عبارت دیگر/چهره‌ها:** در برنامه هفتگی «به عبارت دیگر» هر بار با یک شخصیت سرشناس از کشورهای فارسی‌زبان و جهان گفتگو می‌شود و سؤال‌های دشواری پیش‌روی آن‌ها قرار می‌گیرد.

در برنامه «چهره‌ها» نیز زندگی و فعالیت‌های حرفه‌ای هنرمندان و چهره‌های

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۵۷

سرشناس و محبوب به تصویر کشیده می‌شود.

**خبرنگاران:** برنامه‌ای هفتگی شامل مجموعه‌ای از بهترین گزارش‌های تهیه

شده توسط خبرنگاران بی‌بی‌سی است.

**نوبت شما:** نوبت شما، فرصتی برای بینندگان این تلویزیون است تا نظرات و

دیدگاه‌هایشان را بیان کنند. نوبت شما، ۵۰ دقیقه گپ و گفتگو میان بینندگان برنامه

است و پنج روز در هفته پخش می‌شود. در این برنامه همچنین با بینندگان از طریق

وب‌کم صحبت می‌شود، یا خبرنگاران با دوربین به خیابان‌ها می‌روند تا با مردم گفتگو

کنند. در این برنامه از بینندگان خواسته می‌شود تا فیلم‌ها و تصاویر خود را برای برنامه

ارسال کنند.

**ورزش ۷:** این برنامه رویدادهای ورزشی هفته و مهم‌ترین مسابقات پیش رو

را بررسی و تفسیر می‌کند و در آن، ورزشکاران معروف معرفی می‌شوند. پخش

گزارش‌هایی از دنیای ورزش و همچنین بررسی و تحلیل جام‌های معتبر منطقه و

اروپا با حضور کارشناسان مطرح ورزش، از دیگر بخش‌های این برنامه است.

**آپارات:** برنامه‌ای هفتگی است که در آن آثار مستندسازان ایرانی، افغان و

تاجیک به نمایش در می‌آید و نقد و بررسی می‌شود.

**تخت گاز:** برنامه تخت گاز عمدتاً به صنعت اتومبیل اختصاص دارد. مجری

شناخته شده برنامه، سوار بر اتومبیل‌های جدید شده و ویژگی‌های مختلف آن را

معرفی می‌کند. همچنین با ستاره‌های مسابقات اتومبیل‌رانی گفتگو می‌شود.

**۶۰ دقیقه:** در این برنامه خبری یک ساعته، اخبار مهم ایران و منطقه تفسیر می‌شود.

## ۲-۲-۸- اهداف تأسیس تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی

در بررسی اهداف و پس‌زمینه‌های راه‌اندازی سرویس جهانی بی‌بی‌سی می‌توان به

برخی مؤلفه‌های تأثیرگذار در سطوح رسانه‌ای و همچنین حوزه‌های سیاسی و اجتماعی

اشاره کرد. روند حرکتی بی‌بی‌سی در عرصه رسانه‌ای به گونه‌ای بوده که همواره توانسته است پیامی جذاب، شنیدنی یا خواندنی برای مخاطب داشته باشد. در این خصوص ارائه اخبار نیز با توجه به قید سرعت، جانبدارانه، اما با رعایت معیارهای ژورنالیستی و رویکردهای حرفه‌ای و رسانه‌ای نگارش می‌یابد تا این‌گونه به نظر برسد که همه دیدگاه‌ها طرح و بحث می‌شود. اگرچه این معنا درست نیست، اما تصویری است که از سوی گردانندگان بی‌بی‌سی با قدرت القا می‌شود. توجه به تحقیق و برنامه‌سازی براساس اسناد و مدارک سبک تاریخی، رویکردی است که بی‌بی‌سی به تجربه یا به هوشمندی توانسته است از آن به نحو مطلوبی استفاده ببرد.

#### الف) گرایش مخاطبان بی‌بی‌سی از رادیو به تلویزیون

سرویس جهانی بی‌بی‌سی نیز همچون بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی جهان، همواره به تغییر و تحول در شیوه‌های ارائه خبر می‌پردازد و در این روند از نظریه‌های ارتباطات و خبر و همچنین فناوری‌های نوین رسانه‌ای، به گونه‌ای هدفمند بهره می‌گیرد. به نظر می‌رسد که مسئولان بی‌بی‌سی با وقوف به درهم شکسته شدن اقتدار و انحصار رسانه‌ها و ورود رسانه‌های تعاملی نوین می‌کوشند، راه را برای حفظ مخاطب از طریق رویکرد تعاملی و چندجانبه‌نگری فراهم آورند. در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، سرویس جهانی بی‌بی‌سی، صاحب‌مدیری به نام «جان توسا» شد که از روزنامه‌نگاران مجرب سرویس جهانی بود و در یکی از اولین اقدامات خود، بخش آموزش فنون روزنامه‌نگاری رادیویی را گسترش داد و استفاده از دانش و تجربه روزنامه‌نگاران غیربومی را ترغیب کرد. ایجاد تلویزیون جهانی بی‌بی‌سی و یکی کردن نام سرویس جهانی از دیگر تصمیمات او بود. بر مبنای این تغییر رویکرد، روزنامه‌نگاران ایرانی درباره ایران نوشتند و روزنامه‌نگاران عرب و آفریقایی و آمریکای لاتین درباره تحولات در منطقه خود گفتند. دامنه این تغییر و تحول به سطح سردبیری خبر و مدیریت اداری

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۵۹

بی‌بی‌سی نیز رسید. در دهه پایانی قرن بیستم، دگرگونی‌های سریع سیاسی و اقتصادی در سطح جهان، در کنار پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوری ارتباطات و مخابرات، آخرین بقایای نگاه سنتی به رسانه‌های بین‌المللی را به حاشیه رانده و جای تردید باقی نگذاشته است که برای شنیدنی و تماشایی ماندن و مطرح بودن باید الگوی تازه‌ای طرح کرد. گسترش انفجارگونه اینترنت و تلفن همراه به انحصار نهادهای خبری رسمی و غیررسمی پایان داده و از هر شهروند یک گزارشگر و تصویربردار ساخته است. امروزه همین شهروندان عادی هستند که از درون جوامع خود، خبر و تصویر مخابره می‌کنند و معنی و ماهیت ارتباطات جهانی را زیرورو می‌کنند. در حال حاضر در اولین دهه قرن بیست و یکم، بی‌بی‌سی فارسی، رسانه‌ای متشکل از رادیو، تلویزیون، اینترنت، تلفن همراه و پادکست<sup>۱</sup> است. بر این اساس بی‌بی‌سی در دنیای پررقیب امروزی برای حفظ جایگاه خود ناگزیر به تغییر و پذیرش روش‌های نوین است. گرایش بی‌بی‌سی به تأسیس تلویزیون فارسی نیز بر این مبنا صورت گرفته است و به نظر می‌رسد که بخش رادیویی تحت‌الشعاع تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی قرار خواهد گرفت. (رادپور، ۱۳۸۷) در عین حال مسئولان بی‌بی‌سی به تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی به‌عنوان مکمل رادیوی فارسی بی‌بی‌سی می‌نگرند و تأکید می‌کنند که اگر قرار است رادیو بی‌بی‌سی تأثیر زیاد داشته باشد لازم است که تلویزیون نیز در کنار آن قرار داشته باشد. (چپمن، ۱۳۸۰)

### ب) ادعای پاسخگویی به تقاضای مخاطب

مسئولان بی‌بی‌سی در توجیه علل گرایش به تأسیس تلویزیون فارسی‌زبان از تقاضای زیاد برای راه‌اندازی تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی سخن می‌گویند و این نکته‌ای است که بارها از سوی «نایچل چپمن»، مدیر سرویس جهانی بی‌بی‌سی، مورد تأکید قرار گرفته است. چپمن در پاسخ به این پرسش که چرا به فکر تلویزیون فارسی برای ایران

۱. «برنامه‌ای رادیویی یا مشابه که دیجیتالی ضبط شده و جهت دانلود کردن برای دستگاه‌های شخصی پخش صدا در اینترنت گذاشته می‌شود.» (وبسایت مرکز آموزش مؤسسه همشهری، ۱۳۸۸)

۶۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

افتادید، گفت: «در درجه اول به این علت که تقاضا برای این تلویزیون وجود دارد، ما بررسی‌های گسترده‌ای در این باره در ایران انجام داده‌ایم و می‌دانیم که شمار قابل توجهی از مردم ایران دارای دیش یا آنتن ماهواره‌اند و به اخبار و مسائل سیاسی روز علاقه‌مندند و می‌خواهند سرویس جهانی بی‌بی‌سی چنین امکاناتی عرضه کند. وی افزود: بی‌بی‌سی سابقه طولانی در پخش برنامه به زبان فارسی دارد و شمار شنوندگان این برنامه قابل توجه است و تقاضا برای رسانه‌ای جدید وجود دارد. ولی واقعیت این است که اگر بخواهیم این رسانه تأثیر زیاد داشته باشد، لازم است که تلویزیون نیز در کنار آن باشد، به همین جهت امروز تصمیم گرفتیم قصد به راه‌انداختن تلویزیون فارسی را اعلام کنیم.»

### ج) ادعای پرکردن خلأ تنوع رسانه‌ای در ایران

برخی تحلیلگران رسانه‌ای غرب مدعی هستند که ایجاد و تأسیس شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان با هدف پرکردن خلأ تنوع رسانه‌ای در ایران صورت می‌گیرد. به ادعای آن‌ها، شیوه‌های برنامه‌سازی و تبلیغات در صداوسیما جمهوری اسلامی با ناکارآمدی و تأخیر زمانی مواجه شده است و به علت فاصله گرفتن از شیوه‌های روزآمد، کارایی و اثربخشی رسانه‌های جمهوری اسلامی در میان مردم رو به کاهش است. بر مبنای این ادعا، سیاست گسترش رسانه‌های جایگزین در دو سطح داخلی و خارجی پیگیری می‌شود. در سطح داخلی موسیقی زیرزمینی و غیررسمی ترویج می‌شود و در سطح بین‌المللی نیز رسانه‌ای چون بی‌بی‌سی با ایجاد برخی زمینه‌های نرم‌افزاری برای خبرگیری و خبرسازی از داخل ایران و خلق رویکرد شهروند خبرنگار، می‌کوشد تا زمینه‌های حضور تأثیرگذار در سطوح مختلف اجتماعی ایران را فراهم آورد و در عین حال بتواند زمینه‌ارائه تصویری متفاوت از ایران را از دریچه دوربین و تصویر و همچنین صداها فراهم آورد.

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۶۱

از سوی دیگر غرب به دنبال شکست انحصار رسانه‌ای در ایران است تا از این طریق بتواند سیاست‌های خود را در بعد رسانه‌ای تعقیب کرده و در صحنه عمل به اهداف خویش برسد.

#### د) دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای از ابزارهای دیپلماسی غیرعلنی (عمومی) است و به علت نقش دوگانه از اهمیت بیشتری در عملیات روانی برخوردار است. به عبارت دیگر دیپلماسی رسانه‌ای دارای دو عنصر ذاتی است: دیپلماسی رسانه‌ای جزو فشارهای عملی - سیاسی محسوب می‌شود و اصلی‌ترین ابزار تبلیغی روانی در عملیات روانی است. یکی از ابزارهای دیپلماسی رسانه‌ای، استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای است. با توجه به این‌که امروزه شهروندان عادت به استفاده بیش از حد از تلویزیون دارند و کمتر از برنامه‌های رادیویی بهره می‌گیرند، در دیپلماسی رسانه‌ای با آگاهی از این ویژگی، با تأسیس شبکه‌های مخصوص یا تقویت مالی و برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای مخالف کشور هدف، سعی در تأثیرگذاری بر مخاطبان هدف دارند. تلویزیون‌های خبری با برجسته‌سازی و در دستور کار قراردادن بعضی از موضوعات در جهان، می‌توانند افکار عمومی را معطوف به یک مسئله ساخته و به این ترتیب با برجسته‌سازی بیش از حد موضوع، جوی نامطلوب علیه کشور هدف ایجاد کنند. تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان نیز با انتشار اخبار هدفمند و تحریف‌شده از ایران می‌توانند زمینه چالش‌زایی نرم برای نظام اسلامی را فراهم آورند، به گونه‌ای که انرژی فراوانی برای رفع این‌گونه شبهات در سطح ملی هزینه می‌شود. در گزارش سالیانه ۲۰۰۶ - ۲۰۰۵ با عنوان دیپلماسی عمومی پارلمان انگلیس به نقل از «نایجل چپمن» مدیرکل سرویس جهانی بی‌بی‌سی نقل شده است: «اگر به عنوان یک فعال رسانه‌ای به دسترسی مردم در جوامع به رسانه‌های آزاد و مستقل باور داشته باشیم، آنگاه در عالم واقعیت نگاهی به

۶۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

ایران کنونی بیندازیم، دلیل بسیار محکمی بر این امر می‌یابیم که بریتانیا برای بهبود این امر چه کاری می‌تواند انجام دهد.» به نظر می‌رسد که تأسیس تلویزیون فارسی‌زبان شبکه بی‌بی‌سی با رویکرد مسئولان وزارت خارجه انگلیس، تحت عنوان «دیپلماسی عمومی در ایران و خاورمیانه» همخوانی دارد. (طبرسی، ۱۳۸۷)

### ه) گفتگوی مستقیم با مردم ایران

رسانه‌های غربی به رویکرد تعامل‌گرا با مردم ایران روی آورده‌اند و به دنبال ارتباط فراحکومتی با مردم ایران هستند که این رویکرد یکی از وجوه دیپلماسی عمومی است. این رویکرد از سوی محافل سیاسی و رسانه‌ای آمریکا آغاز شده است و در حال حاضر به صورت وجه غالب سیاست اتحادیه اروپا و برخی کشورهای اروپایی از جمله انگلیس در قبال ایران درآمده است. در واقع از این منظر تلاش می‌شود که زمینه‌های ذهنی جداسازی مردم - حاکمیت فراهم آید. در این میان همزمانی تصمیم به راه‌اندازی بی‌بی‌سی فارسی با راه‌انداختن تلویزیون بی‌بی‌سی به زبان عربی قابل تأمل است. «چپمن» در پاسخ به چرایی تصمیم به راه‌اندازی دو شبکه برای مسلمانان طفره می‌رود و تلاش می‌کند که علت این موضوع را در علل علاقه‌مندی جهان اسلام به داشتن چنین شبکه‌ای و همچنین دسترسی زیاد مردم ایران به تلویزیون‌های ماهواره‌ای خلاصه می‌کند. برخی از بخش‌های سرویس جهانی بی‌بی‌سی به علت فقدان توجیه اقتصادی یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. ولی ایران پروژه‌ای خاص است که برای هدف قرارداد تبلیغی و فرهنگی آن باید هزینه‌ای خاص کرد. دلیل این امر روشن است. ایران برای حداقل ۲۰ سال آینده همچنان به‌عنوان مهم‌ترین مسئله در سیاست خارجی کشورهای غربی خواهد بود. البته احتمال کاهش حجم برنامه‌های تخریبی در صورت تغییر فضای سیاسی و تعدیل آن و آغاز فرایند بازسازی مناسبات چندجانبه در خاورمیانه رو به افزایش است، در این صورت رسانه‌های وابسته دولتی ناگزیر از تغییر

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۶۳

مشی خود خواهند بود. (سایت اینترنتی آفتاب، ۱۳۸۷)

### (و) باقی ماندن در فرایند رقابت رسانه‌ای

تلاش بی‌بی‌سی برای باقی ماندن در رقابت رسانه‌ای از جمله مؤلفه‌های دیگری است که شاید بتوان آن را به‌عنوان یکی از علل گرایش بی‌بی‌سی به تأسیس تلویزیون فارسی نام برد. صدای آمریکا (VOA) پیش از سرویس جهانی بی‌بی‌سی به پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان فارسی روی آورده است و آن‌گونه که گردانندگان آن مدعی هستند با رعایت معیارهای ژورنالیستی و حرفه‌ای توانسته مخاطبان قابل توجهی در ایران به‌خود اختصاص دهد. (راديو آمریکا، ۱۳۸۷) بر این مبنا، سرویس جهانی بی‌بی‌سی برای عقب نماندن از گردونه رقابت رسانه‌ای تصمیم به ورود به عرصه پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان فارسی گرفته است و تلاش می‌کند برخلاف VOA که با لحن تند به دنبال جذب قشرهای رادیکال علیه نظام اسلامی است، با لحن به‌ظاهر منطقی و بی‌طرفانه به جلب گروه‌های مرجع میانسال و طبقه متوسط بپردازد.

### ۲-۹. راهکارهای جذب مخاطب توسط تلویزیون بی‌بی‌سی

بررسی برنامه‌های این تلویزیون نشان می‌دهد که این شبکه برای جذب مخاطب و پاسخ به نیازهای مختلف مخاطبان چند راهکار اساسی را پیش گرفته است:

**استفاده از مجریان جوان:** جوان‌گرایی یکی از ویژگی‌های اصلی تلویزیون بی‌بی‌سی است. برنامه‌های مختلف تلویزیون با حضور مجریانی پخش می‌شود که بیشتر آنان تجربه زندگی در ایران را داشته‌اند و با سلايق و خواسته‌های جوانان داخل کشور آشنایی نسبی دارند.

**اجتناب از نقد رادیکال سران نظام:** هرچند این تلویزیون در برنامه‌های مختلف خود نقدهای مختلفی را به نظام جمهوری اسلامی وارد می‌سازد ولی هیچ‌وقت تلاش



نمی‌کند که در جایگاه اپوزیسیون عرض اندام کند و به‌طور مستقیم به سران کلیدی نظام نقدهایی را وارد سازد.

**تشدید احساس محرومیت اجتماعی به شکل غیرمستقیم و ضمنی:** این تلویزیون را نمی‌توان نظیر تلویزیون صدای آمریکا شبکه‌ای با گفتمان مخالف جمهوری اسلامی تلقی کرد. ولی در عرصه اجتماعی و فرهنگی به شکل ظریف و غیرمستقیم در مخاطبان احساس محرومیت اجتماعی ایجاد می‌کند. برای مثال برای توضیح استعداد دختر جوانی که در عرصه موسیقی در انگلیس رشد چشمگیری داشته است می‌گوید: «او که در ایران امکان خواندن نداشت...» یا موقع گفتگو با مادر یکی از خوانندگان خارج از کشور بیان می‌شود: «پس از انقلاب دخترمان از وحشت کمپته‌ها و پاسداران به داخل کمد لباس‌ها می‌رفت و در تاریکی داخل کمد آواز می‌خواند چون عاشق آواز بود...»

**استفاده از تصاویر و گرافیک با کیفیت بسیار بالا:** تصاویر و برنامه‌های این تلویزیون در مقایسه با سایر شبکه‌های فارسی‌زبان با کیفیت بسیار بالایی عرضه می‌شوند.

رسانه‌های حرفه‌ای امروز به‌ویژه تلویزیون‌ها با اتکا به امتیاز «تصویر/تصویرسازی» (*image making*) خود قادرند رابطه‌ای آمرانه از نوع نرم برخلاف آنچه درخصوص عنصر اجبار و سرکوب در رابطه حکومت‌ها با شهروندانشان دیده می‌شود، برقرار کنند. این اقناع‌گاه آنقدر فراتر از قدرت سخت‌افزاری دولت‌ها و حکومت‌ها می‌رود که به دور زدن ماکروفیزیک قدرت به وسیله میکروفیزیک قدرت می‌انجامد. در این فرایند، ارتباط‌گیری تهییجی و اقناعی میان شهروندان و قدرت رسانه‌ای به‌طور مستقیم و بدون اجازه یا صلاح‌دید حاکمان و دولت‌ها صورت می‌پذیرد.

براین اساس تلویزیون بی‌بی‌سی برآن است که موضوعاتی را درباره ایران در معرض نمایش و تحلیل بگذارد که از ظرفیت و استعداد عبور از ماکروفیزیک قدرت برخوردار باشد. به عبارت دیگر، سوژه‌های برگزیده باید سوژه‌هایی باشند که بتوانند فراتر از

فصل دوم - پیشینه، میانی و ۶۵...

سیاست رسمی و حاکم بر مبادلات سیاسی و اجتماعی داخلی و بین‌المللی کشور راه خود را به اندیشه مخاطبان رسانه‌ای باز کنند! در این فضا قابل فهم است که چرا فیلم و سینمای هالیوود و ایران به یکی از مجاری اصلی ارتباطی میان تهران - واشنگتن فراتر یا فروتر از روابط رسمی بدل می‌شود.

#### ۲-۲-۱۰- روش‌های تبلیغی مورد استفاده از رسانه‌ها به خصوص بی‌بی‌سی

روش‌های تبلیغی با هدف گسترش دایره نفوذ اجتماعی پیام تبلیغی و درنوردیدن عرصه‌های متنوع مناسبات اجتماعی مطرح می‌شود و شامل موارد زیر است:

۱. روش نفی و اثبات

۲. روش شرطی‌سازی

۳. روش شناختی

۴. روش ناگهانی

۱. **روش نفی و اثبات:** در این روش شیوه تبلیغ، که قدیمی‌تر از دیگر روش‌هاست، مبلغ می‌کوشد که با نفی پیام‌های رقیب و همه شیوه‌های آن، شیوه و پیام مطلوب خود را اثبات کند، هرچند ممکن است منطق نیرومندی برای اثبات وجود نداشته باشد. معمولاً دستگاه‌های تبلیغاتی می‌کوشند کار نفی و اثبات را با لحنی بی‌طرفانه انجام دهند و دلایل را به‌ظاهر قابل توجیه کنند تا مردم را هرچه بیشتر با خود همراه سازند. گاه ضعف منطق اثباتی با انتشار شایعات و اخبار کذب ترسیم می‌شود.

۲. **روش شرطی‌سازی:** نظریه‌های شرطی‌سازی، یکی از معتبرترین نظریه‌های یادگیری است. در عرصه تبلیغات و به منظور مقبول نمایاندن یک نامزد خاص می‌توان با این روش افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داد. در این الگو بر ویژگی پیام عرضه‌شده و تقویت پاسخ تأکید می‌شود. طرفداران این نظریه مدعی‌اند که اگر اطلاعات کافی

۶۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

درباره مخاطبان در اختیار داشته باشند و منابع لازم هم موجود باشد، امکان آن را دارند که گرایش‌های هر فرد را با استفاده از شیوه‌ها و فنون خاصی تغییر دهند. طبیعی است که مشوق‌هایی که برای تغییر گرایش ارائه می‌شوند، باید قوی‌تر از مشوق‌هایی باشند که وضع موجود را حفظ می‌کند.

۳. **روش شناختی:** این الگو بر تفکر و فرایندهای ذهنی و شناختی افراد تأکید می‌کند. در این روش فرض بر آن است که دانش و سطح آگاهی افراد، مؤثرترین عامل در شکل‌گیری نگرش‌های آنهاست و هرگونه تغییر در نگرش افراد نیز تنها از طریق افزایش سطح آگاهی، دستکاری و تغییر شناخت‌های آنها از محیط، امکان‌پذیر است. پس شرط موفقیت این روش نیز وجود آگاهی‌های کافی درخصوص باورها و نگرش‌های مردم و میزان وفاق و پایداری این نگرش‌ها در سطح عموم است.

۴. **روش ناگهانی:** این روش متأثر از الگوی شناختی در روان‌شناسی به‌ویژه روان‌شناسی گشتالت است. در این روش علاوه بر توجه به ادراک فرد و داوری او در مورد یک پیام، به تعلقات عاطفی نسبت به یک موضوع نیز توجه می‌شود. در واقع اجزای شناختی و عاطفی در این الگو درهم آمیخته‌اند و هر یک می‌تواند دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. همچنان که ملاحظه خواهد شد، نظریه‌های تبلیغ که به‌عنوان یک موضوع میان‌رشته‌ای بین جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مطرح است، در عمل و متأثر از ضرورت‌های اجتماعی، بیشتر به سوی مطالعات در دو حوزه علوم سیاسی و بازرگانی گرایش یافته است. (زورق، ۱۳۶۸: ۵۴)

۲-۱۱- نوآوری‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در سطح محتوا

الف) فرهنگ‌محوری و سیاست‌گریزی ظاهری در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی

بررسی نسبت میان برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تلویزیون بی‌بی‌سی

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۶۷

فارسی نشان می‌دهد که این رسانه کمتر به برنامه‌های سیاسی گرایش داشته و عمدتاً سوژه‌های فرهنگی و اجتماعی را به‌عنوان ملاط و مناط کار رسانه‌ای خود برگزیده است. شاید این رویکرد با شرایط راه‌اندازی آن در ایران مرتبط باشد؛ شاید هم پروژه‌ای بوده که از مدت‌ها پیش طراحی شده است. اما در هر حال مسئولان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در شرایط مقاومت و حساسیت مسئولان وزارت اطلاعات و وزارت ارشاد در مقابل راه‌اندازی تلویزیون، تصمیم به تأسیس شبکه خود کردند. راه‌اندازی تلویزیون مزبور پیشاپیش حاکی از «هراس سیاسی»، «تهدیدانگاری»، «انگاره براندازی نرم» و خاطره تهدید بی‌بی‌سی و فعالیتش در ایران از ماجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۸ گرفته، تا روایت از انقلاب اسلامی و تا شرایط کنونی است. بدین ترتیب از همان ابتدا برچسب «براندازی» بر پیشانی تلویزیون فارسی‌زبان خورده است. تحت چنین شرایط بغرنجی، راه‌اندازان اصلی این تلویزیون براساس سنت دیرینه مسئولان انگلیسی‌تبار خود کوشیدند که حرکت آرام و خزنده خود را آغاز کنند و در یک پاورچین سیاسی به تدریج سایه - روشن تبلیغی خود را بر طرح‌واره‌های ذهنی مخاطب ایرانی بیندازند.

براساس این مقدمه قابل فهم است که چرا تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی از آغاز فعالیت رسانه‌ای خود، برنامه‌هایی را انتخاب کرده است که کمتر مقاومت مخاطبان و مسئولان جمهوری اسلامی ایران را به‌ویژه در خصوص موضوعات سیاسی و امنیتی برانگیزاند. بدین‌سان تحلیل درون‌مایه برنامه‌های رسانه مزبور حاکی از تمرکز ویژه آن‌ها بر مسائل فرهنگی، اجتماعی و اندیشه‌ای است. آنجایی هم که قرار است پیامی سیاسی به مخاطب القا شود این مهم بسیار غیرمستقیم و در لابلای ژست به اصطلاح بی‌طرفانه برنامه خبری «خبر» و سبک ظاهراً دموکراتیک برنامه «صفحه ۲» و تکرار خبر - و نه لزوماً تحلیل - صورت می‌پذیرد.

بدین‌سان با توجه به زمانه و زمینه‌ای که بی‌بی‌سی پا به عرصه فعالیت تلویزیونی به زبان فارسی گذاشته است؛ زمانه‌ای که گفتمان براندازی نرم به گفتمان برتر و مسلط در

## ۶۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

نظام فکری و سیاسی مسئولان جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده، به نظر می‌رسد که تمرکز آن رسانه نوپا نه بر فعالیت سیاسی که بر فرهنگ و اجتماع است. بدین سان در رویکرد راه‌اندازان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان این پیش‌فرض نهفته است که راه سیاست از فرهنگ و جامعه می‌گذرد و تأمین اهداف بلندمدت فرهنگی - اجتماعی در نهایت اهداف کوتاه‌مدت سیاسی را نیز تأمین خواهد کرد. بر این اساس نگاهی گذرا به درون‌مایه مهم‌ترین برنامه‌های این تلویزیون حاکی از رویکرد اساساً فرهنگی آن است. مهم‌ترین برنامه‌هایی که با این رویکرد در شبکه بی‌بی‌سی فارسی پخش شده‌اند به صورت مختصر معرفی می‌شوند:

### ۱. اکران

برنامه اکران یک برنامه ماهیانه است که هر ماه ضمن گفتگو با برخی کارگردانان و بازیگران شهیر هالیوودی آخرین فیلم‌های اکران شده در هالیوود، جوایز اسکار اعطا شده به آن‌ها و... را بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد که هدف پنهان این برنامه ایجاد یک پل ارتباطی میان سینمای بومی و هالیوود است. به عبارت دیگر، این برنامه روکشی بر روند خزنده هالیوودی کردن سینمای ملی ایران و الگوبرداری کارگردانان و بازیگران داخل ایران از هالیوود و رویگردانی از سینمای ملی در بلندمدت است.

### ۲. تماشا

برنامه تماشا برنامه‌ای هفتگی است که به فرهنگ و هنر می‌پردازد. سبک این برنامه گفتگو با برخی هنرمندان و معرفی جدیدترین آثار آن‌ها در عرصه‌های مختلف هنری است.

### ۳. کوک

درون‌مایه این برنامه هفتگی موسیقی است. در این برنامه به رویدادهای جالب در عرصه موسیقی اشاره و جدیدترین موزیک ویدئوهای روز از آن پخش می‌شود.

فصل دوم - پیشینه، میانی و ۶۹...

مصاحبه با خوانندگان و نوازندگان معروف و ترجیحاً نوپای ایرانی، افغان و تاجیک نیز یکی از محتویات این برنامه است. همچنین معرفی جدول پرفردارترین ترانه‌های هفته نیز یکی دیگر از بخش‌های این برنامه است. این برنامه در پیگیری اهداف رسانه‌ای خود تکنیک‌ها و روش‌های خاصی را در دستورکار خود قرار داده است:

#### - تکنیک دوربین دوم

این برنامه می‌کوشد که خوانندگان لس‌آنجلسی را از نگاه دوربین دوم به تصویر بکشد. در نگاه دوربین دوم، به‌عنوان یک دوست شفیق، همخانه و همنشین صمیمی به گوشه‌های پنهان زندگی شخصیت رسانه‌ای و هنری سرک می‌کشد؛ با او می‌خندد، می‌خواهد و درد دل می‌کند. براین اساس، بلور بنفش بر آن است تا با همذات‌پنداری خاصی که میان خود و خوانندگان لس‌آنجلسی برقرار می‌کند میان بی‌بی‌سی و مخاطب پل ارتباطی قوی‌تری برقرار کند.

#### - تکنیک تشبث به شهرت

تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان رسانه نوپایی است که به منظور تسهیل جریان ارتباط با مخاطب و کوتاه کردن زمان کسب اعتبار رسانه‌ای در میان فارسی‌زبانان باید به شهرت و محبوبیت برخی چهره‌ها چنگ بزند تا از این طریق راه ورود خود را به خانه‌های مخاطبان و نشستن در نقشینه ذهن آن‌ها باز کند. به این ترتیب، در برنامه کوک، «لیلا فروهر» و «منصور» به‌عنوان نمونه‌ای از چهره‌هایی که هم به محبوبیت تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی کمک می‌کنند و هم خود بر محبوبیتشان از قبل این برنامه می‌افزایند، مورد توجه قرار گرفته است.

#### - تکنیک الگوسازی

برنامه کوک براساس این تکنیک، خواننده‌های لس‌آنجلسی مانند «فروهر»، «ابی» و «منصور» را نماینده دغدغه‌های واقعی جوانان، شاد بودن، شاد زیستن و متفاوت بودن

۷۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

معرفی می‌کند. این برنامه سبک و سیاق زندگی خوانندگان لس‌آنجلسی را به مثابه الگویی برای جوانان ایرانی معرفی می‌کند.

### - تکنیک شلوغ‌نمایی

در شرایطی که پس از ورود موج جدیدی از خوانندگان محبوب پاپ در ایران، برخی خوانندگان لس‌آنجلسی به حاشیه رفته و دیگر محبوبیت چندانی دست‌کم در میان جوانان داخل ایران ندارند، تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان براساس تکنیک شلوغ‌نمایی می‌کوشد که این خوانندگان را در زمان کنونی اثرگذار و فربه‌تر از آنچه واقعاً هستند، نشان دهند. به‌عنوان نمونه، مجری کوک در یکی از برنامه‌ها کمی از منصور فاصله گرفته و به‌گونه‌ای در مقابل دوربین سخن می‌گوید که گویی زندگی عادی منصور و رفاه و استراحت وی مورد علاقه زیاد دوستدارانش قرار گرفته است به‌طوری که وی قبل و بعد از کنسرت‌هایش می‌کوشد که به دور از چشم هوادارانش رفت‌وآمد کند!

### ب) تمرکز بر مخاطب جوان

تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به‌گونه‌ای برنامه‌سازی می‌کند که گویی در میان برنامه‌هایش جایی برای مخاطبان پیر وجود ندارد. در حقیقت، هرچند این رسانه مخاطبان خود را آشکارا معرفی نمی‌کند اما رصد موضوعات برنامه‌ها و مخاطبان هدف این برنامه و مشارکت‌کنندگان برنامه‌ها نشان می‌دهد که جمعیت آماری اصلی این رسانه، جوانان و نسل سوم هستند. در این جهت درون‌مایه برنامه‌هایی مانند نوبت شما، امروزی‌ها، کوک و تخت‌گاز نشان می‌دهد که جذابیت این برنامه‌ها عمدتاً برای نسل سوم است. از این‌رو، جوانان در کسوت مخاطب اصلی، روند کلی و بن‌مایه برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. به‌عنوان نمونه، برنامه روزانه «نوبت شما» در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۳۰ سوژه «امید به آینده» را به‌عنوان موضوع برنامه

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۷۱

انتخاب کرده است. یکی از شاخص‌های بسیار کلیدی در میان جوانان و جامعه‌شناسی جوانان هر جامعه، شاخص «امید» و «امیدواری» است که توجه هر رسانه به آن سوژه‌ای جذاب و درخور توجه برای جوانان خواهد بود. «نوبت شما» این تاریخ برنامه خود را این پرسش قرار داد: «به آینده‌تان چقدر امیدوارید؟» این پرسش فارغ از پاسخ‌هایی که به آن داده می‌شود حاکی از رویکرد عمیق نظریه‌پردازان بی‌بی‌سی به مسائل جوانان و رویکرد ایجاد شبکه ارتباطی و اقناعی در میان جوانان ایرانی است. به عبارت دیگر، امید و ناامیدی، خوش‌بینی و بدبینی به آینده جوانانی که در شرف ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی هستند، نشانه‌ای از وفاداری به اهداف، آرمان‌ها، ارزش‌ها و وعده‌های جمهوری اسلامی ایران یا گسست از آن‌ها به شمار می‌رود.

محور اصلی تبلیغی که به تلویح یا در مواقعی حتی به تصریح از دل این برنامه ۵۰ دقیقه‌ای بیرون کشیده می‌شود در چند جمله ذیل خلاصه می‌شود:

- بیم‌ها و امیدهای جوانان داخل ایران در مقایسه با امیدهای جوانان ایرانی مقیم غرب سنجیده می‌شود. این مقایسه به گونه‌ای صورت می‌گیرد که نوعاً ناامیدی جوانان در داخل و امیدواری جوانان در خارج را به شکل بسیار ملایمی به مخاطب القا می‌کند.

- فرصت‌های نابرابر میان جوانان داخل ایران و جوانان ایرانی غرب‌نشین به‌ویژه مقیم آمریکا به مثابه عاملی در نظر گرفته می‌شود که در نومی‌دی جوانان داخل و گرایش آن‌ها به مخالفت با نظام اسلامی یا مهاجرت به خارج از کشور نقش دارد. این نومی‌دی در داخل تا حدی پیش می‌رود که «استخدام در ارتش آمریکا» به منظور برخورداری از یک سلسله مزایا به‌عنوان «آرزوی جوان ایرانی» مطرح می‌شود!

۲-۲-۱۲- استفاده از قواعد تبلیغاتی در برنامه‌های شبکه بی‌بی‌سی فارسی

#### ۱. قاعده ایجاد شرایط سرایت روانی

در این تکنیک رسانه شرایطی را ترسیم می‌کند که مخاطب را در فضای جمعی قرار



## ۷۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

داده و فرد هم‌نوا با جمع به رفتارهای جمعی مبادرت می‌کند. شبکه بی‌بی‌سی فارسی با القای هم‌زمان چند محور، از این تکنیک استفاده می‌کند. این رسانه اولاً، با ترسیم محدودیت رسانه‌ای در انعکاس وقایع برای خبرنگاران رسمی، بخش‌هایی از اخبار و تصاویری را انعکاس می‌دهد که شهروند - خبرنگاران با تمام محدودیت به تهیه آن مبادرت ورزیده‌اند تا به مخاطب القا کنند که سطح و گستردگی اتفاقات در موارد خاص نظیر اغتشاشات پس از انتخابات در ایران، فراتر از آن است که با یک موبایل ضبط شده باشد. ثانیاً، تصاویر ارسالی توسط شهروند - خبرنگار را ناب و بدون دخل و تصرف می‌داند تا مخاطب به درستی آن اعتماد کند. ثالثاً، با گزینش و نشان دادن بخش‌های احساسی و هیجانی اعتراضات و راهپیمایی‌ها (کتک خوردن معترضان، شعار دادن آن‌ها، فرار یا تعقیب و گریز پلیس و مردم<sup>۱</sup> و...)، مخاطب را همدل با معترض نمایش دهد و سرانجام با تکرار این تصویرها و گزارش‌ها ذهنیت افراد جامعه را برای کنش جمعی آماده و شرایط جامعه را بحرانی نشان می‌دهد. همچنین این شبکه در پرداختن به ماهیت جنبش سبز به رفتارهای مسالمت‌آمیز و اعتراض‌های مدنی آن‌ها تأکید می‌کند و از این طریق هزینه‌های مشارکت در اعتراضات را در نظر مخاطبان خود پایین می‌آورد.

در نتیجه ترسیم شرایط با ویژگی‌های اشاره‌شده، شرایط سرایت روانی اعتراضات فراهم می‌شود و مخاطبان با تلقی بی‌ثباتی در جامعه احساس همبستگی خود را نسبت به توده‌های معترض افزایش داده و خود را جزو توده‌ای عظیم تصور می‌کنند و به محض تقارن وعده‌های حضور دست به اقدامات، شعارها و رفتارهایی می‌زنند که قبل از راهپیمایی کمتر از آن‌ها دیده شده است. جالب آنکه در شرایط سرایت روانی ممکن

---

۱. بی‌بی‌سی فارسی از این تکنیک در راهپیمایی‌های پس از انتخابات به‌کرات استفاده می‌کرد. در برنامه نوبت شما یا در هر فرصت دیگری با قطع برنامه در حال پخش و با تماس با فردی که «می‌خواست ناشناس بماند»، از راهپیمایی‌ها و تجمعات تهران یا شهرستان‌ها گزارش زنده می‌گرفت. در بیشتر مواقع فرد گزارشگر، با بیان این که هم‌اکنون در راهپیمایی شرکت دارد اطلاعاتی از مناطق درگیری، تعداد مردم و مأموران اراده می‌داد و در حالی که فرد مورد نظر نفس نفس می‌زد بیان می‌کرد که در حال فرار است و در زمینه آن هم صدای شعار دادن مردم به گوش می‌رسد.

فصل دوم - پیشینه، میانی و ... ۷۳

است که فرد تحت تأثیر فضای ایجاد شده، مبادرت به انجام عملی کند که در شرایط عادی با آن مخالف است.

به عنوان مثال، می توان به «سرخط خبرهای» مورخ ۸۸/۴/۳۰ شبکه بی بی سی فارسی اشاره کرد که در آن پس از اعلام خبر کشته شدن «محمد کامرانی»، تصاویری از «ندا آقا سلطان»، «سهراب اعرابی» و ضجه های مادر او بر سر مزارش نیز پخش می شود و تداوم جریان کشته شدن جوانان را - در خدمت ایجاد سرایت روانی - القا می کند.

## ۲. قاعده مربوط به اعتبار منبع

یکی از نقاط قوت شبکه بی بی سی فارسی، استفاده از اندیشمندان، محققان و کارشناسان صاحب نام و مشهور، هم در تحلیل مسائل روز و هم در تولید برنامه ها است. «صفحه ۲» برنامه ای است که در این جهت قابل بررسی است. در این برنامه مدعوین دو مشخصه دارند: یکی این که از چهره های مهم دانشگاهی و پژوهشگرانی هستند که وجه ممیزه آنها علمی بودن است؛<sup>۱</sup> دوم این که عده ای از کارشناسان<sup>۲</sup> به طور مداوم در بخش تحلیلی خبرهای بی بی سی حضور دارند که به لحاظ حضور مداوم و فعالیت در شبکه جزو کارشناسان و متخصصانی هستند که وجه ممیزه آنها متخصص بودن آنهاست، از این رو مخاطب همواره به طور ضمنی علمی بودن و تخصصی بودن برنامه را می پذیرد.

«به عبارت دیگر» برنامه دیگری از شبکه بی بی سی فارسی در همین چارچوب است. در این برنامه بیشتر از شخصیت های سیاسی و فرهنگی<sup>۳</sup> دعوت می شود. به بیان دیگر، در این برنامه کسانی حضور دارند که نفس حضور آنها اهمیت دارد و مخاطب به محض اطلاع از مهمانان برنامه ضرورت دیدن آنها حس می کند؛ به تعبیر دیگر، مهمانان

۱. افرادی مانند: عطاءالله مهاجرانی، عبدالکریم سروش، ماشاءالله آجودانی، همایون کاتوزیان، یوسفی اشکوری، شیرین عبادی، دکتر میلانی، دکتر محسن کدیور، دکتر زیباکلام، ماشاءالله شمس الواعظین، محمد جواد اکبرین و...

۲. افرادی مانند: حسین باستانی احمد سلامتیان، مسعود بهنود، صادق صبا، جمشید برزگر و ...

۳. افرادی مانند: فرح دیبا، اردشیر زاهدی، پرستو فروهر (در مورد قتل های زنجیره ای)، ابراهیم گلستان (روزنامه نگار و عکاس)، راجر کوپر و...

این برنامه شخصیت‌هایی هستند که مخاطب به‌سختی می‌تواند در جایی غیر از شبکه بی‌بی‌سی به آن‌ها دست یابد. پس در این برنامه احساس نیاز ایجاد می‌شود. از دیگر ویژگی‌های این برنامه، اطلاع‌رسانی و تبلیغ آن در طول هفته است که بر اهمیت آن می‌افزاید.

به‌طور کلی در این دو برنامه شبکه بی‌بی‌سی فارسی با ابزارهای علمی، تخصصی، کمیاب و نو به اعتبار منابع خود و تأثیرگذاری برنامه‌هایش می‌افزاید. از دیگر شیوه‌هایی که شبکه بی‌بی‌سی فارسی با استفاده از آن‌ها اعتبار منابع خود را ارتقا می‌دهد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از آرشیو خبرهای شبکه خبر: شبکه بی‌بی‌سی فارسی تا آنجا که بتواند ارجاعات خود را به اخبار و سخنرانی‌هایی که از شبکه خبر پخش می‌شود، نسبت می‌دهد. به‌عنوان مثال، بسیاری از سخنرانی‌ها و بیانات مقام معظم رهبری را از شبکه خبر می‌گیرد. شبکه بی‌بی‌سی فارسی، شبکه خبر را به لحاظ میزان پوشش پخش خارجی این شبکه، معتبرتر تشخیص داده، به آن ارجاع می‌دهد و تفسیر و تحلیل خود را بر آن بار می‌کند. نشان دادن آرم شبکه خبر باعث می‌شود که مخاطب ایرانی در صحت خبر تردید نکند.

- از دیگر منابعی که شبکه بی‌بی‌سی فارسی استفاده می‌کند، خبرگزاری «فارس» - به‌عنوان یک خبرگزاری نیمه‌دولتی - است تا به مخاطب القا کند که اخبار و اطلاعاتی که دریافت می‌کند، از منابع دولتی و رسمی است نه سایت‌های مخالف دولت؛ پس اگر کذب و نامعتبر باشد، لزوماً رسانه‌های دولتی زیر سؤال هستند نه شبکه بی‌بی‌سی فارسی که به آن‌ها ارجاع داده است. لازم به یادآوری است که بیشتر از اخبار بدون حساسیت زیاد خبرگزاری فارس (نظیر اخبار اقتصادی) استفاده می‌شود و کمتر تحلیل و تفسیر می‌شود. به‌طور کلی استفاده و ارجاع به رسانه‌های دولتی به‌خاطر اعتبار و فراگیری این رسانه‌هاست.

### ۳. قاعده قرارداد هدف در پس زمینه

به نظر می‌رسد که اهمیت یافتن و فراگیر شدن استفاده از شبکه بی‌بی‌سی فارسی در ایران مرهون این تاکتیک است که اهداف خود را به صورت پنهانی و بلندمدت دنبال می‌کند. با توجه به حساسیت فرهنگی ایرانیان نسبت به نفوذ و دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران، دست‌اندرکاران این شبکه از چند طریق اهداف خود را در بین مخاطبان به صورت پنهان دنبال کرده‌اند. از جمله آنکه این شبکه از «منشور بی‌بی‌سی فارسی و اخلاق حرفه‌ای» برای سرپوش گذاشتن بر اهداف خود استفاده کرده، در قالب طرح کلی «بی‌طرفی» به تحلیل مسائل داخلی و بین‌المللی مرتبط به ایران پرداخته و با سیاست «یکی به نعل و یکی به میخ» جریان و خط خود را دنبال کرده است. به تعبیر دیگر، این شبکه با برجسته کردن مشی بی‌طرفی، عملاً به طرفداری خود وجهه اخلاقی و قانونی بخشیده است.

از جمله اهدافی که این شبکه در پس زمینه قرار می‌دهد؛ ناکارآمد جلوه دادن دولت در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع است. شبکه بی‌بی‌سی فارسی این اهداف را از طریق شبیه‌سازی و مقایسه با کشورهای دیگر از جمله غرب و همسایگان دنبال کرده است.

این شبکه همچنین برای القای تمامیت‌خواه، اقتدارطلب و ناقض حقوق بشر بودن نظام ایران به پخش مداوم زندان، شکنجه و اعدام در ایران، به خصوص در حوادث بعد از انتخابات، و نمایش خشونت پلیس و لباس شخصی‌ها با مردم، پرداخته و این مسائل را به عنوان نقض حقوق بشر در ایران برجسته کرده است.

این شبکه برای جلوگیری از دست‌یابی ایران به دانش هسته‌ای، مسائلی چون سلاح هسته‌ای، ایران‌هراسی، محو اسرائیل و خطر ایران برای صلح جهانی را با طرح نکات زیر برجسته می‌کند:

- آزمایش موشک هوا به زمین در ایران

- مخفی‌کاری در برنامه هسته‌ای ایران
- برنامه هسته‌ای ایران عامل بی‌ثباتی در منطقه
- عدم اعتماد جامعه جهانی به برنامه هسته‌ای ایران
- لزوم توقف غنی‌سازی و رفع نگرانی‌های جهانی
- تردید در علمی بودن برنامه‌های فضایی ایران

به نظر می‌رسد که یکی از اهداف بلندمدت شبکه بی‌بی‌سی فارسی ترویج سکولاریسم است. از این رو این شبکه در تلاش می‌کند که تا قواعد بین‌المللی و سیاسی وارد ادبیات عامه شود. مثلاً در سیاست خارجی، به جای تحلیل رفتار ایران براساس ارزش‌ها و آرمان‌ها، آن‌را با گفتمان منفعت‌محوری تحلیل می‌کند و از این طریق رفتار مبتنی بر ارزش‌های دینی و آرمان‌های ملی در سیاست خارجی را با توجیه منافع ملی مورد تردید و نقد قرار می‌دهد. از سوی دیگر، با پیوند دادن مشروعیت و کارآمدی، ضعف و ناکارآمدی دولت و نظام در برخی زمینه‌ها را با کاهش مشروعیت نظام و ولایت فقیه مرتبط می‌کند.

شبکه بی‌بی‌سی فارسی برای استبدادی نشان دادن نظام سیاسی و نمایشی بودن نهادهای متولی اراده عمومی، عملکرد مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و... را از طریق گفتگو با محققان دانشگاهی و متفکران سیاسی و دینی زیر سؤال می‌برد. به عنوان مثال، در مورد پایه‌های دینی نظام با یوسفی اشکوری، درباره منبع مشروعیت جمهوری اسلامی با سروش، در مورد پایه‌های جمهوریت و مردمی نظام با ماشاءالله آجودانی و در مورد استبداد نظام با همایون گفتگو کرده و با تعبیری چون حاکم شدن فضای نظامی و امنیتی، محو جمهوریت، فراقانونی بودن دولت و شبیه‌سازی حوادث اخیر با سابقه تاریخی ضدیت با دولت استبداد و هرج و مرج طلبی اهداف اصلی خود را در پس زمینه قرار می‌دهد.

به عنوان نمونه، در اکثر برنامه‌های «نوبت شما» از این تکنیک استفاده می‌شود. مثلاً

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۷۷

می‌توان به برنامه «نوبت شما» در مورخ ۸۸/۴/۲۳ اشاره کرد که با این مقدمه آغاز شده است: «درست ۲۶ سال پیش در چنین روزی «مجلس خبرگان قانون اساسی» با اسم تازه «مجلس خبرگان رهبری» آغاز به کار کرد تا در صورت فوت، کناره‌گیری یا عزل رهبری، رهبر جدیدی برای جمهوری اسلامی تعیین کند. این مجلس مهم‌ترین نماد قانونی در ساختار سیاسی نظام است؛ اما بعضی منتقدان معتقدند که شیوه تأیید صلاحیت نمایندگان مجلس خبرگان طوری است که امکان عملکرد مستقل و غیرجانبدارانه را از آن‌ها می‌گیرد. نظر شما چیست؟»

در ادامه این برنامه در قالب صحبت‌ها و تبادل نظرهای مخاطبان و جهت‌گیری‌های پنهان و ظریف مجری، اعتقاد منتقدان تأیید می‌شود.

در برنامه «نوبت شما» مورخ ۸۸/۴/۳۰ نیز با موضوع «همه‌پرسی»، هدف «زیر سؤال بردن بی‌طرفی همه نهادها و ارگان‌های نظام» در پس‌زمینه قرار می‌گیرد.

#### ۴. قاعده استفاده از ارزش‌ها برای اثرگذاری در نگرش‌ها

شبکه بی‌بی‌سی فارسی با عدم پرداختن به ارزش‌های اسلامی، چارچوب ارزشی مورد نظر خود را بر مواردی نظیر دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و... استوار کرده است. به‌عنوان مثال، در بحث «حقوق بشر»، شبکه بی‌بی‌سی فارسی، حقوق بشر را به‌عنوان ارزشی عام و جهانشمول معرفی می‌کند که در ایران رعایت نمی‌شود. این شبکه براساس برخی مستندات نشان می‌دهد که دولت ایران برخورد دوگانه‌ای نسبت به معیارهای حقوق بشر دارد؛ اعمال خشونت‌ها و بازداشت‌های انجام شده در جریان اغتشاشات را نشان می‌دهد و دولت را از جمله دولت‌های ناقض حقوق بشر معرفی می‌کند. به تعبیری دیگر، ارزش احترام به حقوق و کرامت انسان به‌عنوان ارزشی جهانشمول برجسته می‌شود؛ به برخی شواهد استناد می‌شود تا نگرش مخاطب در مورد ایران به‌عنوان ناقض حقوق بشر تحت تأثیر قرار گیرد.

این تکنیک را می‌توان در مورد برجسته‌سازی نقض حقوق زنان از یک‌سو و افزایش مطالبات آن‌ها از سوی دیگر در برنامه‌های این شبکه نیز مشاهده کرد. این شبکه به خاطر خبری بودن می‌تواند موارد متعددی از نقض حقوق زنان در اخبار و گزارش‌ها ارائه کند همچنین در قالب برنامه‌های تولیدی نیز به حقوق و مطالبات آن‌ها بپردازد. به‌عنوان مثال، می‌توان برنامه‌های تولیدی این شبکه را در مورد وضعیت زنان در کشورهای جهان سوم و مسلمان مورد توجه قرار داد. در این برنامه‌ها با نمایش وضعیت زنان در کشورهای مختلف از جمله کنگو، موریتانی، ترکیه و... نقض حقوق زنان در کشورهای مسلمان تحت تأثیر قوانین و احکام اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این شبکه قوانین مربوط به زنان را در کشورهای اسلامی ناعادلانه، خشن و تغییرناپذیر تصویر می‌کند و بر عادلانه و انسانی بودن کنوانسیون‌های بین‌المللی در دفاع از انسان به مثابه انسان در کشورهای پیشرفته تأکید می‌کند.

در مورد استفاده از ارزش‌ها برای اثرگذاری بر نگرش‌ها می‌توان به اخبار مورخ ۸۸/۴/۲۷ شبکه بی‌بی‌سی دربارهٔ دستگیری «شادی صدر» - وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان - اشاره کرد که طی آن اعلام می‌شود که وی - که قرار بود به خاطر بیماری یک هفته بعد مورد عمل جراحی قرار بگیرد - در حال رفتن به نماز جمعه توسط لباس شخصی‌ها دستگیر شده و خانه و وسایل شخصی‌اش مورد تفتیش قرار گرفته است.

##### ۵. قاعدهٔ اصل سادگی در پیام

حتی زمانی که شبکه بی‌بی‌سی فارسی به مسائل پیچیدهٔ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد، از زبان ساده و همه‌کس فهمی استفاده می‌کند که دو کاربرد باریک دارد: یکی جلوگیری از دلزدگی مخاطبان عام از طرح این بحث‌ها و دیگری گزینش بخش‌های مورد نظر شبکه از این بحث‌ها در قالب ساده‌سازی و حذف سایر بخش‌ها. استفاده از ضرب‌المثل‌ها و گفتگوهای کوتاه - بازاری در اجرای برخی برنامه‌های این شبکه (نظیر

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۷۹

نوبت شما) روابط مبتنی بر صمیمیت و همدلی با مخاطب عام ایجاد می‌کند. به‌عنوان نمونه‌ای عینی از استفاده از این تکنیک می‌توان به طرح بحث‌هایی درباره «ولایت فقیه» و «مشروعیت و مقبولیت نظام» در برنامه‌های مورخ ۸۸/۴/۲۳ (در برنامه‌های «نوبت شما» که محل اظهارنظر مخاطبان معمولی برنامه است) و ۸۸/۴/۲۷ (با کارشناسانی سیاسی) اشاره کرد که با ساده‌سازی بحث‌های فقهی موجود در این زمینه، جهت مورد نظر شبکه بی‌بی‌سی فارسی را به این مسائل می‌دهند.

## ۶. قاعده استفاده از نمادهای جایگزین

این تکنیک به دو صورت عمل می‌کند: یکی همنشینی نمادها و دیگری جاننشینی نمادها.

شبکه بی‌بی‌سی فارسی در صدد است تا با همنشین کردن دو یا چند عنصر متفاوت یا متعارض در کنار هم نتیجه دیگری استنتاج کند و از این طریق به‌طور ضمنی اهدافش را بیان کند. برای این تکنیک نمونه‌های متعددی را می‌شود ذکر کرد. مثلاً در برنامه‌های شبکه برای القای تهدیدآمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، انرژی هسته‌ای همنشین با بمب هسته‌ای و آزمایش ماهواره امید، بازنمایی می‌شود. همچنین نگرانی جامعه جهانی از برنامه‌های هسته‌ای ایران با سیاست افراطی و ماجراجویانه آقای احمدی‌نژاد و تلاش در جهت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای برای اجرای این سیاست‌ها (از جمله سیاست محو اسرائیل) پیوند داده می‌شود.

همنشینی خودرأیی احمدی‌نژاد با مطیع بودن کابینه با هدف القای دولت ناکارآمد و همنشینی دادگاه‌های اخیر در ماجرای اغتشاشات پس از انتخابات ایران با دادگاه‌های دوره استالین با هدف القای جو خفقان، نمونه‌های دیگری برای استفاده از این تکنیک در برنامه‌های شبکه محسوب می‌شود.

همنشینی نظارت استصوابی شورای نگهبان با توهین به فهم مردم، ضایع شدن



۸۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

حقوق آنان، نقض فرایند دموکراسی، مثالی دیگر از استفاده از این تکنیک است. شبکه بی‌بی‌سی فارسی نظارت استصوابی را ابزاری برای جانبداری و عملکرد سلیقه‌ای می‌داند که به رد صلاحیت‌های فله‌ای مبادرت می‌کند.

در تکنیک جانشینی، مفاهیم بیشتر از زبان مخالفان مطرح می‌شود تا رسانه بی‌طرف جلوه کند. جانشینی نماد سبز با همه نیروهای معترض و مخالف در هر سطح و با طرز فکرهای مختلف را می‌توان مثالی از استفاده از این تکنیک دانست.

شاید بتوان ادعا کرد که قتل «ندا آقا سلطان» اوج نمادسازی شبکه بی‌بی‌سی فارسی بود. ندا آقا سلطان، نماد نقض حقوق بشر در ایران و مظلومیت معترضان و مردم عادی، ندای اعتراض و... شد و انعکاس تصویری مکرر لحظه کشته شدن او، نیروهای حاضر در صحنه (لباس شخصی‌ها و بسیج) را مورد اتهام قرار داد. این نماد چنان قوی بود که قدرت را در دستان خالی نشان می‌داد و همه عوامل حافظ وضع موجود را به چالش می‌کشاند. شبکه بی‌بی‌سی فارسی با مانور رسانه‌ای روی این واقعه توانست دیگر تکنیک‌های تبلیغی نظیر برانگیختن احساسات و عواطف و اثبات بخشی از ادعا برای اثبات کل آن (در مورد تعداد کشته‌ها یا نقض حقوق بشر)، اعتبار منبع را جا بیندازد و به‌خاطر زن بودن وی، احساسات مخاطبان را به شدت برانگیزد.

#### ۷. قاعده برچسب زدن مثبت یا منفی

شبکه بی‌بی‌سی فارسی در اغلب موارد به دیگران برچسب می‌زند تا ضمن این کار بی‌طرفی خود را نیز القا کند. از برچسب‌زنی‌های این شبکه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- خودرأیی، جنجال‌طلبی و بحران‌آفرینی را از ویژگی‌های احمدی‌نژاد (برای این‌که ریشه همه بحران‌ها را متوجه رئیس دولت کند) مطرح می‌کند.

- وزرای دولت به‌عنوان وزرای حلقه‌به‌گوش و مطیع نامیده می‌شوند.

- منتقدان دولت با برچسب مثبت پژوهشگر، کارشناس، فیلسوف، محقق دینی و...

مورد اشاره قرار می‌گیرند.

- برخی برچسب‌ها در قالب پخش شعارهای معترضان به نتیجه انتخابات مطرح می‌شود: «مرگ بر دیکتاتور» (درباره احمدی‌نژاد)، «ما اهل کوفه نیستیم، پول بگیریم بایستیم» یا «ما اهل کوفه نیستیم، پشت یزید بایستیم» (برای نیروهای بسیجی و حامیان دولت) این برچسب زدن‌های منفی به رهبران اصولگرایان و نیروهای حامی دولت را شبکه بی‌بی‌سی فارسی ابداع نکرده است، بلکه از معترضان اقتباس می‌کند تا ضمن نشان دادن بی‌طرفی، رئیس‌جمهور و حامیان او را با این برچسب‌ها به مخاطبان معرفی می‌کند.

- برجسته‌شدن تعبیر «خس و خاشاک» احمدی‌نژاد در مورد معترضان خیابانی، نمونه‌ای دیگر از استفاده این شبکه از برچسب‌هاست. شبکه بی‌بی‌سی فارسی از این تعبیر به صورت عملیات روانی برضد دولت استفاده کرد. این تعبیر اولین برچسب منفی بود که دولت به معترضان زد و رسانه بی‌بی‌سی فارسی برای شعله‌ور کردن جنبش اعتراضی ماهرانه آن را برجسته کرد و از این برچسب برای اهداف خود استفاده کرد.

- «انقلاب مخملی» دیگر برچسب استفاده شده از سوی این شبکه است. شبکه بی‌بی‌سی فارسی این برچسب را از سوی اصولگرایان برای اصلاح‌طلبان مطرح می‌کند و با تفسیرها و تحلیل‌های خود از یک سو بر خودجوش بودن اعتراضات مردم و عدم وابستگی رهبران جنبش به کشورهای دیگر تأکید می‌کند و از سوی دیگر این گزاره را برجسته می‌کند که اگر کسی به احقاق حقوق خود و مردم اقدام کند همیشه از سوی نظام‌های سیاسی در ایران به وی انگ و وابستگی و... زده می‌شود تا بشود با او برخورد قهرآمیز کرد. به عبارت دیگر، شبکه از یک سو برچسب «انقلاب مخملی» را که به معترضان زده می‌شود با همنشین کردن با «توهم توطئه» خنثی می‌نماید و از سوی دیگر استفاده از این برچسب در رسانه ملی را حاکی از جانبداری این رسانه و نقل آن را نشان بی‌طرفی خود می‌داند.

- «لباس شخصی»: شبکه بی‌بی‌سی فارسی این برچسب را برای تخریب وجهه

نیروهای حافظ نظم بدون لباس فرم به کار می‌گیرد و آن‌ها را طیف گسترده‌ای از وزارت اطلاعات، بسیجی‌ها، انصار حزب‌الله تا بخشی از نیروهای انتظامی بدون لباس فرم معرفی می‌کند که در کنار نیروی انتظامی به سرکوب مردم مشغول‌اند. همچنین «لباس شخصی‌ها» به‌عنوان نماد برخورد غیرمسئولانه با معترضان، با خشونت و سرکوب هم‌نشین شده و رفتارشان در قبال دانشجویان معترض برجسته‌سازی می‌شود. به همین جهت است که مثلاً ۱۸ تیر به‌عنوان نمادی از حمله لباس شخصی‌ها به کوی دانشگاه در ذهن مخاطب تداعی می‌کند و با نشان دادن و متهم کردن حمله به کوی دانشگاه تهران، اصفهان و شیراز پس از اعلام نتایج انتخابات ایران توسط افراد لباس شخصی، این تصویر در ذهن مخاطبان تداوم می‌یابد تا تأییدی باشد بر این ادعا که در اعتراضات اخیر به نتایج انتخابات، دانشجویان نیز قربانی افراد غیرمسئول شده‌اند.

- برچسب زدن به دولت: بنیان این برچسب‌ها همان نقدهای بنیادی علما و دانشمندان ایران از سید جمال‌الدین اسدآبادی (از دوره قاجار) تا انقلاب اسلامی و ایران امروز است: مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی - که البته تأکید شبکه بی‌بی‌سی فارسی بر مبارزه با استبداد داخلی است.

- در استفاده از این برچسب بر بحران‌آفرینی و جنجال‌گرایی احمدی‌نژاد در برابر قدرت‌ها و کشورهای دیگر با القای قربانی کردن منافع ملی کشور تأکید می‌شود.

- «دولت کودتا» (تقلب در انتخابات و کودتای اصولگرایان): این برچسب‌ها با پخش مکرر شعار «دولت کودتا؛ استعفا استعفا» از زبان معترضان در این شبکه به‌طور جدی استفاده می‌شود. شاید بتوان گفت که برای تخریب دولت فعلی، از برچسب «دولت کودتا» بیش از هر برچسب دیگری در تحلیل‌ها استفاده می‌شود. این برچسب هم از زبان تحلیلگران و کارشناسان و هم از زبان مخاطبان در ارتباطات مردمی به‌طور مرتب تکرار می‌شود.

## ۸. قاعده تعمیم جذابیت

مهم‌ترین نمونه‌های استفاده از این تکنیک را می‌توان در موارد زیر اشاره کرد:

- شبکه بی‌بی‌سی فارسی، حرکت معترضان به انتخابات را «جنبشی اجتماعی» معرفی می‌کند که در عین آرامش، خواسته‌های خود را طلب می‌کند. همچنین جنبش سبز، جنبش اعتراضی مسالمت‌آمیز برای احقاق حقوق ملت از سوی شبکه معرفی می‌شود. اصطلاح «نافرمانی مدنی» نیز در همین چارچوب مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- شبکه با استفاده از اصطلاح «جلب اعتماد عمومی» - اصطلاحی که همواره از سوی سران و برخی جریان‌ها و شخصیت‌ها برای بازگرداندن آرامش به جامعه استفاده شده - جریان حاکم را در موضع دفاعی قرار داده، عملکرد مسئولان حاکم (دولت) را موجب ایجاد فضای بی‌اعتمادی در جامعه قلمداد می‌کند.
- از این تکنیک در انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به نماز جمعه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (محل اعتراض جریان مخالفان) نیز استفاده شد. گفتارها و راهکارهای هاشمی در این نماز جمعه از جمله «مشروعیت حاکم با رأی مردم» بارها برجسته شد تا مشروعیت زمینی (نه مشروعیت الهی) و لزوم نظارت‌پذیری، انتقاد و... در پرتو آن مطرح شود.

## ۹. قاعده انتقال

شبکه بی‌بی‌سی فارسی در تهیه گزارش‌ها بیشتر از این قاعده استفاده می‌کند. به‌عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وقتی شبکه بی‌بی‌سی فارسی چهره مقام معظم رهبری را در حال سخنرانی پخش می‌کند، در مواردی از صفحه اول روزنامه کیهان به نحوی استفاده می‌کند تا بین روزنامه کیهان و مواضع رهبری ارتباط برقرار شود.
- تصویر احمدی نژاد در روابط خارجی در مواردی با «چاوز» نشان داده می‌شود.

- تصویر مهندس موسوی در مواردی با سخنرانی‌اش در ورزشگاه تبریز با حضور ۵۰ هزار طرفدار سبز یا تجمع دیگری از سبزه‌ها نشان داده می‌شود که حاکی از مردمی بودن و طرفداری از اوست و کروی در حوادث بعد از انتخابات اغلب همراه با نامه یا بیانیه‌ای مطرح می‌شود که حاکی از مقاومت و اعتراض او به دولت است. خاتمی نیز اغلب در یک نشست حزبی با چهره‌ای خندان نشان داده می‌شود.

- به‌عنوان نمونه، این شبکه، برپایی جلسه دادگاه بازداشت‌شدگان سیاسی وقایع پس از ۲۲ خرداد، را با دادگاه‌های سیاسی دهه ۱۹۶۰ در چین در جریان انقلاب فرهنگی مائو و دادگاه‌های استالینی در دهه ۱۹۳۰ مقایسه کرد.

#### ۱۰. قاعده اثبات قسمتی از ادعا برای اثبات کل ادعا

شبکه بی‌بی‌سی فارسی از این تکنیک بهره فراوان می‌گیرد. نمونه‌های زیر بارزترین موارد مشاهده شده هستند:

- این شبکه در حوادث پس از انتخابات با نشان دادن مکرر تصویر کشته شدن ندا آقاسلطان، کشته شدن تعداد بسیار زیادی را در این حوادث القا می‌کرد یا با نشان دادن مکرر ضجه‌های مادر سهراب اعرابی بر سر مزار او مادران بسیاری را در وضعیت مشابه ترسیم می‌کرد.

- این شبکه با نشان دادن چند نفر از لباس شخصی‌ها که برخوردهای خشونت‌آمیزی با مردم معترض داشتند، آن‌ها را بسیجی و سپاهی معرفی کرده و به کل بدنه بسیج و سپاه تعمیم می‌دهد.

- شبکه بی‌بی‌سی فارسی برای اثبات خودرأیی رئیس‌جمهور، به رفتار او در ماجرای انتصاب «مشایی» اشاره می‌کند و از این رهگذر رفتار رئیس‌جمهور را در تمام زمینه‌ها توأم با خودرأیی جلوه می‌دهد.

- به‌عنوان نمونه‌ای عینی از استفاده از این تکنیک، می‌توان به برنامه «به عبارت

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۸۵

دیگر» مورخ ۸۸/۴/۲۳ اشاره کرد که در مصاحبه با «پرستو فروهر» - دختر داریوش و پروانه فروهر - و در خصوص واکاوی قتل‌های زنجیره‌ای ۱۰ سال پیش تأکید می‌شود که این قتل‌ها یک کار سازمانی برنامه‌ریزی شده از سوی وزارت اطلاعات برای حذف دگراندیشان بوده است. با اثبات این موضوع به‌طور غیرمستقیم می‌خواهد اثبات کند که عاملان و آمران برخورد با اعضای جنبش سبز افراد همین وزارتخانه بوده‌اند.

- در برنامه مورخ ۸۸/۴/۲۷ در خبر مربوط به نماز جمعه، بعد از نمایش عنوان اصلی روزنامه کیهان در روز شنبه که از قول مردم آورده بود: «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند»، بدون هیچ اظهار نظری، صحنه‌ای از شعارهای معترضان در روز جمعه پخش می‌شود که می‌گویند: «ما اهل کوفه نیستیم، حسین تنها بماند».

- در اخبار همین روز برای اثبات عمیق بودن شکاف و گسست در بین مسئولان نظام، اختلاف نظر آیت‌الله یزدی با آیت‌الله رفسنجانی برجسته می‌شود.

## ۱۱. قاعده تکرار

شبکه بی‌بی‌سی فارسی از این تکنیک استفاده زیادی می‌کند. در هشت ساعت پخش روزانه این شبکه گاه بیش از نصف زمان آن به پخش چندباره - گاه برنامه‌های همان روز - اختصاص می‌یابد. این تکرارها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

### الف) تکرار در مورد اخبار روزانه

خبررسانی اولین وظیفه این رسانه است. در یک نگاه کلی این شبکه در طول هشت ساعت برنامه، اخبار محدودی را گزینش و مرتباً تکرار می‌کند. به این صورت که ساعت پنج و ۵/۳۰ عصر ابتدا عناوین اخبار، سپس مشروح و در نهایت خلاصه اخبار را می‌گوید. این عمل در ساعت شش تکرار می‌شود. در ساعت هفت خلاصه اخبار گفته می‌شود. در ساعت هشت و ۸/۳۰ همانند ساعت پنج عمل می‌شود. در ساعت ۹ عناوین و خلاصه اخبار گفته می‌شود. سپس در برنامه ۶۰ دقیقه ابتدا عناوین و سپس

۸۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

مشروح اخبار به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در ساعت‌های ۱۱ و ۱۱/۳۰ و ۱۲ نیز همانند ساعت ۹ خبر پخش می‌شود. علاوه بر این، عناوین اخبار همزمان با پخش آن به صورت زیرنویس نشان داده می‌شود.

#### ب) تکرار در مورد وقایع

تکرار نقض حقوق بشر با پخش مکرر صحنه‌های خشونت، دستگیری، اعترافات، شکنجه و همچنین تکرار اعتراضات پس از انتخابات معترضین از جمله موارد تکرار وقایع می‌باشد.

#### ۱۲. قاعده برانگیختن احساسات و عواطف

استفاده از این تکنیک توسط شبکه بی‌بی‌سی فارسی را می‌توان در موارد زیر ردیابی کرد:  
- بعد از انتخابات و به راه افتادن موج اعتراضات آنچه برای این رسانه اهمیت داشت، خون بود. به محض زخمی یا کشته شدن یکی از معترضان، صحنه‌های دریافت‌شده چنان پخش می‌شد که احساسات هر بیننده‌ای را جریحه‌دار می‌کرد و با برانگیختن احساسات عده زیادی از جوانان، را به خیابان می‌کشاند.

- وضعیت دستگیرشدگان و خانواده‌های آنان نیز یکی از این تکنیک‌ها بود. نشان دادن صحنه‌هایی مانند فریادهای «یا زینب» مادران و زنان زندانیان اصلاح‌طلب جلوی زندان اوین در واکنش به تذکرات نیروهای پلیس و نیز فریادهای «یا حسین» و «الله‌اکبر» در راهپیمایی‌ها و... احساسات مذهبی و انسانی مردم را برمی‌انگیخت.

- شبکه همچنین تلاش کرد تا هنر موسیقی را در خدمت معترضان به نتایج انتخابات به کار گیرد. موسیقی‌های استفاده شده در شبکه که خصلت عاطفی و هنری داشت، نقش تهییجی برای معترضان ایفا می‌کرد. مضامین خلق شده موسیقی در ناآرامی‌های اخیر دو جهت عمده داشت: یکی اعتراض هنرمندان به سخنان آقای احمدی نژاد به‌ویژه تعبیر «خس و خاشاک» ایشان برای معترضان و دیگری

فصل دوم - پیشینه، میانی و ... ۸۷

موسیقی‌هایی که بعد از کشته شدن ندا آقاسلطان برای جنبش سبز ساخته شد.

### ۱۳. قاعده استفاده از معتقدات قبلی

یکی از شگردهای اصلی شبکه بی‌بی‌سی فارسی این است که با امری که اکثر قشرهای جامعه به آن معتقدند به‌عنوان امری حاشیه‌ای برخورد می‌کند. این شبکه زیاد وارد مسائل دینی نمی‌شود و فقط به بخش‌هایی از این مسائل می‌پردازد که به سیاست ارتباط دارد. به بیان دیگر، در حوزه مسائل دینی، این شبکه به چرایی اعتقادات نمی‌پردازد بلکه به پیامدها توجه دارد. این مسئله را می‌توان در برنامه «نوبت شما» مشاهده کرد. به‌رغم این‌که در طول هفته پنج روز این برنامه پخش می‌شود، اما موضوعات این برنامه بیشتر سیاسی است تا دینی و ... .

با وجود این، شبکه بی‌بی‌سی فارسی، اختلاف نظرهای دینی که رنگ و بوی سیاسی دارد را بیشتر برجسته می‌کند. مثلاً این شبکه برای اعلام روز عید فطر (که رسانه ملی، به تبعیت از مقام معظم رهبری، اعلام می‌کند) هیچ خبری پخش نکرد، در حالی‌که اختلاف نظرهای بین مراجع و رهبری در مورد روز عید فطر را برجسته و در این خصوص برنامه‌سازی کرد.

### ۱۴. قاعده شهادت دادن

مهم‌ترین موارد استفاده از این تکنیک را می‌توان در نمونه‌های زیر دید:

- در انتخابات ریاست جمهوری، شبکه تلاش کرد تا چهره‌های سرشناس علمی، هنری، ورزشی و... را که وارد جریان انتخابات شده و از نامزدهای اصلاح طلب حمایت کردند، برجسته کند. در این جهت شبکه بی‌بی‌سی فارسی به پخش بیانیه‌هایی که هنرمندان در حمایت از نامزدهای مورد علاقه خود منتشر ساخته‌اند مبادرت می‌کرد. همچنین کلیپ‌های تصویری از «سایمانکن» (حامی کربوبی) و گروه‌های مختلف موسیقی دیگر (حامی موسوی) نشان می‌داد. این شبکه حمایت ۸۰۰ هنرمند از جمله



۸۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

شجریان، مخملباف، بهاره رهنما، هدیه تهرانی، کیومرث پوراحمد، دولت آبادی و... از موسوی و حمایت چهره‌های علمی مانند سروش و مهاجرانی از کروی را برجسته کرد. - نمونه عینی استفاده از این تکنیک را می‌توان در برنامه مورخ ۸۸/۴/۳۰ شبکه بی‌بی‌سی فارسی دید؛ آنجا که شائبه حضور نیروهای حزب الله لبنان در بین لباس شخصی‌ها مطرح می‌شود و «اسعد حیدر» - نویسنده و روزنامه نگار لبنانی - شهادت می‌دهد که این مطلب شایعه بوده و ناشی از آن است که ایرانی‌هایی که این حجم از سرکوب را در تصور خود نداشتند، دوست ندارند که سرکوب‌کنندگان ایرانی باشند.

### ۱۵. قاعده اغراق و بزرگ‌سازی

شبکه بی‌بی‌سی فارسی از این تکنیک نیز در موارد متعددی بهره گرفته که برخی از آن‌ها عبارتند از:

انعکاس گسترده ناآرامی‌ها و نشان‌دادن وضعیت فوق العاده در کشور، برجسته کردن شکاف‌ها نه به‌عنوان اختلافات در سیاستگذاری بلکه در ماهیت نظام، اغراق در مورد ناکارآمدی دولت در حوزه اقتصاد. (با استناد به افزایش نرخ تورم به دلیل وام‌های بدون مطالعه و ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، فرار سرمایه، سیاستگذاری‌های بدون کارشناسی دولت در اقتصاد و... نشان دادن همزمان آمارهایی مبنی بر درآمدهای کلان نفتی در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد)

۲-۲-۱۳- تکنیک‌های شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی در جذب مخاطب در برنامه‌های مختلف

### ۱. استفاده از مزیت فناوری اطلاعات و ارتباطات

یکی از مزیت‌های نسبی محتوایی تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی، که این تلویزیون نوپا را از سایر رسانه‌های هم‌ردیف خود (تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۸۹

لس آنجلسی) متمایز می‌کند، توجه ویژه آن به اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات<sup>۱</sup> و تحولات نوین رخ داده در حوزه این فناوری است. فناوری اطلاعات و ارتباطات شامل کلیه فناوری‌هایی است که در عرصه اینترنت به گردآوری،<sup>۲</sup> پردازش،<sup>۳</sup> طبقه‌بندی،<sup>۴</sup> انتقال<sup>۵</sup> و تحلیل<sup>۶</sup> اطلاعات<sup>۷</sup> در یک زمان کوتاه کمک می‌کند. اینترنت در دنیای امروز به‌عنوان یک رسانه پشتیبان می‌تواند وسعت و عمق اطلاع‌رسانی و تأثیرگذاری رسانه‌های پیش از خود مانند تلویزیون و فناوری تصویر را ارتقا و افزایش دهد. این ارتقا به دو گونه صورت می‌پذیرد:

اول: تسهیل مجاری ارتباطی<sup>۸</sup> با مخاطب (افزایش دامنه افقی مخاطبان)

تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی از ابتدای راه‌اندازی خود در برنامه‌های مختلف که توضیح آن در بخش‌های بعدی این نوشتار خواهد آمد، عمق و تأثیرگذاری برنامه‌هایش را با پشتوانه محتوایی و صوری سایت‌ها، وبسایت‌ها، بلاگ‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی بالا می‌برد و می‌کوشد که بخشی از مخاطبان خود را با انگشت گذاشتن بر سایت‌ها و وبسایت‌های جذابی که علاقه‌مندان زیادی را به‌خود معطوف کرده، کسب کند و در مقابل افکار و روند انتخاب کاربران اینترنت را با هدایت آن‌ها به سمت و سوی سایت‌ها و وبسایت‌های خاص مدنظر خود تحت تأثیر قرار دهد. این تعامل دوسویه در هر صورت دامنه افقی و عمودی مخاطبان را به گونه قابل توجهی افزایش می‌دهد. منظور از دامنه افقی، «تعداد» و «کمیت» مخاطبان است که اینترنت با فرصت نسبتاً برابری که در اختیار کاربران می‌گذارد به افزایش تعداد آن‌ها کمک می‌کند. به عبارت دیگر، رجوع مکرر تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به اینترنت در حقیقت نوعی رجوع به

- 
1. Information and communication technology
  2. Gathering
  3. Processing
  4. Classifying
  5. Transforming
  6. Analyzing
  7. Data
  8. Channels of Communication

۹۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

کاربران اینترنتی و جلب توجه آنهاست.

به‌طور خلاصه استفاده بی‌بی‌سی از اینترنت می‌تواند این تلویزیون فارسی زبان را در سطح یک رسانه بروز، کارآمد و برخوردار از مزیت حمایت کاربران قابل توجه اینترنت قرار دهد. بر این مبنا طی یک فرایند حرفه‌ای، کاربران اینترنت به تدریج به بینندگان تلویزیون بدل می‌شوند و نوعی ارتباط منطقی میان تلویزیون و اینترنت برقرار می‌شود. نکته ظریف آن است که در این فرایند، این تلویزیون است که با بهره‌گیری از قدرت نفوذ و تأثیرگذاری اینترنت در میان جوانان نفع می‌برد و بنابراین در مراحل اولیه راه‌اندازی تلویزیون بی‌بی‌سی، اینترنت به اندازه تلویزیون از این مسئله نفع نمی‌برد.

#### دوم: افزایش دامنه عمودی مخاطبان (ارتقای قدرت اقناعی مخاطبان)

دامنه عمودی برخلاف دامنه افقی بیش و پیش از آنکه به کمیت توجه کند به دنبال ارتقای «کیفیت»، «عمق» و «باورپذیری» مخاطبان است. راست‌آزمایی محتوای برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به‌واسطه رجوع به سایت‌ها، وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها باور مخاطبان را به این رسانه تحت تأثیر قرار می‌دهد و محک خوبی برای سنجش باورپذیری برنامه‌های آن در افکار عمومی مخاطبان است. در حقیقت ارتباط پیوسته مفهومی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی با سایت‌ها و وبسایت‌ها و تغذیه مطالب آن از اینترنت موجب می‌شود تا بستر مساعدتری برای مخاطبان در فرایند باورپذیری خبری و تبلیغی به‌وجود بیاید.

در حقیقت یکی از مزیت‌های رسانه‌ای توجه تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به دنیای اینترنت و استفاده از فناوری اطلاعات، افزایش قدرت استنادی آن در روند ارجاعات مکرر به سایت‌های اینترنتی است. به‌نظر می‌رسد منابع خبری و تحلیلی این تلویزیون همزمان از دو منبع دنیای مجازی و دنیای واقعی تأمین می‌شوند. مخاطب در چنین فضایی به‌راحتی می‌تواند استنادات و ارجاعات تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی را پیش‌روی

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۹۱

چشمان خود و با کلیک کردن بر نشانی چند سایت ببیند و به این ترتیب تأیید خبر یا گزارش آن را در ذهن خود به ثبت برساند. این مسئله تأثیر فزاینده‌ای در ارتقای قدرت افناعتی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان خواهد داشت.

بدین سان به نظر می‌رسد که «رویکرد مخاطب‌محوری» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان این رسانه را برآن داشته تا ارتباط با اینترنت را به مثابه یک رسانه فعال، همگانی، با نفوذ و پرتعداد در دستور کار قرار دهد و از آن، در جای جای برنامه هشت ساعته خود به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه استفاده بهینه کند. در ادامه تلاش خواهد شد که تعامل دوسویه و فعال میان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان و دنیای اینترنت در چند برنامه مورد بررسی قرار گیرد.

### برنامه کلیک

همانطور که از عنوان «کلیک» برمی‌آید، این برنامه یکی از برنامه‌هایی است که با هدف معرفی تازه‌های فناوری اطلاعات و گشودن هرچه بیشتر پنجره اینترنت و دنیای مجازی به روی جوانان و ارتقای سطح آگاهی و آشنایی آن‌ها با قابلیت‌ها و کاربردهای اینترنت در زندگی روزمره و محتوای کاربردی برخی وبسایت‌های جدید تدوین شده است. کلیک برنامه‌ای هفتگی است که عمدتاً با هدف و درون‌مایه معرفی جدیدترین اختراعات و نوآوری‌ها در زمینه رایانه و فناوری اطلاعات و ارتباطات، معرفی وبسایت‌های جدید و جالب همراه با بررسی ابزارهای نوین زندگی تنظیم شده است. نکته قابل توجه در این برنامه آموزش، ترغیب و تهییج جوانان به استفاده از وسایل و ابزارهای نوین ارتباطی مانند چت،<sup>۱</sup> وب‌کم،<sup>۲</sup> ایمیل،<sup>۳</sup> پیامک و... است که در درون خود نوعی انقلاب در ارتباطات میان شهروندان ایرانی را فارغ از جنسیت، مذهب، قومیت

---

1. Chat

2. Webcam

3. Email

و... می‌پروراند و در نهایت نوعی همگن‌سازی فرهنگی و هنجارسازی شبکه‌ای را دنبال می‌کند. یک نمونه از این جریان ضدفرهنگی خزننده در این برنامه معرفی سایت *Vambie.com* برای دختران است که بازی‌های طراحی شده در صفحه آن، نوعی «مدگرایی» و «فرهنگ برهنگی» را در میان دختران در سنین پایین بدیهی جلوه می‌دهد. در بخش دیگری از این برنامه تحت عنوان «کلیک‌نامه» به اخبار فناوری و تحولات آن در سراسر جهان با محوریت *IT* پرداخته می‌شود. در حقیقت این برنامه با این سبک و سیاق برآن است تا اینترنت و جذابیت آن را در میان جوانان ایرانی نهادینه کند و قدرت انتخاب جوانان را در روی آوردن به رسانه‌های جایگزین صدا و سیما بالا برده و در بسیاری از موارد شانس مقایسه میان محتوای برنامه‌های رسانه ملی و مطالب اینترنت را به حداکثر برساند.

#### نوبت شما

«نوبت شما» یک برنامه مخاطب‌محور دیگر در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان است که هدف آن ارتباط‌گیری با مخاطب با توسل به ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی است و از این حیث با برنامه کلیک قرابت محتوایی دارد. گردانندگان این برنامه که پنج روز در هفته پخش می‌شود، با دوربین به خیابان‌ها می‌روند و با رویکردی خاکستری از مردم کوچه و خیابان تصویر و مصاحبه می‌گیرند. همچنین در این برنامه در ارتباط‌گیری با مخاطبان از آن‌ها خواسته می‌شود تا فیلم‌ها و تصاویر خود را به سایت تلویزیون بی‌بی‌سی ارسال کنند. به دیگر سخن، «نوبت شما» یکی از دیگر برنامه‌هایی است که پای فناوری اطلاعات و ارتباطات را به یک تلویزیون ماهواره‌ای باز می‌کند. استفاده از ابزارهای بروز و کارآمدی مانند وب‌کم، چت، ایمیل و در مراحل بعدی پیامک و تماس تلفنی با هدف برقراری شانس و تنوع ارتباط با مخاطب ایرانی از یک سو و نهادینه و معرفی کردن به‌کارگیری اینترنت و فناوری‌های مرتبط با آن در میان

مخاطبان در تلویزیون از سوی دیگر است.

به عبارت دیگر، در برنامه «نوبت شما» همانند برنامه «کلیک»، شارژ رسانه یک به چند<sup>۱</sup> یا یک رسانه چند به یک<sup>۲</sup> به وسیله رسانه چند به چند<sup>۳</sup> یکی از تکنیک‌های برتر به کار گرفته شده است. رسانه یک به چند، رسانه‌ای است که امکان انتقال اطلاعات از یک منبع واحد به بیش از یک گیرنده پیام به صورت همزمان وجود دارد. نامه، روزنامه، رادیو، تلویزیون و ایمیل از مصادیق رسانه‌های یک به چند است. چنین رسانه‌هایی مونولوگ هستند و در آن‌ها ارتباط برگشتی و امکان بازخورد و واکنش مخاطب به پیام تبلیغی وجود ندارد.

رسانه چند به یک، رسانه‌ای است که برخلاف رسانه یک به چند امکان ارتباط چندین مخاطب با یک رسانه به صورت یک طرفه وجود دارد. پیامک و ایمیل از مصادیق چنین رسانه‌هایی هستند. این رسانه‌ها نیز از حیث مونولوگ بودن با رسانه‌های یک به چند یکسان هستند. در واقع رسانه چند به چند، رسانه‌ای است که در آن تولیدکننده محتوا فقط گوینده صرف نیست، بلکه شنونده هم هست. کاربر یا مخاطب اینترنت نیز صرفاً مصرف‌کننده منفعل که همزمان نتواند در مقابل تولید رسانه مقاومت کند یا پذیرشش را نشان بدهد، نیست، بلکه می‌تواند تأثیرگذاری خود را بر روند تولید مطالب نشان دهد. نه تنها اینترنت از دنیای رسانه‌های مونولوگ (متکلم وحده) عبور می‌کند بلکه مرزهای دنیای دیالوگ (مانند تلفن) را هم درمی‌نوردد و وارد دنیای شبکه‌ای کلام‌ها و پیام‌ها می‌شود. این شبکه گسترده کلامی از قدرت تهییج، ترغیب، کنترل و تنبیه برخوردار است و رابطه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شهروندان را با حاکمیت تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دهد.

به این ترتیب تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به‌طور حرفه‌ای می‌کوشد که خلأ خود را

---

1. One to many  
2. Many to one  
3. Many to many

به‌عنوان یک رسانه مونولوگ با استفاده از مزیت نسبی اینترنت به مثابه رسانه چند به چند، جبران کند و از این حیث گستره و عمق تأثیرگذاری خود را بر مخاطب به حداکثر ممکن برساند.

### برنامه‌های امروزی‌ها

«برنامه‌های امروزی‌ها»، آن‌گونه که از نام آن برمی‌آید، تمرکز و توجه خود را بر نسل سوم و پرداختن به مقتضیات و نیازهای این نسل همچون سرعت و فناوری قرار می‌دهد. بر این مبنای، این برنامه درجه‌ای به سوی کاربرد فناوری‌های نوین مورد اقبال نسل سوم در دنیای امروز است. این فناوری و اهمیت آن، خود را در قالب گزارش‌های ویژه‌ای نشان می‌دهد، گزارش‌هایی که درباره تئاتر، فیلم، بازی‌های رایانه‌ای، اتومبیل‌سواری و استفاده از فناوری اطلاعات به منظور ارتباط‌گیری با مخاطب و جانداختن موضوعی تحت عنوان تأثیر پیشرفت فناوری بر تفاوت (شکاف) نسل‌ها تهیه می‌شود. «امروزی‌ها» برنامه‌ای هفتگی برای بینندگان جوان است. در این برنامه مسائل جوانان و موضوعات مورد توجه آن‌ها از دیدگاه خودشان و با محوریت فناوری‌های نوین ارتباطی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲. ارجاع به سایت بی‌بی‌سی در متن و میان برنامه‌ها

یکی از نکات اصلی و تکرارپذیر در میان برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، ارجاع مدام به سایت بی‌بی‌سی و معرفی برنامه‌ها، فعالیت‌ها و برخی سایت‌ها و وبسایت‌های مورد تأکید آن است. این ارجاعات مکرر دامنه مانور تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی را برای جلب توجه و مشارکت مخاطبان فراهم می‌آورد. این ارجاعات مکرر به مخاطب یاد می‌دهد که رسانه‌ها در دنیای امروز به دنیای یکدیگر راه دارند و می‌توانند در ساخت یکدیگر سرک بکشند.

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۹۵

### ۳. هم‌نوایی و هم‌آوایی میان متن، صدا و تصویر

یکی از نقاط قوت یک رسانه حرفه‌ای، استفاده هماهنگ، هم‌آوا و هم‌نوا میان تصویر، صدا و گفتار است که از آن می‌توان به «این‌همانی میان واژگان و تصاویر» تعبیر کرد. به نظر می‌رسد که تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی زبان نیز به این اصل حرفه‌ای به‌خوبی وفادار مانده است.

### ۴. استفاده از نمادها به مثابه ابزار نافرمانی مدنی

استفاده از نمادها و نماها یکی از سبک‌های جدی و برنامه‌ریزی‌شده تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی به منظور پیگیری اهداف رسانه‌ای و تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب است.

### ۵. استفاده از روش جدلی و نمایاندن ژست بی‌طرفی در تحلیل سیاسی

از آنجا که مقاومت در برابر القا و اقناع آزاردهنده یکی از خصایص طبیعی و روان‌شناختی جوانان است، گردانندگان تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، می‌کوشند که از اتهام القا، فضاسازی، جنگ روانی و طرفداری سیاسی رهایی یابند و از این‌رو با مخاطب جوان خود (با متوسط سنی ۱۸ تا ۲۸ ساله) بسیار محتاط برخورد می‌کنند. بدین‌سان این احتیاط سبک و سیاق خاصی را در این برنامه به مجریان برنامه مزبور تحمیل می‌کند. این سبک و سیاق عبارت است از القای مطلب مدنظر رسانه با کمترین شائبه القا یا تحکیم عقیده.

### ۶. تمرکز بر موضوعات سیاست دانی به‌جای سیاست عالی

سیاست عالی عبارت است از موضوعات رده بالای نظامی، امنیتی و سیاسی (موضوعاتی سخت) که صلاحیت آن در حوزه صلاحیت و اقتدار دولت‌ها و حکومت‌ها قرار می‌گیرد. در مقابل، سیاست دانی شامل موضوعات اقتصادی، تجاری -



۹۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

مالی، زیست محیطی، حقوق بشر، اطلاعاتی - ارتباطی (موضوعات نرم) و ... است که از حوزه اختیار و صلاحیت رسیدگی و مدیریت دولت‌ها خارج است یا کاملاً تحت نفوذ و کنترل حکومت‌ها نیست.

با در نظر گرفتن تعریف و تفکیک مزبور، کارنامه تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد که این رسانه برخلاف هم‌کیشان و همکاران رسانه‌ای خود در لس‌آنجلس و کلاً غرب به‌جای تمرکز بر مقولات مرتبط با سیاست عالی/اعلی، (مسائل امنیتی، نظامی و سیاست سخت) بررسی موضوعات سیاست دانی/سفلی (فرهنگ، اجتماع و مؤلفه‌های سازنده آن) را در دستور کار خود قرار می‌دهد. بدین‌سان راهبرد مزبور در برنامه‌هایی خود را بروز و ظهور می‌دهد که صبغه‌ای هنری، اجتماعی و فرهنگی دارند. برنامه روزانه «نوبت شما» و برنامه ماهیانه «اکران» از جمله برنامه‌های ثابت تلویزیون بی‌بی‌سی هستند که با همین هدف طراحی شده و پخش می‌شوند.

#### ۷. رویکرد مستندسازی میدانی و نفوذ در لایه‌های عمیق اجتماعی

تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در برخی از ویژه برنامه‌های خود تحت عنوان «ایران من» می‌کوشد تا با گرفتن ژستی مردم‌شناسانه و انسان‌شناسانه فرهنگی به میان خرده‌فرهنگ‌ها (sub-culture) برود و با نوعی همذات‌پنداری و مستندسازی فرهنگی - قومی فاصله خود با مخاطب را به‌عنوان رسانه‌ای که به هر حال به دولتی خارج از ایران وابسته است، به حداقل ممکن برساند.

#### ۸. رویکرد کارکردسنجی و رویکرد نقد سیاسی

تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در ارزیابی‌های سوگیرانه خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران، دو رویکرد کلان را در پیش می‌گیرد: رویکرد اول، رویکرد کارکردسنجی و آسیب‌شناسی رادیکال از مدیریت و کارکردهای سیستمی و زیرسیستمی در ساختار نظام دینی ایران است. براساس این رویکرد، رسانه بیگانه بی‌آنکه جعبه سیاه سیاست را

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۹۷

باز کند و به درون مایه آن بپردازد، به کارکردها و عملکردهای حرفه‌ای نظام مدیریتی جمهوری اسلامی در حوزه‌های موضوعی مختلف می‌پردازد.

### ۹. تحمیل قالب‌های هنری غربی بر محتوای فرهنگ و ادب ایرانی

این رسانه سعی دارد تا ضمن تظاهر به وفاداری به ادب و فرهنگ اصیل ایرانی، قالب‌ها و سبک‌های غربی را در حوزه موسیقی به درون این فرهنگ تزریق کند. راهبرد کلان تلویزیون بی‌بی‌سی در این چارچوب نمود و بروز می‌یابد: نمود اول حفظ محتوای موسیقی ایرانی با تحمیل قالبی غربی به آن است. نمود دوم کشیدن روکش و پوششی غربی به موسیقی محلی ایرانی است.

### ۱۰. تناقض‌شناسی و رویکرد برملا کردن تناقض‌ها

یکی از راهبردهای تبلیغی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی برملا کردن چیزهایی است که خود تناقضات جامعه ایرانی می‌نامد. براساس این رویکرد شناخت‌شناسانه که می‌توان نام «تناقض‌شناسی» را برای آن برگزید، روند شناسایی، بازتاب و تحلیل سویه‌های تناقض‌نما در جامعه هدف در دستور کار یک رسانه قرار می‌گیرد. بر مبنای چنین رویکردی است که تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی یکی از محورهای برنامه‌سازی خود را شناخت و برملا نمودن تناقض‌نماها در جوامع تحت پوشش خود به‌ویژه افغانستان و ایران قرار داده است و در این زمینه هنر به مثابه ابزاری در خدمت پرده برداشتن از این تناقض‌ها قرار می‌گیرد:

الف. استفاده از موسیقی برای نشان دادن تناقض

ب. انتقاد از فیلم‌های کوتاه مستند.

### ۱۱. اهتمام به ترسیم جغرافیای مشترک زبانی با مخاطبان

یکی از ملاک‌ها و معیارهای موفقیت یک رسانه در جلب مخاطب، رسیدن به زبان

و ادبیات مشترک با بینندگان و شنوندگان خود است. ترسیم جغرافیای مشترک زبانی میان رسانه و مخاطب از این منظر به راهبردی روان‌شناختی و زبان‌شناختی برای یک رسانه بدل می‌شود. با در نظر گرفتن چنین ضرورتی، تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی که مخاطب‌محوری را به مثابه یک امر قدسی و تخلف‌ناپذیر در قاموس حرفه‌ای و رسانه‌ای خود می‌پندارد، تلاشی جدی به منظور ایجاد فضای مشترک کلامی با مخاطبان مبذول داشته است. این فضای مشترک کلامی، گاه در ادبیات گفتاری مشترک (مانند ادبیات عامه‌پسند جوانان) خود را نشان می‌دهد؛ گاه خلعتی نمادی و نمایه‌ای به‌خود می‌پوشد و از طریق نماها و آواها بر آن است تا به یک زبان و فهم مشترک همراه با مخاطب دست یابد و گاه هنر (به‌ویژه موسیقی‌های پاپ، راک، جاز، متال، هوی‌متال و...) را دست‌مایه صورت‌بندی یک مرز کلامی مشترک با مخاطبان‌ش قرار می‌دهد.

## ۱۲. چینش پلکانی از فرهنگ به سیاست

یکی از راهبردهای اصلی تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی، راهبرد «چینش پلکانی موضوعات» است. این چینش از موضوعات فرهنگی آغاز می‌شود؛ به حوزه اجتماعی سرک می‌کشد و در نهایت به حوزه سیاست و حکومت‌داری ختم می‌شود. براساس این راهبرد قرار نیست موضوعی صد درصد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی یا صد درصد سیاسی برنامه‌سازی یک رسانه را به‌خود مشغول دارد. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مشکلات خانوادگی و روان‌شناختی؛
۲. مشکلات شهری مانند ترافیک، آلودگی هوا و...؛
۳. مشکلات اقتصادی مانند تورم، بیکاری و مشکلی به نام مسکن؛
۴. قوانین دست و پاگیر و محدودکننده عرصه بر شهروندان؛
۵. نبود سازوکارهای شادی و شادکردن مردم از سوی رسانه‌های جمعی؛

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۹۹

۶. مشکلات تاریخی - سیاسی مانند انقلاب، جنگ، تحریم‌ها و...

۷. تحمیل محدودیت‌های سیاسی و حکومتی بر شهروندان و انتقال این فشار

سیاسی به حوزه برخورد‌های اجتماعی میان آن‌ها؛

۸. مقایسه میان شاخصه‌های امید، شادی و آستانه تحمل میان شهروندان

کشورهای اروپایی (به‌ویژه هلند و انگلیس) با همین شاخصه‌ها در ایران و القای

نوعی خلأ و نابهنجاری رفتاری در میان ایرانیان داخل کشور در مقایسه با

ایرانیان خارج از ایران!

آنچه در این فهرست جالب به نظر می‌رسد گذار پلکانی و تدریجی از ریشه‌های

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (غیرسیاسی) پرخاشگری و عصبانیت جامعه ایرانی به

ریشه‌های سیاسی معطوف به نظام مدیریتی و مدل حکومت‌داری در جمهوری اسلامی

ایران است.

### ۱۳. استفاده از تکنیک برهان خلف در تبلیغات

اگر رسانه‌ای بتواند به جای پرداختن به ضرورت‌ها و بایسته‌های فکری - سیاسی یک

نظام - که هزینه جلب اقبال مخاطب در آن بالاست - به خروجی‌ها و آسیب‌شناسی این

خروجی‌ها بپردازد، توانسته است بی‌آنکه خود را درگیر مباحث کلان کند، علیه

نشانه‌هایی که حاکی از آسیب‌شناسی کارکردهای نظام اسلامی است، جنگ تبلیغی

موفقی آن به راه بیندازد. در حقیقت رسانه‌های غربی گاه به جای آنکه از اصل و ماهیت

نظام سیاسی هدف خود آغاز کنند، ترجیح می‌دهند با بهره‌گیری از «تکنیک برهان

خلف» به کارزار تبلیغی با نظام مزبور بروند. بر مبنای این تکنیک، صحت و درستی یک

معادله سیاسی بسان یک معادله ریاضی به جای آنکه از طریق حرکت از داده‌های خام به

نتیجه، اثبات یا رد شود، حرکت از نتیجه معادله به سمت داده‌ها (data) صورت

می‌گیرد. بر این مبناست که در برخی گزارش‌ها و تحلیل‌های رسانه‌ای به جای اثبات

حقانیت یا عدم حقانیت نظام اسلامی طی حرکت از داده‌های اساسی و ابتدایی به نتایج آن، روند حرکتی بالعکس شده و از طریق آزمودن و آسیب‌شناسی نتیجه وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی حاکم حرکت به سمت و سوی داده‌های آن آغاز می‌شود. یکی از این نتایج و خروجی‌های معادله استقرار نظام جمهوری اسلامی نمود اداری و دیوان‌سالاری در ایران تحت قیمومیت نظام جمهوری اسلامی است. بدین ترتیب آسیب‌شناسی سازمان اداری و دیوان‌سالاری در ایران یکی از مواردی است که تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی، بررسی آن در برنامه‌های مختلف خود را در دستور کار قرار داده است.

#### ۱۴. تکنیک ثنویت‌سازی هویتی

از قرار معلوم آنچه در ادبیات مثبت و سازنده مقامات جمهوری اسلامی به تنوع و غنای قومی و فرهنگی در سرزمین پهناور ایران تعبیر می‌شود، در ادبیات تبلیغی رسانه‌های غربی به ثنویت‌های آشتی‌ناپذیر فرهنگی - هویتی یاد می‌شود. در چنین بستری امکان رویش و خیزش دوسویه‌های هویتی مانند ایرانی/ اسلامی؛ قومی/ ملی و قومی/ قومی فراهم می‌شود. از این‌رو، ایران سرزمینی آکنده از عناصر هویتی ناسازگار و ناهمگون ترسیم و تصویر می‌شود که در یک همزیستی اجباری و البته نه چندان خوشایند با یکدیگر به سر می‌برند.

در همین جاست که گزاره‌هایی پا به منصفه ظهور می‌گذارند که خبر از تکنیک «ثنویت‌سازی هویتی» در تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی می‌دهند. به دیگر سخن، گزاره برتر ادعایی که در چارچوب این تکنیک طرح می‌شود آن است که مسئولان جمهوری اسلامی ایران عامدانه می‌کوشند تا نماها و نشانه‌های ملی - باستانی (یا دست‌کم آثار تاریخی قبل از ورود اسلام به ایران) را به نفع مؤلفه‌ها و نمادهای اسلامی، کنار بگذارند و لذا حساسیتی نسبت به تخریب یا سرقت آثار ملی و باستانی نشان نمی‌دهند. در چنین

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۱۰۱

فضایی خلاصه‌ای از گزاره‌هایی که در صحن تبلیغی تلویزیون بی‌بی‌سی در برنامه «نوبت شما» پژواک می‌یابند، عبارتند از:

۱. بسیاری از اشیای تاریخی و قدیمی متعلق به دوران باستان ایران با بی‌تدبیری یا

کم‌تدبیری مسئولان سر از موزه‌های کشورهای خارجی درمی‌آورند؛

۲. اراده سیاسی واقعی برای صیانت از سرمایه تاریخی - فرهنگی ایران در کشور

وجود ندارد؛

۳. اهتمام به حفظ آثار تاریخی قبل از اسلام بسیار کمتر از توجه به حفظ آثار

تاریخی بعد از اسلام است؛

۴. فقر و خلأ قانونی در مبارزه با پدیده تخریب یا سرقت آثار ملی در ساختار

جمهوری اسلامی ایران کاملاً مشهود است.

#### ۱۵. مغالطه تسری جزء به کل

در منطق جدید گفته می‌شود که یکی از مغالطه‌های مرسوم در گفتارها و مناظره‌های علمی و روزمره، مغالطه تسری جزء به کل است. در این مغالطه که در ادبیات فارسی از آن به آرایه / صنعت مجاز جزء به کل نیز یاد می‌شود، موجودیت و اوصاف یک کلیت فیزیکی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... به مدد ترسیم و تصویر یک یا چند جزء آن بیان و توضیح داده می‌شود، بی‌آنکه کلیت آن به تمام و کمال مورد بررسی قرار بگیرد.

#### ۱۶. بحران‌سازی سراسری و بدیع‌نمایی بحران

بحران در همه جا و به هر بهانه‌ای وجود دارد؛ بحران کنونی کاملاً صورت‌بندی نوین و جدیدی دارد؛ این دو گزاره / قضیه تبلیغی به ترتیب، بیان‌کننده دو رهیافت بحران‌سازی سراسری و بدیع‌نمایی بحران است که تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در برخی تبلیغات خود به آن توجه دارد.

۱۰۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

### ۱۷. مصادره به مطلوب شدن پدیده‌های مطلوب نظام اسلامی

هر پدیده مثبت و سازنده‌ای که در عرصه داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران اتفاق می‌افتد، از ظرفیت مصادره به مطلوب شدن در عرصه تبلیغات بیگانه برخوردار است. از این رو یکی از مراحل تحلیلی - تبلیغی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در ارزیابی فضای انتخابات ایران، صدور برخی گزاره‌هایی است که این مشارکت را مصادره به مطلوب می‌کند.

از طرفی، یک معنای دیگر تکنیک مصادره به مطلوب بیان خواسته‌ها و آمال یک رسانه در پوشش خواسته‌ها و مطالبات جمع و عوام است به طوری که گویی رسانه مزبور از زبان جمع و افکار عمومی زبان به سخن می‌گشاید.

### ۱۸. تکنیک مفتوح نگه داشتن فضای ابهام

هدف این تکنیک در رسانه مهاجم استمرار دومی‌نوی از پرسش‌های بی‌پاسخ در ذهن مخاطب است که حال با مفتوح نگه داشتن فضای ابهام خود در کسوت یک پاسخگوی صدیق به این پرسش‌ها و برطرف کننده ابهام ظاهر می‌گردد!

### ۱۹. تکنیک مفتوح نگه داشتن بازه سینوسی (زمانی) بحران

این تکنیک بر آن است تا آنجا که می‌تواند بازه سینوسی یک بحران را همچنان تکرار کند. از این رو هر حادثه ناگواری که در جمهوری اسلامی ایران اتفاق می‌افتد، بسان نمودار سینوسی ترسیم می‌شود که نقطه آغاز (مینیمم)، نقطه اوج (ماکزیمم) و نقطه فرود آن همواره در رهگذر زمان تکرار می‌شوند. بدین سان به عنوان نمونه بحران سیاسی پس از انتخابات را می‌توان سینوسی در نظر گرفت که در یک فاصله (۲ پی) در مثلثات، نقطه پایان آن دقیقاً همان نقطه آغاز یک بازه (چرخش سینوسی) دیگری است. به عبارت ساده‌تر هروقت نمودار بحران سیاسی بعد از انتخابات به یک نقطه کمینه (مینیمم) می‌رسد، رسانه‌ها با بازتاب مکرر، تحلیل و پژواک داده‌های جدید بحران‌زا و

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۱۰۳

تنش آفرین می‌کوشند همان نقطه پایان را به نقطه آغاز دور جدیدی از بحران اجتماعی - سیاسی ایران پس از انتخابات بدل کنند.

## ۲۰. مسئله‌سازی<sup>۱</sup>

منظور از مسئله‌سازی این است که یک رسانه بتواند موضوعی را از روند و روال عادی و طبیعی خود خارج ساخته و آنرا به‌عنوان یک پدیده یا یک مسأله قابل مطالعه و بررسی - که نیاز به راه حل دارد و باید رفع و رجوع شود - در ذهن مخاطب جا بیندازد. به‌عنوان نمونه، یکی از موضوعات برجسته در خبرها و گزارش‌های تلویزیون بی‌بی‌سی در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۴، «خلق مسئله‌ای» به‌نام حضور نیافتن احمدی‌نژاد در اجلاس غیرمتعهدان در شرم‌الشیخ و شرکت وزیر خارجه به‌جای رئیس‌جمهور در اجلاس سران غیرمتعهدان بود. به این ترتیب «مسئله‌سازی» (یا به تعبیری پروبلماتیزه کردن یک موضوع عادی) تکنیک برجسته تلویزیون بی‌بی‌سی در بازتاب و تحلیل این عدم حضور بود.

## ۲۱. توسل به احساسات مخاطب

توسل به احساسات مخاطب یکی از مغالطه‌ها/تکنیک‌های رایج و تأثیرگذار در خطابه‌ها، استدلال‌ها و رسانه‌ها با هدف تحت تأثیر قراردادن مخاطب است. این تکنیک گاه از رهگذر همذات‌پنداری احساسی صورت می‌پذیرد که شاید بتوان گفت هم‌نوایی و هم‌زبانی رسانه‌ای با سوژه مورد بحث در یک رسانه یا مخاطب آن، مهم‌ترین نمود و بروز آن است.

## ۲۲. خلق کانون‌ها/چشمه‌های جدید بحران در جامعه ایرانی

یکی از راهبردهای همیشگی رسانه‌های غربی از جمله تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی



۱۰۴ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

در رصد و تحلیل مسائل داخلی ایران، شناسایی، روایت، برجسته‌سازی و حتی خلق چشمه‌ها/ کانون‌های جدید بحران است. بر مبنای این بحران هر حادثه و واقعه‌ای ولو خوشایند و معمولی از استعداد و ظرفیت بدل شدن به کانون بحران برخوردار است. رسانه‌های بیگانه در کشف، رونمایی و آفرینش بحران‌ها همواره برآن هستند تا اصل را در جامعه ایرانی بر بی‌ثباتی، بحران و ناامنی بگذارند و ثبات و آرامش را از این رهگذر چونان دُر گرانمایی نشان دهند که نیل به آن کار ساده‌ای نخواهد بود!

برای مثال به نظر می‌رسد که تلویزیون بی‌بی‌سی برآن است تا با تنیدن رنگ و لعابی جناحی و حزبی بر گرد نماز جمعه، این فریضه را از خصیصه سنتی «وحدت‌آفرین» و «دشمن‌شکن» تهی کند و در عوض با قلب فلسفه وجودی این پدیده عبادی - سیاسی، بر آن خصیصه‌ای از جنس «وحدت‌شکنی» و «دشمن‌آفرینی» تحمیل نمایند!

### ۲۳. معرکه‌نگاری فکری - سیاسی

مهم‌ترین خصیصه معرکه‌نگاری فکری - سیاسی و ایدئولوژیک به‌عنوان یک تکنیک رسانه‌ای رصد، بازتاب، تأویل و تحلیل اختلافات درون‌ساختاری و سلیقه‌ای به اختلافات میان نیروهای وفادار و غیروفادار به آرمان‌ها، ارزش‌ها و اصول یک نظام سیاسی یا ارزشی است. بر این مبنا دست‌اندرکاران بی‌بی‌سی فارسی، برآنند تا اختلافات درون‌حکومتی را به اختلافات برون‌حکومتی بدل کنند و این‌کار را از رهگذر معرکه‌نگاری دقیق و با جزئیات میان کارگزاران گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهند. این معرکه‌نگاری در دو سطح معرکه میان سیاسیون و ایدئولوگ‌ها نمود و بروز می‌یابد.

### معرکه سیاسیون

یکی از معرکه‌های عمده مطرح در «معرکه‌نگاری» رسانه‌ای تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی معرکه‌نگاری سیاسی - حزبی این رسانه است. در این راهبرد، هر گفت‌و شنود،

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۱۰۵

دادوستد و نقد و انتقادی بدل به یک خاستگاه و چشمه بحران در سطح حاکمیتی و تنش جدی میان جریان‌ها و احزاب سیاسی می‌شود.

### معرکه ایدئولوگ‌ها

تلویزیون بی‌بی‌سی برآن است که معرکه‌های سیاسی و حزبی به‌وجود آمده پس از انتخابات را سرریز و برآیند گسل‌های فکری و نظری را در کنار آنچه فعال شدن گسل‌های جناحی می‌نامد، مورد ارزیابی قرار دهد. براین اساس، مهم‌ترین نمود و بروز معرکه جهان‌بینی‌ها در دعوای نظری میان جنبه جمهوری (مقبولیت) و اسلامیت (مشروعیت) جمهوری اسلامی ایران است.

### ۲۴. دو تکنیک همزمان جنبش‌سازی و نهادسازی

از تاکتیک‌های جدی رسانه‌های غربی به‌ویژه در ایامی که بذر التهاب در جامعه ایرانی پراکنده می‌شود، دو تاکتیک همزمان و توأمان «جنبش‌سازی» و «نهادسازی» است. براساس این دو تکنیک جنبش و نهاد در رابطه‌ای دیالکتیکی با هم قرار می‌گیرند و یکدیگر را بازتولید می‌کنند. از این رهگذر جنبش به ساخت نهاد و نهاد به صورت‌بندی جنبش کمک می‌کند و این دو در هم‌افزایی سازنده زمینه بروز و ظهور و تثبیت یکدیگر را فراهم می‌کنند.

### ۲۵. فربه‌سازی نمادهای گذشته و خلق نمادها/ ندهای نوین

صورت‌بندی و استمرار یک جریان و جنبش مهیج و جریان‌ساز، ارتباط مستقیمی با توان نمادسازی، نهادسازی و شبکه‌سازی آن پیدا می‌کند. از این جهت رسانه‌های غربی می‌کوشند که همواره نمادهای گذشته را فربه‌تر از گذشته کرده و نمادهای جدیدی را خلق کنند! این فربه‌سازی گذشته و خلق آینده یکی از راهبردهای جدی رسانه‌ای بیگانه به‌ویژه تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در بازتاب و تحلیل اوضاع ملت‌هت جامعه ایران پس از

۱۰۶ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

انتخابات دهم است.

### ۲۶. تکنیک سیاه‌نمایی ادیبانه

این تکنیک بیان‌کننده همان تکنیک نام‌آشنای سیاه‌نمایی (به معنای کدر و تار ترسیم کردن سراسری وضع سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... یک دولت/کشور) به علاوه درون‌مایه‌ها و چاشنی‌های ادبی با هدف تأثیرگذاری بیشتر و عمیق‌تر بر مخاطبان است. به عبارت دیگر، هرگاه ادیبان و قلم مسجع به کمک تکنیک سیاه‌نمایی توصیف شود، دامنه نفوذ و تأثیرگذاری آن‌را دوچندان می‌کند. در این تلفیق و تنقیح تکنیکی، ادیبان توصیفی زیبا و حرفه‌ای در خدمت سیاه‌نمایی سراسری قرار می‌گیرد و تأثیری غیرقابل انکار بر مخاطب می‌گذارد.

### ۲۷. تکنیک شبکه‌سازی اجتماعی

در این تکنیک سعی بر آن است که پوسته‌های تشکیلاتی، حزبی و جناحی قابل کنترل از سوی حاکمیت بشکند و در درونی‌ترین لایه‌های اجتماعی که از حلقه خانواده آغاز می‌شود و در سطح خویشاوندی و محافل دوستی چند نفره حلول می‌یابد، نفوذ کند. آن‌گونه که تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی تصریح می‌کند، ماحصل این شبکه‌سازی اجتماعی، صورت‌بندی اعتماد در میان لایه‌های اجتماعی در یک طرف و فربه‌شدن بی‌اعتمادی یا به تعبیر رسانه مزبور «گسست اجتماعی» در طرف دیگر است.

### ۲-۳- چارچوب نظری

#### ۲-۳-۱- انگاره‌سازی خبری<sup>۱</sup>

ارائه انگاره‌هایی از شخصیت‌ها، مکان‌ها، اشیا و رویدادها به مخاطب «انگاره‌سازی

---

1. Image

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ۱۰۷۰۰

خبری» نام دارد. در انگاره‌سازی، با بازتاب واقعیت‌ها سروکار داریم. واقعیت‌ها دستکاری می‌شوند و توأم با تفسیر پنهان ارائه می‌شوند. انگاره‌سازی «تکنیک و کلید کارگشای معنی‌سازی در جهان خبر است». (شعارغفاری، ۱۳۷۹: ۲۰) در انگاره‌سازی خبری، کارگزاران خبری آگاهانه و با برنامه‌ریزی، دست به تصویرسازی خبری یا انگاره‌سازی خبری می‌زنند. در این نظریه، اندیشمندان معتقدند که «در انگاره‌سازی آنچه نیست انعکاس واقعیت و رویداد است.» در اینجا «هدف و ماهیت کار استفاده از دست‌مایه واقعیت یک رویداد برای ارائه تفسیر پنهان در لفاف آن است.» (رضوی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۱۲)

انگاره‌سازی یکی از شیوه‌های عملیات روانی است که در نبرد رسانه‌ای از آن استفاده می‌شود. «برنارد کوهن معتقد است که رسانه‌ها برای هدایت افکار عمومی از واقعیات، انگاره‌هایی خلق می‌کنند که تنها در راستای اهداف کارگزاران ارتباطی است، مانند ایجاد انگاره‌ای از ایران در رسانه‌های آمریکایی و غربی که درصدد است ایران را کشوری، خشونت‌طلب جلوه دهد. این انگاره باعث می‌شود که در صورت تجاوز کشوری به ایران، افکار عمومی همسو با آن عمل کرده و به اعمال خلاف دیگران مشروعیت داده شود. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو نوع دیگر از انگاره‌سازی در رسانه‌های غربی به اوج خود رسید و آن‌ها برای پیشبرد مقاصد یک‌جانبه‌گرایانه توانستند هراس و وحشت از اسلام را ریشه‌دار کنند. رویکرد مغرضانه رسانه‌های غربی سبب شد، مردم آمریکا و اروپا به اشتباه گروه‌های مسلح و تندرویی همچون القاعده را نمایندگان واقعی مسلمانان و دین اسلام بپندارند. غربی‌ها اسلام را معمایی ناشناخته و پدیده‌ای عجیب و غریب و مملو از افسانه تلقی می‌کنند. آن‌ها عقیده دارند که اسلام مشوق اعمال و رفتارهای غیرمنطقی و افراطی است. چنین برداشتی غیر از ارائه اطلاعات نادرست درباره اسلام و درک اشتباه از آداب و رسوم و فرامین این دین، دلیل دیگری ندارد.» (جنیدی، ۱۳۸۷: ۳۶)

با توجه به اهمیت انگاره‌سازی در خبر و تفسیرهای خبری شبکه بی‌بی‌سی سعی

می‌کنیم که با طراحی متغیرهای تصاویر ارائه‌شده از این شبکه و نوع موضوعات و شخصیت‌های مطرح شده دریاپیم چگونه برای دستیابی به اهداف خود از این تکنیک سود جسته‌اند.

### ۲-۳-۲- برجسته‌سازی

«سورین» و «تانکارد» (در سال ۱۹۹۱) دو صاحب‌نظر علوم ارتباطات، توسل به شوخی، استفاده از جاذبه‌های جنسی و هیجانی، تکرار و برجسته‌سازی را از مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده رسانه‌ها در عملیات روانی و اقناع می‌دانند. آنان با مرور ادبیات تبلیغات اقناعی رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون نشان داده‌اند که برجسته‌سازی شایع‌ترین روش مورد استفاده رسانه‌هاست. آن‌ها معتقدند که رسانه‌های جمعی توجه را به موضوعات خاص سوق می‌دهند و از چهره‌های سیاسی تصاویر عمومی می‌سازند.

«دنيس مک‌کوئیل» معتقد است که فرایند برجسته‌سازی به سه اولویت متفاوت مربوط می‌شود. اولویت اول، در گروه سیاسی یا سایر گروه‌های ذی‌نفع جای می‌گیرد. اولویت دوم، رسانه‌ها است که ارزش‌های خبری و سلیقه‌های ملموس مخاطبان در آن تأثیر می‌گذارد و به آن شکل می‌دهد. اولویت سوم، از آن همگان است که تصور می‌شود تحت تأثیر رسانه‌ها هستند. او معتقد است که رسانه‌ها نمی‌توانند به مردم بگویند چگونه بیندیشند. آن‌ها می‌گویند که به چه بیندیشند. آنچه رسانه‌ها گزارش می‌دهند در دستور کار مردم قرار می‌گیرد و آنچه مسکوت می‌ماند ممکن است برای همیشه فراموش شود. اما زمانی که سخت به آن نیاز است در دسترس مردم قرار نگیرد. در واقع این رسانه‌ها هستند که مهم بودن یا نبودن مسئله را مشخص می‌کنند. این مطلب به‌ویژه در برنامه‌های تبلیغاتی، تفسیرهای خبری و گزارش‌های خبری مصداق پیدا می‌کند. این موضوع در قسمت تفسیرهای خبری و گزارش‌های خبری بیشتر مشاهده می‌شود. چرا که در تفسیرهای خبری دست عوامل تولید برای برجسته کردن

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۱۰۹

خبرها بازتر است. در این برنامه‌ها، همه خبرها مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌گیرند و از میان آن‌ها تعداد معدودی برای گزارش خبری برگزیده می‌شوند. این وضعیت زمینه را برای برجسته کردن خبرها مهیا می‌کند. (سالک، ۱۳۸۱)

در این بررسی سعی بر آن است که دریابیم در برنامه‌های شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی چه موضوعات، گروه‌ها و شخصیت‌هایی بیشتر مطرح شده‌اند.

### ۲-۳-۳- متقاعدسازی

متقاعدسازی کوششی است برای تغییر نگرش؛ چنین کوششی با تکیه بر استدلال منطقی و ایجاد شناخت در مخاطبان صورت می‌گیرد. هدف اقناع این است که بر فرد یا افراد مورد نظر تأثیر گذاشته شود تا عقیده خاصی را بپذیرند. همچنان که «جان لاک» فیلسوف مشهور انگلیسی گفته است: «اساس اقناع و ترغیب را شناخت مخاطبان در زمینه منافع مادی و معنوی حال یا آینده خویش تشکیل می‌دهد.» برای آنکه نوشته یا سخنی تا آنجا که ممکن است اقناعی و ترغیبی باشد، رسانه آن را به گونه‌ای ساماندهی می‌کند که مخاطب استنباط کند که به بهترین نحو در خدمت منافع اوست تا در نهایت آن را بپذیرند. این بستگی به تبلیغ‌کننده دارد که به دلایل عملی و منطقی یا دلایل احساسی و عاطفی متوسل شود، از چه مثال‌ها، آمارها، و نقل‌قول‌هایی استفاده کند؛ پیام اصلی را چند بار و در کجای متن تکرار کند، پیامش ساده و صریح باشد یا به استعاره متوسل شود؛ جدی باشد یا طنز. انتخاب هر یک از راه‌های ذکر شده به میزان سلطه بر فنون اقناع، تبلیغ و شناخت تبلیغ‌کننده از مخاطبان هدف بستگی دارد. (قاضی، ۱۳۷۷:

۲۹-۲۷)

معمولاً برای آنکه تبلیغات پیام خود را در ذهن افراد و مخاطبان حک کند، از روش تکرار بهره می‌گیرند. در بررسی برنامه‌های شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی سعی بر آن است که دریابیم مجری، کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف برای اقناع و

۱۱۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

ترغیب مخاطبان از چه ادله‌ای استفاده می‌کنند؛ آیا از دلایل عملی - منطقی برای اقناع مخاطب استفاده می‌شود یا از دلایل احساسی - عاطفی.

#### ۲-۳-۴- نظریه نیازجویی

نظریه پردازان علوم ارتباطی برای رسانه‌های گروهی چند نقش اصلی قائل هستند: نقش خبری، آموزشی، راهنمایی - ارشادی و تفریحی. انتساب این نقش‌ها به رسانه‌های گروهی، بی‌جهت و بدون دلیل صورت نگرفته است. دقیقاً بدین علت بوده است که رسانه‌ها به تمام نیازهایی که تحت عنوان «نقش رسانه‌ها» از آن‌ها یاد شده است، پاسخ می‌گویند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها به نیازهای آگاهی‌جویی، ارشادی، آموزشی و تفریحی انسان‌ها پاسخ می‌گویند.

این نظریه بر دو عامل متکی است: اول، پویا دانستن مخاطب. دوم، چند متغیره بودن فرایند ارتباط. این نظریه می‌گوید که مخاطب به نیاز خود آگاه است و بنابراین فرایند انتقال پیام پنج ویژگی دارد:

۱. مخاطب آغازکننده ارتباط است (با انتخاب رسانه‌ها)؛
  ۲. مخاطب پویاست؛
  ۳. رقابت رسانه‌ها برای تأمین نیاز مخاطبان الزامی است؛
  ۴. مخاطب جستجوگر است، یعنی برای تأمین نیازها و رضایت خود، روش‌های مختلف را تجربه می‌کند؛
  ۵. مخاطبان برای تأمین نیازهای معرفتی خود، آگاهانه رسانه مورد نظر را انتخاب می‌کنند.
- «میزان ابهام» موضوع و «مناسبت داشتن» آن با کار و زندگی فرد، تعیین‌کننده میزان تمایل وی به رویارویی با وسایل ارتباط برای رفع نیازهای شناختی است.

## فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۱۱۱

میزان تناسب داشتن موضوع با کار و زندگی فرد

زیاد	کم		
زیاد	ناچیز	کم	میزان ابهام موضوع
بسیار زیاد	نسبی	زیاد	

نظریهٔ نیازجویی بر این مطلب استوار است که مخاطب برای رفع نیازهای مختلف خود به دنبال رسانه می‌رود و در صورتی که نیازهای او برطرف شود، پیام آن رسانه را با اختیار و انتخاب می‌پذیرد. هرچه یک رسانه بتواند نیازهای بیشتری را برآورده کند، اعتماد و اطمینان مخاطب به آن بیشتر می‌شود و در درازمدت، مخاطب تا حدی پیش می‌رود که حتی از رسانه و پیام آن دفاع هم می‌کند، اما اگر رسانه نیاز او را برآورده نکند، مخاطب از آن رویگردان می‌شود و به رسانه‌های دیگر روی می‌آورد.

مخاطب نسبت به تمامی رویدادها و حوادثی که اجازه نشر یافته‌اند توجه یکسانی ندارد و اهمیت مساوی برای آن‌ها قائل نمی‌شود، بلکه از میان گزارش‌های متعدد و متنوع، با توجه به نیازها و انگیزه‌ها و سلیقه‌های گوناگون خود تعداد بسیار اندکی را انتخاب می‌کند و در بین آن‌ها نیز به برخی اهمیت بیشتری می‌دهد و زمان بیشتری را صرف دیدن و شنیدن آن‌ها می‌کند و از برخی دیگر فقط با نیم نگاه می‌گذرد. بنابراین، با وجود انبوه گزارش‌ها و اخباری که منتشر می‌شود، بسیاری از نیازهای مخاطبان برطرف نمی‌شود (ارضا نمی‌شود) و در نتیجه تلاش می‌کنند تا از راه‌های گوناگون، نیازهای خبری خود را برطرف کنند.

اگر اهداف هر سیستم خبری براساس نیازهای مخاطب باشد، مخاطب از دریافت خبرها احساس لذت و رضایت خواهد کرد و به‌صورت مخاطب دائمی شبکهٔ خبری موردنظر درخواهد آمد و طبیعتاً اعتماد و اطمینان بیشتری به آن شبکه و در نتیجه به رسانه پیدا خواهد کرد. ولی اگر یک شبکهٔ خبری بدون در نظر داشتن نیازهای مخاطب و فقط براساس اهداف خود اقدام به پخش اخبار کند، حتماً در فعالیت ارتباطی خود



۱۱۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

شکست خواهد خورد. البته امروزه اکثر رسانه‌های بزرگ و انحصارهای رسانه‌ای می‌کوشند تا نیازها و انگیزه‌های مورد نظر و منطبق با اهداف خود را به وسیله تبلیغات و به صورت کاذب در مخاطب ایجاد کنند که این نیازها و انگیزه‌های کاذب باعث روی‌آوری مخاطب به خبرها می‌شود. (شولتز، ۱۳۷۸: ۳۶۶-۳۶۷)

### ۲-۳-۵- نظریه بازنمایی رسانه‌ای

«پیتر دالگران» یکی از اندیشمندان ارتباطاتی است که در کتاب *تلویزیون و گستره عمومی خود* به نحو احسن بازنمایی<sup>۱</sup> را کالبدشکافی و تشریح کرده است. وی می‌گوید: بعد بازنمایی، توجه ما را به تولیدات رسانه‌ای جلب می‌کند. این بعد شامل زمینه‌های ذیل می‌شود: مطالبی که رسانه‌ها عرضه می‌کنند، نحوه انعکاس موضوعات، انواع گفتمان‌های مطرح شده و ماهیت مباحث و مناظرات ارائه شده.

بازنمایی به ابعاد اطلاعاتی و فرااطلاعاتی تولیدات رسانه‌ای، از جمله ابعاد نمادین و بدیع آن آثار اشاره دارد. بازنمایی در گستره عمومی به پرسش‌هایی اساسی نظیر این‌که «چه مطالبی باید برای انعکاس انتخاب شده و چگونه به مخاطبان عرضه شوند» اشاره دارد. (دالگران، ۱۳۸۰: ۳۰)

در مورد تأثیر بازنمایی رسانه‌ای بر اجتماع، دالگران می‌گوید: با توجه به چندلایگی اجتماعی- فرهنگی، این رسانه بیشتر در خدمت تخریب مردم‌سالاری است. گفتمان‌های این رسانه، از جمله به دلیل زیبای‌شناسی واقع‌گرایانه آن، عمدتاً ماهیت عقیدتی (ایدئولوژیک) دارند. تلویزیون از گسترش دانش و اطلاعات ضروری در سطح جامعه جلوگیری می‌کند، توهمی از وضعیت مطلع بودن در ذهن و شخصیت مخاطبان پدید می‌آورد و در عین حال مسئله مهم را با قراردادن در کنار مسائل پیش‌پافتاده کم‌اهمیت و عادی جلوه می‌دهد.

فصل دوم - پیشینه، مبانی و ... ۱۱۳

جهان اجتماعی به شکل صحنه‌ای ترسیم می‌شود که رویدادهای تصادفی و غیرمنتظره در آن به وقوع می‌پیوندند؛ به نحوی که تصویر کلی آن ناهمگن و از هم‌گسیخته به نظر می‌آید. تلویزیون سیاست را برای ما تعریف می‌کند و شرایط مباحثه سیاسی را به گونه‌ای فراهم می‌آورد که اساساً منافع صاحبان قدرت و ثروت در آن حفظ شود. مخاطبان به ناظران بیرونی دستگاه سیاسی تبدیل می‌شوند و به بی‌اختیار و بی‌قدرت بودن خویش عادت داده می‌شوند. این فهرست کارکردهای تلویزیون را می‌توان همچنان ادامه داد، اما آنچه در بالا ذکر شد، اتهامات رایج‌تری است که دیدگاه اخیر به تلویزیون وارد می‌سازد. (دالگران، ۱۳۸۰: ۸۲)

وی در ادامه می‌گوید: نظریه‌پردازان علوم ارتباطات همیشه دوست دارند بگویند که هیچ خبر یا گزاره محضی وجود ندارد. هیچ زبانی را نمی‌توان یافت که عاری از پیش‌فرض‌ها و گرایش‌های ارزشی باشد و به‌طور ضمنی روابط اجتماعی خاصی را در میان بهره‌برداران از خود مطرح و برجسته نسازد. از نگاه ایشان، هر نوع بازنمایی معرفت بشری درباره جهان دارای جهت‌گیری‌هایی است که به واسطه فنون لفظی و کلامی قابل لمس می‌شوند. (دالگران، ۱۳۸۰: ۸۳)



فصل سوم

روش تحقیق



## روش تحقیق

### ۳-۱- روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی و گفتمانی استفاده شده است. در انتخاب برنامه‌ها، تلاش شده تا برنامه‌هایی انتخاب شود که معرف سیاست رسانه‌ای این شبکه و نماینده‌ای از برنامه‌های آن به‌خصوص در مورد ایران باشد. از آنجا که متغیرسازی برای برنامه‌های موضوعی مانند «به عبارت دیگر، صفحه‌دو و...» به روش کمی قابل ارزیابی نبود به همین منظور از نظرات کارشناسان مختلف در حوزه‌های ارتباطات و علوم سیاسی برای طراحی متغیرهای محتوایی به منظور ارزیابی این برنامه‌ها بهره‌گیری شده است. برای بررسی برداشت‌ها، استنتاج‌ها و پیش‌فرض‌ها در برنامه‌های بی‌بی‌سی علاوه بر تحلیل محتوا از روش محتوایی (تحلیل گفتمان) سود جستیم. از آنجا که تحلیل گفتمان، تحلیل کیفی است می‌تواند مکمل خوبی برای کارهای تحلیل محتوا محسوب شود، چرا که لایه‌های عمیق‌تری را باز می‌گشاید. در تحلیل کیفی تنها بررسی رخدادهای زبانی نیست، بلکه چگونگی تبلور شکل‌گیری معنا

و پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون‌زبانی (زمینه متن) محیط بلافصل زبانی و نیز عوامل برون‌زبانی یعنی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و موفقیتی را نیز بررسی می‌کند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۵)

توضیح این نکته ضروری است که زبان در مفهوم جدید ابزاری برای تفسیر جهان واقع نیست، بلکه خود شکل‌دهنده آن است. در مفهوم جدید، زبان نظامی از نشانه‌هاست و به ناگزیر عالم را به شکل رمزی بازنمایی می‌کند. زبان ابزاری است که عالم مادی و افکار ذهنی را کدبندی می‌کند و در متن جریان می‌یابد. براساس رویکرد تحلیل گفتمان متن‌های گفتاری یا نوشتاری و یا هر آنچه به‌عنوان گفتمان‌های اجتماعی نامیده می‌شوند باید بر تحلیل نظام‌مند بافت اجتماعی‌شان منطبق باشد.

در این مطالعه آن طور که براون (۱۹۳۸) معتقد است چهار مؤلفه اصلی ضروری است که در این تحقیق در نظر گرفته شده است: مرجع،<sup>۱</sup> پیش فرض‌ها،<sup>۲</sup> دلالت‌ها<sup>۳</sup> و استنتاج‌ها.<sup>۴</sup> این چهار مؤلفه برای خوانش متون نوشتاری و شفاهی ضروری است که ۱. واژه مورد نظر در برنامه‌های مورد نظر به چه چیز ارجاع می‌دهد. ۲. براساس کدام پیش‌زمینه‌های فکری و اجتماعی سخن گفته است و تجربیات اجتماعی او در این میان چه نقشی داشته است. ۳. چگونه می‌توان دریافت که چه فاصله‌ای میان آنچه نویسنده در نظر داشته است و آنچه نوشته یا گفته است وجود دارد. به عبارت دیگر، آنچه به تحریر درآمده یا گفته شده، دقیقاً مراد نویسنده یا سخنران بوده است. ۴. یک متن، اثر یا سخن و گفتار در عرصه اجتماعی یا سیاسی در میان خوانندگان و شنوندگان آن با چه استنتاجی روبه‌رو شده است. (براون، ۱۹۸۳: ۲۸)

در این نوشتار سعی شده تا در دو سطح به بررسی برنامه‌های بی‌بی‌سی پرداخته

---

1. Referenc  
2. Presuppositions  
3. Implicatures  
4. Inference

### فصل سوم - روش تحقیق ۱۱۹

شود. در سطح اول، با رویکرد معناشناختی، معانی به کار رفته در متن مورد بررسی و در سطح دوم، با استفاده از رویکرد بینامتنی کلام محوری به کار رفته در برنامه بی بی سی مورد کاوش قرار گرفته است. رویکرد گفتمان محور نه تنها به بررسی چگونگی تولید معنا توسط زبان و بازنمایی می پردازد بلکه در کنار آن بررسی می کند که چگونه دانشی که یک گفتمان خاص تولید می کند به «قدرت» ارتباط پیدا می کند.

### ۳-۲- واحد تحلیل

در برنامه های «موضوع محور» با توجه به این که از روش تحلیل گفتمانی استفاده شده است، واحد تحلیل، گفتار است که در مورد موضوع در برنامه مطرح شده است. (در قالب گفتار مجری یا مخاطب از طریق ایمیل، وب کم یا تلفن، چه با رویکرد مثبت و چه منفی)

شایان ذکر است که در برنامه هایی مانند «نوبت شما» مجموع نظرات تلفنی در برنامه لحاظ شده و براساس نظرات غالب کدگذاری یا ارزیابی شده است.

### ۳-۳- جامعه آماری

جامعه آماری برنامه های بی بی سی فارسی شامل برنامه های «نوبت شما، پرگار، کوک، به عبارت دیگر، تماشا، صفحه دو، آپارات، خبرنگاران، امروزی ها، کلیک، تخت گاز» هستند.

### ۳-۴- حجم نمونه

با توجه به نظر کارشناسان در خصوص برنامه های شاخص این شبکه که هفتگی است و از آنجا که حجم نمونه برای این تحقیق دو ماه در نظر گرفته شده بود، تلاش شد تا با توجه به حجم نمونه دو برنامه (یعنی از هر ماه یک برنامه) به عنوان معرف انتخاب و مورد تحلیل گفتمانی قرار گیرد. بنابراین برنامه های «به عبارت دیگر،



۱۲۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

صفحه ۲، آپارات، پرگار و کوک» با روش تحلیل گفتمانی مورد ارزیابی قرار گرفت. درخصوص برنامه «نوبت شما» از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این روش با توجه به متغیرهای مورد بررسی ۲۵ برنامه شاخص مرتبط با موضوع ایران کدگذاری شده است. لازم به ذکر است که برنامه مورد بررسی در بازه زمانی شش ماهه دوم سال ۱۳۸۸ بوده است.

### ۳-۵- ابزار گردآوری

با توجه به این که رایج‌ترین روش گردآوری تحلیل محتوا دستورالعمل کدگذاری است، برنامه «نوبت شما» با توجه به متغیرهایی که برای ارزیابی آن طراحی شده بود، با متغیر کمی مورد ارزیابی قرار گرفت. در خصوص برنامه‌های موضوعی نیز با توجه به ماهیت و موضوع برنامه با چند شاخص، از تحلیل گفتمان استفاده شده است.

### ۳-۶- روش نمونه‌گیری؛ غیراحتمالی و هدفمند

در نمونه‌های هدفمند (که به آن‌ها «نمونه‌های قضاوتی» نیز اطلاق می‌شود) پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به صورت ذهنی انتخاب و سعی می‌کند نمونه‌ای که معرف جمعیت باشد، گزینش کند. به‌طور کلی نمونه‌گیری هدفمند نوعی روش نمونه‌گیری غیراحتمالی است که در آن محقق قضاوت خود را در انتخاب نمونه دخالت می‌دهد.

### ۳-۷- اعتبار (روایی) محتوایی

اعتبار محتوایی عبارت است از اینکه یک وسیله با ویژگی‌های متغیری که برای اندازه‌گیری آن به کار می‌رود، چقدر ارتباط دارد و تا چه حد پرسش‌ها یا معرف‌های تشکیل دهنده تحقیق، ابزار مناسب برای نشان دادن ویژگی‌های اندازه‌گیری شده هستند. در این تحقیق از ملاک‌ها و شاخص‌هایی که «تئون ون دایک» و «نورمن فرکلانف» از

### فصل سوم - روش تحقیق ۱۲۱

قبیل؛ نقل قول از شواهد، داستان‌پردازی، استدلال، سبک واژگان، فرایند اسم‌سازی، استفاده از واژگان ایدئولوژیک، استعاره، قطب‌بندی خودی و غیرخودی و استنباط پیشنهاد کرده‌اند، استفاده شده است که در بخش متغیرهای تحقیق با کارویژه‌های آن‌ها آمده است.

#### ۳-۸- پایایی (قابلیت اعتماد)

پایایی در تحقیقات پیمایشی و تحلیل محتوا به معنی اطمینان از عینی‌گرایی در تحقیق است.

برای اعتماد به کدگذاری مقوله‌ها و در نتیجه رعایت اصل عینیت، لازم شد که ضریب قابلیت اعتماد (پایایی) برای برخی از متغیرها به صورت جداگانه محاسبه شود. به منظور محاسبه ضریب قابلیت اعتماد از فرمول «ویلیام اسکات» برابر قیاس اسمی استفاده شد. (بدیعی، ۱۳۷۵) با توجه به این که برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد از دو کدگذار با ۲۰ درصد از واحدهای تحلیل و محاسبه درصد توافق میان کدگذار و درصد توافق مورد انتظار استفاده شده است. نتایج ضریب قابلیت اعتماد در این بررسی بالای ۷۰ درصد بوده است. بنابراین این پژوهش از ضریب قابلیت علمی محاسبه شده برخوردار است. اما در روش تحلیل گفتمان، با توجه به اینکه تفسیر و تبیین به وسیله محقق صورت می‌گیرد، طبیعی است که محقق دیگری در رویارویی با گفتار برنامه، نتیجه‌گیری متفاوتی داشته باشد، لذا در پژوهش حاضر سعی شده است که با طراحی فرم استخراج اطلاعات، تا حد امکان عینی‌گرایی در تحلیل گفتمان رعایت شود.

#### ۳-۹- متغیرهای تحقیق و کار ویژه‌های آن

##### ۱. واژگان (مثبت و منفی)

این متغیر، واژگان کانونی را که تکیه‌گاه گفتار برنامه به‌شمار می‌آید، همراه با بار

معنایی و کارکردی آن‌ها در برنامه یا گفتارهای مورد استفاده شده در برنامه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به عبارتی، واژگان اصلی و کانونی برنامه کدام‌اند؛ موضوع یا مفهوم مورد نظر را مثبت توصیف کرده‌اند یا منفی. در حقیقت، معرف اصلی سیاست رسانه‌ای، در چارچوب واژگان مثبت همچون؛ قانون، آزادی، حقوق یا واژگان منفی همچون؛ شورش، تظاهرات، خشونت، می‌تواند در زمینه تحلیل واقع‌بینانه گفتار برنامه و اهداف زمینه تولید متن به محقق یاری رساند. به‌طور کلی واژه‌پردازی، مشخصه‌های مثبت «ما» و مشخصه‌های منفی «آن‌ها» را تلویحاً مورد تأکید قرار می‌دهد.

## ۲. مشارکین

این متغیر، نگرش برنامه نسبت به افراد، گروه‌ها و نهادهای مطرح شده در گفتارهای برنامه را که حاوی داوری برنامه در مورد آن‌هاست، ارزیابی می‌کند. این متغیر بخشی از کارکرد «غیرسازی» متن را نشان می‌دهد. به عبارتی، گفتار برنامه افراد، گروه‌ها، عقاید و سازمان‌هایی را هدف قرار داده است. همچنین این متغیر به تحلیل مرزبندی‌های گفتار کمک می‌کند.

## ۳. قطب‌بندی (غیرسازی یا تقابل گفتمانی)

این متغیر دارای دو زیرمجموعه مشخص، یعنی نحوه توصیف و معرفی «خود» یا ارزش‌های منتسب به‌خود و نیز توصیف و معرفی «دیگری» یا ارزش‌های منتسب به «دیگران» در برنامه است.

همچنین با شناخت این نکته که سیاست رسانه‌ای «دیگر» خود را چگونه توصیف می‌کند و چه کسان یا نهادهایی را در جبهه «خودی» و کدام را در جبهه «دیگری» قلمداد می‌کند، می‌توان به تبیین سیاست رسانه‌ای در مورد نیروها و بخش‌های مختلف جامعه و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی یا جهانی دست یافت. در قطب‌بندی، ایده‌ها می‌توانند به شکل الگوی ایدئولوژیک که افراد، گروه‌ها و

نهادها را در دو قطب قرار می‌دهند، ساماندهی شوند.

همچنین این متغیر به این سؤال پاسخ می‌دهد که «ما و دیگران» با چه لفظ یا الفاظی در برنامه توصیف می‌شوند. معمولاً توصیف‌ها به دنبال اصل دوقطبی کردن ایدئولوژیک می‌آیند.

تعیین جایگاه و کارکرد ضمایر به کار رفته در گفتار مجری یا مهمان برنامه، مبین نگرش سیاست رسانه‌ای برنامه یا شبکه نسبت به دیگران است، مانند استفاده از ضمیر «ما» که نشان می‌دهد که رسانه خود را نماینده یک «جمع» می‌داند و می‌کوشد خود و آن‌ها را یکی نشان دهد.

درعین حال هر یک از ضمایر می‌تواند معانی متفاوت داشته باشد. «ما» می‌تواند نماینده یک جمع کوچک یا گروه‌های خودی، یک ملت، یا جامعه جهانی باشد. بنابراین شناخت کارکرد ضمایر در متن می‌تواند به تبیین اهداف گفتار یا گفتمان ارائه در برنامه کمک کند.

#### ۴. استناد یا ذکر شواهد

ایده‌ها معمولاً به حمایت نیاز دارند. در بسیاری از گفتارهای برنامه جهت توجیه و مشروعیت‌بخشی به ایده‌ها، به افراد و شخصیت‌های موجه مذهبی، سیاسی و اجتماعی استناد می‌شود.

این متغیر، بیان‌کننده آن است که گفتارهای برنامه به کدام منابع مشروعیت‌ساز یا مورد قبول دیگران برای اثبات ادعای خود، استناد می‌کند، چرا که این امر می‌تواند در قابل قبول یا غیرقابل قبول جلوه‌دادن استدلال‌ها مؤثر واقع شود.

شناخت و استخراج استنادها و استدلال‌ها و اینکه گفتار برنامه (سیاست خبری رسانه مذکور) می‌کوشد که از طریق آن‌ها ارزیابی مثبت یا منفی از واقعیت را به ذهن مخاطب متبادر کند، از کارکردهای این متغیر است. استفاده از نقل قول، کارشناسان،

مسئولان و رهبران، نمونه‌هایی از استناد به منابع مشروعیت‌ساز هستند.

#### ۵. استنباط، ملاحظات (دلالت‌های ضمنی)

معمولاً بخش مهمی از اطلاعات گنجانده شده در یک برنامه، به صراحت بیان نمی‌شود و حالت ضمنی دارد. مفاهیم و واژگان در گفتار معمولاً تنها نمی‌آیند بلکه به وسیله بندها و جمله‌ها در قالب گزاره‌ها (قضایا) بیان می‌شوند. به عبارتی گفتار در برنامه ممکن است دربرگیرنده مفاهیم یا گزاره‌هایی باشد که می‌توان از طریق آگاهی یا اطلاعات قبلی بدان پی برد. گونه‌های مختلف استنباط یا دلالت ضمنی شامل التزام‌ها، پیش‌انگاری‌ها یا پیش‌داوری‌ها و اشکالی چون پیشنهاد یا تداعی است.

این متغیر خود شامل سه مقوله پیش فرض، تلقین و تداعی می‌شود.

**پیش فرض‌ها:** افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج خط سردبیری یا مجری و زاویه نگرش برنامه را به موضوع شکل می‌دهند. به عبارتی پیش فرض‌ها مفروضاتی هستند که فهم و درک ارتباط میان قضایا و موضوع متن مشروط به آن‌هاست. شناخت پیش فرض‌ها تحلیلگر را قادر می‌سازد تا به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی سیاست خبری و برنامه‌ای رسانه پی ببرد. در واقع اهداف پنهان سازمان خبری را از این طریق می‌توان بازشناخت.

**تلقین:** بدین معناست که متن در جستجوی چه آموزه‌های فکری یا توصیه‌های عملی، یا درصدد ایجاد چه ذهنیتی است.

**تداعی:** به این معناست که متن چه موضوعات ناگفته‌ای را تداعی می‌کند.

دلالت‌های ضمنی در مرحله تفسیر متن تحلیلگر را قادر می‌سازد تا با بهره‌گیری از دانش زبانی خود نشان دهد که کدام گزاره یا جمله حاوی کدام معانی غیرصریح است و به کاربرد آن در گفتار مجری در قالب سؤال یا جهت‌دهی به برنامه با چه نیتی بوده است و در نتیجه کارکرد این دلالت‌ها کدام مفاهیم یا پیامدهایی را به همراه دارد. به

فصل سوم - روش تحقیق ۱۲۵

بیان دیگر، تحلیلگر، معانی خاص را به گزاره‌ها یا برخی از گفتارهای مهم برنامه نسبت می‌دهد که نشان دهد گفتارها بر کدام قواعد شناخته شده محیطی، دلالت دارد. در تحلیل گفتمان، تلقین و تداعی بخش مهمی از کارکرد متن را تشکیل می‌دهد.

#### ۶. مؤلفه‌های اجماع و توافق در گفتار برنامه

این متغیر شامل گزاره‌های گفتاری و مفاهیمی هستند که برنامه از طریق آن‌ها درصدد ایجاد توافق و اجماع در مخاطبان برمی‌آید. استفاده از ارزش‌ها، هنجارها، باورها یا مفاهیمی چون آزادی، قانون، استقلال، منافع ملی در متن می‌تواند با این هدف صورت گیرد.

برخی از تعابیر می‌تواند صادقانه، پاره‌ای برای مشروعیت‌سازی و خارج کردن یا ساکت کردن مخالفان یا حذف گفتمان رقیب باشد.

#### ۷. سبک بیان

عمل به‌کارگیری زبان برای اقناع یا تأثیرگذاری بر دیگران است. به‌کارگیری و استفاده از فنون تأثیرگذار مانند نامگذاری کلی، کلی‌بافی مبهم، و ... از ابزارهای «بیان» هستند.

سبک، عبارت است از تهیه یک گفتار با کمک یکی از راههای بدیل بیان یک مطلب کم‌ویش مشابه با استفاده از واژه‌های متفاوت یا ساختار معنایی متفاوت.

به‌طور کلی بیان یک گفتار در برنامه، با استفاده از واژه‌های متفاوت و ساختار معنایی مختلف صورت می‌گیرد. انتخاب سبک‌شناختی، ملاحظات ایدئولوژیک یا اجتماعی روشن در پی دارند، زیرا آن‌ها اغلب نشان‌دهنده افکار و عقاید گزارشگر درباره نقش‌آفرینان خبر، رویدادهای خبری و نیز اولویت‌های موقعیت یا وضعیت اجتماعی و ارتباطی است و این‌که گزارشگر به کدام طبقه از طبقات اجتماعی جامعه تعلق دارد. به‌عنوان مثال نشان می‌دهد که این گزارشگر سفیدپوست، مرد، یا از طبقه متوسط است،

لذا استفاده از واژه‌های «جماعت خشمگین» یا «جماعت خشمگین اجیرشده» به جای واژه‌های «جمعیت»، «تظاهرکنندگان» ممکن است به منزله موضع‌گیری ایدئولوژیک یک گزارشگر درباره، تظاهرکنندگان و در عین حال بی‌اعتبار ساختن آنان نزد مخاطبان تلقی شود.

همچنین استفاده از واژه‌های «افراد مسلح، افراد ناشناس، تندرو و مهاجمان» به جای «مردم عراق و گروه‌های مبارز عراقی» در مورد واکنش مردم یک کشور به نیروهای کشورهای حمله‌کننده توسط گزارشگر با توجه به سیاست خبری رسانه، معنادار است. کاربرد واژه‌های «فریاد» و «خشمگین» به جای «اعتراض شدید»، علاوه بر نشان دادن موضع‌گیری منفی و جلب رضایت مخاطبان، به قول «چامسکی»، مبین بعد فرهنگی زبان اخبار نیز هست.

#### ۸. استفاده از استعاره

استعاره وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر حسب جنبه‌ای دیگر از آن است. به عنوان مثال، استفاده از عنوان «گسترش سرطان» در شروع یک مقاله روزنامه اسکاتلندی به جای «گسترش شورش‌های جوانان سرکش در جنوب» یا «انفجار شغلی در طول حکومت ریگان در آمریکا تجربه شد» را می‌توان از موارد کاربرد استعاره ذکر کرد.

#### ۹. واژگان ایدئولوژیک

واژه‌پردازی قلمرو شناخته‌شده بیان و اقناع ایدئولوژیک است. اهل زبان برای اشاره به اشخاص، گروه‌ها، روابط اجتماعی یا موضوعات اجتماعی یکسان، بنابر نوع گفتمان، بافت شخصی، (عقیده و دیدگاه) بافت اجتماعی، (رسمی بودن، عضویت در گروه، روابط سلطه) و بافت اجتماعی - فرهنگی (گونه‌های زبانی، گویش اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها) امکان انتخاب کلمات را دارند. بسیاری از این بافت‌ها منشأ ایدئولوژیک

#### فصل سوم - روش تحقیق ۱۲۷

دارند. این امر در بازنمایی مشارکت‌کنندگان در گفتگو و روابط متقابل آن‌ها، در الگوی بافتاری و بازنمایی مشارکت‌کنندگان در واکنش‌ها و الگوهای رویدادی نیز مصداق می‌کند.

از این‌رو، کاربرد کلمات و گفتار برای بازنمایی مشارکین در برنامه، نشان‌دهنده تمرکز بر جنبه‌ای از واقعیت است که ممکن است مبین کانون فعالیت ایدئولوژیک باشد. نمونه‌های واژگان ایدئولوژیک عبارتند از؛ «تروریست‌ها» به جای واژه «آزادی‌خواهان»؛ «شورشیان» به جای «ناراضیان» یا انتخاب واژه «خنثی» (*While*) به جای کلمه «جهت‌دار» برای پوشاندن و مخفی نگه‌داشتن بار ایدئولوژیک عاملی که باعث بروز حادثه ناگوار شده است.

#### ۱۰. اسم‌سازی

یک فرایند ممکن است در قالب یک اسم تقلیل یافته و صورت پذیرد. به‌عنوان مثال، در عنوان سرمقاله‌ای مشکل ریزش بار سنگ، این‌گونه بازنمایی می‌شود «کامیون‌های بی‌حفاظ کارخانه سنگ میدلبارو، همچنان با ریختن سنگ مشکل ایجاد می‌کنند». اسم‌سازی فرایند تبدیل به اسم (یا اسم مرکب چندکلمه‌ای مانند مثال بالا) است. صورت مزبور از این جهت تقلیل یافته است که برخی از معانی موجود در جمله در آن وجود ندارد. در مورد زمان، هیچ نشانه‌ای از زمان‌بندی فرایندی وجود ندارد. در این مثال مسبب مشکل و عامل ریزش بار، مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد و در نتیجه عنوان با گفتار مفروض به لحاظ نامعلوم گذاشتن اسنادهای سببیت و مسئولیت، همخوانی ندارد.

#### ۱۱. دیدگاه مخاطبان نسبت به برنامه

الف) مثبت: به این مفهوم است که باتوجه به موضوع برنامه و مفروض اصلی برنامه و همچنین هدایت مجری برنامه، مخاطبان، دیدگاه‌های مجری برنامه را در قالب



سیاست رسانه‌ای تأیید می‌کنند.

ب) منفی: به این مفهوم است که مخاطبان نسبت به موضوع برنامه و فرایندی که مجری یا سیاست رسانه‌ای در طرح آن موضوع القا هدف می‌کنند، واکنش منفی نشان می‌دهند. به عبارتی، مخاطبان نسبت به برنامه و ایده آن واکنش منفی نشان می‌دهند یا اصلاً سیاست رسانه‌ای برنامه را مورد تأیید قرار نمی‌دهند و حداقل نسبت به آن رویکرد واکنشی خنثی در پیش می‌گیرند.

### ۱۲. سیاست رسانه‌ای (برنامه‌ای)

اصولاً در حوزه رسانه دو نوع سیاست قابل تقسیم‌بندی است: یکی، در سطح کلان و دیگری، در سطح خرد یا عملیاتی.

سطح کلان این سیاست خطوط کلی اهداف کلی یک رسانه را براساس مالکیت و رویکرد اقتصاد سیاسی تشکیل می‌دهد.

در سطح خرد یا عملیاتی که در آن می‌توان به دو بخش اشاره داشت که به آن سیاست خبری یا برنامه‌ای اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup>

اصولاً این بخش شیوه عملیاتی کردن اصول و اهداف کلی رسانه (اعلامی و غیراعلامی، آشکار یا پنهان) است که در قالب برنامه‌های خبری یا غیرخبری با بهره‌گیری از تکنیک‌های مختلف در حمایت از یک دیدگاه براساس نمایندگان فکری که امکان دسترسی به گفتمان را در رسانه پیدا می‌کنند، بروز می‌یابد.

### ۱۳. گفتمان القایی و تبلیغاتی

یکی از اهداف دیپلماسی رسانه‌ای، ایجاد عملیات روانی فراملی از جمله ایجاد تنفر و دشمنی نسبت به حاکمیت (کشور مورد هدف)، اعمال فشارهای سیاسی - فرهنگی علیه کشور مورد هدف، و ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبان کشور مورد هدف است.

---

1. News & program policy

رسانه‌ها سعی می‌کنند که با اتخاذ گفتمان القایی، تبلیغاتی، دیپلماسی رسانه‌ای، تکنیک‌ها و روش‌های خاص به متقاعدسازی و ترغیب مخاطبان بپردازند. در این بررسی گفتمان‌های القایی و تبلیغاتی در برنامه «نوبت شما» در موضوعات زیر مورد بررسی قرار گرفته است: «برجسته‌سازی، وارونه‌نمایی، متهم‌سازی مسئولان نظام، زیر سؤال بردن عملکرد نظام، قطب‌بندی مجازی از فضای سیاسی کشور، تفرقه‌افکنی، انزوای منطقه‌ای ایران...».

#### ۱۴. تکنیک‌های القایی

این متغیر مبین آن است که شبکه فارسی‌زبان بی‌بی‌سی به‌خصوص برنامه «نوبت شما» چگونه برای جذب مخاطب و تسهیل جریان ارتباط با آن، بر فرد یا افراد تأثیر می‌گذارد تا عقیده خاصی پذیرفته شود. برای دستیابی به هدف مورد نظر از تکنیک‌هایی القایی از جمله ۱. تقابل گفتمانی: توصیف و معرفی فرد با ارزش‌های منتسب به‌خود و نیز توصیف و معرفی دیگری یا ارزش‌های منتسب به دیگران؛ ۲. برجسته‌سازی: برجسته کردن افراد یا موضوعات مورد نظر؛ ۳. بهره‌گیری از گروه‌های مرجع؛ ۴. اشاره به پیشینه رویدادها یا فرایندمداری آن و چگونگی بازتاب یک رویداد از گذشته تاکنون استفاده شده است.

#### ۱۵. کنش‌های گفتاری

متغیری است که به جنبه مهمی از کاربرد زبان، موضوع بحث، گفته‌ها و بازگفته‌های فردی در زمینه «کلیت گفتمان» می‌پردازد. کنش گفتاری معنای خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت سیاسی حاکم بر جامعه به اجزای تشکیل‌دهنده متن نسبت می‌دهند.

### ۱۶. پیش فرض‌ها

در بخش تفسیر زمینه متن در تحلیل گفتمان با توجه به پیش فرض‌ها متن از اهمیت برخوردار می‌شود. پیش فرض‌ها، افکار قالبی و پیش‌داوری‌ها، زیرساخت استدلال و استنتاج نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. بنابراین شناخت پیش فرض‌ها ما را قادر می‌سازد که به لایه‌های زیرین یا اهداف واقعی سخنران‌ها در برنامه‌های بی‌بی‌سی پی ببریم. با این وصف، در این بررسی پیش فرض‌های اصلی که در متن مورد بررسی عیناً از سخنان کارشناسان، معجری و... اخذ شده است، در متغیر پیش فرض‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

## فصل چهارم

### یافته‌های تحقیق



## یافته‌های تحقیق

### ۴-۱- مقدمه

در این فصل از برنامه «نوبت شما» (۲۵ برنامه) و از برنامه‌های «به عبارت دیگر»، «صفحه ۲»، «کوک»، «آپارات» و «پرگار» دو برنامه شاخص و مهم مرتبط با ایران انتخاب و مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفته است.

### ۴-۲- برنامه «نوبت شما»

نکات قابل تأمل درخصوص نحوه ارائه (رفتار مجری‌ها) و محتوای برنامه «نوبت شما»

۱. پرداختن به موضوعات داخلی ایران از قبیل خودسوزی یک جانباز در جلوی مجلس شورای اسلامی؛
۲. استفاده از تصاویر متنوع عکس‌های ارسالی مخاطبان در جهت جذب آنها به منظور ارتباط تعاملی؛
۳. استفاده از تکنیک پیش‌دستی در جهت‌دهی به سخنان مخاطبان در برنامه؛

۴. بهره‌گیری از تقابل گفتمانی برای جذاب کردن برنامه در خصوص پیام نوروزی اوپاما و متهم کردن مسئولان ایرانی؛
۵. احاطه مجری در اجرا و جهت‌دهی به هدف برنامه؛
۶. دنبال کردن موضوع انتخابات در بخش وبلاگ‌ها به صورت فرایندمدار؛
۷. دادن فرصت بیشتر به دیدگاه‌های منفی مخاطبان برای طرح در برنامه؛
۸. سیاسی کردن موضوعات اجتماعی مانند آلودگی محیط‌زیست، ترافیک و...؛
۹. معرفی وبلاگ‌ها و سایت‌ها در برنامه برای جهت‌دادن به اهداف و سیاست‌های رسانه‌ای خود، مانند خبرنگارنامه امیرکبیر؛
۱۰. طرح موضوعات سیاسی با موضوع مرتبط برنامه، مانند تعطیل کردن بازاریان به خاطر کمک به مردم غزه؛
۱۱. تهیه گزارش‌ها از ایرانیان مقیم لندن برای پخش از برنامه؛
۱۲. ارائه آخرین و تازه‌ترین اخبار مباحث ایران در انتهای برنامه و تاحدی تحلیل در خصوص آن.

### مهم‌ترین محورهای گفتمان القایی در ۲۵ برنامه بررسی شده از «نوبت شما»

۱. محورهای برنامه «امید به آینده»
  - برجسته‌سازی و جهت‌دادن برنامه به ابعاد منفی نسبت به شرایط کنونی ایران و ایجاد بدبینی در مخاطبان؛
  - بازنمایی امیدواربودن مخاطبان ایرانی خارج از کشور و برعکس، نشان دادن ناامید بودن مخاطبان ایرانی داخل کشور؛
  - تأمین نبودن بیمه در ایران و نبود استخدام رسمی از عوامل یأس و ناامیدی در بین جوانان ایرانی؛
  - بازنمایی کمرنگ‌بودن امید در ایران به خاطر تورم و بیکاری.

۲. محورهای برنامه «رابطه شیعه و سنی»

- بازنمایی وضعیت شیعه و سنی در عراق، افغانستان و منطقه؛
- برجسته‌سازی تجربه‌های مختلف افراد از روابط شیعه و سنی؛
- تلاش برای درگیر کردن اهل تسنن داخلی با شیعیان؛
- درگیرکردن اهل تسنن با حکومت؛
- ارتباط با مخاطبان شهرهای کرد اهل تسنن؛
- پیشنهاد برای برگزاری مناظره بین رهبران مذهبی به منظور دامن‌زدن بر اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی؛
- تلاش برای فضاسازی در بررسی وبلاگ‌ها با موضوع هکرها در هک سایت آیت‌الله سیستانی و عکس‌العمل متقابل.

۳. محورهای برنامه «پیری و سالخوردگی و بردن آن‌ها به آسایشگاه»

- شاد نبودن چهره‌ها در ایران؛
- برجسته‌سازی کمبود امکانات در خانه سالمندان ایران و افغانستان؛
- خانه سالمندان همچون فراموشخانه در کنار بهشت‌زهرها با بهره‌گیری از کنایه برای تأثیرگذاری عاطفی بیشتر در مخاطبان به منظور همسو کردن با سیاست‌های رسانه‌ای برنامه؛
- برجسته‌سازی با بهره‌گیری از آمار به منظور سوءاستفاده سیاسی مانند ۵ میلیون سالمند در ایران و نداشتن بیمه پزشکی.

۴. محورهای برنامه «فرق گذاشتن بین دختر و پسر در خانواده»

- طرح سؤال به منظور ایجاد شبهه و ابهام در افکار مخاطبان به منظور القای محدودبودن آزادی و تبعیض بین دو جنسیت در ایران مانند این سؤال که آیا تساوی آزادی دختر و پسر در ایران، درست است؟



- حاکم بودن نگاه جامعه سنتی به دختر و پسر در ایران و فرق نگذاشتن بین دختر و پسر در خارج از کشور؛
- ملاک قراردادن روشنفکر بودن خانواده به جای ارزش‌های دینی در فرق گذاشتن بین دختر و پسر در جامعه ایرانی؛
- آرزوی دختران برای پسر بودن؛
- برجسته‌سازی محدودیت برای دختران در ایران؛
- بازنمایی فقر فرهنگی و بی‌سوادی اعضای خانواده در ایران عامل تبعیض گذاشتن بین پسر و دختر؛
- القای ناامنی و تهدیدزا بودن جامعه برای دختران؛
- فرق نگذاشتن در اسلام بین دختر و پسر؛
- تبعیض قائل شدن از سوی خانواده‌ها برای دختران و پسران؛
- روشنفکر بودن خانواده به‌عنوان عامل مثبت در فرق نگذاشتن بین پسر و دختر.

#### ۵. محورهای برنامه «ترافیک»

- برجسته‌سازی و متهم کردن مردم، و مسئولان مربوط به موضوع برنامه به منظور درگیر کردن افکار عمومی و ایجاد جنگ روانی بین مردم و مسئولان برای ایجاد شکاف اجتماعی و کاهش اعتماد اجتماعی بین آنها؛
- مرتبط کردن موضوع ترافیک به مباحث سیاسی مانند: ترافیک ریشه سیاسی دارد. (مترو: هاشمی، مونوریل: احمدی‌نژاد)؛
- عدم آینده‌نگری مسئولان نسبت به بافت شهری؛
- تغییر نکردن وضعیت حاضر با افزایش جریمه‌ها؛
- مقصر بودن دولت به خاطر تولید زیاد ماشین؛
- تلاش برای بازنمایی شعاری بودن اقدامات دولت دهم با هدف افکارسازی

کاذب و اینکه ایران کشوری است که در آن آموزش با شعار انجام می‌شود.

#### ۶. محورهای برنامه «گرانی و خرید شب عید»

- سوءمدیریت در برنامه‌ریزی دولتی با برجسته‌سازی متهم‌کردن و ناکارآمدی اقتصادی دولت دهم در تأمین نیازهای مردم؛
- بهره‌گیری از کنایه برای القای اهداف سیاسی در برنامه در قالب طنز مانند کسی یا دستی پشت پرده است؛
- قیمت‌ها از سوی دولت بالا می‌رود؛
- کنترل بازار دست عده‌ای خاص است.

#### ۷. محورهای برنامه «آمریکا و ایران (دیپلماسی نوروزی)»

- برجسته‌سازی پیام تبریک اوباما و نسبت دادن آنکه این پیام به مردم ایران است نه دولت ایران؛
- القای بی‌سیاسی و بی‌تدبیری مسئولان ایرانی در پاسخ به پیام نوروزی اوباما؛
- بازنمایی استمرار دیوار بی‌اعتمادی بین آمریکا و ایران؛
- عدم پوشش پیام نوروزی اوباما برای مردم ایران به منظور متهم‌کردن رسانه ملی در سانسور پیام نوروزی اوباما به مردم ایران؛
- متهم‌کردن سیاست خارجی دولت نهم و دهم در تعامل با جامعه جهانی به‌ویژه با آمریکا با بیان این‌که در طی ۳۰ سال هیچ کاری روی اصول انجام نشده است؛
- بازنمایی شرط‌های ایران در موضوع هسته‌ای به مثابه داستان‌سرایی؛
- پیام اوباما امیدوارکننده بود؛
- بهره‌گیری از کنایه‌ای همچون «از پاسارگاد میترا رفت و به نقش رستم موبد موبدان آمد» برای القای به‌زوال رفتن حکومت به‌وسیله رهبران دینی.

۸. محورهای برنامه «گرفتن غرامت جنگی از عراق توسط دولت ایران»

- متهم کردن هاشمی رفسنجانی به عنوان فردی که باعث ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر شد؛
- بهره‌گیری از این کنایه: انگلیسی برخورد کردن با این مقوله به مفهوم عقلایی برخورد کردن نسبت به دریافت غرامت جنگی از عراق؛
- تأکید بر این گزاره که بیشترین خسارت در شش سال دوم جنگ بود نه دو سال اول و القای ابهام به مخاطبان که ایران غرامت نگیرد و اگر می‌گیرد به اندازه آنچه ارزیابی شده نیست، یا القای این نکته که خسارت شش سال دوم را خود مسئولان نظام رقم زدند نه دولت وقت عراق.

۹. محورهای برنامه «عید و دید و بازدید»

- بازنمایی کلیشه‌ای شدن عید و دید و بازدید در بین جوانان؛
- دید و بازدید کمی دست‌وپاگیر شده، با استفاده از این کنایه که این دید و بازدیدها شبیه خاله‌بازی‌های دوران بیچگی شده است؛
- بازنمایی عید به مثابه یک سنت در حال منسوخ شدن در بین جوانان.

۱۰. محورهای برنامه «آبروداری نزد مهمانان»

- مرز بین آبروداری و پذیرایی کجاست؛
- «داره از کیسه خلیفه می‌بخشه»، کنایه از خلاف جریان فرهنگی شنا کردن؛
- بازنمایی آبروداری در پذیرایی از مهمان تبدیل به چشم و همچشمی در ایران و افغانستان شده است؛
- القای مهم بودن رفتار فرهنگی در تعاملات جامعه.

۱۱. محورهای برنامه «سپاه پاسداران و برخورد با وبسایت‌ها»

- بازنمایی فراقانونی عملکرد سپاه پاسداران در برخورد با وبسایت‌ها و القای

حاکم شدن گروهی تندرو و افراطی در حوزه فرهنگی

- اجازه‌دادن حکومت جمهوری اسلامی به خود در برخورد با سایت‌ها در راستای القای دخالت و محدود کردن آزادی‌های مردم در حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان؛

- برجسته‌سازی پیشینه برخورد با وبلاگ‌ها و سایت‌ها از سوی سپاه پاسداران؛  
- مرتبط کردن برخورد با سایت‌ها در ادامه برخورد با روزنامه‌نگاران اصلاح طلب؛  
- نبود قانون و خلأهای قانونی در برخورد با جرایم رسانه‌های نوین در ایران منشأ این‌گونه برخوردهاست.

#### ۱۲. محورهای برنامه «خروج نخبگان از کشور»

- القای بی‌احترامی و ارج قائل نشدن به دانشجو و استاد به‌عنوان یکی از عوامل خروج نخبگان از کشور؛  
- برجسته‌سازی سرخوردگی دانشجویان؛  
- خودمحورگی دانشجویان خارج از کشور؛  
- برجسته‌سازی انگیزه و سلامت روانی در خارج از کشور در مقایسه با دانشجویان ایرانی داخل کشور؛  
- کم سواد بودن استادان و نبود امکانات دلیل تحصیل در خارج؛  
- متهم کردن رفتار مسئولان با دانش و دانشگاهی به مثابه عامل خروج نخبگان از کشور.

#### ۱۳. محورهای برنامه «روز جمهوری اسلامی»

- بهره‌گیری از تکنیک کلی‌گویی و ابهام‌گویی مانند این گزاره «مطالبات انقلابیون فراهم شده یا خیر»؛  
- القای سنتز شکل‌گیری جمهوری اسلامی در مقابل گسترش کمونیسم؛

۱۴۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

- تلاش برای پاک کردن چهره استعماری غرب به‌ویژه آمریکا در ایران در دوران رژیم گذشته (شاه)؛
- القای تمامیت‌خواه بودن نظام جمهوری اسلامی و ناکارآمد نشان دادن نظام در بخش‌های مختلف؛
- تلاش برای قطب‌بندی بین شهروندان به خودی و غیرخودی به منظور بهره‌برداری سیاسی با تکنیک غیریت‌سازی و پیشبرد اهداف رسانه‌ای در افکارسازی علیه دولت و نظام و القای نارضایتی نسبت به مسئولان و القای گروه مخالف دولت و نظام؛
- القای این‌که اسلام بزرگ‌ترین سد پیشرفت آزادی در ایران است؛
- شرکت مردم در راهپیمایی به مثابه همه‌پرسی است؛
- القای نارضایتی مردم از نظام؛
- مسخ کردن مردم با وعده و وعیدهای بزرگ با زیر سؤال بردن پیشرفت‌های کشور در حوزه هوا و فضا؛
- نبود دموکراسی واقعی در ایران.

۱۴. محورهای برنامه «آلودگی محیط‌زیست و تأثیر آن بر زندگی شما» (سیزده بدر)

- میزان مقصر بودن مردم در آلودگی محیط‌زیست؛
- سیزده بدر و آلودگی محیط‌زیست شهری؛
- تلاش برای تمسخر کردن ایرانیان و زیر سؤال بردن فرهنگ اسلامی که در آن بر نظافت تأکید شده است به منظور القای تناقض در دین اسلام و در عمل پیروان آن.

۱۵. محورهای برنامه «مرز بین خرافات و باورهای دینی چیست»

- خرافات برای تفنن و سرگرمی است؛

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۴۱

- تأکید بر این‌که در ایران بیشتر مردم دچار خرافات هستند؛  
- تلاش در جهت زیر سؤال بردن اعتقادات و مقدسات مردم ایران در گزاره‌هایی همچون:

- در کشورهای غربی عدد سه تا شش را عدد شیطان می‌نامند؛
- نگاه دوگانه حکومت به خرافات در وبلاگ‌ها؛
- درخت مقدس در گیلان؛
- دخیل بستن به درختان؛
- میثاق‌نامه اعضای کابینه دولت در چاه جمکران؛
- برجسته‌سازی قمه‌زنی یا نشان‌دادن خشونت‌گرا بودن دین اسلام در جهت اهداف سیاسی خود؛
- متهم کردن سریال‌های صداوسیما به عنوان عاملی در تحریف خرافات؛
- مشخص‌نبودن مرز بین خرافات و اعتقادات مذهبی به منظور القای این‌که اعتقادات مذهبی نیز تحریف شده و خرافی هستند.

#### ۱۶. محورهای برنامه «خدمات اورژانس در ایران و افغانستان»

- راضی‌نبودن مردم از راه‌اندازی آمبولانس‌های خصوصی؛
- عدم رسیدگی و ترتیب اثر ندادن به نیازهای مردم و مشکلات آن‌ها؛
- دلالت‌شدن آمبولانس‌های خصوصی و هدایت بیماران به سوی بیمارستان‌های خصوصی؛
- بیماریابی (کنایه از آمبولانس‌های خصوصی) برای القای این نکته که بیمارستان‌های دولتی که وظیفه ارائه خدمات پزشکی را دارند، پاسخگو نیستند و القای این موضوع به مثابه ایجاد موانع در مسیر ارائه خدمات خصوصی که دین در مخالف بودن دولت است.

۱۷. محوره‌های برنامه «جنبش دانشجویی و سیاست»

- برجسته‌سازی شیوه‌های برخورد با دانشجویان منتقد، ربوده شدن دانشجویان، محرومیت دانشجویان، مرگ دانشجویان؛
- استقلال جنبش دانشجویی با بهره‌برداری ابزاری از آن توسط دولت و برخی جناح‌های سیاسی در جهت اهداف خود؛
- تأکید بر این‌که جنبش دانشجویی جلوتر از مسئولان یا حکومت است؛
- قرارداد خانواده‌های دانشجویان در ردیف خود دانشجویان به‌عنوان منتقدان دولت و نظام؛ خانواده‌ها انتظار دارند که دانشجویان نقش مرجعیت فکری پیدا کنند؛
- نداشتن بینش فکری مستقل در اکثر دانشجویان و وابسته‌شدن به جریان خاص.

۱۸. محوره‌های برنامه «تعطیلات چقدر در ایران لازم است»

- نبود مدیریت اداری در مورد تعطیلات در ایران؛
- هماهنگ نبودن تعطیلات با کشورهای جهان؛
- برجسته‌سازی میزان ساعت کاری در ایران؛
- بازار تهران تقی به توقی می‌خوره تعطیله (کنایه)؛
- زیاد بودن تعطیلات در ایران به منظور سوءاستفاده از برخی تعطیلات خاص در ایران و عدم توجه به فرهنگ ایرانی.

۱۹. محوره‌های برنامه «سلامت انتخابات در ایران»

- وجود خفقان در ایران؛
- انتخاب احمدی‌نژاد بازتاب رأی مردم نبود؛
- مردم در انتخاب احمدی‌نژاد هیچ دخالتی نداشتند. کنایه از تأثیرگذار نبودن رأی مردم در سرنوشتشان؛

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۴۳

- شورای نگهبان و وزارت کشور از دست‌اندرکاران احمدی‌نژاد هستند. یعنی القای تقلب در انتخابات آن هم از سوی مجری قانون؛
- القای نبود آزادی بیان در ایران مانند برجسته‌سازی این گزاره که «سیاستمداران بیشتر در فضای مجازی حرف‌های خود را می‌زنند، انگار جایی برای حرف‌زدن ندارند».
- محدود کردن دیدگاه‌های انتقادی مخاطبان مخالف با سیاست رسانه‌ای برنامه مانند: مردم ایران آن‌قدر عقب‌مانده‌اند که نیازمند کمیتهٔ صیانت و ناظر خارج از کشورند.

#### ۲۰. محورهای برنامهٔ «نظر شما دربارهٔ منشأ انسان چیست؟»

- کتاب انجیل و دیگر کتب دینی زمانی بر افراد آمدند که علم نداشتند. تأکید بر عقلانی نبودن محتوایی این کتاب‌ها و تخیلی بودن ذهن انسان؛
- مطالبی که در کتاب‌های مذهبی آمده باید توسط علم اثبات شوند. القای دیدگاه تجربه‌گرایی (پوزیتیویسم) که هر چیز تجربه‌ناپذیر و اثبات‌ناپذیر توسط علم رد است؛
- علم و مذهب نباید با هم تطابق داشته باشند. رد تطابق عقل و وحی و القای وجود تعارض میان این دو. حال آنکه عقل و وحی یکدیگر را تأیید می‌کنند؛
- نظریهٔ تکامل را قبول دارید یا نه؟ این گزاره بر مفید بودن خرد تدریجی انسان که هنوز به موجود عالی نرسیده تأکید دارد به منظور زیرسؤال بردن عصمت پیامبران؛
- نبود آزادی بیان حتی در حوزهٔ علمی با تأکید بر این گزاره که در غرب هر روز کتابی دربارهٔ نظریه تکامل داروین چاپ می‌شود ولی در ایران سانسور می‌شود.

#### ۲۱. محورهای برنامهٔ «آیا در جامعه‌ای عصبی زندگی می‌کنید؟»

- تشبیه جامعهٔ ایران به یک انبار باروت؛ اشاره به شورش احتمالی در آینده که ناشی از نارضایتی عمومی است؛



- پایین آمدن آستانه تحمل مردم نسبت به اقدام دولت و نظام؛
- استقبال مردم از فیلم‌های کمدی و مرتبط کردن آن با جامعه نامید ایران؛
- بی تفاوت بودن به حقوق یکدیگر از عوامل عصبی است؛
- مردم ایران بازه زمانی تفریح کردن ندارند؛
- مردم ایران در برابر زورگیری حکومت کاملاً با تحمل هستند و نسبت به برخوردهای خود عصبی اند.

#### ۲۲. محورهای برنامه «رشوه‌گیری»

- برجسته‌سازی تشدید فساد اداری در دستگاه‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی با این گزاره: «بی رشوه کاری انجام نمی‌شود.»
- بازنمایی نبود نظارت و سرکوب افکار عمومی عامل سوق پیدا کردن جامعه به سمت فساد و رشوه؛
- عدم دریافت حقوق کافی باعث رشوه می‌شود؛
- رشوه گرفتن به ضرر دولت است؛
- مردم ایران برای کارهای عادی باید رشوه بدهند. این یعنی، دزدی در روز روشن؛
- متهم کردن دولت و نظام به عنوان عامل و منشأ رواج رشوه و فساد در جامعه با توجه به گزاره‌های بالا.

#### ۲۳. محورهای برنامه «فرار مغزها و دلایل و تأثیرات آن»

- القای نبود شأن و جایگاه رفیع علم در جامعه ایران و در دین اسلام با برجسته‌سازی گزاره‌های جعلی همچون: آیت‌الله خمینی: «به جهنم که مغزها فرار می‌کنند ما احتیاج به علم و تمدن غرب نداریم.» وزیر علوم: «ما باید فرار مغزها را به فرصت تبدیل کنیم.»
- نبود امکانات و سلب آزادی از دلایل فرار مغزها (تأکید بر آزادی سیاسی)؛

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۴۵

- فرار مغزها به نفع حاکمیت و حکومت است زیرا این‌ها نباشند حکومت‌ها تغییر نمی‌کنند؛
- فرار مغزها، فرار سرمایه، فرار دل‌ها (تأثیرات آن بیشتر از فرار مغزها و سرمایه است).

#### ۲۴. محورهای برنامه «سخنان ضد نژادپرستی احمدی‌نژاد در نشست ژنو»

- برجسته‌سازی ترک جلسه از سوی سران برخی کشورها به منظور بازنمایی انگاره منفی از چهره احمدی‌نژاد و تفکر ایرانی - اسلامی؛
- بهره‌گیری از فرایند اسم‌سازی در القای اهداف برنامه و تخریب شخصیتی احمدی‌نژاد به لحاظ رسانه‌ای، انگاره‌سازی رسانه‌ای (شهر آشوب احمدی‌نژاد)؛
- مقایسه پرتاب لنگه کفش به بوش در عراق و بی‌احترامی اروپاییان به سخنان احمدی‌نژاد و ترک جلسه؛
- بازنمایی ترک جلسه اروپاییان برای توهین به ملت ایران و القای بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور ایران؛
- بازنمایی معقول و دیپلماتیک نبودن رفتار احمدی‌نژاد به‌عنوان فردی دیپلمات در نشست‌های بین‌المللی.

#### ۲۵. محورهای برنامه «عملکرد سپاه پاسداران در ۳۰ سال چگونه بوده است؟»

- تحول در منشور سازمانی سپاه و تأکید بر مقید نبودن سپاه به رسالت خود؛
- توان مالی سپاه از برخی وزارتخانه‌ها بالاتر است به منظور اختلاف‌افکنی و کم‌اهمیت جلوه‌دادن ارتش برای بهره‌برداری سیاسی؛
- نیروهای نظامی نباید در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی دخالت کنند؛
- فرار سپاه از دادن مالیات به دولت و بهره‌گیری دولت از این نهاد در جهت اهداف سیاسی با توجه به گزاره‌های بالا؛
- سپاه خود را صاحب اصلی انقلاب می‌داند.

### رویدادمدار<sup>۱</sup> یا فرایندمدار بودن موضوعات برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱. رویدادمدار یا فرایندمدار بودن موضوعات برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	موارد
۶۰	۱۵	رویداد مدار
۴۰	۱۰	فرایند مدار
۱۰۰	۲۵	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، ۶۰ درصد (۱۵ برنامه) رویدادمدار (مربوط به مسائل جاری روز) و ۴۰ درصد (۱۰ برنامه) فرایندمدار بوده‌اند یعنی مربوط به مسائل روز جامعه نبوده است.

### حوزه‌های پرداختن به موضوعات مطرح شده در برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۲. حوزه‌های پرداختن به موضوعات مطرح شده در برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	موضوعات
۷۰	۲۱	فرهنگی و اجتماعی
۱۶/۷	۵	سیاسی
۱۰	۳	ورزشی
۶/۷	۲	مذهبی یا دینی
۳/۳	۱	اقتصادی
۳/۳	۱	تاریخی
*	*	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، ۷۰ درصد مربوط به موضوعات حوزه «فرهنگی و اجتماعی» و ۳/۳ درصد

۱. Current affairs : موضوعاتی که مرتبط با مسائل روز و تحولات روز ایران است. بی‌بی‌سی در برنامه «نوبت شما» در قالب این برنامه به سرعت جریان‌سازی کرده است.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۴۷

مربوط به موضوعات حوزه تاریخی بوده است. حوزه سیاسی با ۱۶/۷ درصد، ورزشی با ۱۰ درصد، مذهبی یا دینی با ۶/۷ درصد و اقتصادی با ۳/۳ درصد به ترتیب بعد از حوزه فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌های «نوبت شما» مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به نتایج جدول، اولویت سیاست رسانه‌ای این برنامه برای تأثیرگذاری بر مخاطبان در حوزه فرهنگی و اجتماعی سیاست‌گذاری و دستورگذاری شده است.

#### موضوعات مطرح شده به لحاظ پوشش جغرافیایی برحسب سیاست رسانه‌ای در برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۳. موضوعات مطرح شده به لحاظ پوشش جغرافیایی

برحسب سیاست رسانه‌ای در برنامه «نوبت شما»

حوزه جغرافیایی	فراوانی	درصد
ایران	۲۱	۷۰
کشورهای فارسی‌زبان منطقه	۵	۱۶/۶
تاجیکستان	۲	۶/۷
افغانستان	۲	۶/۷
هیچ‌کدام	۱	۳/۳
جمع	*	* <sup>۱</sup>

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، بیشترین پوشش موضوعات جغرافیایی برحسب سیاست رسانه‌ای برنامه «نوبت شما» مربوط به ایران با ۷۰ درصد و کمترین پوشش موضوعات جغرافیایی مربوط به تاجیکستان و افغانستان به‌طور مشترک با ۶/۷ درصد است. در عین حال، حوزه پوشش موضوعات جغرافیایی مربوط به «کشورهای فارسی‌زبان منطقه» ۱۶/۷ درصد است.

۱. از آنجا که در هر برنامه، موضوعات مطرح شده در چند منطقه پوشش داده شده است جمع درصدها بیش از ۱۰۰ درصد است.

۱۴۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

شایان ذکر است حوزه جغرافیایی ۳/۳ درصد از موضوعات برنامه به هیچ‌کدام از کشورهای فوق‌الذکر مربوط نبوده است.

نتایج جدول، نشان‌دهنده تناقض اظهارات مدیران این شبکه در زمان راه‌اندازی آن است که می‌گفتند این شبکه مسائل سه کشور فارسی‌زبان را پوشش می‌دهد. در واقع سیاست رسانه‌ای این برنامه مبین آن است که کشور هدف ایران است، چرا که مجموع پوشش حوزه جغرافیایی دو کشور در مقایسه با پوشش جغرافیایی رویدادهای مرتبط با ایران درصد چندان زیادی نیست. از سوی دیگر، علاوه بر ایران، رویدادهای کشورهای منطقه مرتبط با ایران نیز ۱۶/۷ درصد را نشان می‌دهد که این بدان معناست که نقش ایران و خبرخیز بودن آن برای سیاست بی‌بی‌سی قابل تأمل و هدفمند است.

#### اشخاص یا کشورهای مرتبط با گفتمان متهم‌سازی در برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۴. اشخاص یا کشورهای مرتبط با گفتمان متهم‌سازی در برنامه «نوبت شما»

اشخاص یا کشورها	فراوانی	درصد
مسئولان ایرانی	۲۲	۷۳/۳
ایران	۱۴	۴۶/۷
مسئولان افغانستان و طالبان	۲	۶/۷
عراق	۱	۳/۳
ایران و پاکستان	۱	۳/۳
هیچ‌کدام	۵	۱۶/۷
جمع	*	* <sup>۱</sup>

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، ۷۳/۳ درصد از گفتمان متهم‌سازی موضوعات برنامه مربوط به «مسئولان ایرانی»،

۱. از آنجا که در هر برنامه، با توجه به موضوع، به نام چند شخصیت یا کشور اشاره می‌شود جمع درصدها بیش از ۱۰۰ درصد است.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۴۹

۶۷/۴ درصد نسبت به «ایران»، ۶/۷ درصد مربوط به «مسئولان افغانستان و طالبان»، ۳/۳ درصد نسبت به «افغانستان»، ۳/۳ درصد مربوط به «عراق» و ۳/۳ درصد مربوط به «ایران و پاکستان» بوده است.

#### تکنیک‌های مورد استفاده در راستای القای اهداف برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۵. تکنیک‌های مورد استفاده در راستای القای اهداف برنامه «نوبت شما»

تکنیک‌ها	فراوانی	درصد
تقابل گفتمانی	۱۹	۶۳/۳
برجسته‌سازی	۱۸	۶۰
بهره‌گیری از گروه‌های مرجع برای اثبات ادعاها	۳	۱۰
اشاره به پیشینه رویدادها	۲	۶/۷
جمع	*	۱*

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، در ۶۳/۳ درصد از برنامه‌ها از تکنیک «تقابل گفتمانی»، در ۶۰ درصد از برنامه‌ها از تکنیک «برجسته‌سازی»، در ۱۰ درصد از برنامه‌ها از تکنیک «بهره‌گیری از گروه‌های مرجع برای اثبات ادعاها» و در ۶/۷ درصد از برنامه‌ها از تکنیک «اشاره به پیشینه رویدادها» جهت القای اهداف برنامه مورد استفاده قرار گرفته است.

#### مهم‌ترین محورهای گفتمان القایی و تبلیغاتی در برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۶. مهم‌ترین محورهای گفتمان القایی و تبلیغاتی در برنامه «نوبت شما»

محورها	فراوانی	درصد
برجسته‌سازی و القای عدم رضایت افکار عمومی از عملکرد مسئولان و نظام	۹	۳۰
دامن زدن به شکاف نسلی	۹	۳۰

۱. از آنجا که در هر برنامه از چند تکنیک برای القای اهداف برنامه استفاده می‌شود جمع درصدها بیش از ۱۰۰ درصد است.

۱۵۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

ادامه جدول ۴-۶. مهم‌ترین محورهای گفتمان القایی و تبلیغاتی در برنامه «نوبت شما»

محوورها	فراوانی	درصد
وارونه‌نمایی مسائل فرهنگی و اجتماعی	۹	۳۰
متهم‌سازی مسئولان نظام و القای بدبینی افکار عمومی به آن‌ها	۸	۲۶/۷
زیر سؤال بردن عملکرد و اقدامات مسئولان به‌ویژه دولت دهم	۵	۱۶/۷
زیر سؤال بردن فعالیت‌های نظام در طول سه دهه گذشته	۵	۱۶/۷
اختلاف‌افکنی بین کشورهای فارسی‌زبان منطقه با ایجاد چالش در روابط بین کشورها	۴	۱۳/۳
تأثیرگذاری نرم بر تحولات ایران (به‌ویژه در دیپلماسی رسانه‌ای)	۳	۱۰
ارائه قطب‌بندی مجازی از فضای سیاسی کشور	۳	۱۰
انزوای منطقه‌ای ایران	۱	۳/۳
تفرقه‌افکنی در تعاملات قوای سه‌گانه ایران	۱	۳/۳
طرح مباحث فقهی با هدف مجادله سیاسی	۱	۳/۳
انعکاس فضای فرهنگی - اجتماعی در قالب گفتمان جنبش	۱	۳/۳
فضاسازی درباره کارنامه دولت در عرصه داخلی	۱	۳/۳
فضاسازی درباره کارنامه دولت در عرصه سیاست خارجی	۱	۳/۳
جمع	*	* <sup>۱</sup>

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، مهم‌ترین محورهای گفتمان القایی و تبلیغاتی در این برنامه به ترتیب عبارتند از: «برجسته‌سازی و القای عدم رضایت افکار عمومی از عملکرد مسئولان و نظام» (۳۰ درصد)، «دامن زدن به شکاف نسلی» (۳۰ درصد)، «وارونه‌نمایی مسائل فرهنگی و اجتماعی» (۳۰ درصد)، «متهم‌سازی مسئولان نظام و القای بدبینی افکار عمومی به آن‌ها» (۲۶/۷ درصد)، «زیرسؤال بردن عملکرد و اقدامات مسئولان به‌ویژه دولت دهم» (۱۶/۷ درصد)، «زیرسؤال بردن فعالیت‌های نظام در طول سه دهه گذشته» (۱۶/۷ درصد).

۱. از آنجا که در هر برنامه، موضوعات با توجه به حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد جمع درصدها بیش از ۱۰۰ درصد است.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۵۱

درصد) و «اختلاف‌افکنی بین کشورهای فارسی‌زبان منطقه با ایجاد چالش در روابط بین کشورها» (۱۳/۳ درصد). سایر نتایج در جدول ۴-۶ آمده است.

**نکته:** با توجه به یافته‌های این جدول، برجسته‌سازی و القای عدم رضایت افکار عمومی از عملکرد مسئولان و نظام، دامن زدن به شکاف نسلی (جوانان) و وارونه‌نمایی مسائل فرهنگی و اجتماعی سه محور اصلی در سیاست رسانه‌ای نسبت به تحولات و مسائل ایران بوده است.

#### نگرش و زاویه دید مجری برنامه «نوبت شما» نسبت به موضوعات مطرح شده

جدول ۴-۷. نگرش و زاویه دید مجری برنامه «نوبت شما» نسبت به موضوعات مطرح شده (درصد)

نگرش و زاویه دید مجری	فراوانی	درصد
مثبت و موافق (صریح)	۱	۴
منفی و مخالف (صریح)	۲۱	۸۴
خشی	۳	۱۲
جمع	۲۵	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، نگرش و زاویه دید مجری این برنامه نسبت به موضوعات مطرح شده در ۸۴ درصد از موضوعات «منفی و مخالف» و ۴ درصد «مثبت و موافق» بوده است. نگرش و زاویه دید مجری این برنامه نسبت به موضوعات مطرح شده در ۱۲ درصد از موضوعات «خشی» بوده است.



وضعیت استفاده از آرایه‌های ادبی همچون «کنایه، ایهام، طنز، هجو و استعاره» در انتقال بار معنایی موضوعات برنامه

جدول ۴-۸ وضعیت استفاده از آرایه‌های ادبی همچون «کنایه، ایهام، طنز، هجو و استعاره»

در انتقال بار معنایی موضوعات برنامه

درصد	فراوانی	موارد
۷۲	۱۸	استفاده می‌شود
۲۸	۷	استفاده نمی‌شود
۱۰۰	۲۵	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، در ۷۲ درصد از موضوعات برنامه‌ها از آرایه‌های ادبی همچون کنایه، ایهام، طنز، هجو و استعاره در انتقال بار معنایی موضوعات استفاده شده و در ۲۸ درصد از موضوعات برنامه‌ها از آرایه‌های ادبی در انتقال بار معنایی موضوعات استفاده نشده است. برخی از آرایه‌های استفاده شده در این برنامه عبارتند از:

- موضوع هسته‌ای: پناه بردن به غار؛
- پیام نوروزی اوپاما: «دو صد گفتار چو نیم کردار نیست»، «در پاسارگاد میترا رفت و در نقش رستم موبد موبدان آمد»؛
- گرانی و خرید شب عید: دست در پشت پرده بودن؛
- مراسم عید و دید و بازدید: خاله‌بازی دوران بچگی؛
- گرفتن غرامت از عراق: انگلیسی برخورد کردن؛
- خدمات اورژانس در ایران: تنت به ناز طبیبان - آمبولانس خصوصی فرشته نجات یا دلال بیمارستان خصوصی؛
- فساد و رشوه در ایران: کلاه رفتن سر دولت.

### نگرش یا گفتمان القایی بازنمایی شده در بررسی وبلاگ‌ها در برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۹. نگرش یا گفتمان القایی بازنمایی شده در بررسی وبلاگ‌ها

نسبت به موضوع مطرح شده در برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	نگرش یا گفتمان القایی
۲۰	۵	مثبت و موافق با موضوع برنامه
۷۲	۱۸	منفی و مخالف با موضوع برنامه
۸	۲	خنثی و بی‌طرف
۱۰۰	۲۵	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، در ۲۰ درصد از موضوعات وبلاگ‌ها نگرش یا گفتمان القایی بازنمایی شده نسبت به موضوع طرح شده «مثبت و موافق» و در ۷۲ درصد «منفی و مخالف» بوده است. همچنین در بررسی ۸ درصد وبلاگ‌ها نگرش یا گفتمان القایی «خنثی و بی‌طرف» بوده است.

اصولاً محقق در بررسی وبسایت‌ها متوجه می‌شود که نخست این سایت‌ها هدفمند انتخاب می‌شوند تا در خصوص موضوع برنامه بیشتر ابعاد منفی آن‌ها به مخاطبان انتقال داده شود. البته ۲۰ درصد مثبت و موافق با موضوع برنامه انتقال داده می‌شود. جهت تعادل صوری و بی‌طرف نشان دادن به منظور القای حرفه‌ای عمل کردن شبکه یا سیاست رسانه‌ای برنامه به مخاطبان.

### دیدگاه مخاطبان ایرانی (تلفنی) داخل کشور نسبت به موضوع (موضوع‌گیری) مورد

بحث برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱۰. دیدگاه مخاطبان ایرانی داخل کشور نسبت به موضوع مورد بحث برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	دیدگاه مخاطبان
۴۰	۱۰	مثبت و موافق

ادامه جدول ۴-۱۰. دیدگاه مخاطبان ایرانی داخل کشور

نسبت به موضوع مورد بحث برنامه «نوبت شما»

دیدگاه مخاطبان	فراوانی	درصد
منفی و مخالف	۱۳	۵۲
خنثی و بی‌طرف	۲	۸
جمع	۲۵	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، دیدگاه ۴۰ درصد از مخاطبان ایرانی داخل کشور نسبت به موضوع مورد بحث برنامه «مثبت و موافق» و دیدگاه ۵۲ درصد از مخاطبان «منفی و مخالف» بوده است. همچنین ۸ درصد از مخاطبان ایرانی داخل کشور نسبت به موضوع مورد بحث برنامه دیدگاه «خنثی و بی‌طرف» داشته‌اند.

**نکته:** با توجه به نتایج به دست آمده مخاطبان نارضایتی خود را نسبت به موضوعات مطرح شده در خصوص کشور در این برنامه از طریق تلفن از ایران بیان می‌کنند.

#### دیدگاه مخاطبان ایرانی (تلفنی) خارج از کشور نسبت به موضوع (موضوع گیری) مورد بحث برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱۱. دیدگاه مخاطبان ایرانی خارج از کشور نسبت به موضوع مورد بحث برنامه «نوبت شما»

دیدگاه مخاطبان	فراوانی	درصد
مثبت و موافق	۸	۳۲
منفی و مخالف	۱۲	۴۸
خنثی و بی‌طرف	۵	۲۰
جمع	۲۵	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، دیدگاه ۳۲ درصد از مخاطبان ایرانی خارج از کشور نسبت به موضوع مورد

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۵۵

بحث برنامه «مثبت و موافق» و دیدگاه ۴۸ درصد از مخاطبان «منفی و مخالف» بوده است. همچنین ۲۰ درصد از مخاطبان ایرانی خارج از کشور نسبت به موضوع مورد بحث برنامه موضع‌گیری «خنثی و بی‌طرف» داشته‌اند.

**نکته:** نتایج نشان می‌دهد که مخاطبان ایرانی خارج از کشور نیز به خاطر تجربیات خود نگاه مثبتی به مسائل کشور ندارند و آنرا از طریق این برنامه ارائه کرده‌اند.

#### دیدگاه مخاطبان ایمیلی داخل ایران به وبسایت بی‌بی‌سی فارسی نسبت به موضوع برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱۲. دیدگاه مخاطبان ایمیلی داخل ایران به وبسایت بی‌بی‌سی فارسی

نسبت به موضوع برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	دیدگاه مخاطبان
۲۸	۷	مثبت و موافق
۶۰	۱۵	منفی و مخالف
۱۲	۳	خنثی و بی‌طرف
۱۰۰	۲۵	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، دیدگاه ۲۸ درصد از مخاطبان ایمیلی داخل کشور نسبت به موضوع برنامه در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی «مثبت و موافق» و دیدگاه ۶۰ درصد از مخاطبان «منفی و مخالف» بوده است. همچنین ۱۲ درصد از مخاطبان ایمیلی داخل کشور نسبت به موضوع برنامه در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی موضع‌گیری «خنثی و بی‌طرف» داشته‌اند.

**نکته:** بخشی دیگر از مخاطبان داخل ایران نیز از طریق ایمیل نظرات منفی خود را در مورد وضعیت و مسائل کشور اعلام کردند.

دیدگاه مخاطبان ایمیلی خارج از کشور به وبسایت بی‌بی‌سی فارسی نسبت به موضوع برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱۳. دیدگاه مخاطبان ایمیلی خارج از کشور به وبسایت بی‌بی‌سی فارسی

نسبت به موضوع برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	دیدگاه مخاطبان
۲۴	۶	مثبت و موافق
۶۰	۱۵	منفی و مخالف
۱۶	۴	خنثی و بی‌طرف
۱۰۰	۲۵	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، دیدگاه ۲۴ درصد از مخاطبان ایمیلی خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی «مثبت و موافق» و دیدگاه ۶۰ درصد از مخاطبان «منفی و مخالف» بوده است. همچنین ۱۶ درصد از مخاطبان ایمیلی خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه در وبسایت بی‌بی‌سی فارسی موضع‌گیری «خنثی و بی‌طرف» داشته‌اند. نکته: مخاطبان ایمیل خارج از کشور نیز مخالفت‌های خود را نسبت به شرایط کشور و مسائل جاری از طریق ایمیل اعلام کردند.

دیدگاه مخاطبان ایرانی وبکم خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱۴. دیدگاه مخاطبان ایرانی وبکم خارج از کشور

نسبت به موضوع برنامه «نوبت شما»

درصد	فراوانی	دیدگاه مخاطبان
۲۰	۵	مثبت و موافق
۷۲	۱۸	منفی و مخالف
۸	۲	خنثی و بی‌طرف
۱۰۰	۲۵	جمع

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۵۷

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، دیدگاه ۲۰ درصد از مخاطبان ایرانی وب‌کم خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه «مثبت و موافق» و دیدگاه ۷۲ درصد از مخاطبان ایرانی وب‌کم خارج از کشور «منفی و مخالف» بوده است. همچنین ۸ درصد از مخاطبان ایرانی وب‌کم خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه «خنثی و بی‌طرف» بوده است.

**نکته:** در مجموع مخاطبان تلفنی، ایمیلی و وب‌کم این برنامه، در داخل و خارج از کشور، نسبت به مسائل کشور نگاه بدبینانه و منفی دارند و آن را از این طریق اعلام می‌کنند، به طوری که این برنامه افکار مخاطبان نسبت به مسائل کشور تحت تأثیر منفی قرار داده است.

#### سیاست رسانه‌ای برنامه «نوبت شما» در خصوص موضوعات مطرح شده در این برنامه

جدول ۴-۱۵. سیاست رسانه‌ای برنامه «نوبت شما»

در خصوص موضوعات مطرح شده در این برنامه

درصد	فراوانی	سیاست رسانه‌ای
۶۰	۱۵	انتقادی
۱۲	۳	نقد بی‌طرفانه
۲۸	۷	هنجارشکن (عبور از خطوط قرمز)
۱۰۰	۲۵	جمع

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، سیاست رسانه‌ای ۱۵ برنامه (۶۰ درصد) نسبت به موضوعات مطرح شده در این برنامه «انتقادی» بوده است. سیاست رسانه‌ای در سه برنامه (۱۲ درصد) «نقد بی‌طرفانه» و در هفت برنامه (۲۸ درصد) «هنجارشکن (عبور از خطوط قرمز)» بوده است. لازم به

۱۵۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

ذکر است که در برنامه‌های مورد بررسی هیچ‌گاه سیاست رسانه‌ای این برنامه‌ها درخصوص موضوعات مطرح شده «خنتی» نبوده است.

### مخاطبان هدف برنامه «نوبت شما»

جدول ۴-۱۶. مخاطبان هدف برنامه «نوبت شما»

مخاطبان	فراوانی	درصد
مسئولان	۲۰	۶۶/۷
جوانان	۱۱	۳۶/۷
عامه مردم (افکار عمومی)	۸	۲۶/۷
دست‌اندرکاران رسانه‌ای رقیب	۴	۱۳/۳
جمع	*	*

نتایج نشان می‌دهد که از مجموع ۲۵ برنامه «نوبت شما» که مورد بررسی قرار گرفته است، مخاطبان هدف این برنامه در موضوعات مختلف به ترتیب عبارتند از: «مسئولان» (۶۶/۷ درصد)، «جوانان» (۳۶/۷ درصد)، «عامه مردم (افکار عمومی)» (۲۶/۷ درصد) و «دست‌اندرکاران رسانه‌های رقیب» (۱۳/۳ درصد).

نکته: از آنجا که یکی از اهداف این برنامه متهم‌سازی بوده است بنابراین دور از انتظار نیست که مسئولان از مهم‌ترین مخاطبان هدف این برنامه باشند.

### تحلیل

در مجموع در بررسی ۲۵ برنامه «نوبت شما» تلویزیون بی‌بی‌سی نکات زیر قابل تأمل است:

۱. تلاش برای ناامید نشان دادن جوانان ایرانی؛
۲. دامن زدن به اختلافات مذهبی بین شیعه و سنی با طرح پیشنهاد برگزاری مناظره بین رهبران مذهبی؛

۳. درگیر کردن اهل تسنن با حکومت؛
۴. سوءاستفاده نظام از ۵ میلیون سالمند در ایران در انتخابات بدون توجه و پاسخگویی به نیازهای این قشر جامعه؛
۵. شبهه‌افکنی در افکار عمومی به‌ویژه دامن زدن به شکاف نسلی با طرح محدود بودن آزادی و تبعیض بین دو جنسیت دختر و پسر در ایران؛
۶. ملاک قراردادن روشنفکر بودن به‌جای ارزش‌های دینی در جهت تخطئه ارزش‌های دینی و کمرنگ کردن در زندگی مردم؛
۷. مرتبط کردن مسائل اجتماعی به مباحث سیاسی مانند ترافیک و مترو؛
۸. بازنمایی شعاری بودن اقدامات دولت دهم؛
۹. القای ناکارآمدی اقتصادی دولت دهم در تأمین نیازهای اولیه مردم؛
۱۰. بازنمایی بی‌تدبیری مسئولان نظام و دولت دهم در سیاست‌های خارجی و استمرار دیوار بی‌اعتمادی بین تهران و واشنگتن؛
۱۱. القای رو به زوال رفتن سنت‌های قدیمی مانند عید نوروز در بین جوانان؛
۱۲. بازنمایی فراقانونی عمل کردن سپاه پاسداران در برخورد با وب‌سایت‌ها و القای حاکم‌شدن گروهی تندرو و افراطی در حوزه فرهنگی؛
۱۳. مرتبط کردن برخورد با سایت‌ها در ادامه برخورد با روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب؛
۱۴. متهم کردن رفتار مسئولان با دانش و دانشگاهی به مثابه عامل خروج نخبگان از کشور؛
۱۵. القای نارضایتی مردم از نظام؛
۱۶. خرافای معرفی کردن دولت؛
۱۷. فقدان بینش فکری مستقل در اکثر دانشجویان و وابسته شدن به جریانی خاص در جهت بهره‌برداری از آن‌ها؛
۱۸. القای نبود آزادی بیان در ایران؛



۱۹. متهم کردن شورای نگهبان و وزارت کشور به‌عنوان مجریان قانون در جهت تقلب در انتخابات؛
۲۰. نشر فساد اداری در دستگاه‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی؛
۲۱. القای سپاه به‌عنوان صاحب اصلی انقلاب.
- البته با توجه به محورهای القایی و گفتمانی که در برنامه «نوبت شما» برجسته‌سازی شده بود، نکات استخراج شده از نتایج یافته‌های کمی نیز قابل تأمل است.
- براساس نتایج به‌دست آمده از ۲۵ برنامه ۶۰ درصد (۱۵) برنامه رویدادمدار مربوط به مسائل جاری ایران بوده است. به این مفهوم که مسائل روز ایران دقیقاً از طریق این برنامه رصد می‌شود.
- براساس نتایج به‌دست آمده ۷۰ درصد این برنامه مرتبط با «حوزه فرهنگ اجتماعی» بوده است و حوزه سیاسی در اولویت بعدی قرار دارد. این نتایج نشان‌دهنده آن است که این رسانه در سیاست رسانه‌ای خود در این برنامه رویکرد فرهنگی و اجتماعی را در قالب جنگ نرم برای تأثیرگذاری بر مخاطبان در بلندمدت در دستور کار خود قرار داده است.
- نتایج پوشش جغرافیایی برحسب سیاست رسانه‌ای این شبکه در برنامه «نوبت شما» نشان می‌دهد که ۷۰ درصد موضوعات این برنامه مرتبط با ایران است و موضوعات کشورهای تاجیکستان و افغانستان در اولویت‌های بعدی و شاید بتوان گفت در حاشیه قرار دارند. اصولاً سیاست رسانه‌ای این برنامه، کشور هدف ایران است.
- گفتمان متهم‌سازی نیز با توجه به اشخاص یا کشورهای مرتبط برنامه «نوبت شما» مربوط به «مسئولان ایرانی» با ۷۳/۳ درصد است. این رویکرد برای زیر سؤال بردن و ناکارآمد نشان دادن کارگزاران دولت و همچنین نظام تلاش می‌کند.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۶۱

- مهم‌ترین تکنیک استفاده شده در القای اهداف برنامه «نوبت شما» تکنیک «تقابل گفتمانی» است که بیشترین درصد را در بین تکنیک‌ها داراست. تکنیک «برجسته‌سازی» نیز بعد از تکنیک تقابل گفتمانی در اولویت بعدی قرار دارد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین تکنیک این برنامه برای جذاب کردن و درگیر کردن مخاطب با آن تکنیک تقابل گفتمانی است که می‌کوشد مرزبندی خودی و غیرخودی را ترسیم کند.

- مهم‌ترین گفتمان‌های القایی و تبلیغاتی در برنامه «نوبت شما» سه محور «برجسته‌سازی و القای عدم رضایت افکار عمومی از عملکرد مسئولان و نظام، دامن‌زدن به شکاف نسلی و وارونه‌نمایی مسائل فرهنگی و اجتماعی» در برنامه‌های مورد بررسی شده است.

- یافته‌های کمی نشان می‌دهد که رویکرد مجریان در ۷۵ درصد موضوعات طرح شده کاملاً منفی و مخالف بوده است. آنان تلاش کرده‌اند که برنامه را به سؤالاتی سوق دهند که نتایج منفی به بار آورد.

- سیاست رسانه‌ای برنامه «نوبت شما» برحسب نتایج یافته‌های کمی مؤید آن است که رویکرد این برنامه درخصوص موضوعات بیشتر انتقادی و منفی بوده است.

- نتایج یافته‌های تحقیق مخاطب هدف برنامه «نوبت شما» بی‌بی‌سی فارسی از مجموع ۲۵ برنامه بررسی شده نشان می‌دهد که مسئولان ۶۶/۷ درصد بیشترین مخاطب هدف و جوانان با ۳۶/۷ درصد در مرحله بعدی قرار دارند.

#### ۴-۳- عنوان برنامه «به عبارت دیگر»

#### ۴-۳-۱- موضوع برنامه: کناره‌گیری هاشمی از مناصب سیاسی

محورهای گفتمان تلویحی و القایی برنامه عبارتند از:

- برجسته‌سازی جایگاه هاشمی رفسنجانی با بازخوانی فعالیت‌ها و نقش وی در

- قبل، حین و بعد از انقلاب به‌ویژه در دو دهه بعد از آن؛
- به‌کاربردن الفاظ استعاره‌ای درخصوص هاشمی به‌عنوان «مرد عبور از بحران‌ها» و «آینه تمام‌نمای تاریخ جمهوری اسلامی»؛
  - مشکل پیدا کردن رهبری کنونی بعد از انتخابات با نسل جدیدی از اصولگرایان؛
  - قطب‌بندی مثلی درخصوص رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، احمدی‌نژاد و رهبری برای القای تشدید اختلاف بین مسئولان ارشد نظام؛
  - انگاره‌سازی منفی از احمدی‌نژاد با بهره‌گیری از عبارات منفی چون «تاختن»؛
  - بازنمایی احمدی‌نژاد به مثابه فرد هنجارشکن اخلاقی؛
  - توصیف هاشمی به‌عنوان کسی که منتسب به «او»ست در سیاست رسانه‌ای بی‌بی‌سی؛
  - توصیف احمدی‌نژاد، سپاه، آیت‌الله جنتی، مصباح یزدی، بسیج و رهبری به‌عنوان کسانی که منتسب به «دیگری»اند در سیاست رسانه‌ای بی‌بی‌سی؛
  - بهره‌گیری از تکنیک بازی‌های زبانی در قطب‌بندی میان هاشمی و رهبری درخصوص اتهام‌های احمدی‌نژاد؛
  - تسری تنازع‌گفتمانی قدرت در لایه‌های زیرین حاکمیت؛
  - رهبری با تکیه بر هاشمی می‌تواند از این بحران گذر کند؛
  - بازنمایی کناره‌گیری هاشمی از مناصب سیاسی خود بحرانی جدی برای جمهوری اسلامی و رهبری است؛
  - القای زیر سؤال بردن مشروعیت نظام با کناره‌گیری هاشمی و در عین حال بازنمایی پیوند مشروعیت نظام با هاشمی؛
  - تأکید بر این موضوع که استنباط رهبری و اصول‌گرایان جدید در رابطه با مشروعیت جمهوری اسلامی متفاوت است؛
  - عدم تمایل رهبری برای قرار گرفتن هاشمی به‌طور رسمی در جبهه، اپوزیسیون

جمهوری اسلامی؛

- تأکید تلویحی بر بی‌اعتمادی رهبری نسبت به اصول‌گرایان جدید به خاطر تندرو و افراطی بودن اقداماتشان؛

- تأکید بر نقش میانه‌رو هاشمی در دوره اول و دوم بعد از انقلاب در معادلات سیاسی؛

- تأکید بر عزم جدی رهبری در حذف هاشمی اما به صورت تدریجی و نرم؛  
- شرایط کنونی شکل گرفته بعد از انتخابات به گونه‌ای است که هیچ کدام از جناح‌ها (راست و اصلاح‌طلب) نمی‌توانند همدیگر را حذف کنند؛  
- تلاش هاشمی در شرایط کنونی برای حفظ جایگاه خود به عنوان عنصر میانه‌رو در حل مشکلات و عبور از بحران‌ها؛

- رهبری با هر سیاستمدار قدرتمند مشکل دارد؛

- بازنمایی این موضوع که رهبری صحنه‌گردان اصلی حوادث اخیر است و برای تضعیف مجلس و دولت آن‌ها را در تقابل هم قرار می‌دهد؛

- نگاه رهبری به هاشمی صرفاً مطیع ولایت فقیه بودن است؛

- هاشمی بعد از کناره‌گیری از مناصب خود در برخورد با مخالفانش لحن تندتر و رادیکال‌تری اتخاذ خواهد کرد؛

- هاشمی در تقابل با رهبری و طبقه حاکمیت کنونی برگ برنده‌های زیادی دارد؛

- حذف هاشمی به یکباره نمی‌تواند انجام شود چرا که ساختار تشکیلاتی و شرایط کنونی امکان این کار را به نظام نمی‌دهد؛

- تأکید بر این مهم که حذف هاشمی برای نظام و همچنین برای رهبری در بلندمدت چالشی مستمر و فرسایشی خواهد داشت.

## تحلیل

«به عبارت دیگر» برنامه‌ای است که با اجرای «عنایت فانی» هر هفته جمعه‌ها از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی پخش می‌شود. موضوعات این برنامه خاص و بخشی از جریان‌سازی اصلی این تلویزیون درخصوص مسائل سه کشور فارسی زبان ویژه ایران است. به نوشته سایت بی‌بی‌سی در برنامه هفتگی «به عبارت دیگر» هر بار با یک شخصیت سرشناس از کشورهای فارسی‌زبان و جهان گفتگو می‌شود و سؤال‌های دشواری پیش‌روی آن‌ها قرار می‌گیرد.

## گزارش برنامه (مجید خیام‌دار)

گزارش خیام‌دار در این برنامه به روند یک‌ساله اتفاقات و حوادث قبل از انتخابات تا شرایط کنونی با محوریت اکبر هاشمی رفسنجانی می‌پردازد. در ابتدای این گزارش اکبر هاشمی با واژگان و صفات مثبتی برای مخاطب توصیف می‌شود: «مردی که سرگذشتش آینه تمام‌نمای تاریخ جمهوری اسلامی است، مرد عبور از بحران‌ها، تصفیه و تثبیت قدرت، فرماندهی جنگ، بازسازی کشور جنگ‌زده و انتقال آرام قدرت به رهبر جدید». هر کدام از موارد به منظور اثبات «خود» در قالب توصیف‌های متنوع در گزارش برای مخاطب با تصویرسازی به انگاره‌سازی می‌پردازد. در ادامه برای ادعاهای خود و مشروعیت‌بخشی به دیدگاه مفروض گزارش، بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در اولین نماز جمعه بعد از انتخابات پخش می‌شود: «از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام و بعد از رحلت امام (ره) در کنار رهبری تا به امروز». خیام‌دار برای بهره‌گیری و بسترسازی قطب‌بندی دیدگاه خود در ادامه این مطالب را این‌گونه تحلیل می‌کند: «مخاطب تند گلایه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه بعد از انتخابات، برخلاف معمول آن‌هایی نبودند که او دشمن می‌نامد، بلکه نسل تازه‌ای از

۱. در تحلیل گفتمان رسانه‌ای «خود» منتسب به رسانه است، اما «دیگری» منتسب به رسانه نیست.

اصول‌گرایان قدرت بود و در رأس آن‌ها محمود احمدی‌نژاد.»

این بخش از گزارش ضمن شخصیت بخشی سیاسی رسانه‌ای به هاشمی در قالب و تصاویری مرتبط با موضوعات توصیفی درباره وی و همچنین مشروعیت بخشی به دیدگاه مفروض خود در مورد هاشمی، گفتمان گزینش شده‌ای از سخنان مقام معظم رهبری را برای مخاطب مطرح و القا می‌کند که بین هاشمی و احمدی‌نژاد، احمدی‌نژاد و رهبری اختلاف عمیق در شرایط کنونی وجود دارد.

برای تقویت قطب‌بندی یا «غیریت‌سازی» و توصیف «دیگری» بین شخصیت‌های نظام و نهادها به منظور رسیدن به اهداف خود اقدامات احمدی‌نژاد را برجسته‌سازی می‌کند و فعالیت‌های وی را با عبارتی چون «تاختن» توصیف می‌کند. این رسانه تلاش می‌کند که از وی چهره‌ای منفی برای مخاطبان ترسیم کند، او را فردی هنجارشکن اخلاقی در مناظره‌های انتخابات نسبت به خانواده هاشمی و به‌ویژه در مورد شهرام جزایری و فرار وی و پسر هاشمی نشان می‌دهد. مناظره قدرت بین هاشمی و احمدی‌نژاد را برای مخاطبان با شدت زیاد ترسیم می‌کند.

بهره‌گیری احمدی‌نژاد در مناظره‌ها از عبارت‌هایی همچون «پایه‌گذاری اشرافیت در جمهوری اسلامی» به‌عنوان برجسب‌زنی و بهره‌گیری از تکنیک‌بازی‌های زبانی در نامه تند هاشمی به رهبری در خصوص اتهام‌های احمدی‌نژاد، قطب‌بندی را به سمت رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و خبرگان رهبری سوق می‌دهد. البته تکنیک قطب‌بندی بین رهبری و هاشمی را به مخاطب به‌طور تلویحی القا می‌کند. در عین حال پیشنهادهای قانونی هاشمی را در نماز جمعه برای خروج از بحران در شرایط کنونی بی‌نتیجه می‌داند. البته سنتز این تنازع گفتمانی را بی‌ثمر و عدم نفوذ قدرت هاشمی یا احمدی‌نژاد را القا نمی‌کند بلکه بر این موضوع به‌طور تلویحی تأکید دارد که رهبری در نظام و به عبارتی سنتز تنازع گفتمان قدرت در بخش حاکمیتی در بین سران نظام در لایه‌های زیرین حکومت جریان دارد. در نهایت جمع‌بندی پایانی این گزارش با تمام

پیش‌فرض‌ها و مطالبی که ارائه می‌کند، این مطلب را القا کند که نظام با گذشت یک‌سال هنوز در حل و گذار از این بحران عاجز مانده است و تلویحاً بر این موضوع تأکید دارد که رهبری صرفاً با تکیه بر هاشمی که مرد گذار از بحران‌ها است تعدیل و دیدگاه‌های وی عملیاتی می‌شود. گذار از این بحران عملیاتی شدن دیدگاه‌های وی است و در غیر این صورت هر روز عمق این بحران شدت می‌یابد.

### عنایت فانی (مجری)

- آیا بازنشسته شدن هاشمی باعث اشتباه گروهی می‌شود و برای چه کسانی مهم است؟

- مهدی خلجی (پژوهشگر انستیتو مطالعات خاور نزدیک - واشنگتن)

دو گزاره گفتمانی در دیدگاه‌های وی مطرح می‌شود: «۱. رفسنجانی قدرت چندانی در شرایط کنونی ندارد. ۲. کروی و میرحسین موسوی از بنیانگذاران جمهوری اسلامی به شکلی از قدرت رانده شده‌اند.»

البته این دو گزاره در تناقض با یکدیگر است. وی تأکید دارد که هاشمی قدرتی ندارد اما در گزاره دوم به‌طور تلویحی بر این موضوع تأکید دارد که حذف هاشمی به‌سادگی این دو فرد نیست و هزینه زیادی برای نظام از جمله در عدم مشروعیت آن خواهد داشت. هرچند این دو گزاره قطب‌بندی مبهمی را برای مخاطب القا می‌کند، اما وی این دلالت‌های ضمنی را با این گزاره‌ها تکمیل می‌کند. به‌عنوان مثال، «هاشمی امیدوار است که در معادلات قدرت همچون گذشته نقش ایفا کند و تحولات را به سمت مطلوب خود هدایت کند.» وی گفتمان تنازع قدرت را این‌گونه به مخاطب القا می‌کند که کناره‌گیری هاشمی، بحرانی جدی برای جمهوری اسلامی و رهبری است، یعنی مشروعیت نظام کاملاً در پیوند با هاشمی رفسنجانی است. شواهد و استدلال‌های وی در این خصوص این است که وی آخرین بازمانده از نسل آیت‌الله خمینی (ره)، که

فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۶۷

انقلاب را بنیان گذاشت، است. در کنار این موضوع تلویحاً بر این مهم تأکید دارد که در صورت کناره‌گیری هاشمی تحولات ایران وارد مرحله‌ای جدید که علاج‌ناپذیری مشروعیت است، خواهد شد.

#### قطب‌بندی عنایت فانی برای پیشبرد اهداف برنامه

- استنباط رهبری و اصول‌گرایان جدید در رابطه با مشروعیت جمهوری اسلامی متفاوت است؛

- «خلیجی» بر این نظر تأکید دارد که نسل جدید اصول‌گرایان در چند سال اخیر با روحانیت رویارویی سهمگین داشته است. اکنون نیز با روحانیت رابطه مثبت و خوب ندارد. وی با این شواهد این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که این نسل جدید یعنی نظامیان (سپاه پاسداران) و پشتیبانان آن‌ها (برخی از روحانیون همچون مصباح، جنتی و...) پروایی برای مشروعیت جمهوری اسلامی ندارند.

البته وی به‌طور تلویحی تأکید دارد که رهبری تمایل ندارد که هاشمی به‌طور رسمی در جبههٔ اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار گیرد. در نتیجه به‌طور ضمنی می‌گوید که رهبری نسبت به اقدامات اصول‌گرایان جدید که تندرو و افراطی هستند، بی‌اعتماد است.

#### عنایت فانی (مجری)

- آیا نفوذ هاشمی به خاطر سابقه‌اش است یا وضع کنونی‌اش دست‌های سیاسی او؟

#### میردامادی (روزنامه‌نگار و اصلاح‌طلب - پاریس)

- وی در ارائه دیدگاه گفتمانی تنازع قدرت در ایران به جایگاه هاشمی در دههٔ اول انقلاب، در هشت سال جنگ و در دوران ریاست‌جمهوری اشاره کرده و می‌گوید که وی مرکز ثقل سیاسی و وزنه‌ای برای تعادل‌بخشی به جریان‌های سیاسی نظام بوده است، ولی رهبری کنونی این نقشی اساسی را در شرایط مختلف نداشته



است. وی برای تحکیم دیدگاه‌های خود ضمن مقایسه تطبیقی دوران امام(ره) و فعالیت‌های جناح‌های سیاسی و تعاملات هاشمی با رهبری کنونی بر این موضوع تأکید دارد که امام با دو جناح عمده سیاسی با تحمل زیاد برخورد می‌کردند. هاشمی در دوران وی در معادلات سیاسی داخلی نقشی میانه‌رو را در حل مسائل داشت و این نقش در دوران اصلاح‌طلبان نیز بود. وی تلاش کرد که در سال‌های اولیه دولت احمدی‌نژاد نیز این نقش را انجام دهد.

البته رهبری کنونی تلاش دارد که جغرافیای سیاسی جریان‌های داخل نظام را تغییر دهد تا این جریان‌ها در قالب یک جریان، از رهبری و ولایت فقیه اطاعت کامل کنند. گفتمان تقابل قدرت از نظر میردامادی در چارچوب سنتز گفتمانی این‌گونه مطرح می‌شود که رهبری عزم جدی بر حذف هاشمی دارد اما این‌کار با شیب آرام صورت می‌گیرد تا او و افرادی که در شطرنج سیاسی نظام در دوره‌های قبل نقش اساسی داشته‌اند، حذف شوند، اما هاشمی از نظر رهبری در این جریان نمی‌گنجد و خود وی نیز به این موضوع پی برده است. هاشمی به این نتیجه رسیده است که اگر خود وی دو پست کلیدی را رها کند، از شطرنج سیاسی حذف نخواهد شد. نتیجه «سنتز گفتمانی» وی به این سؤال فانی این‌گونه است که «مشروعیت رهبری مورد تزلزل واقع شده است.»

### عنایت فانی (مجری)

- نگاه اصلاح‌طلبان به حذف هاشمی در شرایط کنونی چیست؟  
 دو دیدگاه طرح شده است: ۱. رهبری به خاطر از بین رفتن مشروعیت نظام تمایلی به حذف هاشمی ندارد و ۲. رهبری تمایل دارد که برای جلوگیری از تزلزل جایگاه و مشروعیت رهبری وی حذف شود.

### سعید برزین (کارشناس بی‌بی‌سی)

- وی ضمن اشاره به جغرافیای سیاسی و نیروهای داخلی نظام، طبقات اجتماعی در بعد از انتخابات نتیجه می‌گیرد که نیروهای اصلی سیاسی جناح راست و مرتبط با حاکمیت در شرایط کنونی به علت شکل‌گیری وضعیت توازن قوا، قدرت حذف اپوزسیون (اصلاح‌طلبان) را ندارند. جناح چپ نیز توانایی حذف جناح راست را ندارد. وی این وضعیت را «بن بست» ارزیابی می‌کند که هاشمی در آن نقشی جوش‌دهنده یا پیونددهنده بین دو جناح را دارد.

البته هاشمی طرح پیشنهادها و موضع‌گیری‌های خود در نمازجمعه بعد از انتخابات کوشید که همچنان نقش میانه‌رو را در دو جبهه داشته باشد و در شرایط بحرانی اعتبار خود را تثبیت کند.

- «سنتز گفتمانی وی این است که هاشمی برای حفظ جایگاه خود به‌عنوان عنصر میانه‌رو در حل مشکلات و عبور از بحران‌ها تلاش می‌کند.»

### میردامادی - پاریس

- وی در گفتمان تنازع قدرت سیاسی در ایران بر این موضوع تأکید دارد که نقش هاشمی در شرایط کنونی به پایان رسیده است و در طبقه حاکم کنونی دیگر نفوذ چندانی ندارد. (اصول‌گرایان نسل جدید) به علت کینه دیرینه حتی روابط عادی نیز با وی ندارند.

### عنایت فانی (مجری)

- آیا نگاه رهبری به هاشمی نگاه مشروعیت بخشیدن به نظام است یا خیر؟

### میردامادی - پاریس

- رهبری فقط با هاشمی مشکل ندارد، بلکه با احمدی‌نژاد و طیف جدید اصولگرایان قدرتمند، یعنی رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه نیز مشکل دارد.

«ستیز گفتمانی میردامادی بر این موضوع تأکید دارد که رهبری اصولاً با هر سیاستمدار قدرتمند مشکل دارد.»

وی در ادامه با رویکرد تعارض گفتمانی به برخی از شواهد نیز اشاره دارد که اطرافیان رهبری افرادی ضعیف هستند. (از جمله رئیس مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه) اشاره به تقابل گفتمانی این دو نهاد در مورد دانشگاه آزاد است. وی تلویحاً بر این نکته تأکید دارد که «رهبری می‌کوشد که هر سه قوه را در تقابل هم قرار داده و تضعیف کند تا رهبری واقعی و صحنه‌گردان جدال‌های مجلس و دولت خود او باشد.»

وی هاشمی را در حد یک مقام تشریفاتی می‌خواهد، هاشمی با نفوذ و قدرتمند را نمی‌خواهد. هرچند بر این نکته تأکید دارد که هاشمی در انتقال قدرت نقشی اساسی داشت؛ رهبری حساب وی و فرزندانش را از هم تفکیک می‌کند. در شرایط کنونی هاشمی شاهد آن است که همه چیز برعکس شده و اکنون در موضع تشریفاتی قرار گرفته است. با وجود این، رهبری تمایل ندارد که وی حذف شود، بلکه می‌کوشد که آبرو و اعتبار سیاسی وی حفظ، ولی در خدمت ولایت فقیه باشد.

البته موضع‌گیری هاشمی در چند نوبت نشان داده که وی این نقش را نمی‌پذیرد. رویکرد وی در واکنش‌ها به حوادث و اتفاقات در یک سال اخیر خلاف منطق سیاسی ایران کنونی بوده است. نگاهی اجمالی به سه دهه گذشته ایران نشان می‌دهد که در دهه اول، هاشمی با توجه به نفوذ ائتلاف روحانیت بازار و در دهه دوم تکنوکرات‌ها نفوذ و قدرت فراوانی داشت، اما در دهه سوم با حاکم شدن نظامیان (سپاه و بسیج) دیگر آن قدرت و نفوذ سابق خود را ندارد.

«میردامادی» بر این نکته تأکید دارد که نوکیسه‌ها (نظامیان و سپاه) می‌کوشند که کشور را به تنهایی غارت کنند، وی «تلاش می‌کند که چهره‌ای منفی از سپاه و

همچنین از بسیج برای مخاطبان ترسیم کند.»

### عنایت فانی (مجری)

- هاشمی به لحاظ سلسله مراتب تشکیلاتی نظام جمهوری اسلامی جایگاه مهمی دارد. اگر وی از این مناصب کنار برود و مصونیت قانونی‌اش سلب شود آن گروه که سینه ستبر کرده‌اند با هاشمی چه برخوردی خواهند داشت، وضع هاشمی چه خواهد شد؟

### میردامادی - پاریس

- اگر هاشمی از دو سمت ریاست خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام کناره‌گیری کند، با توجه به ارتباط فراگیر با سران خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، فرماندهان ارشد سپاه، بخش عظیم مدیران اقتصادی و سیاسی و صنعتی در طول سه دهه گذشته، «شرایط محکم‌تری پیدا خواهد کرد و از مصونیت بیشتری برخوردار خواهد شد. البته بعد از کناره‌گیری از مناصب سیاسی‌اش با لحن تندتری با مخالفان خود برخورد خواهد کرد.»

«هاشمی برگ‌های برنده زیادی در دست دارد. یک برگ برنده وی مربوط به رابطه تاریخی‌اش با امام خمینی و سید احمد، مجموعه اسناد محرمانه، نامه‌ها و مدارک و گفته‌هایی است که بین این سه تن رد و بدل شده است. هاشمی می‌تواند در هر شرایطی از آن‌ها بهره‌گیری کند و از جایگاه خود دفاع کند. با مجموعه این برگ‌های برنده دستان وی در مقابل مخالفان خالی نخواهد بود.»

### عنایت فانی (مجری)

- اگر هاشمی بخواهد به یکی از جناح‌های سیاسی از جمله به اصلاح‌طلبان نزدیک شود، وضعیت وی چگونه خواهد بود؟

### سعید برزین (کارشناس بی‌بی‌سی)

- هرچند هاشمی می‌داند که قدرتش رو به افول است اما همچنان قدرت تأثیرگذاری را دارد. دو چیز ذهن هاشمی را اکنون با خود درگیر کرده است که باید با آن‌ها کنار بیاید. «یکی، مسأله رهبری بعد از آقای خامنه‌ای است که وقتی رهبری بر اثر کهولت دیگر نتواند وظایف خود را انجام دهد و خلأ سیاسی رهبری، به وجود بیاید یا باید رهبری جدید یا شورای رهبری انتخاب شود یا این‌که اختیارات رهبری به ریاست جمهوری منتقل شود.» دوم، «بعد از احمدی‌نژاد چه کسی جایگاه ریاست جمهوری را تصاحب خواهد کرد؟ کدام جریان یا جناحی روی کار خواهد آمد؟ آیا جریان محافظه‌کار معتدل قدرت را به دست خواهد گرفت یا نه؟»

### نتیجه‌گیری

شاید بتوان گفت که بهره‌گیری از تکنیک تحلیل تقابل گفتمانی در قالب قطب‌بندی یا غیریت‌سازی در توصیف «خودی» و «دیگری» از ویژگی‌های بارز گزارش مجید خیام‌دار در ابتدای این برنامه بود. وی تلاش کرد که هاشمی رفسنجانی را در طیف «خودی» یا منتسب به خود و دیگر مسئولان نظام (اصول‌گرایان نسل جدید، سپاه، بسیج، رهبری، جنتی و مصباح‌یزدی) را در طیف «دیگری» با ویژگی‌هایی که در این گزارش توصیف کرده قرار دهد. بهره‌گیری از واژگان در قالب صفاتی مثبت - اثرگذاری ویژه خود را دارد - و همچنین بهره‌گیری از تصاویر مرتبط با صفات «خودی» و «غیرخودی» تلویزیون بی‌بی‌سی را از اهمیت بسزایی برخوردار کرده است. البته این رهیافت و

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۷۳

تکنیک قطب‌بندی در سؤالات مجری برنامه نیز قابل تأمل است. علاوه بر این موضوع، سؤالات عنایت فانی قابل تأمل است که از ماهیت قطب‌بندی خاص خود در معرفی دیدگاه‌های کنشگران مطرح در بحث تنازع گفتمانی قدرت در این برنامه برخوردار است. البته «مهم‌ترین رهیافت در سیاست این برنامه ایجاد تعادل صوری و القای بی‌طرفی برنامه به مخاطبان است.»

شاید بتوان گفت که طرح این سؤالات خود نیز هدفمند است چرا که «رهیافت برنامه به سوی ترسیم یک فضای سیاسی کاذب در کنار فضای سیاسی واقعی است.» ویژگی‌های گزارش مجید خیام‌دار: «نوعاً تقویت اسطوره سیاسی هاشمی در کنار بعد روحانیت ایشان است. بهره‌گیری از مثلث قطب‌بندی رهبری، احمدی‌نژاد و هاشمی مهم‌ترین محور گفتمان تنازع قدرت با رویکرد ارتباطات سیاسی است که برنامه دنبال کرده است.»

خیام‌دار در این گزارش ضمن برجسته‌سازی جایگاه هاشمی در تمام مراحل ۳۰ ساله انقلاب و طرح این نکته که رهبری از وی حمایت می‌کند (البته حمایتی دو پهلو) در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسد که «هاشمی به مهم‌ترین چالشگر برای نظام و رهبری در شرایط کنونی تبدیل شده است. رهبری و نظام با بهره‌گیری از نظریه هضم در جامعه‌شناسی سیاسی می‌کوشند که ضمن حذف تدریجی وی و تشریفاتی کردن یا تعدیل و تنزیل جایگاه وی مشروعیت نظام را حفظ کنند.» گرچه اصولگرایان جدید اعتقادی به مشروعیت نظام ندارند، ولی رهبری از بی‌مشروعیت شدن نظام هراس دارد. در واقع عنایت فانی تلویحاً می‌کوشد این موضوع را القا کند که «با توجه به سوابق و نفوذ کنونی هاشمی حذف یکباره وی مقدور نیست و ساختار تشکیلاتی و شرایط کنونی این امکان را به نظام نمی‌دهد و در صورت اقدام به این کار چالش عظیمی برای نظام شکل خواهد گرفت.»

اما بر این موضوع نیز تلویحاً تأکید دارد: «که استمرار چالش حذف هاشمی برای

نظام و همچنین برای رهبری در بلندمدت جنبه فرسایشی داشت.»

۴-۳-۲- موضوع برنامه: «اشغال سفارت آمریکا در تهران»

محورهای گفتمان تلویحی و القایی برنامه عبارتند از:

- تأکید بر استمرار یک بحران بالقوه در روابط تهران- واشنگتن بعد از واقعه گروگان‌گیری با گذشت سه دهه از آن رویداد؛
- بهره‌گیری از واژگان حقوقی برای اهداف سیاسی برنامه همچون «اشغال سفارت و گروگان‌گیری»؛
- متهم کردن به نقض قوانین بین‌المللی و پروتکل‌های دیپلماتیک در روابط بین کشورها؛
- القای بی‌طرف بودن احمد سلامتیان در بازنمایی وی در برنامه به‌عنوان شاهد یک رویداد تاریخی؛
- اعتباربخشی به احمد سلامتیان با معرفی وی به‌عنوان یک فرد کارشناس، با تجربه و غیردولتی در حوزه مسائل و تحولات سیاسی ایران تا مخاطبان اظهارات وی را سوگیرانه ارزیابی نکنند؛
- پنهان کردن چهره ضدانقلاب سلامتیان با معرفی حاشیه‌های فعالیت‌های وی؛
- برجسته‌سازی سابقه تاریخی و قرینه‌سازی تاریخی از واقعه کشته شدن ایلچی‌های چنگیزخان در حمله به ایران از طرف محمد خوارزمشاه و ربط دادن آن با واقعه گروگان‌گیری به منظور برجسب زدن منفی به ایران؛
- تأکید بر نبود ارتباط منطقی و سازمانی و تعامل بین تصمیم‌گیرندگان در اشغال سفارت و تصمیم‌گیرندگان سیاسی؛
- بازیچه قرارگرفتن دانشجویان در حادثه اشغال سفارت با دانشجویانی که اکنون نیز بازیچه تصمیم‌گیرندگان قدرت در ایران هستند؛

- تغییر گفتمان سلامتیان از واژه «اشغال» سفارت به «گروگان‌گیری»؛
  - ارائه چهره بی‌طرف از سازمان ملل متحد در پرونده گروگان‌گیری در شورای امنیت؛
  - مخالفت امام خمینی با اشغال سفارت آمریکا؛
  - سوءاستفاده نظام از افکار عمومی در تجمع مقابل سفارت آمریکا برای بهره‌برداری سیاسی؛
  - اشغال سفارت ایده حاکمیت وقت به‌ویژه روحانیون تندرو بود؛
  - بازنمایی این امر که در اشغال سفارت جریان خاصی هدایت دانشجویان را خارج از دولت موقت و رهبری وقت برعهده داشت؛
  - تلاش برای بازسازی وجهه مهندس بازرگان و کارتر؛
  - القای این نظر به منظور تهییج و تحریک مخاطبان که سرنوشت مردم ایران در لندن، مسکو و واشنگتن تعیین نمی‌شود؛
  - قرینه‌سازی جنبش سبز با دانشجویان پیرو خط امام که قربانی گذشته و مورد سوءاستفاده ابزاری حاکمیت بوده‌اند، اما جنبش سبز اینک آگاه شده است؛
  - تأکید بر این موضوع که رهایی مردم ایران در گرو تقویت تعاملات بین‌المللی است؛
  - القای انزوای ایران در جامعه جهانی به دلیل سیاست دولت کنونی؛
  - تلاش برای تبرئه‌کردن دولت آمریکا و انگلیس از اتهامات دولت ایران مبنی بر نقش داشتن این دو دولت در حوادث انتخابات؛
  - اجبار رهبری در تأیید سیاست‌های افراطی و هدایت‌کننده جریان‌های دانشجویی
  - بازنمایی اشغال سفارت آمریکا به‌عنوان انقلاب دوم که با انقلاب اول مردم ایران هیچ وجه مشترکی ندارد.
- فانی، مجری و معاون اجرایی یا همه‌کاره بی‌بی‌سی فارسی گفتار خود را با این



گزاره آغاز می‌کند: «۳۰ سال از اشغال سفارت آمریکا در تهران می‌گذرد به اقدامی که همه پروتکل‌های دیپلماتیک و روابط دیپلماتیک بین کشورها را به هم ریخت و ۴۴۴ روز طول کشید.»

سخن فانی با یک ضرب‌آهنگ خاص آغاز می‌شود تا که مخاطب را در موقعیت فکرکردن و جذب در برنامه قرار دهد. در این سخنی وی تلاش می‌کند که دو نکته قابل تأمل را به مخاطب القا کند: یکی این که، «با گذشت ۳۰ سال هنوز این واقعه به عنوان یک بحران بالقوه در روابط بین دو کشور می‌تواند در هر شرایطی فعلیت پیدا کند». دوم این که، «فانی با استفاده از عبارات حقوقی از جمله «اشغال سفارت آمریکا»، «پروتکل‌های دیپلماتیک روابط بین کشورها»، تلاش دارد که به مخاطب خود صدور حکم را القا کند» اشغال سفارت آمریکا در نقض قوانین بین‌المللی است؛ اقدامی که پایه‌های عملی شدن پروتکل‌های دیپلماتیک را در روابط بین کشورها تضعیف کرد.

در ادامه این سخن وی ضمن معرفی احمد سلامتیان به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی به مخاطب، می‌کوشد میهمان برنامه خود را که در طول برنامه می‌خواهد برای مشروعیت‌سازی ادعاهای خود بهره‌گیری کند، فردی غیردولتی و ناوابسته به حاکمیت در آن زمان مطرح کند. فانی قبل از شروع گفتگو در معرفی میهمان خود می‌گوید: «میهمان من در آن زمان از طرف سرپرست وقت وزارت خارجه یعنی آقای «بنی‌صدر» برای کمک به حل این مشکل دعوت به کار شد و ایشان به کمک همکارانش گزارشی را تهیه کردند و بعد از جلب موافقت رهبری وقت ایران برای ارائه راه‌حل مشکل به سازمان ملل رفت.» وی گفتگوی خود را با این عبارت شروع می‌کند «نگاه امروز به این واقعه تاریخی چیست؟» وی در همان ابتدا این پیش‌فرض را به مخاطب القا می‌کند که «وضعیت کنونی و روند تحولات ایران با گذشت سه دهه متأثر از این رویدادها ویژه مسائل اخیر و تحولات ایران در حوزه بین‌المللی است.»

برخی از گفتارهای مشروعیت‌بخش فانی در خصوص سلامتیان عبارت است از:

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۷۷

- در زمان گروگان‌گیری آقای سلامتیان سمت دولتی نداشتند؛ (فانی)
- بنی‌صدر با توجه به تجربه‌ام در آغاز انقلاب در دولت مهندس بازرگان مرا به‌عنوان معاون دکتر سنجابی در وزارت خارجه برای دوره کوتاهی دعوت به همکاری کرد؛ (سلامتیان)
- تحصیلات علوم سیاسی در پاریس؛ (سلامتیان)
- در مورد اندیشه تحول جامعه‌شناسی سیاسی ایران و تاریخ دیپلماسی ایران مطالعه کرده‌ام؛ (سلامتیان)
- در روند انقلاب با آقای بنی‌صدر همکاری‌هایی داشتم؛ (سلامتیان)
- در روزنامه «انقلاب اسلامی» بنی‌صدر بخش حقوقی را برعهده داشتم و بخش‌های مربوط به قانون اساسی و تصویب آنرا دنبال می‌کردم؛
- به خاطر داشتن تخصص حقوق بین‌الملل دعوت به همکاری شدید. (فانی)

#### تحلیل

تأکید متوالی و معنادار بر واژگان یا عبارات منفی از جمله «واقعۀ اشغال سفارت» از جمله عبارت‌های کلیدی این برنامه است که فانی به اشکال مختلف در هر پرسش و پاسخی برای مخاطب برجسته می‌کند.

در ادامه برنامه مجری (فانی) باز هم در صدد تولید اعتبار برای کنشگر رسانه‌ای سیاسی (سلامتیان) است. به‌عنوان مثال، فانی: - شما وقتی دعوت به وزارت خارجه شدید چه کاری را انجام دادید؟

- اولین کاری که کردم این بود که از «متخصصان وزارتخانه» خواستم کمیسیون را تشکیل بدهند که «عزالدین کاظمی» که در اداره حقوقی وزارت خارجه فردی برجسته و با دانش بود برای بررسی راه‌حل‌های این مسئله در ابعاد حقوقی بررسی کند. البته فانی، سلامتیان را به‌عنوان یک فرد غیردولتی و غیروابسته به حاکمیت معرفی می‌کند تا بی‌طرفی او را به مخاطب القا کند. در بخشی از این برنامه وی می‌گوید: «در ظرف ۲۴

ساعت این گزارش با متخصصان درجه اول ایران در آن زمان در قالب یک گزارش تاریخی مفصل در مورد اوضاع و احوال بین‌المللی تاریخی تهیه شد.»

در این گفتگو نیز سلامتیان «در صدد تلقین این موضوع به مخاطب است که در شرایط کنونی نگاه تخصص‌محور به مسائل کشور و به سیاست خارجه وجود ندارد، نگاه‌ها بیشتر ایدئولوژیک است.» رویکرد کنونی همچون رویکرد گذشته در واقعه اشغال سفارت ایدئولوژیک بود و در شرایط کنونی این «رویه بی‌نتیجه، ناموفق و ناکارآمد در تعامل ایران با جامعه بین‌المللی است.»

سلامتیان در ادامه گفتگوی خود ضمن اشاره به شواهد گذشته در این خصوص برای اثبات ادعاهای خود و مشروعیت‌بخشی به آن‌ها این‌گونه می‌گوید: «بعد از این‌که ایلچی‌های چنگیز توسط سربازان محمدشاه خوارزمشاهی کشته شدند، چنگیز به ایران حمله کرد. عدم رعایت پروتکل‌های دیپلماتیک که در سابقه تاریخی ما وجود دارد، لطمه‌های زیادی به کشور زده است. در واقع ایران در چارچوب کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به مصونیت‌های کنسولی، دیپلماتیک و حقوقی تعهد دارد که از دیپلمات‌ها و کارمندان خارجی که بر طبق مقررات بین‌المللی مصونیت دارند، در کشور خودش حفاظت و حمایت کند. ایران در این مورد هم از انجام تکالیف بین‌المللی خودش عاجز مانده است.»

سلامتیان در این بخش از گفتگو ضمن اشاره تاریخی به رویدادی که در بالا ذکر شد، می‌کوشد که رویداد اشغال سفارت را غیرمعمولی و غیرعمدی به مخاطب القا کند چرا که «ماهیت سیاستمداران ایرانی در گذشته نیز نشان داده است که متعهد به قوانین بین‌المللی همچون حقوق کنسولی و... نبوده و واقعه سفارت آمریکا مؤید این موضوع است.» وی سابقه تاریخی را برجسته می‌کند و آن‌را به اشغال سفارت ربط می‌دهد.

در پایان این گفتگو وی برچسب منفی به دولت ایران می‌زند: «آیا به هم ریختن پروتکل‌های بین‌المللی به نفع کشورهای ضعیف است یا به ضررشان؟» وی این رویداد

را موجب تضعیف حقوق کشورهای ضعیف می‌داند، اما در ادامه این برنامه این تناقض گفتمانی عجیب از سلامتیان سر می‌زند: آیا خود دولت‌های بزرگ قبل از موضوع ایران پروتکل‌های بین‌المللی را نقض نکرده‌اند؛ وی از زبان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد اشاره می‌کند که در طرح دعوی ایران در شورای امنیت - که آمریکا می‌گفت ایران چون نقض قوانین کرده نمی‌تواند - خود آمریکا مشابه این اقدام را در گذشته انجام داده است.

فانی در ادامه سیاست قطب‌بندی این سؤال را از احمد سلامتیان می‌کند که گزارشی که شما تهیه کرده بودید برای گروه‌گان‌گیران بود یا شواری انقلاب؟ که در این سؤال خود می‌کوشد دیدگاه و رفتار دوگانه شورای انقلاب و دانشجویان خط امام را ترسیم کند. وی در مورد این موضوع به صراحت تأکید می‌کند که «در همان اول تفاوت بین نیت دانشجویانی که سفارت را اشغال کردند و با تصمیماتی که تصمیم‌گیرندگان سیاسی در رأس می‌گرفتند، آشکار کرد که آنان به جای آنکه بازیگر این صحنه باشند، بازیچه‌های آن هستند.»

البته وی در این سؤال این نظر را به مخاطبان القا می‌کند که «اولاً، بین تصمیم‌گیرندگان اشغال سفارت و تصمیم‌گیرندگان سیاسی ارتباط منطقی و سازمانی و کنش متقابل وجود نداشته است. گروه سومی در بین این دو گروه هدایت این حادثه را داشته است. دولت وقت در مقابل عمل انجام شده‌ای واقع شده است.» ثانیاً، بر این موضوع به‌طور تلویحی تأکید می‌کند: «که دانشجویان چه در حادثه اشغال سفارت و چه اکنون بازیچه تصمیم‌گیرندگان قدرت در ایران شده‌اند.»

هدف اصلی فانی طرح این سؤال است و «تعارض گفتمانی بین تصمیم‌گیرندگان سیاسی در قدرت و دانشجویان را به مخاطبان برنامه القا می‌کند» در ادامه برنامه سلامتیان راه‌حلی را برای این رویداد بیان می‌کند: «اول این‌که، باید در اسرع وقت به این مسئله پایان داد و دوم این‌که، در دام گروه‌گان‌گیری (خبرگزاری‌های خارجی

اصطلاح «گروگان» را تازه به کار می‌بردند؛ قبل از آن از واژه «اشغال» یاد می‌شد و دانشجویان نیز آن را پذیرفته بودند. نیفتاد. سوم این که، شورای امنیت سازمان ملل متحد در ساعت اولیه اشغال سفارت علیه ایران قطعنامه‌ای صادر کرده و تهران را دعوت به انجام تعهدات خودش برای خروج از این بحران کرد. میان ایران و دولت ایالات متحده آمریکا یک رویارویی شده بود و این اقدام شورای امنیت ملل متحد نرمش به حساب می‌آمد.»

البته کاربرد واژه «رویارویی» از سوی سلامتیان نیز معنادار است. زیرا وی ضمن تأکید بر نقش صوری سازمان ملل متحد در این حادثه تلاش می‌کند برای این سازمان نقش میانجیگر را قائل شود که باعث عدم رویارویی ایران و آمریکا شده است. ولی «در شرایط کنونی با توجه به اقدامات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران و این که تهران در این مسئله نسبت به تعهدات خود عمل نکرده است، این سازمان دیگر نمی‌تواند در آینده مانع رویارویی آمریکا و کشورهای غربی با تهران شود. هرچند که در گذشته این رویارویی فقط با واشنگتن بود ولی در شرایط کنونی تهران در مقابل جامعه جهانی قرار گرفته است.»

بخشی از سخنان سلامتیان نیز قابل تأمل است: «پیشنهاد مشخصی که ما می‌کردیم عبارت بود از این که ایران درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت را بکند و در آن شکایتش را نسبت به سیاست‌های آمریکا در ایران بیان کند و خواست شورای امنیت ملل را در مورد آزادی دیپلمات‌ها و تأمین امنیت آن‌ها برآورده سازد تا براساس چارچوب ملل متحد تهران و واشنگتن عملاً به یک توافق برسند.»

به نظر می‌رسد که در سخنان سلامتیان تعارض گفتمانی کاملاً مشخصی وجود دارد چرا که در دوره شاه امکان شکایت نبود؛ بعد از سقوط رژیم پهلوی امکان شکایت به شورای امنیت ملل متحد فراهم شد. اکنون باید موازی با این شکایت سیاست‌های آمریکا در قبال ایران مطرح شود که به نظر می‌رسد این نکته در پیشنهادها این گروه

هدفمند تهیه شده بود. چرا که رژیم پهلوی که ژاندارم رژیم اسرائیل در منطقه و تأمین‌کننده منافع آمریکا بود بابت چه چیزی باید به سیاست‌های آمریکا به شورای امنیت شکایت کند. تغییر رژیم پهلوی باعث گفتمانی جدید در مواضع سیاسی آمریکا شده بود. طرح موازی با این شکایت عملاً خنثی‌سازی آنرا بازنمایی می‌کند. وی در سخنان خود بخشی از خواسته‌های ایران و موضع‌گیری شورای امنیت ملل درخصوص خواسته‌های ایران و شکایت ایران را مطرح نمی‌کند، بلکه ایران باید یک سویه خواسته‌های شورای امنیت را برآورده سازد.

کاربرد متوالی عبارت «شورای امنیت ملل متحد» از سوی سلامتیان نوعاً این نکته را القا می‌کند که این شورای بین‌المللی است که از ایران می‌خواهد. در حقیقت، سوءاستفاده از ابزاری ایالات متحده از این نهاد بین‌المللی را با زیرکی لاپوشانی می‌کند. در عین حال تأکید بر یک توافق در چارچوب ملل متحد مصداق بهره‌برداری ابزاری از این نهاد را نشان می‌دهد.

فانی در سؤالی می‌پرسد که شما با این پیشنهاد به سازمان ملل رفتید؟ سلامتیان در پاسخ می‌دهد که این پیشنهاد از سوی شورای انقلاب، امام، آقای منتظری (رئیس مجلس خبرگان) تأیید شده بود اما فانی می‌گوید که در اولین برخورد موفق نشدید.

کاربرد واژه «برخورد» در این سؤال بیان‌کننده آن است که واکنش آمریکا نسبت به «این برخورد طبق قوانین بین‌المللی بوده و برخورد مناسبی نیز بوده است.» سلامتیان پاسخ به این سؤال را کامل می‌گوید: «مشکل با ایالات متحده بود مدعی بود که چون ایران مقررات مسلم بین‌المللی را زیر پا گذاشته حق دعوت برای اجلاس شورای امنیت را ندارد. بعد از کشمکش‌های زیاد و اولین زورآزمایی‌ها با ایالات متحده بود که در این زمینه از جهت دیپلماتیک اکثریت اعضای شورای امنیت که رئیسش اهل بولیوی بود به نفع ایران نظر دادند.» هرچند این موضوع درست است ولی کار بر روی این معامله حقوقی دیپلماتیک می‌کوشد بی‌طرفی شورای امنیت ملل را برای مخاطب القا کند.

البته در ادامه وی می‌گوید که شورای امنیت پاسخ منفی داد و گفت عدم رعایت بعضی از مقررات از سوی آمریکا در سابق مانع از این نمی‌شود که کشوری درخواست جلسه کند. «سلامتیان ابعاد موضوع را به لحاظ تاریخی اشاره نمی‌کند.» هرچند در مورد ایران به سابقه تاریخی اشاره می‌کند. البته سلامتیان در ادامه می‌افزاید: «بعد از این‌که دبیرکل ملل متحد، «والد هنگ بال» یک برگ برنده دیپلماتیک ویژه به ما داد و از زمانی که معلوم شد که نظر ما در شورای امنیت در اکثریت قرار دارد و آمریکا ناگزیر به عقب‌نشینی است، دبیرکل سلسله مذاکراتی را بین ایران و آمریکا و شورای امنیت شروع کرد برای پیدا کردن قطعنامه‌ای که همگان قبول کنند. این قطعنامه به آزاد شدن گروگان‌ها و رسیدگی به اختلافات ایران و آمریکا می‌انجامید!»

این سخن سلامتیان نیز کاملاً جهت‌دار است؛ چرا باید قطعنامه صادر شود؟ اصولاً بررسی این گزارش نشان می‌دهد که روند آن به‌گونه‌ای طراحی شده بود که ابتدا نهادهای بین‌المللی قطعنامه نرمی را در محکومیت ایران صادر کنند و در ادامه خواسته‌ها و مطالبات مطرح شود. در این میان محوریت سازمان ملل متحد کارسازتر بود تا خود آمریکا. در صورت عدم اجرای قطعنامه این قضیه بعد از بحران موشکی کوبا و ویتنام برای دولت کارتر در عرصه بین‌المللی شکست محسوب می‌شد.

البته سخن سلامتیان موضوع بالا را تأیید می‌کند: «شورای امنیت با کشمکش‌های زیاد چارچوب قطعنامه مطلوب ما را قبول کرد. بالاخره داد و ستد بین‌المللی بود و حد وسطی بود که ما باید قبول می‌کردیم که گروگان‌ها در اسرع وقت آزاد شوند. البته این را شورای امنیت در چارچوب پیش‌نویس قطعنامه آماده کرده بود.»

البته تحلیل وی در این مورد نیز قابل تأمل است: «متأسفانه آقای خمینی اجازه ندادند سرپرست وزارتخانه از کشور خارج شود به شورای امنیت بیاید.»

در ادامه می‌افزاید: «در واقع از همان زمان زندگی دیپلماتیک و سیاسی ایران تبدیل به نوعی گروگان و گروگان‌گیری شده بود و در آن بازی سیاسی دیگر مصلحت نبود که

### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۸۳

هرچه سریع‌تر پرونده گروگان‌گیری بسته شود. بعضی از مراکز قدرت مصلحت می‌دیدند تا آنجا که ممکن است پرونده، استمرار پیدا کند.»

فانی در ادامه برنامه بار دیگر در چارچوب سؤال قبلی خود مبنی بر تفاوت نگاه در اشغال سفارت میان دانشجویان خط امام و تصمیم‌گیران سیاسی در قدرت به تقویت این نظر در قالب سؤال جهت قطب‌بندی می‌پردازد: «در مورد گروگان‌گیری نظرات متفاوتی وجود دارد. دانشجویان پیرو خط امام گروگان‌گیری کردند، اما می‌گویند امام کار خیلی بدی کردند، آن‌ها را از سفارت بیرون بریزید ولی یک نظر دیگر می‌گوید: خمینی (ره) از همان ابتدا موافقت کرد به دلیل این‌که اهداف درازمدتی در این واقعه می‌دید. شما که در جریان بودید فهمنان از این اتفاق چه بود.»

سلامتیان می‌گوید: «حوادث انقلاب ایران بعضی وقت‌ها از فرایند طبیعی خود سرعت می‌گرفت و بازیگران را از بالاترین تا پایین‌ترین مقام به دنبال خود می‌دواند. اغلب بازیگران سیاست بازیچه فرایند سیاسی بودند. در مورد مسئله گروگان‌گیری هم عین همین مسئله است. اگر به روزنامه‌های آن زمان رجوع کنیم و به اطلاعات دست اندرکاران مختلف در خاطراتشان استناد کنیم، مسئله دقیقاً این‌گونه است که سه روز بعد از گروگان‌گیری، آیت‌الله خمینی در سخنرانی مفصلی دانشجویان را دعوت کرد که از افراط اجتناب کنند. وی حتی از دولت موقت دفاع کرده و گفته بود دولت کارهایی می‌کند، به آن مهلت بدهند و خواسته که ناراضی نباشند. اما دانشجویان دچار کشمکش در فضای دانشگاهی صورت گرفت. بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها، انتخابات انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها شده بود و در این انتخابات انجمن اسلامی در برابر دانشجویان که دچار اختلاف شده بودند، عملاً انتخابات را باختند. تحلیل دانشجویان این بود که علت این مسئله مواضع دولت موقت است؛ دولت موقت در داخل جامعه مورد اعتراض است و در نتیجه دنبال این بودند که مرز خود را از دولت موقت به شکلی جدا کنند. دولت موقت به‌عنوان دولت لیبرال و میانه‌رو قلمداد می‌شد. هر کس بیشتر



شعار تند می‌داد، می‌توانست نیروی انقلاب را جلب کند. خلاصه تعداد محدودی دانشجوی تصمیم گرفتند به سفارت حمله کنند. امروز قطعی شده است که آنان اجازه قبلی آیت‌الله خمینی را نداشتند. یکی به آن‌ها گفته بود که آیت‌الله خمینی با این مسئله مخالفتی نخواهد کرد. با خمینی مشورت نکرده بودند و آقای خمینی پس از این‌که واقعه گروگان‌گیری انجام شد وزیر خارجه وقت، دکتر یزدی رفت قم و گفت دانشجویان را از آنجا بیرون کنید. اما ۴۸ ساعت بعد از آن فضایی در صحنه بین‌المللی به وجود آمد. یک مسئله بدیع در مورد ایران اتفاق افتاد؛ یک حرکت التهاب‌آمیز در یک منطقه؛ کشوری در تلویزیون در زیر گنبد جهانی، جهانی می‌شود. از منظر دوربین‌های آمریکایی ساعت ۸ شب حوادث گروگان‌گیری بدل به پدیده‌ای شد که آقای خمینی هم گفت:»

تحلیل گفتمانی مطالب وی در این بخش نشان می‌دهد که آیت‌الله خمینی مخالف اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان بودند و هدایت این گروه از دانشجویان توسط گروهی تندرو صورت گرفته بود و آیت‌الله خمینی در مقابل عمل انجام شده قرار گرفته بود. البته تقابل و تعارض گفتمان وی و مجری در اینجاست که در بخش قبلی کوشید بگوید که «امام خمینی با هدف از این اقدام افق‌های درازمدت را می‌دید.» فانی در ادامه این سؤال را مطرح می‌کند که آقای خمینی این واقعه را انقلاب مردم خواندند؛ به آن ارزش و مقامی دادند که به هر حال مقام و اعتبار دانشجویان خط امام بالا رفت. سخن این است که «چه کسانی آیت‌الله را قانع کردند تا نظرش را عوض کند، مطمئناً تلویزیون‌های آمریکا و نحوه نمایش این حوادث و مسائل نبودند؟»

سلامتیان: «آقای خمینی دقیقاً این جمله را گفتند: «در ایران انقلابی شده است؛ از انقلاب اول مهم‌تر و بزرگتر. این سخن را برای این می‌گفتند که می‌خواستند گروگان‌ها هرچه زودتر آزاد بشوند.» آیت‌الله خمینی در آن زمان می‌گوید: «جداً باید کوشش شود که احساس مردم نسبت به قانون اساسی به سردی نگراید.» در آن روز تازه اصل پنجم

قانون اساسی یعنی ولایت فقیه تصویب شده بود. در افکار عمومی و مجلس خبرگان نگرانی‌ها ایجاد کرده بود تا آنجا که دولت موقت خواستار این شده که مدت مجلس یا تمدید شود یا متوقف شود یا پیش‌نویس قبلی، یعنی متمم ملاک قرار گیرد. در این شرایط حساس می‌دید که برای تصویب قانون اساسی احتیاج به این است که حرکت انقلابی، بسیج عمومی و التهاب عمومی به نوعی تجدید شود. مسئله گروگان‌گیری در داخل و خارج انعکاس یافت. بعضی احزاب و گروه‌های چپ، جمعیت‌های چند صد هزار نفری را جلوی سفارت بسیج کردند که خود این جمعیت‌ها در تلویزیون‌های جهانی منعکس می‌شدند. در تلویزیون ایران هم انعکاس عظیمی داشت. گویی کل ملت ایران آماده پشتیبانی از گروگان‌گیرها هستند. دانشجویان از یک گروه محدود و اجتماعی بودند، اما عملاً به‌عنوان پیش‌آهنگ، انقلاب دوم شدند. مفهوم این انقلاب دوم هیچ اشتراکی با انقلاب مردم ایران نداشت.»

در حقیقت استدلال تلویحی سلامت‌یابان می‌خواست این گفتمان را القا کند که «نخست تلویزیون عاملی برای رسیدن به اهداف قدرت سیاسی شد. این اهداف در جمعیت‌های گردآوری شده در جلوی سفارتخانه آمریکا به‌عنوان پشتیبان دانشجویان بازنمایی شد. این رویکرد در جهت فریب افکار عمومی داخلی و خارجی بود. وی تأکید می‌کند که مفهوم انقلاب دوم که با اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان خط امام صورت گرفته هیچ وجه مشترکی با انقلاب اول مردم ندارد. یعنی مردم در انقلاب اول مخالف حکومت شاه بودند ولی انقلاب دوم در جهت خواسته‌ها و تندروری‌های روحانیون بود که با ایالات متحده مخالف بودند. دولت موقت اصولاً چنین انقلابی را نپذیرفت و یک شکاف تلویحی بین دولت موقت و رهبری ایران شکل گرفت.»

فانی: «ابراهیم‌زاده یکی از گروگان‌گیرها بود که در مصاحبه‌ای که با روزنامه اعتماد ملی داشت دربارهٔ مداخله آمریکا می‌گوید که آمریکا به مسائل قومی دامن می‌زند. در این مورد ما هیچ سند و مدرکی نداشتیم، رفتیم سفارت را گرفتیم که سند پیدا نکنیم.

این نحوه تفکر مختص عده‌ای از دانشجویان انقلابی بوده یا بخشی از حاکمیت ایران هم‌چنین می‌اندیشیده است؟»

در حقیقت فانی با طرح این سؤال ضمن اشاره به سخنان اصغرزاده تلاش می‌کند که اتهام‌زنی به آمریکا درخصوص سیاست «این کشور در مورد ایران پاک شود. در حقیقت، این نکته را القا کند که این تفکر متعلق به بخشی از حاکمیت، آن هم روحانیون تندرو بود.»

البته سلامتیان در خصوص پاسخ به این سؤال می‌افزاید که «ببینید دفعه سوم بود که سفارت آمریکا اشغال می‌شد، دو بار هم به شکل دیگر اشغال شده بود، اما خیلی سریع پایان پذیرفته بود.» بعد از این‌که در داخل خود سفارت متوجه شدند که مدارکی وجود دارد و عده‌ای می‌خواهند آن مدارک را از بین می‌برند، به این شکل به فکر بهره‌برداری از مدارک برآمدند. در مرحله اول، در اعلامیه اول اعلام می‌کنند که هدف از حضورشان در سفارت آمریکا که اسمش اشغال سفارت آمریکاست، اعلام اعتراض به سیاست‌های آمریکاست که نقطه مشترک آن پذیرفتن شاه در ایالات متحده آمریکاست. بعد از فرایندی که بدل به یک فرایند عظیم کشوری و جهانی نمی‌شود، توجیه‌های مختلف ساخته و پرداخته می‌شود.

با توجه به مطالب فوق سلامتیان نیز کوشیده است که سخنان فانی را تأیید و تکمیل کند؛ اقدامات آن‌ها هرچند در مرحله اول اعتراض به پذیرش شاه و دولت کارتر بود ولی بعداً به اشغال سفارت آمریکا انجامید و نسبت به سیاست‌های دولت وقت، اعتراض شد. در نهایت این تفکر بازنمایی می‌شود که جریان خاصی، هدایت دانشجویان را خارج از دولت موقت و رهبری وقت برعهده داشته است.

فانی در پایان برنامه سؤالاتی برای ارتقا و تقویت مجدد اعتبار احمد سلامتیان مطرح می‌کند. وی ضمن اشاره به موقعیت‌ها و مقام‌هایی که وی داشته است، می‌پرسد: چرا مجبور شدید از ایران فرار کنید؟ سلامتیان در پاسخ ضمن طرح برخی از حاشیه‌ها و

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۸۷

بازخوانی روابط خود با جبهه ملی از سال ۴۲-۱۳۳۹ می‌کوشد که تندرو بودن را در قالب مشروطه، بازخوانی کند که او به نقل از «الله یار صالح» می‌گوید که بزرگترین دشمنان مشروطه، افراتیان بودند. در نهایت ضمن طرح بحثی درخصوص به‌دام‌افتادن روحانیون انقلابی، این‌گونه جمع‌بندی می‌کند که «ایران چندی است که معارض شماره یک هر فعال سیاسی است.»

فانی در ادامه ضمن تأیید سخنان وی می‌گوید که این به نوعی واقع‌گرایی است؛ این واقع‌گرایی شما را به‌جایی می‌رساند که دور تمام تشکیلات و احزاب سیاسی را خط بکشید و وارد هیچ کدام نشوید و البته سال‌هاست که این کار را نمی‌کنید.

سلامتیان در پاسخ به این نظر فانی می‌گوید که از سال ۱۳۶۳ که در خارج از کشور زندگی می‌کنم، نقش فعال خارج از کشور را نقشی یدکی می‌دانم، خود را یک محصل پایان‌ناپذیر جامعه‌شناسی ایران می‌دانم. من در فضای خارج از کشور جز کار یدی و بلندگویی، کاری ندارم، فعالیت سیاسی هم ندارم. البته اگر به ایران رفتم متناسب با فضای ایران عمل خواهم کرد.

سلامتیان می‌کوشد که خود را از جهت‌گیری سیاسی و اقدامات گذشته‌اش تبرئه کند و به مخاطب بفهماند که مطالبی را که طرح و بازگو می‌کند بدون جهت‌گیری و وابسته بودن به جناح یا بخشی از حاکمیت باشد. آن‌وقت همان‌طور که در ابتدا مطرح شد بدون وابستگی به دولت، دعوت به همکاری شد.

فانی: «تا چه اندازه ماجرای گروگان‌گیری بر شیوه تفکر بعدی شما مؤثر بوده

است؟»

سلامتیان: «اگر کسی فرصت داشته باشد و صورت‌جلسات مذاکرات ششم بهمن ۱۳۵۹ یعنی بعد از پایان گروگان‌گیری را مطالعه کند و گزارشی را که آقای رجایی در مورد پایان گروگان‌گیری داده است بخواند، متوجه مسائل زیادی می‌شود. آقای رجایی

— خدایامرز - صادقانه می‌گویند که عمدتاً دستاورد عمده گروگان‌گیری چنین است: (راه بر آزادمنشان و میانه‌روها برای همیشه بسته شد.)»

البته سلامتیان در این پاسخ نیز بحث «بخشی از حاکمیت افراطی را مطرح کرده و از زبان رجایی می‌گویند که اکنون شرایط سیاسی برای آزادمنشان بسته است» فانی در سؤالات پایانی می‌کوشد که سود و زیان این اتفاق را برای ایران از زبان سلامتیان جویا شود که وی در پاسخ می‌گوید: «این واقعه هیچ کمتر از ایلچی‌های چنگیزخان مغول در بین محمدشاه خوارزمشاه و اهمیتش کمتر از داستان گریبالدوف نیست. هر دو این‌ها ایران را در یکی از حساس‌ترین لحظات تاریخی خودش با زیرپا گذاشتن کلیه حقوق بین‌الملل به جایی رساندند که سرمایه‌های داخلی‌اش را از دست داد. مبتلا به جنگ هشت ساله شد. اگر به تابلوی شکار گروگان‌گیری در ایران و ایالات متحده آمریکا نگاه کنیم، گروگان‌گیران در اتاق خودشان باید سر مهندس بازرگان و کارتر را به‌عنوان شکار حادثه از تن جدا کنند. اگر خوب دقت کنیم، متوجه می‌شویم در تاریخ ایران، آزادمنش و دیندار معتدلی مثل مهندس بازرگان کم پیدا می‌کنیم. در ایالات متحده نیز پس از جنگ جهانی دوم رئیس‌جمهور صلح‌طلبی مانند کارتر، کم می‌بینیم.» دانشجویان خط امام می‌دیدند که نتیجه عملشان این چنین تبدیل به یک مسئله می‌شود. در نتیجه این قضیه مطرح می‌شود که نسبت کارگزاران سیاسی با نتیجه کارشان فرق می‌کند.

فانی در سؤال پایانی خود، سعی می‌کند که میزان تأثیرگذاری این واقعه را بر حاکمیت و بعد بر مردم عادی، از وی جویا شود که سلامتیان تأثیرات اصلی آن را چنین برمی‌شمرد:

۱. ایدئولوژی قدرت ابایی ندارد که به هرکس که با او متفاوت می‌اندیشد، او را دعوت به تفکر می‌کند و به او می‌گویند از تجربه تاریخ بیاموز، تهمت عامل خارجی بودن بزند، این، در تاریخ ایران سابقه داشته است.
۲. گروگان‌گیری به دلیل جاذبه‌اش، ابزار اصلی انتقال و حفظ مدیریت در ایران بود.

از این‌روست که دانشجویانی که در آن زمان گروگان‌گیر بودند، امروز خودشان قربانی همان منطق‌اند. تجربه گروگان‌گیری عبارت است از تسویه حساب کردن و متهم کردن هر دگراندیشی، به جاسوسی و اجنبی‌پرست بودن.

#### فانی: «آیا این تجربه در ایران آموخته شده است؟»

سلامتیان در پاسخ می‌گوید که اگر به حرکتی که در چند سال گذشته در ایران رخ داده یعنی جنبش سبز نگاه کنیم، می‌بینیم که «مردم ایران به این مسئله واقف شده‌اند که سرنوشت آن‌ها در واشنگتن، مسکو و لندن تعیین نمی‌شود، بلکه در ایران تعیین می‌شود، آن هم با تجربه‌اندوزی مردم و وارد شدن آن‌ها به تعاملات بین‌المللی.»

در مجموع باید گفت که فانی سؤالات را به گونه‌ای سوق می‌دهد که پاسخ‌های سلامتیان بتواند از رویدادهای گذشته به حوادث کنونی در ایران پل بزند و به القای این دیدگاه پردازد که جنبش سبز همان دانشجویان هستند که در گذشته قربانی شده‌اند و امروز نسبت به سوءاستفاده ابزاری حاکمیت از آن‌ها آگاه شده‌اند، مردم نیز برای رهایی از این وضعیت باید تعاملات بین‌المللی خود را تقویت کنند. ولی سیاست‌های خارجی دولت کنونی، جدا از جامعه جهانی در مسائل و تحولات بین‌المللی گام برمی‌دارد. در عین حال می‌کوشد که در حوادث انتخابات، آمریکا و انگلیس را تبرئه کند و مردم را تعیین‌کننده سرنوشت، خواسته‌ها و اقدامات خود معرفی کند نه دولت‌های بیگانه.

#### نتیجه‌گیری

شاید بتوان گفت که دو واژه کلیدی این برنامه «اشغال و گروگان‌گیری» است. فانی مجری برنامه و میهمان وی احمد سلامتیان - که از عوامل ضدانقلاب است و اکنون در پاریس زندگی می‌کند- به‌عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی برای مخاطبان معرفی می‌شود. فانی برای تقویت جایگاه و اعتبار کنشگر رسانه‌ای خود، از وی به‌عنوان فردی نام می‌برد که به دولت وابستگی ندارد تا بی‌غرضی‌اش برای مخاطب ثابت شود و از

۱۹۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

این طریق از رویداد تاریخی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در جهت اهداف برنامه بهره‌برداری کند.

بخش اول برنامه در جهت تقویت و اعتباربخشی به میهمان خود است، اما سؤالات بعدی از احمد سلامتیان با اشاره به برخی از رویدادهای تاریخی از جمله کشته‌شدن ایلچی‌های چنگیز مغول توسط محمدشاه خوارزمشاه و مقایسه رویداد تسخیر لانه جاسوسی با استفاده از تکنیک برجسته‌سازی برای قرینه‌سازی تاریخی، با گفتمان اشغال و گروگان‌گیری سفارت آمریکا مطرح می‌شود. البته این برنامه حوادث تاریخی را به‌عنوان شواهد مرتبط با اشغال سفارت آمریکا بیان و بازنمایی می‌کند. سلامتیان در این برنامه می‌کوشد که دوره همکاری خود را با بنی‌صدر و سنجابی، عالی‌ارزیابی کند و جایگاه تخصصی خود را برای مخاطب بالا نشان دهد تا مخاطب مطالب وی را به آسانی باور کند.

در ادامه این سناریو سلامتیان می‌کوشد که ایران را نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی بی‌تعهد نشان دهد و از کارمندان حقوق‌کنسولی طبق معاهدات بین‌المللی حمایت کند. اما بررسی و واکاوی سخنان وی در بخش نخست و میانی برنامه، تعارض و تناقض گفتمانی دیدگاه‌های وی را نمایان می‌سازد. در بخش اول که نوعی تناقض‌گویی وجود دارد، وی شکایت ایران از ایالات متحده آمریکا را در جهت حل مشکل اشغال سفارت مطرح می‌کند و می‌گوید آمریکا مدعی است که ایران با توجه به نقض مقررات بین‌المللی حق شکایت به شورای امنیت ملل را ندارد. البته وی در بخش میانی سخنان خود می‌گوید که شورای امنیت براساس ماده ۴ در صورت درخطر دیدن صلح جهانی می‌تواند طرفین را برای حل و بررسی مسئله دعوت کند، در عین حال خود وی از زبان دبیرکل سازمان ملل متحد بیان می‌کند که آمریکا خود ناقض این اقدامات بوده است.

در ادامه صحبت‌های خود می‌کوشد که درخصوص تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۹۱

میان دانشجویان خط امام و تصمیم‌گیرندگان سیاسی شکاف گفتمانی ایجاد کند. از این رو از دانشجویان به‌عنوان ابزاری یاد می‌کند که مورد سوءاستفاده تصمیم‌گیران سیاسی قرار گرفته‌اند یا از جناحی یاد می‌کند که خارج از اراده دولت موقت و رهبری عمل کرده‌اند.

احمد سلامتیان، ضدانقلاب فراری، با این شگرد می‌کوشد که تقابلی گفتمانی در کنش فکری و رفتاری این دو گروه را قطب‌بندی و غیریت‌سازی کند. احمد سلامتیان با تأکید بر اصطلاح «شورای امنیت ملل متحد»، می‌کوشد که از این اصطلاح بهره‌برداری سیاسی کند و در آن شرایط استفاده ابزاری قدرت‌ها را محتمل نداند.

البته وی در این برنامه به اقدامات هنجارشکن و نقض قوانین بین‌المللی آمریکا طبق ماده ۴ شورای امنیت اشاره نمی‌کند. این بدان جهت است که بازیگران اصلی، گزارشی که در آن مقطع توسط وی و همکارانش از جمله بنی‌صدر تهیه شده بود، خود این‌ها بودند. در حقیقت وی می‌کوشد که پیامدهای شکست آمریکا به‌ویژه دولت وقت، کارتر را در خاورمیانه بعد از فضای بحران موشکی کوبا و جنگ ویتنام کاهش دهد. در پایان انتهای تحلیل‌های خود برای مثبت جلوه‌دادن هر دو طرف در آن شرایط از کارتر به‌عنوان رئیس‌جمهور صلح‌طلب آمریکا و از مهندس بازرگان به‌عنوان فرد معتدل، یاد می‌کند.

بخشی از سخنان احمد سلامتیان مربوط به مقایسه تطبیقی اما تلویحی اقدامات وزارت خارجه وقت با وزارت خارجه کنونی است که افراد وزارتخانه آن وقت را متخصص و افراد فعلی را غیرمتخصص ارزیابی می‌کند.

در ادامه در بخش دیگری از گفتمان تلویحی خود درباره این موضوع تأکید دارد که تقابلی در دیدگاه گفتمانی وجود دارد: ۱. اقدام دانشجویان خط امام بدون برنامه و خودسرانه بود. ۲. دستور خمینی اهداف درازمدت را دنبال می‌کرد. اما وی کوشید این موضوع را این‌گونه بازخوانی کند که خمینی دستور نداد که دانشجویان سفارت را



۱۹۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

اشغال کنند، چرا که رهبری ایران در سخنرانی مفصلی بعد از این واقعه به دانشجویان تأکید کرد که از افراط پرهیز و از دولت موقت دفاع کنند، به آن مهلت دهند تا کارها را انجام دهد و از اقدامات دولت ناراضی نباشند.

وی در ادامه می‌کوشد که این‌گونه القا کند که تسخیر لانه جاسوسی آمریکا از سوی بخشی از گروه‌های تندرو صورت گرفت به‌طوری که خمینی را در عمل انجام‌شده، قرار دادند. وی دیگر هیچ کاری نمی‌توانست بکند. شرایط سیاسی کنونی داخلی و خارجی ایران از همین سیاست پیروی می‌کند. سرانجام این‌که «چه در گذشته و چه اکنون این افراطی‌ها هستند که هدایت‌کننده جریان‌های دانشجویی هستند و رهبری نیز مجبور است این اقدامات را تأیید کند. همچنین سلامتیمان به سوءاستفاده ابزاری از دانشجویان به‌طور تلویحی اشاره می‌کند، به‌ویژه جمعیت‌های چند صد هزار نفری جلوی سفارت را، در تلویزیون ایران برای فریب افکار عمومی داخلی و خارجی بازنمایی می‌کند.» وی نتیجه می‌گیرد که «انقلاب دومی که خمینی بعد از اشغال سفارت آمریکا نامید با انقلاب اول مردم ایران هیچ مفهوم مشترکی نداشت چرا که مردم ایران مخالف شاه بودند نه آمریکا.»

در عین حال این تقابل را در علاقه میان مردم و حاکمیت و رهبری ترسیم می‌کند نه تقابل میان دولت موقت و رهبری وقت، در پذیرش انقلاب دوم دانشجویان که در ابعاد مختلف گسترش یافت.

سلامتیمان می‌کوشد که پذیرش شاه از سوی ایالات متحده آمریکا را عاملی در اعتراض به سیاست‌های دولت کارتر در اشغال سفارت آمریکا بیان کند اما گروگان‌گیری را دستاورد دولت موقت و رهبری وقت بداند.

سلامتیمان برای اثبات ادعاهای خود بار دیگر قیاس مع‌الفارق می‌کند و به داستان ایلچی‌های چنگیزخان، داستان گریبایدوف و همچنین به این نقل‌قول رجایی «راه آزادمنشان برای همیشه بسته شد.» به‌صورت طعنه‌آمیزی اشاره می‌کند.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۹۳

در مجموع، فانی با طرح این سؤال به‌گونه‌ای سلامتیمان را سوق می‌دهد به اینکه از این رویداد در سطح حاکمیت و مردم عادی نتیجه‌گیری کند. وی تأثیر این موضوع را در سطح حاکمیت این‌گونه بیان می‌کند که مخالفان این رویداد از سوی حاکمیت با برچسب‌های مختلف از جمله جاسوسی، عامل خارجی و دگراندیشی، متهم می‌شوند و در مورد دانشجویان نیز بر این تأکید می‌کند که آنان چه در گذشته و چه اکنون قربانی شده‌اند یعنی مورد سوءاستفاده ابزاری قرار گرفته‌اند. هرچند دانشجویان گروگان‌گیر در آن شرایط ابزار اصلی انتقال قدرت در ایران بودند و مردم نیز باید از این حوادث تجربه بیاموزند و بهای آن را در حوادثی چون جنگ هشت ساله بپردازند.

در مجموع سناریوی برنامه «به عبارت دیگر» در خصوص اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری به‌گونه‌ای چیده شده است که «حوادث گذشته را با تحولات چند سال اخیر به‌ویژه در خصوص حوادث انتخابات مرتبط سازد.»

سلامتیمان می‌کوشد که «جنبش سبز اخیر را همان دانشجویان یا بخشی از جنبش گذشته معرفی کند که از کرده خود پشیمان و از مورد سوءاستفاده قرارگرفتن خود آگاه شده‌اند و دیگر راضی نیستند که ابزار حاکمیت قرار گیرند.» در عین حال در سنتز گفتمانی خود، بر رهایی مردم از این وضعیت تأکید کرده و می‌گوید که مردم باید روابط بین‌المللی خود را با کشورهای مختلف افزایش داده و تقویت کنند. اما تلویحاً تأکید می‌کند که «با این دولت نمی‌شود، زیرا دولت کنونی، ایران و ایرانی را از جامعه جهانی منفک کرده است، به‌طوری‌که در مسیر مخالف جامعه جهانی گام برمی‌دارد. در عین حال می‌کوشد که اتهامات ایران را به آمریکا، انگلستان و رژیم صهیونیستی در خصوص حوادث اخیر انتخابات به مخاطبان واهی، القا کند. وی می‌گوید سرنوشت ایران در لندن، واشنگتن و مسکو تعیین نمی‌شود بلکه فقط در ایران و توسط خود مردم تعیین می‌شود و می‌کوشد آن‌ها را در این زمینه تحریک و تهییج کند»

۴-۴- عنوان برنامه «صفحه ۲» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی

معرفی برنامه «صفحه ۲»

در این برنامه، به نوشته سایت بی‌بی‌سی، به مهم‌ترین رویدادهای سیاسی هفته، مصاحبه با خبرسازان در داخل و خارج از ایران و نگاهی موشکافانه به عملکرد دولتمردان و فعالان سیاسی در منطقه و جهان پرداخته می‌شود.

۴-۴-۱- موضوع برنامه: بررسی واکنش‌ها به دو انفجار در استان سیستان و بلوچستان

محورهای گفتمان تلویحی و القایی برنامه عبارتند از:

- تقلیل مسئله انفجار به سطح داخلی و پاک کردن صورت مسئله در خصوص دخالت بیگانگان؛
- عدم مشارکت مردم بلوچ در سرنوشت خود؛
- بی‌توجهی نظام و دولت به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی؛
- تشدید سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد؛
- نبود آزادی بیان واقعی برای نمایندگان مردم ایران برای ابراز مسائل منطقه خود؛
- صوری بودن رأی مردم در انتخابات و بی‌تأثیر بودن آن در تعیین سرنوشتشان؛
- شرکت در انتخابات توسط اقلیت‌ها صرفاً برای حفظ و ابراز هویت قومی خود؛
- یعقوب سرنهاد و ممنوعیت برگزاری مراسم «بهاری» نمونه‌های بارز سیاست سرکوب و کنترل اقلیت‌ها در بلوچستان؛
- دنباله‌روی نظام از سیاست‌های گذشته دوره پهلوی در سرکوب اقلیت‌ها و برخورد ایدئولوژیک و امنیتی بعد از پیروزی انقلاب با اهل تسنن؛
- بی‌توجهی نظام و دولت در سرمایه‌گذاری در مناطق کردستان و بلوچستان؛

- بسط شکاف عمیق بی‌اعتمادی بین حاکمیت در مناطق اقلیت‌نشین؛
- تبدیل شدن مناطق کردستان و بلوچستان به مثابه یک مسأله ملی برای نظام؛
- نداشتن نماینده در مجلس خبرگان رهبری و حذف هوشمندان آن از سوی نظام. (قاسم‌لو)

### تحلیل

مجری برنامه، «مهدی پرپندچی»، در ابتدای برنامه می‌کوشد که نوعی سیاست رسانه‌ای بی‌طرف را در همان عنوان برنامه به مخاطب القا کند با این عبارت «دو انفجار انتحاری در استان سیستان و بلوچستان» در این بخش از آن‌ها با وحدت رویه حقوقی و رسانه‌ای یاد می‌کند. اما استفاده از «انفجار انتحاری» این رویکرد بی‌طرفانه رسانه‌ای همچون بی‌بی‌سی را زیر سؤال می‌برد چرا که کاربرد این عبارت می‌تواند مفروضات مختلف را در اذهان مخاطبان ایجاد کند. نزدیک‌ترین مفروض بین‌الذهانی برای مخاطبان این است که از برچسب‌زدن به عوامل بیگانه جلوگیری می‌شود و این‌گونه به مخاطب القا می‌شود که دلیل این اقدام داخلی از جمله نارضایتی و... بوده است.

مجری دو نوع دیدگاه گفتمانی را در ابتدای برنامه طرح می‌کند. «در دیدگاه اول، دولت ایران سرنخ ماجرا را در خارج از مرزها می‌بیند و به دنبال راه‌حل امنیتی است و دیدگاه دوم سیاست‌گذاری‌های دولت در مدیریت اقلیت‌های قومی و مذهبی را عامل اصلی نارضایتی‌های موجود می‌داند و خواهان تغییر رفتار حاکمیت در زمینه اقلیت‌هاست.»

البته مجری از همان ابتدا بر این مطلب تأکید دارد که با گذشت تقریباً چند روز بعد از این انفجارها واکنش‌ها به این حمله ادامه دارد. تلاش وی آن است که برای این حادثه اهمیت فوق‌العاده قائل شود تا به جریان‌سازی رسانه‌ای خود استمرار بخشد. اما هر دو دیدگاهی که در بالا ذکر شد انگشت اتهام خود را از همان ابتدا به سمت ایران

نشانه می‌رود. از سوی دیگر می‌کوشد که ناامنی را در این منطقه دامن‌زده و آن را برجسته کند و دولت و نظام را در تأمین امنیت منطقه، ناتوان جلوه دهد و در بُعد داخلی نوعی کارزار را با ساکنان به‌ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی برای مخاطب تجسم کند. از سوی دیگر، می‌کوشد این‌گونه القا کند که سیاست دولت یا نظام، سرکوب و منزوی کردن اقلیت‌ها و تغییر ترکیب جمعیتی و ساکنان منطقه است. در گزاره دوم این دیدگاه گفتمانی را با صراحت از زبان «دیدگاه دوم» مطرح می‌کند تا متهم نشود که خواهان تغییر رفتار حاکمیت در مورد اقلیت‌هاست. البته انتخاب میهمانان برنامه، یعنی «جمشید امیری» از جبهه متحد بلوچستان و «سعید شمس» جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل کردستان نیز کاملاً هدفمند است. البته انتخاب آن‌ها به این دلیل است که مباحث کردستان در کنار مباحث بلوچستان بازنمایی و طرح شود. البته دولت ایران و نظام، این مسائل و این سیاست را در بلوچستان پیش نمی‌برد، بلکه در استان‌های مرزی سیاست سرکوب اقلیت‌ها به‌ویژه اهل تسنن را در ابعاد مختلف و به اشکال گوناگون انجام می‌دهد.

طرح موازی مسائل کردستان در کنار این مسائل به نوعی می‌خواهد ناتوانی دولت را در مهار خواسته‌ها و مطالبات جمعیت‌های قومی و مذهبی به مخاطب القا کند. گزارشگر، در ادامه برنامه، در گزارشی که پخش می‌شود اولین گزاره خود را این‌گونه طرح می‌کند: «ایران انفجارهای اخیر را متوجه آمریکا و اسرائیل می‌داند.» لاریجانی اظهار می‌دارد: «آمریکا مسبب اصلی این اقدام تروریستی است.» این چنین گزاره‌هایی به لحاظ رسانه‌ای می‌خواهد این را به ذهن مخاطب القا کند که «دولت و نظام ناکامی‌های خود را در سیاست‌های اعمال شده در خصوص اقلیت‌های قومی و واکنش‌های آن‌ها را به این سیاست‌ها را به عوامل بیرونی منتسب می‌کند.» گزارشگر در پاسخ به سؤالی در گزارش خود علت این اتفاقات در شهرهای استان سیستان و بلوچستان را (البته با زبان کارشناسان سیاسی و قومی برای اثبات ادعاهای

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۱۹۷

خود) ناشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی و فشارهای سیاسی بر مردم این استان دانسته است. البته در ادامه این برنامه با نماینده مجلس «حسنعلی شهبازی»، نماینده مردم زاهدان، وارد شده و از دولت می‌خواهد که اجازه دهد «همچون گذشته مشکلات امنیتی این منطقه با ریش سفیدی میان قبایل حل و فصل شود» اما در مقابل این دیدگاه سخنان احمدی‌مقدم را مطرح می‌کند که «مسأله زاهدان قومی و قبیله‌ای نیست که با ریش سفیدی حل شود.» او معتقد است که سرویس‌های امنیتی پشت مسائل استان است البته مجری نتیجه‌گیری می‌کند که استان‌های مرزی از ناامنی و مشکلات اقتصادی رنج می‌برند.

البته با تحلیلی ساده می‌توان گفت که مسأله زاهدان و استان‌های مرزی همچون کردستان قبیله‌ای نیست، بلکه فراتر از آن است و سخن فرماندهی نیروی انتظامی مؤید آن است. چرا که در گزاره اول گزارشگر می‌کوشد که با طرح ریش سفیدی برای حل مسائل این چنین القا کند که «قبایل منطقه دخالت دولت را در این‌گونه مسائل برنمی‌تابند و این‌گونه حوادث در حدی نیست که دولت و نظام با رویکرد امنیتی آن‌ها را دنبال کنند. البته گفتمان رسانه‌ای بی‌بی‌سی در این گزاره تلویحاً اشاره می‌کند که انفجارها ریشه در اختلاف دیدگاه ایدئولوژیک بین شیعه و سنی دارد. بنابر این که خود رسانه به‌طور ضمنی و غیرمستقیم به این موضوع دامن می‌زند.»

البته گزارشگر می‌کوشد که قضاوت نهایی خود را از این حوادث در گزارش، این چنین القا کند که دولت و نظام جمهوری اسلامی با گذشت ۳۰ سال از انقلاب هنوز نتوانسته است که مشکلات این منطقه را حل کند. البته وی نوع مشکل را مشخص نمی‌کند و با این کلی‌گویی و ابهام‌افکنی سعی می‌کند که نظام را ناتوان و ناکارآمد معرفی کند.

مجری برای استمراربخشی به سیاست رسانه‌ای و متهم کردن نظام در سؤالی از جمشید امیری از جبهه متحد بلوچستان علت اصلی این ماجرا را می‌پرسد. وی قبل از

پاسخگویی نارضایتی را به صراحت علت اصلی می‌داند. امیری می‌گوید: «ریشه‌های این ناآرامی‌ها در اصل در عدم شرکت مردم بلوچ در اداره امور داخلی خودشان است.» در حقیقت وی نیز «دولت را متهم می‌کند که مردم بلوچ را در اداره منطقه خود نمی‌پذیرد» و اصولاً نظام در طول سه دهه عمر خود در صدد حذف آن‌ها از پست‌ها بوده و اصولاً این رهیافت را دنبال می‌کند که «بین نظام و مردم بلوچ هیچ تعاملی وجود ندارد.» در ادامه به صراحت بر این موضوع تأکید می‌کند که از زمان روی کار آمدن احمدی‌نژاد «سرکوب مردم بلوچ شدت یافته است.» البته این عبارت را همراه با کنایه بیان می‌کند: «با روی کار آمدن احمدی‌نژاد و دو مرد و بانی‌شان.»

مجری در ادامه برنامه به تعارض گفتمانی به منظور اثبات مفروضات برنامه روی می‌آورد و می‌گوید که به هر حال مردم در امور مشارکت ندارند؛ مقام‌های محلی هیچ‌کدام بلوچ نیستند. ولی به هر حال بلوچستان در مجلس شورا نماینده دارد.

امیری در پاسخ به این نزاع گفتمانی از نوع رسانه‌ای، که خود یک طرفد برای همسوکردن مخاطبان است، این‌گونه پاسخ می‌دهد که همه ما می‌دانیم که نمایندگان مجلس قدرت ندارند. وی با بیان این مطلب می‌خواهد که کثرت نظرات مخاطبان را با دیدگاه فکری خود به‌طور وحدت‌آمیزی بازنمایی کند.

ایشان در ادامه برای بی‌تأثیر بودن جایگاه نمایندگان مجلس و در نهایت تنزل دادن جایگاه مجلس در نظام جمهوری اسلامی می‌گوید: «این‌ها نمایندگان هستند که انتخاب می‌شوند و... و اطلاعات دستگاهی حاکم است.» وی می‌کوشد که به مخاطب این فکر را برساند که وقتی نماینده مجلس که از سوی مردم انتخاب می‌شود، استقلال ندارد پس مجلس نیز به‌عنوان یکی از سه قوه استقلال کامل ندارد و اصولاً انتخاب مردم ناظر بر وجود دموکراسی واقعی نیست.

امیری برای نشان دادن تقابل میان نمایندگان با نظام به منظور بهره‌برداری سیاسی این‌گونه پاسخ می‌دهد که: «آقای شهریاری به‌عنوان نماینده زاهدان اولین کسی بود که

در رابطه با پاکسازی نیروهای روشنفکر بلوچ و... اعتراض کردند.» و در ادامه برای برجسته‌سازی گفتمان حذف بلوچ از حاکمیت این آمار را ارائه می‌دهد: «همان‌طور که می‌دانید ۹۸ درصد مردم بلوچ اهل تسنن‌اند، در چند شهر از جمله زاهدان، چابهار، ایرانشهر افرادی در رأس اداره‌های دولتی هستند که به نوعی وابسته به رژیم هستند.» نکته قابل تأمل در سخنان امیری این است می‌کوشد به جای نظام جمهوری اسلامی ایران از لفظ «رژیم» استفاده می‌کند. کاربرد لفظ «رژیم» به جای «نظام» بی‌ثباتی آن نظام یا حکومت را به مخاطبان القا می‌کند.

مجری در ادامه برنامه به منظور نشان دادن نقش بی‌طرفی صوری خود، چنین موضع‌گیری می‌کند که «شما به یکی از نمایندگان اتهامی را وارد کردید، اما وی اینجا نیست که از خود دفاع کند. این نشان‌دهنده رویکرد حرفه‌ای است. هرچند اتهام به نمایندگان مجلس را تأیید می‌کند. وی این سؤال را مطرح می‌کند که آیا راه‌حل آن انفجار، بمب‌گذاری و نبرد مسلحانه است؟ در حقیقت با طرح این سؤال «سطح تنش را از حالات نرم به نوعی به سطح خشونت مسلحانه می‌کشاند.»

امیری در پاسخ بر راه‌حل سیاسی تأکید کرده و پیشنهاد می‌کند که باید حقوق اقوام از طریق راه‌های حقوقی و دموکراتیک از سوی نمایندگان آن‌ها تأمین شود. البته در ادامه پاسخ خود به سؤال بالا، می‌گوید که خوشبختانه بلوچستان تنها استانی است که در آن مشارکت مردم در انتخابات برای برپایی دموکراسی در ایران و برای یک ایرانی بهتر بسیار زیاد بوده است، اما متأسفانه رژیم حاکم سرکوب مردم بلوچ را در دستورکار قرار داد و شرایط را برای اهل تسنن تنگ کرد. در ادامه ضمن اشاره به ختم «بهار» در مسجد جامع اهل سنت زاهدان در هفته پیش اشاره می‌کند که رژیم آن‌را ممنوع کرد. در عین حال وی می‌کوشد که بخشی از نقاط مختلف را با این جریان همسو کند از جمله نمایندگان تهران، ترکمن صحرا، کردستان (نماینده سابق مجلس در دوره خاتمی) و تبریز که به‌عنوان حامی اهل تسنن شرکت کردند. با این حال رژیم عملاً کارشکنی کرد



۲۰۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

و امکانات در اختیارشان نگذاشت. حقیقتاً در بلوچستان کمبودهای اقتصادی زیادی داریم. بلوچستان تنها استانی در ایران است که از نظر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی عقب‌نگه‌داشته شده است.

اصولاً در این بخش امیری می‌کوشد که این نکته را به مخاطب القا کند که «حضور بلوچستان در انتخابات برای ابراز هویت خود برای نظام است نه مشارکت در سیاست‌های آن. البته چون دولت یا نظام این نکته را می‌داند همان سیاست سرکوب را در مورد بلوچ‌ها در پیش گرفته است.» ایشان با اشاره به ختم بهاری برای و مشروعیت‌بخشی و با ارائه شواهدی می‌کوشد که مخاطب را هم‌نوا با خود سازد. وی در یک تقابل گفتمانی به صراحت بیان می‌کند که «علمای اهل شیعه در مورد ختم بهاری کارشکنی کردند.» ایشان به منظور تفکیک جغرافیایی بارها از عبارت «استان بلوچستان» نام می‌برد نه «سیستان و بلوچستان.» استفاده از این عبارت کاملاً هدفمند است. از سوی دیگر، وی می‌کوشد که حامیان اهل تسنن را برای رسیدن به راه‌حل به رسمیت بشناسد در صورتی که این گروه‌ها هیچ‌گونه رسمیت نداشته و فقط بازتولید و ساخت شبه‌واقعیت اجتماعی این رسانه است.

مجری در ادامه برای مرتبط کردن گفتمان ناامنی بین بلوچستان و کردستان از شمس، پژوهشگر حوزه کردستان سؤال می‌کند که وی پاسخ می‌دهد: «از همان ابتدای انقلاب جمهوری اسلامی هم ماشین دولتی رژیم گذشته را به ارث برد، هم مشکلات ملی و قومی مناطق غیرفارسی‌زبان را و هم تکنیک و شیوه برخورد را.» در حقیقت شمس نیز از زوایای خاص خود می‌کوشد که دولت کنونی ایران را در سه دهه گذشته در چارچوب همان سیاست‌های سرکوب کردستان از سوی رژیم شاه معرفی کند در مدت این ۳۰ سال نگاه ایدئولوژیک در کنار رویکرد نظامی و امنیتی کردستان را کنترل و مهار کرده است. در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که «در کردستان و بلوچستان نگاه غالب رژیم از ابتدا یا نظامی و امنیتی بوده است. گویی استان کردستان به‌طور طبیعی اداره نمی‌شود

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۰۱

بلکه مثل منطقه‌ای اشغال‌شده، اداره می‌شود که تمام نیروهای اداره‌کننده آن مهاجرند و حداقل آشنایی را با مسائل قومی، فرهنگی، علمی و ویژگی‌های محلی دارند.» همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، شمس می‌کوشد که «بین وضعیت کردستان و بلوچستان قرینه‌سازی کند.» تلاش وی این است که این استان را استان اپوزیسیون نظام، به مخاطبان القا کند. کاربرد عبارت «منطقه اشغال» دقیقاً مصداق بارز این رویکرد در سیاست رسانه‌ای است.

مجری در ادامه، بحث امنیتی را به بحث اقتصادی می‌کشاند. در این بخش نیز می‌کوشد که به منظور تحریک قومیت‌ها و راه‌انداختن آشوب‌ها برای مخاطب بسترسازی کند و بگوید تنها راه خارج شدن از آشوب‌های اجتماعی و انفجارها تأثیرگذاری مؤثر بر دولت و نظام است. هرچند مجری به منظور سیاست موازنه در برنامه و چالشی صوری، شمس را در خصوص اقدامات نظام در یک چالش تکنیکی برای جذب مخاطب قرار می‌دهد و به اقدامات جهاد سازندگی اشاره می‌کند، اما شمس در پاسخ ضمن اشاره به آن میزان سرمایه‌گذاری در مناطق کردستان و بلوچستان را حداقل توصیف می‌کند.

شمس می‌کوشد که اقدامات انجام شده از جمله جاده‌سازی را در چارچوب سیاست‌های نظام در کنترل مناطق و ایجاد پست‌های متعدد را برای مقابله با جنبش ملی - که در کردستان ۱۱ سال است که به‌طور مسلحانه شکل گرفته - ارزیابی کرده و نظر مجری را رد کند. مجری در ادامه از حاکم بودن شرایط نظامی و امنیتی در کردستان و بلوچستان این را نتیجه‌گیری کند که «یک بی‌اعتمادی عمیق بین دو طرف وجود دارد.» البته امیری بر این موضوع تأکید دارد که اولین گامی که نظام باید بردارد، برقراری یک جو اعتماد بین خود و اقلیت‌هاست. وی در ادامه ضمن اشاره به برخورد تبعیض‌آمیز در چابهار که بندری آزاد است، سعی می‌کند که وضعیت اقلیت‌ها را در فقر و دولت را نسبت به آن‌ها بی‌توجه نشان دهد.

۲۰۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

امیری در ادامه برای اثبات دیدگاه خود به مصادیقی اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال به پمپ‌های بنزین اشاره می‌کند که در اختیار نیروهای مرتبط با حکومت و نیروهای اطلاعات سپاه است. یا به شرکت‌های تعاونی توجه می‌دهد که در اختیار افرادی است که مرتبط با آنها هستند. البته در ادامه به فساد اداری و رشوه‌خواری برخی از افراد برای در اختیار داشتن موقعیت خود اشاره می‌کند.

مجری: در جمع‌بندی، شمس «ریشه مشکلات را اقتصادی و فرهنگی می‌داند». هرچند مجری به طرح‌های بلندمدت اشاره می‌کند، اما بر پایان یافتن این حوادث در کوتاه‌مدت نیز تأکید می‌کند. البته وی می‌کوشد که مداخله عامل بیرونی را در چنین حوادثی از ذهن مخاطب داخلی پاک کند. شمس در پاسخ بر راهکار سیاسی تأکید می‌کند و البته بزرگ‌نمایی کرده و می‌گوید در این مناطق در کردستان و بلوچستان با یک مسئله ملی روبه‌رویم.

مجری باز هم تأکید می‌کند که معنای سیاسی این مسئله چیست؟ که شمس بر تبعیضات ملی، قومی و مذهبی در کردستان و بلوچستان اشاره می‌کند. وی در ادامه این مسئله اشاره می‌کند که اکثر مردم کردستان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی ندادند، به همه‌پرسی رأی منفی دادند و در مجلس خبرگان هم نماینده نداشتند. ایشان نام «قاسم‌لو» را که نماینده انتخاب‌شده کردستان بود، ذکر می‌کند که از ورود به مجلس محروم شد.

مجری در ادامه به صراحت می‌گوید که بخشی از بلوچ‌ها که دست به این اقدامات می‌زنند، باعث امنیتی‌تر شدن منطقه نشده است. این رویکرد باز هم در جهت اتهام‌زدایی از عوامل بیگانه است و اصولاً می‌خواهد بر این موضوع پافشاری کند که «اقدامات بلوچ‌ها ناشی از نارضایتی آنها از سیاست‌های نظام و مقابله با سیاست‌های داخلی آن است، ریشه در تحریک بیگانگان ندارد.»

امیری در پاسخ به چنین اقداماتی ضمن پاک کردن صورت مسئله می‌کوشد که خود

### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۰۳

را نماینده و سخنگوی بلوچ‌ها و کردها به مخاطب معرفی کند. بدین ترتیب با اعلام رسانه‌ای در این برنامه به مخاطب می‌گوید که ما مخالف خشونت هستیم و به دوری از خشونت و گرایش به نیروهای سیاسی و احزاب سیاسی توصیه می‌کنیم. البته تلویحاً می‌گوید: «احزاب سیاسی و نیروهای سیاسی در دولت و نظام ایران که حامی حقوق بلوچ‌ها و کردها هستند، جایگاه ندارند.»

در ادامه برنامه از «مولوی عبدالحمید» نیز بحث می‌شود که شاید «تنها کنشگر سیاسی است که می‌تواند در هویت‌بخشی بلوچ‌ها نقش مثبت ایفا کند.» دولت باید با وی به‌عنوان نماینده بلوچ‌ها در خصوص این بخش مذاکره کند. (هرچند مولوی خود تلاش دارد که با نظام به‌طور علنی درگیر نشود ولی واقعیت این است که ایشان در سخنرانی‌های خود علیه نظام موضع‌گیری می‌کند و این رویکرد وی در چند سال اخیر کاملاً مشهود است)

مجری در سؤال قبلی راه‌حل کوتاه‌مدت اشاره داشت اما در این سؤال راه‌حل‌های بلندمدت تأکید دارد. شمس می‌گوید که در کوتاه‌مدت به نمایندگان مردم اجازه دهند که اظهارنظر کنند. البته وی می‌کوشد که این محور را القا کند که نمایندگان برای طرح دیدگاه‌ها و مشکلات مناطق خود، مصونیت سیاسی ندارند.

مجری در ادامه می‌گوید که دولت به نمایندگان رسمی که با نیروهای مسلح که دست به عملیات می‌زنند، مشکل دارد.

شمس می‌کوشد که بحث امنیتی شدن بلوچستان و کردستان را به‌گونه‌ای متفاوت به مخاطب ارائه دهد؛ می‌گوید در ۱۷ سال گذشته، شبکه کردستان به شکل مسلحانه تحرکاتی نداشته است و اگر داشته، محدود بوده است. وی می‌گوید که در کردستان اکثر احزاب سیاسی شیوه‌های سیاسی را در پیش گرفته‌اند. البته شمس به‌جای پاسخگویی، به اتهام زدن به نظام می‌پردازد و می‌گوید که نظام در جریان انتخابات به‌طور وسیع تجار و طلبه و فعالان سیاسی دستگیر می‌کند. وی در نهایت راه‌حلی را ارائه

۲۰۴ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

نمی‌دهد و در نهایت می‌گوید که با مسائل کردستان بیشتر به صورت امنیتی برخورد شده است.

مجری در سؤالی از امیری بر مشارکت بلوچ‌ها تأکید می‌کند. امیری پاسخ‌های غیرمرتبط می‌دهد؛ مثلاً ریش سفیدی را برای حل مسائل ناموفق می‌داند، چون اگر طایفه‌ای با اطلاعات همکاری کند باید آن طایفه از سوی جندالله تصفیه شود. اشاره به برخورد نظامی با فعالان سیاسی از جمله یعقوب مهر نهاد دانشجو، از موارد برخورد امنیتی با افراد در نظام جمهوری است. (وی از عوامل ضدانقلاب بود و بارها در اقدامات امنیتی علیه نظام مشارکت داشته است.)

مجری در سؤالات پایانی می‌پرسد که آیا کارشناسان بلوچ معتقدند که خود جندالله به شدت جلو بزرگان طایفه‌ها را برای پادرمیانی می‌گیرد؟ البته گروهی حاضر به مذاکره با بلوچ‌ها نیستند.

امیری با توجه به طرح گفتمانی تقابل و تضاد که هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت بلوچ‌ها را افراد دلسوز و تحصیل‌کرده معرفی می‌کند که به مدنیت می‌اندیشند. مجری، مهدی پرپندچی، در ادامه یک موضع‌گیری صوری می‌کند مبنی بر این‌که خود جندالله به نقش‌آفرینی بزرگان طوایف معتقد نیست. امیری معتقد است که در این شرایط مردم با جندالله روبه‌رو می‌شوند و تکلیف را یکسره می‌کنند. وی ضمن ظفره رفتن از پاسخ دادن به مباحث مجری در خصوص اعدام «عبدالمالک ریگی» اقدامات ضدامنیتی وی را در چند سال اخیر کوچک برمی‌شمرد و فقط بر محاکم ناعادلانه تأکید می‌کند.

مجری در ادامه سؤال هدفمند خود را طرح می‌کند که چرا فقط در این مناطق اقلیت‌نشین چنین مسائلی هست و در جاهای دیگر نیست؟ شمس مسائل مربوط به آذربایجان را بازگو می‌کند و آن‌ها را در حد تنش غیرمسلحانه بر می‌شمارد و بر این موضوع تأکید می‌کند که تنش بین آذری‌زبان‌ها و دولت مرکزی وجود دارد.

## فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۰۵

شمس در پاسخ به این تنش به حوادث مسابقات فوتبال، شعارهای داده شده در این مسابقات می‌پردازد. البته بار دیگر میان وضعیت بلوچستان، کردستان و آذربایجان تفاوت قائل می‌شود؛ این تفاوت ناشی از نقش و نفوذ آذری‌ها در روحانیت ایران می‌داند. در مجموع دولت و نظام از ابتدا به مسائل بلوچستان و کردستان نگاهی نظامی و امنیتی داشته تا آن‌ها را در مهار و کنترل خود قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

به برخی از واژگان هدفمند در گفتمان این برنامه می‌توان اشاره کرد از جمله: «استان سیستان و بلوچستان، سرکوب، انفجار انتحاری، جبهه متحد بلوچستان، سیاست دولت، مدیریت اقلیت‌های مذهبی و قومی، تغییر رفتار حاکمیت، نارضایتی‌های موجود، کارشنکی علمای شیعه، رژیم و...». با واکاوی این واژگان می‌توان گفت که سیاست رسانه‌ای در برنامه «صفحه دو» چه اهدافی را دنبال می‌کند.

مجری در ابتدای برنامه کوشید که از تکنیک تعادل صوری در معرفی و پرداختن به موضوع انفجار در استان سیستان و بلوچستان توأمان یاد کند، اما کاربرد واژه سرکوب با واژگانی همچون سیاست دولت، مدیریت اقلیت‌های مذهبی و قومی، در راستای یک گفتمان هستند. وی می‌گوید باید سنتزی چون تغییر رفتار حاکمیت اتفاق بیفتد، در غیر این صورت واکنش‌های نارضایتی به تزه‌ها و آنتی‌تزه‌های نظام جمهوری اسلامی در سیاست و مدیریت اقلیت به این انفجارها می‌انجامد. وی تلویحاً می‌گوید که عوامل خارجی در این حوادث نقش ندارند.

در واقع دعوت از میهمان و طرح بحث انفجارهای زاهدان و کردستان یک سیاست رسانه‌ای هدفمند را تا آخر برنامه دنبال می‌کند.

مجری از مسائل و مشکلات اقتصادی این حوادث و همچنین از فشارهای سیاسی صحبت می‌کند و حسن شهریاری نماینده مجلس، مردم زاهدان را در طیف خودی

معرفی می‌کند و از قول وی می‌گوید برای حل این مشکلات باید از رویه گذشته، ریش سفیدی کمک گرفت.

اما در ادامه تقابل گفتمانی نماینده مجلس و فرمانده نیروی انتظامی از دو رویکرد به موازات هم برای جذابیت برنامه و سوءاستفاده از اعتماد مخاطبان بهره می‌گیرد. یک طرف قائل است به حل مشکلات از طریق ریش سفیدی یعنی واگذاری حل مسائل به خود مردم بلوچ و طرف دیگر دولت یا نظام است که مخالف این رویکرد است. چنین توصیف می‌کند که فقط باید با رویکرد امنیتی و نظامی برخورد شود، هرچند گزارشگر می‌خواهد مسائل قبیله‌ای را عمده کند ولی به وقع این چنین نبود. وی مطرح می‌کند که با گذشت ۳۰ سال دولت کنونی یا نظام هنوز در برقراری امنیت و تأمین امنیت جانی و مالی مردم بلوچستان ناتوان است.

در ادامه بحث به حوادث اخیر در این زمینه نگاهی تاریخی می‌شود. وی می‌کوشد که عدم شرکت مردم بلوچ را در سرنوشتشان تحلیل کند و دولت یا نظام را نسبت به حقوق اقلیت‌ها بی‌توجه نشان دهد. وی می‌گوید بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد سرکوب اقلیت‌ها تشدید شده است.

در ادامه ضمن اشاره به مصونیت سیاسی نمایندگان مجلس این‌گونه القا می‌کند که حتی نمایندگان مجلس حق آزادی بیان مسائل خود را ندارند. این وضعیت حتی شامل خود مجلس نیز می‌شود. بدین ترتیب وی می‌کوشد که این نکته را به‌طور هدفمند به مخاطبان القا کند که «رأی مردم هیچ تأثیری در سرنوشتشان ندارد و انتخابات امری صوری است. وی دولت را متهم می‌کند که پاکسازی برخی از دستگاه‌های دولت از مردم بلوچ بخشی از سیاست کنترل و مهار بلوچ‌ها است.» در این برنامه جمشید امیری خود را نماینده مردم بلوچستان معرفی می‌کند. وی برای متهم کردن نظام بارها تأکید می‌کند که بلوچستان تنها استانی است که از همه استان‌ها عقب‌تر نگاه داشته شده است. البته از بلوچستان فقط به‌عنوان استان یاد می‌کند که به لحاظ حقوقی سیستم و

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۰۷

بلوچستان را شامل می‌شود. البته با ذکر استان بلوچستان تلویحاً داعیه استقلال آن را مطرح می‌کند چرا که در پاسخ به همین سؤال تأکید می‌کند تنها استانی که مردم «در انتخابات برای دموکراسی در ایران شرکت کردند، همین استان است. البته آن‌ها می‌کوشند هویت قومی خود را از طریق انتخابات نشان دهند.» در ادامه همین پاسخ‌ها، بارها نظام را زیر سؤال می‌برد. به‌عنوان مثال، از کارشکنی علمای شیعه و نظام در برقراری ختم «بهاری» یاد می‌کند. البته مطالب فوق پاسخ‌های تلویحی جمشید امیری درباره جبهه متحد بلوچستان بود.

مجری در ادامه ضمن موازی‌سازی وضعیت کردستان و بلوچستان به طرح سؤالاتی می‌پردازد. سعید شمس، نیز به‌عنوان پژوهشگر کردستان، نظام را به دنباله‌روی از سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم شاه متهم می‌کند و بر این نکته به صراحت تأکید دارد که رژیم ایران از همان ابتدای انقلاب مسائل کردستان ایدئولوژیکی، امنیتی و نظامی برخوردار کرده است. وی در ادامه مباحث خود می‌کوشد که ضمن زیر سؤال بردن اقدامات و سازندگی‌هایی که جهاد سازندگی در این استان‌ها انجام داده آن‌ها را در جهت سیاست سرکوب تحلیل کند. بر این امر نیز تأکید دارد که سرمایه‌گذاری در مناطق کردستان و بلوچستان به حداقل خود رسیده است و دولت به این مناطق توجه چندانی ندارد. ایشان، به‌عنوان مثال، راه‌سازی و جاده‌سازی را در جهت سرکوب جنبش ملی کردستان - که ۱۱ سال پیش به‌صورت مسلحانه شکل گرفته - تحلیل می‌کند.

در بخش دیگر، مجری هدف هدفمند برنامه را در قالب سؤال این‌چنین مطرح می‌کند که آیا بین حاکمیت و مناطق اقلیت‌نشین عمیقاً بی‌اعتمادی وجود دارد؟ البته وی می‌گوید که این شکاف را خود دولت دامن می‌زند و مصداق آن واگذارکردن غرفه‌ها در بندر چابهار یا پمپ بنزین و شرکت‌های تعاونی به افرادی است که روابط خوبی با حاکمیت دارند.

مجری راه‌حل کوتاه‌مدت را برای پایان دادن به این وضع از سعید شمس می‌پرسد



۲۰۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

که وی در پاسخ می‌گوید راه‌حل سیاسی است. البته وی مسئله کردستان و بلوچستان را یک مسئله ملی تلقی می‌کند. در ادامه بر این موضوع تأکید می‌کند که «مردم کردستان به قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی ندادند، در رفراندوم رأی منفی دادند، در مجلس خبرگان نماینده نداشتند و دکتر قاسم‌لو با این که انتخاب شده بود محروم شد.»

مجری در برخی از موارد برای تعادل صوری برنامه می‌کوشد که جنرال را متهم کند، اما امیری پاسخ‌های غیرمرتبط می‌دهد. ولی در ادامه برنامه با زیرکی بحث مولوی عبدالحمید نیز به میان می‌آید و ایشان به‌عنوان رهبر و نماینده هویت مردم بلوچستان تلویحاً بازنمایی می‌شود.

شمس بار دیگر در بخشی از تحلیل‌هایش در پاسخ به راه‌حل کوتاه‌مدت بر آزادی بیان نمایندگان تأکید می‌کند. در ادامه بحث، سعید شمس رویکرد نظام را در سرکوب اقلیت به شکل‌های مختلف بیان می‌کند و می‌کوشد که فضای آذربایجان را در کنار این مباحث مطرح کند و در برخی از پاسخ‌هایش به آن حوادث و حتی حوادث روز مانند حوادث فوتبال، شعارها و نفوذ آذری‌زبان‌ها در روحانیت اشاره می‌کند.

در ادامه به عبدالمالک ریگی اشاره می‌کند و می‌کوشد که از محاکمه ناعادلانه وی بهره‌برداری سیاسی کند و انفجارهای اخیر را ناشی از انتقام جنرال از نظام ارزیابی کند.

۴-۲-۴- موضوع برنامه: تصمیمات دولت و اعتصابات بازاریان به افزایش ۷۰ درصدی مالیات

محورهای گفتمان تلویحی برنامه «صفحه دو» با موضوع «تصمیمات دولت و اعتصابات بازاریان به افزایش ۷۰ درصدی مالیات» عبارتند از:

- عقب‌نشینی دولت از تصمیم خود برای ترس از تبدیل شدن به بحران بوده است؛
- هرچند کارکرد سنتی بازار از دوران انقلاب کاهش یافته است اما هنوز وزنه‌ای است که می‌تواند با دولت تقابل کند؛

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۰۹

- ناموفق بودن دولت در کنترل و مهار بیشتر بازار؛
- تلاش دولت برای کاهش نقش و تأثیر بازار بر تحولات سیاسی داخلی؛
- منطقی نبودن تصمیمات اقتصادی دولت و ناتوان بودن در کنترل و مهار بازار (غیرکارشناسی بودن اقدامات دولت)؛
- القای حاکم‌بودن رکود بر فضای جامعه اقتصادی کشور؛
- نحوه محاسبه مالیات و افزایش آن پایه و اساس علمی ندارد و فقط برای تأمین بخشی از هزینه‌های دولت است و جنبه سیاسی دارد؛
- بی‌اعتمادی اصناف به دولت و به عبارتی تشدید بی‌اعتمادی بین حاکمیت و بازار؛
- غیرشفاف بودن و عدم اطلاع‌رسانی شفاف در اقتصاد ایران؛
- ناتوان بودن دولت در مقابله یا در گرفتن مالیات از مالیات‌دهندگان شاخص و قوی؛
- فشار دولت برای دریافت مالیات فقط اصناف ضعیف را شامل می‌شود؛
- عدم تعامل دولت با کارگزاران حوزه اقتصادی و افزایش ضریب امنیت اقتصادی در ایران؛
- سیاست و رویکرد دولت در حوزه اقتصاد، احساسی و تهدیدی بوده است؛
- عقب‌نشینی از ۷۰ درصد به ۱۵ درصد ناشی از ترس حکومت بوده است نه تصمیم دولت احمدی‌نژاد؛
- فراتر رفتن سطح بحران و تنش از دولت به حکومت و بازاریان؛
- تلاش نظام برای تضعیف جایگاه بازار با راه‌اندازی فروشگاه‌های زنجیره‌ای توسط وزارت بازرگانی؛
- امنیتی کردن مسائل اصناف از سوی دولت؛
- تصمیمات اقتصادی، شکل و اجرای سیاسی و رابطه ناسالمی به خود گرفته و اصلاً ضابطه‌مند نیست. (اختیارات استانداران و شیوه پرداخت اعتبارات از سوی بانکها)؛

- تأثیر روانی تهدیدهای همه جانبه تحریم‌های اقتصادی قبل از عملی شدن آن؛
- تأثیر اعتراض بازاریان از اعتراضات طبقه متوسط و فرهیخته و پتانسیل اعتراض بازاریان در جهت دادن اعتراض از شمال شهر به مرکز و حتی جنوب شهر.

### تحلیل

شاید بتوان گفت که جریان‌سازی در خصوص مسائل کشور در همه ابعاد خط‌مشی رسانه‌ای شبکه‌های خبری و به‌ویژه بعد از راه‌اندازی تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی است. بی‌تردید شاید بتوان گفت که تحول عمده‌ای در روند جریان‌سازی و عملیاتی کردن در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است، یعنی جریان‌سازی در حوزه خبر به برنامه‌های غیرخبری منتقل شده است که انعطاف‌پذیری و برد رسانه‌ای قوی‌تری برای این هدف نسبت به گونه‌های دیگر دارد.

از این رو می‌توان ادعا کرد که موضوعات اقتصادی نیز به موازات مباحث سیاسی بعد از تشکیل دولت نهم در دستور کار رسانه‌ها قرار گرفت، حتی در بعضی مواقع مباحث اقتصادی وزنه بیشتری پیدا کرد، چرا که تأثیرپذیری افکار عمومی از موضوعات سیاسی بیشتر است. در واقع فشار افکار عمومی بیشترین تأثیر را بر تصمیمات سیاسی و کنشگران می‌گذارد.

در این میان موضوع یکی از برنامه‌های اخیر «صفحه دو» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی به افزایش مالیات اختصاص داشت.

مجری در ابتدای برنامه، این موضوع را به‌گونه‌ای مطرح می‌کند که دولت با یک بحران روبه‌رو شده است: «دولت با هدف مقابله با کسری بودجه، میزان درآمد مالیاتی‌اش از حوزه اصناف را ۷۰ درصد افزایش دهد.» در ادامه می‌گوید که در ده‌بستان و کنش و واکنش بین بازار و دولت در نهایت دولت از تصمیمات خود عدول کرد. چرا که در همان ابتدا مفروض خود در خصوص بازار را این‌گونه تلویحاً القا

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۱۱

می‌کند که بازار به‌رغم کاهش جایگاه سنتی خود نسبت به قبل از انقلاب هنوز کارکرد دارد.

اما بعد از گفتمان مفروض برنامه، که توسط مجری بیان می‌شود، گزارشگر مسعود آذر سعی می‌کند که این رویداد را با واژگانی همچون «التهاب، اعتصاب بازاریان و اعتراضات» توصیف کند و حتی مدت آن‌را در ابتدای گزارش یک هفته معرفی می‌کند. از سوی دیگر، مسعود آذر با اشاره به «سابقه این رویداد می‌گوید که دولت برای دومین بار می‌کوشد که کنترل خود را بر بازار و اصناف بیشتر کند و این در حالی است که در دو مورد هم ناموفق بوده است». اما سؤال اصلی گزارشگر نیز در جهت همان مفروض مجری برنامه در یک خط سیر موازی قرار دارد که عبارت است از: «چرا اعتراضات این بخش مهم اقتصادی محدود به فعالیت‌های صنفی شده است؟» اما در جمع‌بندی پایانی گزارش این‌گونه القا می‌کند که واکنش و اعتراض بازاریان به شرایط کنونی به این علت است که دولت سعی دارد نقش و اثرگذاری بازار را بر تحولات سیاسی بکاهد. پیش از انقلاب این نهاد همگام با مردم نقش بسزایی در تحولات سیاسی کشور داشت. البته در ادامه گفتمان تلویحی به صراحت از زبان کارشناسان بیان می‌کند که مفهوم بازار سنتی در ایران دستخوش تحول شده است، به طوری که روابط جدید بازار با سیاست همچون گذشته نیست و سکوت یا حاشیه‌نشینی بازاریان نسبت به تحولات سیاسی ایران به‌خصوص در حوادث یکساله امری طبیعی است. البته با این سؤال گزارش خود را به پایان می‌برد که «چه تغییر و تحولی در بازار سنتی صورت گرفته و بازار و بازاری امروز کیست؟» البته با این سؤال در حقیقت به نوعی می‌کوشد که «بازاری و بازار را به‌عنوان یک نهاد و یک کنشگر سیاسی با رویکرد سنتی معرفی کند»، ولی بر این موضوع نیز تأکید دارد که «هنوز نقشی اساسی در تحولات سیاسی کشور» ایفا می‌کند.

مجری در سؤالی از سیف استاد دانشگاه می‌پرسد: «بنا بود مالیات ۷۰ درصد افزایش پیدا کند، در نهایت به ۱۵ درصد رسید، در واقع چرا دولت تصمیمش را عوض کرد،

۲۱۲ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

اگر درست بود چرا مجدداً تغییر یافت؟»

اصولاً خود مجری در همین سؤال می‌کوشد که به مخاطب القا کند که تصمیمات دولت در حوزه اقتصاد ناسنجیده است، زیرا در ادامه سیاست‌های خود برای کنترل قدرت بازار در تحولات سیاسی کشور ناتوان است.

آقای سیف نیز برای تأیید ادعای مفروض مجری به برخی از مصادیق اشاره می‌کند از جمله این که مبنای این رقم چیست؟ در عین حال وی به دلایل واکنش‌های اعتراضی بازاریان را بازگو می‌کند که وقتی مالیات افزایش می‌یابد که جامعه رونق اقتصادی داشته باشد، فضای اقتصادی جامعه در رکود به سر می‌برد و لذا افزایش این میزان پایه و اساس علمی مبتنی بر شرایط اقتصادی را ندارد و صرفاً برای تأمین بخشی از هزینه‌های دولت است که خود نوعی رویکرد سیاسی است. در مثالی دیگر به بی‌پایه بودن شیوه محاسبه مالیات از پزشکان اشاره می‌کند. وی ضمن اشاره به اصناف خرده‌فروش این‌گونه القا می‌کند که «دولت در کنترل عناصر مطرح و قدرتمند بازار ناتوان است و این رویه بیشتر به بخش‌های ضعیف اصناف از راننده تاکسی گرفته تا طلافروشان جزء، فشار وارد می‌آورد و این واکنش‌ها حاصل آن است.»

در ادامه مجری برنامه این سؤال را مطرح می‌کند که آیا مالیات باید کلی، مشخص شود یا موردی؟

سیف بدون اشاره به پاسخ‌های این سؤال ضمن متهم کردن نظام اطلاع‌رسانی غیرشفاف در حوزه اقتصاد ایران در بخشی از سخنان خود به عنوان جمع‌بندی این نکته اساسی را بیان می‌کند که اعتمادی بین اصناف و دولت وجود ندارد. وی می‌گوید: «درآمدها هم براساس اظهاراتی است که افراد بیان می‌کنند و طبیعتاً افراد و نهادهای شفاف نداریم و این خوداظهاری بسیار کمتر از واقع است و مالیات کمتر می‌دهند.»

البته وی بر این موضوع به صراحت تأکید دارد که وضعیت دولت با توجه به ادعاهایی که می‌کند ضعیف شده است. وی ضمن اشاره به بزرگ‌نمایی حوادث بازار که

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۱۳

از تهران شروع و به همدان و تبریز ختم شد، بر این موضوع نیز تأکید می‌کند که این بخش مثل بخش اقتصادی زیرمجموعه دولت نیست که دولت اعداد و ارقام را بالا و پایین کند و اصولاً این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «اقدامات دولت کارشناسانه نیست؟»

مجری بار دیگر در ادامه سؤال اول، از احمد سلامتیان نماینده سابق مجلس ضمن برشمردن برخی از اقدامات دولت در حوزه اقتصاد از جمله قانون خدمات کشوری، خوشه‌بندی و کاهش سود بانکی، این سؤال را می‌پرسد که آیا دولت در مقابل فشار جامعه واقعاً دارد عقب‌نشینی می‌کند؟ البته سلامتیان ضمن اشاره به تعامل بین کارگزاران مختلف صحنه اقتصادی و ضریب امنیت می‌گوید که نمی‌توان در حوزه اقتصاد موفق بود.

در عین حال وی با تأکید بر سیاست‌های لحظه‌ای، تبلیغاتی، تهییجی و احساسی دولت، بر این نکته تأکید می‌کند که رویکرد دولت در برخورد با مسائل این حوزه حساس است و آن را از چهار سال قبل تعمیم می‌دهد. البته وی با اشاره به سیاست‌های اصل ۴۴ دولت را متهم به نقض عملکرد خود کرده چرا که فعالیت‌های دولت در چارچوب این اصل نبوده است. این، در شرایطی است که تحریم‌های بین‌المللی و رکود سنگین بر فضای اقتصادی جامعه حاکم است و دولت نمی‌تواند با این مسائل کلان اقتصادی برخورد احساسی کند.

وی در پاسخ به این سؤال می‌گوید که «چون رویکرد دولت در موضوع مالیات تهدیدی بود، سرعت واقعیت اقتصادی بدل به اعتراض اجتماعی شد.» بنابراین دولت از ترس این که این اعتراض بدل به اعتراض جدی سیاسی قشرهای وسیع جامعه شود، ناگزیر به عقب‌نشینی شد. وی در بخشی از سخنان خود بیان می‌کند که «این عقب‌نشینی از سوی حکومت بود، نه از سوی دولت» و تلویحاً می‌کوشد که ترس حکومت را بیان کند.

مجری در ادامه، سطح تنش بین بازار و دولت را فراتر برده و در تقابل با حکومت

قرار می‌دهد. در یک تحلیل مشترک، سیف استاد دانشگاه و احمد سلامتیان بیان می‌کنند که «در واقع ترس حکومت از این اعتراض‌ها باعث عقب‌نشینی شد.» در ادامه این بحث مجری این سؤال را طرح می‌کند که چرا دولت در برخی از موارد با اعتراض‌های اجتماعی برخورد چکشی محکمی می‌کند و در مورد بازار نه؛ این تفاوت ناشی از چیست؟

سلامتیان در پاسخ به این سؤال به‌طور تلویحی تأکید می‌کند که دولت در شرایط کنونی بخشی از وزن اقتصادی خود را در مجموعه گردش اقتصادی ایران از دست داده است. در مقابل، بازار با طیف وسیعی از جامعه در ارتباط است و هنوز احساس نارضایتی آن در جامعه انعکاس می‌یابد. اصولگرایان می‌گویند که نبض بازار، نبض جامعه است یا رادیوی بازار قوی‌ترین رادیوهاست.

وی بر این موضوع تأکید می‌کند که گرچه «در فضای جامعه ایران رقبای دیگری همچون «خیابان، دانشگاه و تلویزیون برای بازار» ظهور کرده‌اند اما هیچ‌کدام کارکرد مرکزی و ارتباط با مراکز شهرستان‌ها همچون بازار را ندارند. بازار هنوز یک فضای انعکاس اجتماعی به لحاظ کارکردی است. از این‌رو اعتراضات بازار بسیار زودتر، فراگیر و همه‌گیر می‌شود لذا دولت نتایج آن‌را به‌سرعت درک می‌کند و دستور عقب‌نشینی از موضع اولیه داده می‌شود.

مجری در ادامه این سؤال درباره کارکرد و تأثیر بازار در گذشته و اکنون و واکنش بازار پرسش می‌کند.

سیف در پاسخ به این سؤال نظام را متهم می‌کند که «می‌کوشد به انحای مختلف جایگاه بازار را تضعیف کند و مصداق آن تبلیغ فروشگاه‌های زنجیره‌ای است.» وی تلاش وزارت بازرگانی در راه‌اندازی «۲۰۰ فروشگاه زنجیره‌ای» در کشور را در این زمینه ارزیابی می‌کند. در ادامه بر این موضوع نیز تأکید می‌کند که «جمهوری اسلامی با بخش خصوصی نیز جمع‌شدنی نیست.» وی در عین حال تلویحاً می‌گوید که دولت

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۱۵

برای مدیریت این فروشگاه‌ها از نیروهای امنیتی و سپاه استفاده می‌کند تا در کنترل دولت باشند و سرنوشت بازار را نداشته باشند. حتی دولت برای کنترل بازار و اصناف به‌عنوان اهرم فشار می‌کوشد که مسائل آن‌ها را امنیتی جلوه دهد. این در حالی است که نقش قاچاق و واردات اهمیت بیشتری پیدا کرده است و «این امر نشان‌دهنده سقوط دولت است.»

در ادامه برنامه سلامت‌یان وعده‌های دولت را در خصوص اصناف در انتخابات ۸۴ بازگو می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که دولت در انجام تعهداتش در مورد اصناف عمل نکرده است. از سوی دیگر تلاش می‌کند که از وضعیت اقتصادی فضای سیاهی برای مخاطب ترسیم کند یعنی «اقتصاد ایران گرفتار رکود توأم با تورم است.»

مجری در ادامه، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا افزایش مالیات می‌تواند موجب افزایش تورم شود؟

سیف در بخشی از سخنان خود با گذشت تقریباً یک هفته از این رویداد هنوز بر این گزاره تأکید می‌کند که هنوز برخی مالیات نداده یا اظهارنامه خود را تسلیم نکرده‌اند. ایشان معتقد است که در صورت عدم عقب‌نشینی دولت از آن «این افزایش مالیات توسط اصناف، به مصرف‌کننده منتقل خواهد شد در حالی که وضعیت مالی مردم روزبه‌روز بدتر می‌شود.»

مجری همچنین از کارکرد بازار در جامعه ایران سؤال می‌کند و می‌پرسد آیا بازار سنتی با توجه به ایجاد یا فروشگاه‌های زنجیره‌ای توانست مقاومت کند؟

سلامتیان در تحلیل خود می‌گوید که «کوشش بسیار زیادی شد تا بازار را از نمایندگی سیاسی‌اش محروم کنند.» وی گرچه عملکرد دولت را در مهار و کنترل بازار ناموفق ارزیابی می‌کند، ولی در عین حال بر این مهم تأکید دارد که به‌رغم آنکه وزنه اقتصادی بازار نسبت به گذشته کم شده است اما همچنان با بافت شهری ارتباط عمیق و وسیعی دارد. (از شمال تا جنوب تهران) وی در ادامه می‌افزاید که چون اقتصاد ایران



هنوز ذاتاً یک اقتصاد تجاری و توزیعی است و نه تولیدی، هنوز در بازار بخش عمده‌ای از فضای شهری جریان دارد. وی تأکید دارد که «هرچند شبکه سیاسی دچار ضعف شده است اما در شرایط خاصی همین نطفه‌های ارتباطی به اعتراض سیاسی تبدیل می‌شود.» وی ضمن اشاره به اعتراضات لحظه‌ای بازار در گذشته که فکر نمی‌کردند سیاسی شود، اشتباه می‌کردند، می‌گوید اکنون هم در بعضی از مناطق ایران «پایین کشیدن درهای مغازه‌های بازار می‌تواند بسیار قوی از شدت گرفتن اعتراض سیاسی در داخل جامعه ایران تلقی شود.»

سیف، استاد دانشگاه، در پاسخ به این سؤال که چرا تلاش می‌شود قدرت بازار کاسته شود؟ می‌گوید در چند سال اخیر دولت بخش خصوصی را تضعیف کرده است، چرا که در واگذاری شرکت‌ها براساس بند ج، خصوصی‌سازی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ صورت نگرفته است. دولت واگذاری این شرکت‌ها را دست به دست کرده است. مجری در پایان برنامه این سؤال را مطرح می‌کند که هنوز در بازار و نهادهای دیگر واکنش‌هایی به چشم می‌خورد؛ اتفاقات یک سال گذشته چه تأثیری بر «وحدت آن‌ها گذاشته شده است؟ احمد سلامتیان ضمن برجسته‌سازی تهدیدها در قالب تحریم اقتصادی همه جانبه و تشدید نگرانی افراد دست‌اندرکار در این حوزه می‌گوید قبل از این که این تهدیدها جنبه عملی به خود بگیرد تأثیر روانی خود را گذاشته است. وی در تحلیل خود از واکنش اعتراضی بازاریان آن را نتیجه برخورد پادگانی دولت با این حوزه و تحت تأثیر قرار گرفتن این فضا از فضای اعتراض طبقه متوسط فرهیخته می‌داند. وی پتانسیل این اعتراض را در جهت‌دادن اعتراضات از محله‌های شمال شهر به مرکز و جنوب شهر ارزیابی می‌کند.

### نتیجه‌گیری

در بررسی برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی باید به این موضوع اعتراف کرد که از

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۱۷

برخی شخصیت‌های ایرانی در خارج از جمله احمد سلامتیان که از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی است، بهره‌برداری می‌شود، زیرا می‌توان گفت که وی شناخت و اطلاعاتی کامل از جریان‌های داخلی و همچنین ذهن، تحلیلی قوی دارد و در اکثر برنامه‌های مهم و کاملاً هدفمند این شبکه از او به لحاظ داشتن اطلاعات کافی و همنوایی با مخاطبان بهره‌گیری می‌شود.

از همین‌رو در رویداد اخیر در خصوص افزایش مالیات باید گفت که عقب‌نشینی دولت از اقدام خود در این برنامه از ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. این گفتمان به‌طور تلویحی این عقب‌نشینی را ناشی از ترس و نگرانی دولت از تبدیل شدن این رویداد به یک بحران ارزیابی می‌کند. در ادامه ضمن بررسی تطبیقی جایگاه بازار در ایران قبل از انقلاب و بعد از آن این‌گونه تحلیل می‌شود که گرچه کارکرد سنتی بازار نسبت به دوران انقلاب کاهش یافته است اما در کنار وزن اقتصادی دولت، هنوز وزنه‌ای قابل تأمل است.

البته در تحلیل کنش دولت و واکنش‌ها به این رویداد عدم موفقیت دولت در کنترل و مهار بیشتر بازار برجسته می‌شود. از سوی دیگر، در بخش دیگری از تحلیل‌ها، بر این موضوع تأکید می‌شود که دولت با سازوکارهای مختلف می‌کوشد که از نقش و تأثیر بازار بر تحولات سیاسی داخلی بکاهد. همچنین در گفتارهای مختلف می‌کوشد که این‌گونه مطالب را القا کند که تصمیمات دولت در حوزه اقتصاد کارشناسانه نیست، فضای حاکم بر اقتصاد جامعه سرشار از رکود است. در حوزه اقتصاد تعامل و اعتماد بین اصناف و حاکمیت یعنی دولت وجود ندارد.

از سوی دیگر، اطلاع‌رسانی شفاف در این حوزه وجود ندارد و دولت در گرفتن مالیات از مالیات‌دهندگان عمده و شاخص ناتوان است و بیشتر فشارهایش را بر بخش ضعیف اصناف تحمیل می‌کند. گرچه تعامل دولت با کارگزاران حوزه اقتصادی ضعیف است، ولی ضریب امنیت اقتصادی در ایران بالاست. در پایان برنامه وی می‌کوشد که

این عقب‌نشینی را از سطح دولت به سطح حکومت ارتقا دهد؛ به عبارتی سطح بحران در برخورد با بازاریان را از دولت به حکومت طرح می‌کند. در عین حال در بخش‌های مختلف تلاش می‌کند که ضمن متهم کردن دولت در برخورد امنیتی با مسائل بازار و اصناف تأثیر بعد روانی تحریم‌های همه‌جانبه را قبل از عملی شدن، بیشتر برجسته کند. در نهایت با این جمع‌بندی تحلیل خود را به پایان می‌برد که از تأثیر بازار به‌رغم سنتی بودن و اقدامات دولت در راه‌اندازی فروشگاه‌های زنجیره‌ای کاسته نشده است و در این رویداد، بازنده دولت و حکومت بود. «در مجموع بازار با توجه به مجموع تحولات هنوز ظرفیت خود را دارد. بازار ضمن تأثیرپذیری از اعتراضات طبقه متوسط و فرهیختگان در سال‌های اخیر می‌تواند پتانسیل اعتراض خود را از شمال به مرکز و جنوب تهران به لحاظ جغرافیایی جهت دهد و می‌تواند در هر لحظه حساس برای نظام تبدیل به یک مخاطره شود.»

#### ۴-۵- عنوان برنامه «آپارات»

##### معرفی برنامه «آپارات»

برنامه‌ای هفتگی است که در آن آثار مستندسازان ایرانی، تاجیک و افغان به نمایش درآمده و نقد و بررسی می‌شود.

۴-۵-۱- موضوع فیلم: «پرسش»، «پرپر»، «بازی کودکی» و «تیزتن» (تنهای من) الیکا

هدایت

محورهای گفتمان تلویحی مستندهای «پرسش»، «پرپر»، «بازی کودکی» و

«تیزتن» (تنهای من) الیکا هدایت عبارتند از:

- فراهم ساختن تریبون برای آثار و تولیدات زیرزمینی؛

- القای محدودیت و آزادی بیان برای زنان و فعالیت‌های آنها در حوزه هنر و

سینما در ایران؛

- تلاش برای ایجاد یأس و ناامیدی در بخش تحصیل کرده و هنرمندان جامعه؛
- طرح سؤالات به زبان فلسفی برای پاسخ ندادن به آنها و قراردادن مخاطب بر سر دوراهی؛
- بهره‌گیری از انیمیشن سیاسی برای بیان موضع‌گیری‌های سیاسی خود در خصوص وضعیت زنان در ایران به منظور ممانعت از برجسب خوردن؛
- مقایسه ناهمگون (قیاس مع الفارق) جایگاه و وضعیت زنان ایرانی و فرانسه با یکدیگر در جهت اهداف سیاسی فیلم؛
- مهاجرت روایتگر (هدایت) به منظور القای به بن‌بست رسیدن کشورش؛
- بهره‌گیری از دو نیم‌رخ زن به صورت گرافیکی برای القای دو وضعیت یا دو هویت برای زن‌های ایرانی در خارج از کشور؛
- ارائه تصاویری از موفقیت زنان ایرانی خارج از کشور؛
- تحقیر ملت ایران به‌ویژه طیف تحصیل کرده آن در مقایسه با ملت فرانسه؛
- ارائه چهره‌ای افسرده از زنان ایرانی و ارائه چهره‌ای شاداب و امیدوار از زنان فرانسوی؛
- بهره‌گیری از تکنیک همنشینی و جانشینی سوم شخص در روایت فیلم و همذات‌پنداری مسائل زنان؛
- ارائه چهره‌ای سنتی از زنان در ایران و عدم تحرک اجتماعی و ارائه تصویری شرقی از زن ایرانی در فرانسه؛
- مقایسه فضای جامعه دوران خاتمی و احمدی‌نژاد برای سیاه‌نمایی فضای جامعه برای زنان؛
- تشدید محدود شدن فعالیت زنان بعد از دوران محمد خاتمی؛
- تعارض کنشی جامعه (مردان و پسران با دختران و زنان) با توجه به این‌که

جامعه اسلامی است؛

- گسترش تبعیض جنسیتی؛

- ربط دادن شرایط زنان که نیمی از جمعیت جامعه‌اند، به حوادث انتخابات و محکوم بودن زن در جامعه ایران (سوءاستفاده جنسی از زنان) از سوی حاکمیت؛

- معرفی کردن بی‌حجابی و عریانی به‌عنوان ویژگی زن مدرن؛

- بازنمایی اجباری بودن حجاب و عدم تمایل زنان ایرانی به حجاب؛

- بازنمایی چهره‌ای بی‌هویت از زنان ایرانی در جامعه ایران؛

- سیاسی بودن آثار به نمایش درآمده از جمله پرسش، پرپر، بازی کودکی، تیزمن؛

- مقید نبودن فرزندان جنگ به فرهنگ گذشته خود؛

- القای فرار زنان ایرانی از بی‌هویتی خود؛

- القای موفق بودن زنان ایرانی خارج از کشور.

### موضوع فیلم: «پرسش» از الیکا هدایت

#### مقدمه

برنامه «آپارات» یکی از برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی است که هر هفته با اجرای «حسن صلح‌جو» نشان داده می‌شود. وی می‌کوشد که یکی از آثار زیرزمینی تولید شده در گذشته یا حال یا در خارج از کشور را به‌طور جهت‌دار به نمایش گذارد. صلح‌جو در این برنامه تلاش می‌کند که از ابعاد مختلف به‌ویژه از بعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به مسائل زنان و جوانان پرداخته و نظام را در این زمینه‌ها زیر سؤال برد. نکته قابل تأمل این‌که بخشی از سیاست دولت انگلیس در این برنامه دنبال می‌شود. بدین معنا که در حوزه مسائل سیاسی برای اپوزیسیون خارج از کشور، به‌ویژه اپوزیسیون لندن‌نشین تریبون مستقیم ایجاد می‌کند و در حوزه مسائل اجتماعی این

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۲۱

تریبون را غیرمستقیم و رسانه‌ای می‌سازد و آن را در ژانر غیرخبری قرار می‌دهد با ژانری که اصولاً هیچ جایگاهی برای نمایش به مخاطب ندارد. البته با برجسته‌کردن این آثار و با برجسب زدن و متهم کردن دولت و نظام با گزاره‌هایی چون «محدودیت آزادی بیان در قالب فعالیت‌های هنری و سینمایی» بی‌واسطه مخاطبان خود را تحت‌الشعاع القانات قرار می‌دهد.

اصولاً محقق در بررسی اجمالی خود طی دو سال و دنبال کردن برنامه‌های آن به این نتیجه رسیده است که برنامه‌هایی همچون «آپارات» که در آن از آثار و تولیدات زنان ایرانی مقیم خارج استفاده می‌شود، ضمن القای موارد اتهامی خود-که در بالا عنوان شد- می‌کوشد بخشی از جمعیت جامعه زنان و قشر تحصیل‌کرده و هنرمند را با بازنمایی وارونه وضعیت فرهنگی و اجتماعی دچار یأس و ناامیدی کند.

#### معرفی الیکا هدایت از زبان خودش

الیکا هدایت در پاریس مشغول به تحصیل، رشته ارتباطات تصویری یا گرافیک است. سال ۲۰۰۴ به پاریس آمده است و به گفته خودش در این شهر لیسانس هنرهای تجسمی را گرفته است. وی می‌گوید که در کنار این‌گرایش‌ها، در حال دریافت لیسانس هنر و سینمای معاصر است.

مجری، حسن صلح‌جو، در همان ابتدای برنامه برای اعتباربخشی به تولیدات و آثار هدایت این‌چنین می‌گوید: «وی گونه‌هایی از روایت‌گویی را امتحان کرده است و فیلمش ترکیبی از انیمیشن و تصاویر واقعی است.»

در این برنامه چهار فیلم به نمایش درآمده، از این فیلمساز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### اولین فیلم «پرسش»

به گفته حسن صلح‌جو در این فیلم سؤالات فلسفی و ساده‌ای که آدم از خودش می‌پرسد مورد توجه فیلمساز قرار گرفته است. در این فیلم زنان ایرانی و فرانسوی به

طرح سؤالاتی پرداخته‌اند که در ذهنشان است. سؤالات در لابلای قصه سفر فیلمساز و روایتگر به فرانسه پیچیده شده است.

### تحلیل فیلم

نکته اول: نخستین نکته‌ای که درخصوص این فیلم باید به آن اذعان داشت این است که فیلمساز، از ترکیب انیمیشن و تصاویر واقعی در این فیلم استفاده کرده است. وی کوشیده است که این موضوع را به مخاطبان خود القا کند که بخش‌های انیمیشن همان خطوط قرمزی است که در ایران فیلمساز نمی‌توانسته از آن‌ها تصویربرداری کند. در واقع محدودیت آزادی بیان سبب بهره‌گیری از انیمیشن شده است.

نکته دوم: فیلمساز کوشیده است که شرایط زنان ایران و فرانسه را که دارای جامعه و ایدئولوژی متفاوت‌اند، در کنار هم قرار داده و با قیاس مع‌الفارق در جهت اهداف سیاسی از پیش تعیین شده در تولید فیلم نتیجه‌گیری کند.

در ادامه تصویری از یک زن ایرانی نشان می‌دهد که با حالت گریه می‌گوید: «چرا آدم‌ها این قدر از هم دورند، بندها را کی ساخته، کی تعیین کرده، دو تا آدم در این محدودیت زمانی مجبورند به دلایلی در کنار هم باشند در صورتی که می‌توانند با کس دیگر و جایی دیگر، خودشان باشند و از این‌که خودشان باشند لذت ببرند، هرچقدر محدود و هرچقدر کوتاه.»

نکته سوم: روایت هدایت در اول فیلم به‌گونه‌ای است که فردی به بن‌بست رسیده در زندگی و جامعه را، به مخاطب القا کند. هرچند می‌کوشد که شرایط سخت وطن را بر خود بقبولاند اما وضعیت به‌گونه‌ای است که باید مهاجرت کرد و آن‌را برای خود تغییر داد: «شب قبل از پرواز به پاریس خیلی بی‌تاب بودم، می‌ترسیدم از کندن و رفتن، یک روز به من گفت این چیزها مال اولش است، به این فکر کن که باید بروی و تجربه کنی و یاد بگیری و قول بدهی که برگردی.»

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۲۳

از ویژگی‌های این فیلم این است که روایتگر و روایتگری فیلم با بهره‌گیری از سوم شخص می‌کوشد که وضعیت خود را وضعیت مخاطبان بازنمایی کند. بهره‌گیری از دو نیم‌رخ از تصویر زن به شیوه گرافیکی نشان‌دهنده دو جامعه است؛ نیم‌رخ‌های که وضعیتش روشن و نیم‌رخ‌های نامعلوم است یا آینده‌ای نامعلوم را ترسیم می‌کند. در ابتدای فیلم یک ایرانی را نشان می‌دهد که از بازگشت خود به خارج از کشور پشیمان نشده است و این تصمیم را تصمیمی درست، به مخاطب القا می‌کند: «قبل از این که بیایم ایران یک زندگی دیگر برای خودم تصور کرده بودم ولی درست در بحبوحه انقلاب تصمیم گرفتم برگردم و در حال حاضر همه‌اش فکر می‌کنم که آیا کار درستی کردم یا نه، مسیر زندگی من کاملاً عوض شد.»

نکته چهارم: تحقیر ملت ایران نیز یکی از نکات قابل تأمل است که در فیلم به صراحت مطرح می‌شود: «دوستی سفارش کرده بود که دایرةالمعارف هنر را با خود ببرم که بین ملت روشنفکر فرانسه اعتماد به نفس را از دست ندهم.» نکته جالب این‌که وی تحصیل کرده‌های ایرانی را تحقیر می‌کند، مردم فرانسه را با فرهنگ و کشور فرانسه را مهد دموکراسی برای مخاطبان نشان می‌دهد.

ادامه روایت فیلم به گونه‌ای جلو می‌رود که زنان ایرانی را افسرده و زنان فرانسوی را شاداب و امیدوار بازنمایی می‌کند. گفته یک زن فرانسوی: «اینجا من از خود می‌پرسیدم سیر زندگی‌ام خیلی شباهت دارد به مسیر زندگی کسانی که فلسفه زندگی را دوست داشته‌اند.»

رویکرد فیلم به گونه‌ای است که در هر سکانس سؤالی را از زبان و مخاطبان متفاوت اما زن طرح می‌کند. به عنوان مثال، دختری در کلاس مدرسه در ایران صحبت می‌کند و می‌گوید: «چطوری می‌شود خوشبختی را به دست آورد؟»

هدایت در هر سکانس در ارتباط با یک موضوع، طرح سؤال می‌کند و خود



غیرمستقیم پاسخ می‌دهد. به‌عنوان مثال: «اما دایرةالمعارف به درد من نخورد و در هر جمعی و محفلی بیش از آنکه لازم باشد تاریخ تولد و مرگ هنرمندان را بدانم، باید نطق مفصلی در مورد وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران می‌کردم. تمام روز کله‌ام پر بود از این سؤال‌ها: از ایران می‌آیی؟ زندگی در ایران چطور است؟ وضعیت زن‌ها چگونه است؟ در حقیقت هدایت به مخاطب القا می‌کند که این فیلم در پاسخ به چراهای خودش، به‌عنوان یک زن است.»

نکته پنجم: فیلم در این بخش موضوع خود را کاملاً طرح می‌کند، یعنی به وضعیت زنان در ایران می‌پردازد. در ادامه، فیلم انیمیشن دربارهٔ وضعیت زنان سنتی و زنان مدرن با نمادهایی چون چادر و بی‌چادری نمایش داده می‌شود و در آن نقش زنان سنتی به‌صورت رقااص و خواننده معرفی می‌شود که بالاترین ترقی و رشد به لحاظ تحرک اجتماعی در جامعهٔ تاریخی ایران قلمداد می‌شود.

نکته ششم: گزینش صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان در جهت اهداف برنامه کاملاً ناشیانه است. از نظر محتوایی تبعیض میان پسران و دختران را در جامعهٔ ایران القا می‌کند و می‌گوید دختران محکوم به تن دادن به شرایط جامعه هستند. صحبت‌های گزینش شده یک زن چنین است: «پسرها رابطهٔ آزاد با دختران دارند و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد؛ حتی تا ته خط هم بروند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد و می‌توانند ازدواج کنند. ولی برای دختران این وضعیت وجود ندارد، دختران حتی از مدرن‌ترین و متجددترین خانواده‌ها مانند پسرها آزاد نیستند. فرهنگ جامعهٔ ایران مخالف این ایده است که: «هر چیزی را که برای خودت می‌پسندی برای همسر آینده‌ات نیز بپسند؟»

در حقیقت این گفته به‌گونه‌ای گزینش شده که القا کند «زنان در جامعهٔ ایران هیچ منزلتی ندارند و شرایط کنونی آنان در جامعه با آن چیزی که دین اسلام می‌گوید هیچ سختی ندارد و کنش کنشگران جامعه در تعارض با آن است.»

نکته هفتم: مقایسه شرایط جامعه در دوران خاتمی و احمدی‌نژاد.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۲۵

نکته قابل توجه این‌که این تصاویر در دوران محمد خاتمی ضبط شده است. تصاویر مقام معظم رهبری، امام (ره) و محمدخاتمی در اتاق مؤید این نظر است. نکته دیگر این است که زنی را در کنار این خانم نشان می‌دهد که با کامپیوتر و اینترنت کار می‌کند. این موقعیت با توجه به نظرات مطرح شده، دو نگاه متقابل را به مخاطبان القا می‌کند. هرچند فیلمساز خواسته شرایط بعد از محمدخاتمی را بازنمایی کند اما تدوین غیرمنطقی فیلمساز، تعارض گفتمانی را نشان می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، از یک سو دوره خاتمی را فضایی باز برای فعالیت زنان بازنمایی می‌کند اما سخنی که بالا نقل شد مخالف آن را القا می‌کند بدین معنا که اگر دوره خاتمی تداوم یابد، فضای بی‌دوباری و روابط نامشروع پسر و دختر به وجود می‌آید.

نکته هشتم: گریز زدن به مسائل و حوادث انتخابات

«وقتی تصاویر مردهای سلاح به دست و زن‌های سیاه‌پوش می‌بینی که مردم بدبخت را می‌گیرند، چه می‌خواهی بگویی؟»

الیکا هدایت ضمن اشاره کوتاه به گذشته جامعه ایران و ترسیم وضعیت زنان ایرانی از زبان خود می‌کوشد که با موضوع زنان به حوادث و اتفاقات انتخابات بپردازد. روایت بالا مشخصه این کارکرد، این بخش از سناریوی فیلم وی است که نوعاً تصاویری را برجسته می‌کند که یوتیوب و شبکه‌های اجتماعی درخصوص کتک زدن بعضی از دختران و زنان روایت می‌کنند. وی تأکید می‌کند که نظام از زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، همچنین از مردان جهت اهداف خود بهره‌برداری می‌کند. اکنون، این وضعیت زن ایرانی است. در انیمیشن تصاویری از زنان و مردان به دار آویخته شده نشان داده می‌شود. این، در حالی است که هدایت، دقیقاً آن خطوط قرمز سناریوی خود را نشان نمی‌دهد، فقط با جعل تصویر و با زبان انیمیشن می‌خواهد بگوید که نظام و حاکمیت هر صدای آزادی‌خواهی را با برچسب زدن روانه چوبه‌دار و اعدام می‌کند و در انیمیشن تعداد نقض حقوق بشر و اعدامی را زیاد نشان می‌دهد.

نکته نهم: تکنیک روایت هدایت این است که تصاویر زنان را در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهد که سکوت کرده‌اند، اما در روایت تصویری که سکوت را نشان می‌دهد با زبان آن‌ها مسائل‌شان را روایت می‌کند. یعنی خود را در جایگاه افراد یا سوژه‌های خود قرار می‌دهد.

نکته دهم: در سکانس‌های مختلف فیلم عریان و لخت شدن را جزو تمایلات زنان ایرانی القا می‌کند چون اکثر افراد ایرانی (زنان) مصاحبه شده یا بدون روسری هستند یا به اجبار حجاب گذاشته‌اند. در عین حال می‌کوشد که عریان شدن زنان را بخشی از آزادی و آزادگی زنان به مخاطب القا کند.

نکته یازدهم: دختران افغانی سوژه‌گزینش شده در ارتباط با وضعیت زنان در ایران از زنان و دختران افغانی سؤال می‌شود که چرا آنان را از ادامه تحصیل در مدارس باز می‌دارند. در ادامه، از زبان یک زن افغانی دیگر، که تکنیک بالا را پیگیری می‌کند، می‌گوید که من زمانی که چند سال پیش به ایران آمدم، ادامه تحصیل دادم، اما اکنون به فرزندان دختر ما اجازه تحصیل نمی‌دهند.

این گفته نیز به منظور نشان دادن محدودسازی فعالیت‌های زنان است. هرچند در ادامه از زبان یک زن الجزایری همین موضوع را مطرح می‌کند که ما در جامعه فرانسه جایگاهی نداریم. تلاش وی آن است که بگوید نه الجزایری در فرانسه جایگاه دارد و نه زن ایرانی. زنی که از وطن خود مجبور به مهاجرت شده، آینده مبهمی در انتظار اوست. در ادامه، زن متشخص ایرانی را نشان می‌دهد که اگرچه در فرانسه است اما مشکلش در جامعه فرانسه بی‌هویتی است.

نکته دوازدهم: در اکثر سخنان ایرانیان خارج و داخل کشور که کاملاً بی‌حجاب هستند (بدون روسری) این نکته هست که حاکمیت ایران حتی آزادی‌های اولیه را برای آن‌ها محدود کرده است.

چهره زنی که در ابتدای فیلم رمانتیک سیاه و سفید ولی تاریک نشان داده می‌شود،

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۲۷

در انتهای فیلم این گفته را مطرح می‌کند که «می‌خواهم زندگی کنم». فیلم با همان تصویر ابتدایی زن، اما با روشن شدن چهره وی، که چهره‌ای از امید به روشن بودن آینده زن ایرانی است، تمام می‌شود.

نکته سیزدهم: هدایت، هدف فیلم را مسائل هویتی، که در ابتدای زندگی در پاریس مطرح بوده، اعلام می‌کند. البته بخشی از فیلم مستند است و بخشی داستانی، که انیمیشن است. وی مدعی است که کوشیده عالم تخیل و واقعیت را درخصوص پرسش‌های خود بیان کند. انیمیشن بخش ذهنی خود را بیان می‌دارد. در انتهای فیلم اشاره می‌کند که از بچگی آموزش دیدیم که راجع به برخی چیزها حرف نزنیم، در واقع می‌کوشد القا کند که حاکمیت و ضوابط کنونی جامعه، به فرد چه زن و چه مرد امکان نمی‌دهد که به واکاوی سؤالات خود بپردازد.

البته باید گفت که آنچه هدایت در بخش توضیحات فیلم می‌گوید، دورنمای بخش‌های دوگانه‌ای است که هدایت با آن روبه‌رو است. آیا این سؤال‌ها درخصوص افراد و فرهنگ‌ها، خارج از جغرافیای مکانی متفاوت است؛ وی می‌گوید سؤالات و پاسخ‌ها تقریباً مشابه هستند. اینجاست که از دیدگاه فمینیستی برای توجیه این‌که این فیلم سیاسی نیست، کمک می‌گیرد.

#### فیلم دوم «پرپر»

داستان زنی در نزدیکی آستارا از ذهن فردی که از موقعیتش دور افتاده است. این فیلم کوتاه در مجموع تصویرسازی از ذهن فردی است که از کشور خود دور مانده است مانند «غریبی که از زمین می‌آید و می‌رود به تنت». این، آرزوی زنی دور از وطن خود است که می‌خواهد به کشورش برگردد. در حقیقت، آشنایی‌ای که وی در پاریس با او پیدا کرده بود و توضیحات و رؤیاهایش در بدن و شکل او به تصویر کشیده می‌شود. اصولاً رؤیای مهاجران ایرانی (زنان) به دلیل نبود مدینه فاضله‌ای که در

زندگی خود در کشور غریب تجربه می‌کند، به کابوس تبدیل می‌شود.

### فیلم «بازی کودکی»

این فیلم در مورد بازی‌های دوران کودکی است که به خاطرات نسل کودکان دوران جنگ می‌پردازد.

تکنیک فیلم تداعی است برای درگیر کردن مخاطبان با خود. پیام اصلی این فیلم کودکان دوران جنگ را نشان می‌دهد که هیچ پای‌بند به فرهنگ و هویت خود نبوده‌اند و اکنون در پاریس زندگی می‌کنند.

در عین حال عقلانی فکر نکردن و برخورد عقلانی نکردن در دوره کودکی را از سوی بزرگسالان عنوان می‌کند و در نهایت می‌کوشد که جنگ را یک تفکر غیرعقلانی بداند و مسئولان نظام را مسئول استمرار آن برای مخاطب معرفی کند. پخش برنامه «سال‌های جنگ، سال‌های سیاهی است» نیز به لحاظ زمان پخش آن برای القای منفی و تحت‌تأثیر قرار دادن افکار عمومی است.

در این برنامه با مهارت زیادی می‌کوشد که «ویژگی‌ها و تهدیدهایی شروع یک جنگ را در شرایط کنونی و پیامدهای منفی آن را از زبان کودکان برجسته کند تا مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهد.»

### فیلم «تیزتن» (تنهای من)

داستان فیلم درباره عشق است که کاملاً انیمیشن و به داستان‌های قدیمی «صادق چوبک» نزدیک است و یک قصه قدیمی را روایت می‌کند.

داستان فیلم علاوه بر ترسیم دو زن در موقعیت‌های متفاوت، نقش زن سنتی ایرانی در خارج از کشور و زن مدرن را-که تنهاست و وقتش به مطالعه و تفریحات مختلف در جامعه می‌گذرد- نشان می‌دهد. البته زن سنتی نقشی تخیلی را باید اجرا کند. در عین حال این فیلم پاسخ‌دهنده سؤال این فیلم است که زن مدرن ایرانی در خارج از کشور

به دنبال هویت گم‌گشته خود است و در تنهایی به بی‌هویتی خود پاسخ می‌دهد و چنین می‌گوید که در این بی‌هویتی هم از گذشته و هم از آینده خود فرار می‌کند. وی می‌کوشد که در کنار این موضوع عشق زن و مردی را ترسیم می‌کند که سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است، یعنی سرنوشت یکی در سرنوشت دیگری اثر می‌گذارد.

در حقیقت تیزتن یکی از شخصیت‌های داستان «صمد بهرنگی» است، ولی خودش اعتراف می‌کند که نزدیک به داستان «بوف‌کور» صادق هدایت است. انیمیشن تیزتن و حتی شخصیت این فیلم شبیه به صادق هدایت است. البته وی می‌کوشد که نگاه انتقادی آن‌ها به وضعیت جامعه و شبیه‌سازی اثر خود را با آن رویکرد، از گفتمان تلویحی الیکا هدایت بیان کند. الیکا می‌خواهد بگوید که این آثار در حقیقت انتقاد از وضعیت زنان است و بخشی از ابزاری است که در دست داشته تا حرف‌های خود را بیان کنند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که چهار اثر از الیکا هدایت در برنامه «آپارات» به نمایش درآمده و همه آن‌ها هدفمند گزینش شده، این برنامه گفتمان خاصی را دنبال می‌کرده است. شاید بتوان گفت که یکی از محورهای اساسی این برنامه در فیلم «پرسش» یأس و ناامیدی تحصیل‌کردگان و هنرمندان زن ایرانی است. در فیلم «پرسش» فیلمساز کوشیده است که برای بیان و اهداف سیاسی خود و محدودیت‌هایی که داشته، از زبان انیمیشن برای ارائه وضعیت زنان جامعه ایران استفاده کند. در این فیلم مقایسه‌های مع‌الفارق بین زنان فرانسه و ایران بخشی از رویکرد فیلمساز است برای برچسب‌زدن و متهم‌کردن زن ایرانی و محکوم دانستن وی برای پذیرفتن شرایط تحمیلی جامعه. این فیلم می‌کوشد که از زن ایرانی چهره و تصویری افسرده را ارائه دهد، ملت ایران را در مقایسه با ملت فرانسه تحقیر کند و زنان در ایران را بدون تحرک اجتماعی معرفی کند.

در عین حال وی می‌کوشد که فضای جامعه در دوران خاتمی و احمدی‌نژاد را برای مخاطب مقایسه کند. «فضای دوران خاتمی را برای فعالیت زنان باز و فضای دوران احمدی‌نژاد را خفقان‌آمیز و همراه با اعدام و زندان زنان بازنمایی می‌کند.» اشاره به حوادث انتخابات و کتک خوردن زنان در خیابان بخشی از این رویکرد است که در این فیلم پرداخته شده است. اصولاً بر این نظر تأکید می‌کند که محدودیت برای زنان بعد از دوران خاتمی شدت یافته و نوعی تبعیض جنسیتی در حال گسترش است. از سویی، سوءاستفاده حاکمیت از زنان را در مراحل مختلف بازنمایی می‌کند و از سوی دیگر، بی‌حجابی و عریان شدن در این فیلم را بخشی از ویژگی‌های زن مدرن بازنمایی می‌کند. در واقع به‌طور تلویحی تأکید می‌کند که زنان ایرانی تمایلی به حجاب ندارند و حجاب برای او آزاردهنده و محدودکننده فعالیت‌های اجتماعی است.

در فیلم «پرپر» نیز به رویاهای زن ایرانی می‌پردازد که بعد از مهاجرت در یک جامعه بیگانه تنها مانده و دچار دوگانگی هویت فرهنگی شده است.

در فیلم «بازی کودکان» نیز می‌کوشد که گسست نسلی را نشان دهد و این‌که فرزندان و کودکان دوران جنگ اکنون مقیم فرانسه هستند و اصلاً به فرهنگ و هویت فرهنگی گذشته خود مقید نیستند و طی این مدت در فرهنگ فرانسوی هضم شده‌اند. در فیلم «تیزتن» که از شخصیت داستان‌های صادق چوبک اقتباس شده است و حتی گرافیک شخصیتی آن نزدیک به داستان بوف کور و چهره گرافیکی‌اش نزدیک به صادق هدایت است، می‌کوشد که نگاهی انتقادی به وضعیت زنان جامعه خود بیفکند.

۴-۵-۲- فیلم «آمریکایی فراری» (*American Fugitive*) یا حقایق درباره حسن

این فیلم به مناسبت روز ۱۳ آبان از شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی پخش شده است.

#### محورهای گفتمان تلویحی فیلم عبارتند از:

- تلاش برای ارائه تصویری هزارچهره از آمریکایی فراری (حسن) به منظور

دستکاری و تحریف واقعیت؛

- بازنمایی گفتارهای گزینش‌شده حسن در قالب اعتراف مرد هزارچهره یا داشتن هویت چندگانه و القای جمع‌بندی فیلم مستند به مثابه دادگاه بی‌طرف در محاکمه حسن؛

- برجسب تروریست زدن به حسن با استفاده از تصاویر گزینش‌شده فیلم سفر قندهار؛

- بهره‌گیری از دیالوگ مستند بین کنشگر اصلی فیلم (حسن) و کنشگران اصلی در آمریکا و مرتبط با موضوع در جهت اهداف سیاسی فیلم برای تحریف واقعیت؛  
- برجسته‌سازی تناقض اطلاعات و بهره‌گیری از آن در جهت اهداف مستند تحقیقی و در نهایت افشاگری در خصوص هدفمند بودن این اقدام تروریستی؛  
- پرداختن به ابعاد شخصیتی حسن با مصاحبه با افرادی که وی با آنها تعامل داشته است؛

- برجسته‌سازی سفرهای شاه (۱۲ مورد) به آمریکا برای تعامل بیشتر به منظور مستندسازی فیلم؛

- القای تقابل دو دیدگاه فکری در دوره دولت جیمی کارتر نسبت به روابط ایران و آمریکا در کاخ سفید به منظور نشان‌دادن گفتمان چندصدایی فیلم مستند (موافقان و مخالفان)؛

- بزرگنمایی تعداد و مدت اسارت گروگان‌های آمریکایی در ایران؛

- تلاش مستندساز برای ارائه چهره طرفدار صلح از کارتر و آمریکا (ارائه چهره صلح‌دوست از کارتر)؛

- تلاش برای شبهه‌افکنی در فتوای امام خمینی (ره) در خصوص ترور «علی‌اکبر طباطبایی» و همچنین متهم کردن ایشان به داشتن تفکر تروریستی؛

- القای قربانی‌شدن داود یا همان حسن در ماجرای رژیم ایران و نیروهای



- جاسوسی آمریکا در معامله گروگان‌ها (بازیچه‌شدن حسن و سوءاستفاده از عقاید او در معامله گروگان‌ها)؛
- تأکید بر معامله بین رژیم ایران و دولت ریگان درخصوص آزادی گروگان‌ها؛
- تلاش برای رفع اتهام از دولت کارتر و بازنمایی آن به‌عنوان موضوعی فراجناحی؛
- القای برنده‌بودن سیاست دیپلماتیک ریگان در آزادی گروگان‌ها؛
- تلاش برای تبرئه‌کردن حسن از اتهام وی به منظور تعادل بخشیدن صوری در ساختار گفتمان مستند سیاسی؛
- هشدار به مقامات سیاسی آمریکا برای درس عبرت گرفتن از ماجرای آزادی گروگان‌ها؛
- حمایت ایران و عربستان از گروه‌های افراطی چون اسامه بن لادن؛
- برچسب‌زدن به ادیان به‌ویژه دین اسلام و معرفی حامیان آن به‌عنوان تروریست؛
- تلاش برای پوشاندن تروریسم دولتی و تعریف تحمیلی ترور بر جهانیان براساس معیارهای آمریکا همچون موضوع حقوق بشر؛
- القای جایگاه نداشتن حسن در میان خانواده‌اش؛
- اتوپیای حسن، پوچ و بی‌هدف است؛
- ایران جامعه اسلامی نیست؛
- بازنمایی قربانی‌شدن بنیادهای انقلاب به‌واسطه سازش مقامات سیاسی نظام و نرسیدن انقلاب اسلامی به اهداف خود با گذشت سه دهه از عمر آن؛
- نگاه خوش‌بینانه داشتن به برقراری ارتباط دیپلماتیک بین تهران و واشنگتن و بهره‌برداری اصول‌گرایان به نفع خود برای اعتماد جامعه به آن‌ها در شرایط مقتضی.

### مفروض اصلی مستند

چهره قاتل چطور می‌تواند باشد؟ آیا جمهوری اسلامی در قتل مخالفانش در خارج از ایران دست داشته است؟

### مقدمه: معرفی حسن یا آمریکایی فراری

این فیلم حکایت مرد سیاه‌پوستی است که سال‌ها پیش، پس از گروگان‌گیری در سفارت آمریکا، یک نفر از مخالفان فعال آن زمان جمهوری اسلامی را در آمریکا ترور و بعد به ایران فرار می‌کند. او در ایران در ۳۰ سال گذشته در جاهای مختلف کار کرده است؛ از بازیگری در فیلم «سفر قندهار» محسن مخملباف گرفته تا سردبیری و ویراستاری برخی از نشریات و بعضی از شبکه‌های تلویزیونی انگلیسی‌زبان دولتی و نیمه دولتی.

در فیلم «آمریکایی فراری» «ژان دانیل لافوند» کارگردان به سراغ این شخص رفته که بیند بعد از ۲۵ سال از این ترور، چطور فکر می‌کند، دیگران درباره‌اش چه می‌گویند؟ ژان دانیل لافوند یک فیلمساز کانادایی فرانسوی الاصل ۶۵ ساله است که پس از سال‌ها تحصیل فلسفه و تدریس در دانشگاه، این کار را رها کرده و به نوشتن، فیلمسازی و تهیه برنامه‌های رادیویی روی آورده است. وی در کانادا چهره شناخته شده‌ی عالم سیاست است. این فیلم در سال ۲۰۰۶ ساخته شده است. این فیلم درخصوص حوادث حمله به سفارت آمریکا و گروگان‌گیری اعضای آن ساخته شده است و تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در ۱۳ آبان ماه ۱۳۸۸ آن را پخش کرد.

### تحلیل فیلم

تلاش برای ارائه تصویری هزارچهره و پیچیده از آمریکایی فراری (حسن) با هویت چندگانه

شروع این فیلم این موضوع را می‌خواهد به مخاطب القا کند که حسن دارای هویت چندگانه و فردی به‌ظاهر پیچیده و هزارچهره است: «حسن وارد سینما در تهران می‌شود با سؤالی که از او پرسیده می‌شود: دوست داری با چه اسمی جلوی دوربین بروی؟ می‌گوید اسم من داود است اما مرا با اسمی مختلفی می‌شناسند. وقتی در افغانستان بودم مردم من را به اسم یوسف عبدالسلام می‌شناختند و در گذشته به «تدی» کوتاه شد، دیوید تئودور بیلغید، اسم حقیقی‌ات چیست؟ حسن، شاید تنها یک حقیقت وجود نداشته باشد؛ می‌دانی حقایق زیادی وجود دارد و انتهای این دیالوگ بین حسن و لافوند با این جمله از اسپینورا پایان می‌یابد: «نه برای خندیدن، نه برای گریستن، بلکه برای فهمیدن» البته پایان این سکانس می‌کوشد که با این تکنیک دیالوگ، مخاطب را درگیر با موضوع حسن کند. همچنین می‌کوشد که از اعتراف تلویحی حسن که مرد هزارچهره‌ای است، در اثبات مفروض فیلم بهره‌برداری کند.

نکته: فیلم‌برداری در داخل سینما با توجه به پوستره‌های فیلم‌های اکران شده نشان‌دهنده آن است که این فیلم در دوره محمد خاتمی تهیه شده است. (فیلم چشمهایش)

برچسب تروریست‌زدن به حسن با بهره‌گیری از تصاویر گزینشی فیلم سفر قندهار مخملباف

اپزود دوم فیلم با تصاویر لوکیشن فیلم قندهار است که حسن در این خصوص توضیح می‌دهد. وی در لوکیشن در مورد چگونگی دعوت از وی برای بازی توسط مخملباف سخن می‌گوید، اما دلیل پذیرش این نقش را نزدیک بودن به داستان واقعی

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۳۵

زندگی خود عنوان می‌کند. به موازات سخنان حسن به صورت روایت، تصویری از فیلم سفر قندهار را پخش می‌کند و در این تصویر حسن در حال پنهان کردن اسلحه کمری در زیر لباس‌های افغانی‌اش است و کمی دورتر زن افغانی از یک پرده سوراخ‌شده کارهای حسن را مشاهده می‌کند و بعد همین زن افغانی می‌پرسد اهل کجایی؟

#### شرح واقعه از زبان حسن به منظور اثبات بی‌طرفی به مخاطب

حسن در ادامه داستان فیلم یعنی سفر به قندهار به حوادث بعد از ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند که در دنیا مانند توپ صدا کرد و موجب کنجکاوی عده‌ای شد که این سیاه‌پوست آمریکایی کیست؟ یک فراری تحت تعقیب مربوط به سال ۱۹۸۰ است. جنجال‌ها از اینجا شروع شد.

همزمان با حرف‌زدن، لافوند هدف خود را بر صفحه تصویر به‌طور غیرمستقیم به مخاطب القا می‌کند. نوشته روی تصویر حسن این است: «یوس ورلدریپرت: یک هنرپیشه یا یک قاتل؟»

تلاش برای فضاسازی از داخل آمریکا یا محل حادثه برای رفع اتهام از مقامات آمریکا فیلم بعد از صحبت‌های کنشگر اصلی فیلم به محل حادثه، مرلند در ناحیه مونت‌کمری در ایالات متحده و به سراغ دادستان این ایالات یعنی «داگ گنسلر» می‌رود. دادستان پیگیر پرونده حسن می‌گوید: دادستان فیلم و نقشی که حسن در فیلم سفر به قندهار بازی کرده بود، یک توهین بزرگ به قربانیان بود چون فراری به‌عنوان یک تروریست در این فیلم بازی می‌کند و فیلم در آمریکا نیز پخش می‌شود. در پایان سخنان دادستان یک حلقه فیلم ویدئویی که روی آن نوشته شده است: در کنار عکس حسن با عنوان «داود بیلفید الیاس» (*David Belfield alias*)، داود صلاح‌الدین.

عمق‌بخشی به شرح ماجرای ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۰ از طریق دیالوگ مستند بین حسن و کنشگر اصلی فیلم و کنشگران مرتبط با موضوع در آمریکا

- در این بخش از فیلم فردی در محل ترور ماجرا را توضیح می‌دهد که این فرد چه کسی است. می‌گوید این فرد علی‌اکبر طباطبایی وابسته مطبوعاتی سابق شاه بوده است که صبح امروز در بیمارستان مرد؛

- حسن شرح واقعه را اینچنین بیان می‌کند که او یک بسته پستی به طباطبایی می‌دهد و به وی شلیک می‌کند. در ادامه حسن شیوه خروج از آمریکا را بیان می‌کند که از آمریکا به مونترال و از آنجا به پاریس و ژنو می‌رود. هرچند در روزنامه‌ای حادثه ترور را نوشته بود، آمده است که مرا دستگیر کرده‌اند؛

- برجسته‌سازی تناقض اطلاعاتی و بهره‌گیری از آن در جهت اهداف مستند تحقیقی و در نهایت افشاگری به منظور هدفمند بودن اقدام تروریستی.

#### جوئرتنو: روزنامه‌نگار - تحلیلگر مسائل اطلاعاتی

«چرا مرا دستگیر نکردند. اسم و تصویر او در رسانه‌ها منتشر شده بود، آن‌ها می‌دانند که او چه کسی است، ولی او را دستگیر نکردند.»

حسن در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: من از ژنو به مقصد تهران سوار هواپیما شدم. در تهران در فرودگاه نیروهای امنیتی از من استقبال کردند. ورود به ایران در ماه رمضان بود. من بعد از فرودگاه مستقیماً به وزارت خارجه و به ملاقات قطب‌زاده رفتم. حسن در ادامه گریزی به شرایط جامعه آمریکا و سیاه‌پوستان در دهه ۶۰ می‌زند و به حوادث ۱۹۶۸ و کشته شدن «مارتین لوتر کینگ» اشاره می‌کند و در ادامه بر این شرایط و خواسته‌های سیاه‌پوستان از دولت وقت آمریکا تأکید می‌کند.

مستند در ادامه می‌کوشد که برای اثبات دیدگاه خود بخشی از فضای نقد سیاه‌پوستان از جامعه آمریکا را از زبان «یوسف سلام» نویسنده مطرح کند. بخشی از

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۳۷

صحبت‌های وی قابل تأمل است چرا که می‌گوید اقدامات سیاه‌پوستان ناشی از نارضایتی از شرایط اجتماعی آن دوره است. هرچند می‌کوشد که فضای تصنعی نقد و آزادی بیان را به مخاطب القا کند. در کنار این مسئله تلاش می‌کند که برچسب تروریست بودن را به این جمعیت سیاه‌پوست آمریکا بزند. در این میان از یوسف می‌پرسد که حسن بیشتر به دنبال هویت خود و خدا بود. وی در پاسخ ادامه می‌دهد که من اولین بار در دانشگاه هاروارد قرآن را خواندم. من تبدیل به داود صلاح‌الدین شدم. از این جهت، برای کامل کردن برچسب به اقدام حسن، نوعی تعارض گفتمانی را در فیلم در سخنان یوسف سلام و حسن ایجاد می‌کند که یوسف سلام می‌گوید و حسن از خداوند طلب آمرزش گناه می‌کند.

بازکاوی شخصیت حسن از زبان افرادی که با آن‌ها تعامل داشته است.

«دنيس الیور ولز» انسان‌شناس: وی به دنبال پاسخ به سؤالات خود بود برای طبقه‌ای که در آن زندگی می‌کرد. وی از هوش زیادی برخوردار بود. روشنفکری وی را نمی‌توان از هوشش جدا کرد. یک مرکز اسلامی با بودجه شاه برای مسلمانان بالای شهر، مسلمانان پولدار که با سفارت کار می‌کردند، ساخته شده بود. این مؤسسه برای مسلمانان آفریقایی و آمریکایی یا برای مسلمانان طبقه کارگر واشنگتن نبود. این طیف از افراد، دوست نداشتند که همسایه‌های رنگین‌پوست به آن مسجد بیایند. (اهل تسنن) داود یا حسن با دانشجویان مخالف رژیم ایران ارتباط داشت.

برجسته‌سازی سفرهای شاه به آمریکا برای درک و تعامل بیشتر به منظور مستندسازی و تعمیم آن به بخش‌های مختلف مستند

در بخشی دیگر از این فیلم مستند، «از ۱۲ سفر شاه به آمریکا یک نمای کلی ارائه می‌دهد اما واقعیت این است که این سفرها به وابستگی بیشتر رژیم شاه به آمریکا اصلاً اشاره نمی‌کند.» این نکته را با موضوع تعامل برای درک بیشتر و متقابل به مخاطب القا

۲۳۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

می‌کند و از سویی می‌کوشد که از شاه به‌عنوان ژاندارم آمریکا در منطقه خلیج فارس یاد شود. برای سندیت‌بخشی تصاویر شاه و کارتر در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۱ نمایش داده می‌شود. اصولاً این تصاویر برای القای عمق روابط طرفین به مخاطب نشان داده می‌شود.

در ادامه بخشی از سخنان از زبان کارتر و شاه در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۱ ارائه می‌شود: کارتر در کنار شاه در آمریکا: «ایران به خاطر رهبری خردمندانه‌ای که به وسیله شاه این کشور اعمال می‌شود در یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان، سرزمین ثبات است.» بعد از این رویداد تصاویر تظاهرات مردم ایران و خروج شاه از ایران در ژانویه ۱۹۷۹ به نمایش درمی‌آید که اصولاً تناقض سخنان کارتر را نشان می‌دهد و این‌که کارتر و دولت وی هیچ شناختی از شرایط جامعه ایران نداشته‌اند.

در ادامه تصاویری از ورود امام خمینی در اول فوریه ۱۹۷۹ با این زیرنویس پخش می‌شود: بازگشت آیت‌الله خمینی

- وارد کردن یک کنشگر جدید و مرتبط با این قضایا یعنی «گری سینگ» مشاور امنیت ملی آمریکا در دوره جیمی کارتر.

تلاش برای القای مستند تحقیقی با اجازه دادن به نظرات موافق و مخالف سیاست خارجی دولت وقت آمریکا

گری سینگ: «وقتی انقلاب و گروگان‌گیری اتفاق افتاد من در کاخ سفید بودم. انقلاب ایران ثابت کرد که حکومت‌هایی که در منطقه قدرتمندند، چقدر به راحتی قابل سقوط هستند. شاه به‌ظاهر خیلی قدرتمند به‌نظر می‌رسید، ولی پوشالی بود و این روایت را فیلم بیان می‌کند که شاه ایران در بیمارستان بستری است. (اکتبر ۱۹۷۹ در نیویورک)»

گری سینگ: «ما از همان ورود شاه به کشور کاملاً متوجه پیامدهای احتمالی ناشی از این عمل بودیم. انقلاب ایرانی‌ها در میان بقیه انقلاب‌ها، انقلابی بود که خیلی

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۳۹

ضدآمریکایی بود؛ جریانی علیه گذشته ایران و ارتباط نزدیکی که آمریکا با شاه داشت.» در ادامه فیلم، تصاویری از تظاهرات دانشجویان ایرانی در جلوی بیمارستان در اعتراض به پذیرش شاه از سوی آمریکا و در اعتراض به دیدگاه‌های گری سینگ نشان داده می‌شود. البته نوک این مخالفت‌ها و اعتراض‌ها را دانشجویان معرفی می‌کند. حسن: «ایرانی‌ها معتقد بودند که این اقدام آمریکا (پذیرش شاه) نوعی فریب‌دادن آن‌ها بود.»

حسن در ادامه سخنانش ضمن اشاره به فعالیت‌های سیاه‌پوستان و مرتبط بودن وی و دوستانش با دانشجویان ایرانی اقداماتی از جمله آویزان کردن کاریکاتور و پوستر از چشمان مجسمه آزادی و همچنین دعوت از رسانه‌ها برای تهیه گزارش، تأکید می‌کند که هیچ‌کس نمی‌دانست همان روز سفارت آمریکا در ایران اشغال می‌شود و در ادامه ربط دادن سخنان حسن به حوادث، تصاویری از حمله مردم در قالب عکس‌های سیاه و سفید پخش می‌شود.

- بزرگ‌نمایی مدت و تعداد گروگان‌های آمریکایی در تیتیری روی تصاویر ۵۲ آمریکایی به مدت ۴۴۴ روز به گروگان گرفته شدند.

- بازنمایی چهره‌ای صلح‌دوست از کارتر و دولت‌های آمریکا.

گری سینگ: «کارتر تمایل به جنگ نداشت، مصمم بود تمام مسائل را با راهکارهای دیپلماتیک حل کند. او می‌دانست که جنگ یک فاجعه است. در عوض تمایل داشت که تمام مهارت چانه‌زنی را به‌کار گیرد تا گروگان‌ها را آزاد کند.

دولت وقت آمریکا، برای حل بحران گروگان‌گیری ماه‌ها تلاش دیپلماتیک کرد. من فکر می‌کنم خمینی (ره) شخصاً از کارتر متنفر بود. او به هیچ‌وجه نمی‌خواست کاری انجام شود که تأثیر مثبتی بر وجهه سیاسی کارتر بگذارد.»

حسن: «نقشه‌های زیادی برای مقامات تهران کشیده می‌شد. مقامات ایران در ۸ ژوئیه ۱۹۸۰، کودتای طراحی شده به وسیله شاپور بختیار را خنثی کردند. تیراندازی که اتهامش



۲۴۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

به من زده شد، پاسخی بود به تلاش برای کودتا در ایران، یک طرح ضعیف برای کودتا در ایران که البته بعد از انقلاب ایران بزرگ‌ترین کودتای نظامی بود که طراحی شده بود. گرچه کودتا به سرانجام نرسید ولی کودتاچیان آماده کشتار بودند. آن‌ها آماده بودند با هواپیمای جنگنده بکشند نه با تفنگ. یکی از هدف‌های آن‌ها شخص خمینی بود. وی در یک محله عادی و معمولی زندگی می‌کرد و آن‌ها می‌خواستند در آن محل مستقر شوند و قسمت بزرگی از محله را اشغال کنند تا امام خمینی را بگیرند. من معتقدم که آمریکایی‌ها در تمام کودتاها دست داشتند. کودتای ویتنام، کودتا در کنگو علیه پاتریس لومومبا، کودتاهای علیه آلنده و محمد مصدق در ایران.» (ارائه تصاویر مرتبط با سخنان حسن)

- القای یک‌طرفه اقدامات تروریستی و جهت‌دادن ذهن مخاطب به این‌که این اقدام تروریستی از سوی ایران مطرح شده است.

**گری سینگ:** «خمینی دستور داده بود که فهرستی از همه کسانی که وی آن‌ها را دشمن انقلاب می‌دانست در سراسر دنیا تهیه شود. با افرادی که با آمریکایی‌ها و مجاهدین همکاری کرده‌اند، به صورت فردی برخورد شود. فکر می‌کنم که ایرانی‌ها با این ایده شروع کردند که به دشمن‌های شناخته‌شده‌شان حمله کنند اما دیدند که فهرست دشمنان طولانی می‌شود، قتل مخالفان تبدیل به روش دائم در دستگاه امنیتی و اطلاعاتی ایرانیان شد.»

- برجسته‌سازی این مطلب در تصاویر پایانی گری سینگ برای تأیید سخنان وی:  
«تابستان ۱۹۸۰، ۱۴۴ نفر به اتهام توطئه و کودتا اعدام شدند.» (همراه با تصاویر دستگیری این افراد)

**حسن:** «علی‌اکبر طباطبایی رابط نخست‌وزیر سابق ایران، شاپور بختیار و مقامات آمریکایی در واشنگتن بود، وقتی سوژه را معرفی کردند، دانستم که وارد یک ماجرای دیگری شدم. وقتی خواستند که اعدامش کنم هیچ مشکلی با این ماجرا نداشتم چون آن

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۴۱

آدم به‌طور قطع حاضر بود مردم را از طرف عموسام و به خاطر منافع عموسام اما نه به دستور مستقیم عموسام، بکشد. من هیچ مشکل یا کشمکشی با این آدم نداشتم. (تصاویر روزنامه واشنگتن پست، صحنه ترور علی‌اکبر طباطبایی است)

به من گفته شد که از جانب امام خمینی فتوای قتل او صادر شد. آن موقع قبول کردم که از اسم امام خمینی برای خیلی چیزها استفاده شود. آیا او آن فتوا را صادر کرد؟ این نکته را من هیچ وقت نفهمیدم.»

- داود قربانی و اقدامات سیاسی انقلاب ایران و نیروهای جاسوسی آمریکا در خصوص آزادی گروگان‌ها یا معامله گروگان‌ها.

#### جوترنتو نویسنده و روزنامه‌نگار در کتاب پیش‌درآمد ترور (*Prelude to Terror*)

در این کتاب بحثی در مورد او وجود دارد و این بحث، فتوا و «ریچارد هلمز» خوانده می‌شود. «داود هیچ اطلاعی نداشت که به وسیله ایرانی‌ها و نیروی جاسوسی آمریکا هدایت می‌شد. معامله‌ای که انجام شده بود، به این رژیم جدید انقلابی اجازه می‌داد برای اجرای ترورهای سیاسی دشمنان قدیمی به ایالات متحده وارد شود و در عین حال برای آزادی گروگان‌ها مذاکره کند. داود به‌طور غیرارادی و بی‌آنکه اطلاع داشته باشد، وارد این جریان شده بود. او نمی‌دانست که برای این کار انتخاب شده بود. به همین دلیل، وقتی از او خواسته شد که طباطبایی را ترور کند پاسخ داد: چرا نه یک آدم مهم‌تر! داود «کسینجر» را پیشنهاد کرده بود و خبر نداشت که کارش پرکردن فهرست آدم‌هایی است که انقلاب حاضر است از سر راه بردارد. اما چرا؟ دلیلش چه بود؟ برای ایالات متحده آزادی گروگان‌ها مهم بود. من معتقد بودم عاملی در این ماجرا دست داشته است در کتابم اشاره کردم که ماجرای این آقا نشان‌دهنده یک تصمیم‌گیری در سرویس اطلاعاتی آمریکاست، این عملیات ساده نبود. این جوان یک بازیچه بوده است و از عقایدش سوءاستفاده شده است.»

**گری سینگ:** «تئوری توطئه بسیار جذاب است، این‌که دلیل دیگری پشت پرده این ماجرا بوده است. چرا ایران باید به یک قاتل اجازه بدهد در ایران زندگی کند؟ چرا ایران اجازه داد!»

تصویر گفتاری ریگان: «به چه دلیل ۵۲ آمریکایی نزدیک به یک سال به گروگان گرفته شدند؟»

**کارتز:** «چند نفر از تگزاسی‌ها باور دارند که رونالد ریگان نقشی پنهانی برای آزادی گروگان‌ها دارد؟ چند نفر از شماها این‌طور فکر می‌کنید؟»

**گری سینگ:** «کتابی با عنوان «سوپرایز اکتیو» نوشتم و در آن همه شواهد برای آزادی گروگان‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی ریگان بررسی شده بود. در آن زمان رونالد ریگان به دنبال رئیس‌جمهور شدن بود. «بیل کیسی» که رئیس سیا شده بود در گروه انتخاباتی ریگان فعال بود. ایده این بود که اگر بشود ایرانی‌ها را متقاعد کرد که آزادی گروگان‌ها را به بعد از انتخابات آمریکا موکول کند و این به نفع جمهوری خواهان بود.»

- تأکید بر معامله بین رژیم ایران و ریگان در خصوص آزادی گروگان‌ها.

**گری سینگ:** «هیچ مدرکی وجود نداشت. البته برخی افراد مانند تاجران اسلحه که فعالیت‌هایی می‌کردند، در حاشیه بودند.»

- تلاش برای رفع اتهام از کارتز و دولت وی و بازنمایی موضوع گروگان‌ها به عنوان موضوعی فراجناحی و ملی.

**جرج بوش پدر (معاون رئیس‌جمهوری در دوره بعدی آن زمان):** «ما می‌خواهیم گروگان‌ها که باعث سرافکنندگی‌ها شده‌اند، بلافاصله، آزاد شوند. می‌خواهیم که فوراً آزاد شوند و این مسئله فراتر از جمهوری خواهان و دموکرات‌ها و مستقل‌هاست.»

در حقیقت مستندساز می‌کوشد که ضمن رفع اتهام از دولت کارتز در دیپلماسی بین‌المللی و سرپوش گذاشتن بر مشکلات دیپلماتیک آمریکا این موضوع را فراجناحی و ملی بازنمایی کند.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۴۳

**گری‌سینگ:** «افرادی بودند که در دوره ریگان با ایران در حال معامله بودند.»  
پخش تصاویر پیاده‌شدن گروگان‌ها از هواپیما در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ و مراسم آغاز ریاست جمهوری رونالد ریگان.

«جو ترنتو» نویسنده: «نتیجه این ماجرا چه بود؟ طباطبایی کشته شد و دخترش هم بی‌پدر شد. داود یا حسن هم در مصاحبه‌هایی که با او در شبکه کردم گفت که طباطبایی سگ بوده و وی این سگ را کشته است. (تصویر علی اکبر طباطبایی که در ۲۲ ژانویه ۱۹۸۰ ترور شد).

طباطبایی یک فرد مطبوعاتی بود که به‌عنوان نماد دولت شاه سابق به‌چشم می‌آمد. او تنها کسی بود که در کارهای CIA و دیگران برای سرنگونی انقلاب قاطعی می‌شد و خودش را درگیر می‌کرد.»

برادر دوقلوی مقتول طباطبایی، محمدرضا طباطبایی: «من می‌توانم بگویم که برادر من مثل گوسفند، قربانی آزادی گروگان‌ها شد. خمینی، سر را خواسته بود. بخشی از ایالات متحده در این کار دخیل بودند. عناصر اطلاعاتی هم در ترور و هم در فرار قاتل برادرم با دزدان و جنایتکاران خمینی درگیر بودند.»

جو ترنتو نویسنده: «او (طباطبایی) هیچ‌وقت خودش در را باز نمی‌کرد، همیشه از افراد دیگر می‌خواست که این کار را بکنند. اما وقتی آن بار در را باز کرد، آن مرد جوان (داود) به بهانه دادن بسته‌پستی به او و گرفتن امضا، به قتل رسید.»

برادر طباطبایی: «آن عملیات نفوذی بود.»

برادر طباطبایی با اسنادی که پلیس ایالات به او داده بود، ماجرا را تشریح می‌کند. وی می‌گوید هیچ‌کس را پیدا نکردم که این ماجرا را دنبال کند، ترور برادر من با همدستی نیروهای امنیتی آمریکا اتفاق افتاده است. وی در ادامه می‌گوید که «داود بیلغید» باید محاکمه شود و نام و هویت آن‌هایی که خواستند برادرم را بکشند، مشخص شود.

- تلاش برای تبرئه کردن حسن از اتهام به وی برای تعادل بخشیدن صوری در مستند.

حسن: «خیلی فکر می‌کردم که برگردم آمریکا، در نامه‌ای، به وزارت دادگستری نوشتم که اگر قرار شود که محاکمه شوم باید افرادی چون «کارترا»، «برژنيسکی»، «واستین فیلترنر» و «هارولد براون» وزیر دفاع وقت و نقش‌هایی که این افراد در ارتباط با ماجرای گروگان‌ها داشتند، حرف بزنند. این‌ها شرط من هستند و این افراد باید طی محاکمه من، در دادگاه حاضر شوند.»

- هشدار به مقامات آمریکایی برای عبرت‌گرفتن از موضوع «حسن» و آزادی گروگان‌ها.

جو ترنتو: «اگر داود روزی در خیابان‌های تهران ناپدید شود از او درس عبرت درست می‌کنند. آن‌ها به هزار و یک دلیل باید از ماجرای بن لادن درس عبرت بگیرند چرا که ایران و عربستان از وی حمایت می‌کنند.»

- تلاش برای پوشاندن تروریسم دولتی و تعریف تحمیلی ترور بر جهان بر اساس معیارهای آمریکا.

دادستان: «معنای تروریست از ۱۹۸۰ تغییر کرده است؛ از ۱۱ سپتامبر تروریست‌ها را جور خاصی دیدم. ترور داود به نام اسلام تمام شد. ما تروریست‌هایی را که امروز می‌شناسیم ریشه در اسلام افراطی دارند.»

حسن: «من حالا یک نفر را کشتم. تروریسم دولتی آمریکا برای حکمرانی جهانی صورت می‌گیرد.»

جو ترنتو: «اگر داود را بشناسیم با قتلی که انجام داد جور در نمی‌آید. او در جامعه می‌گشت تا پولی را به دست آورد. او کشوری را که با وی برخورد درست نکرده بود، تنبیه کرد. آدم احمقی بود. هرچند نیروهای آمریکایی به دنبال آدم‌های نفوذی بودند. خود را باید بسازیم و جایی برای خود دست‌وپا کنیم. با شناخت توان خودم این‌کار را

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۴۵

می‌کنم.» (زور فیزیکی در تصویر، انرژی نمایش داده می‌شود که مبتنی بر عقلانیت نیست.)

در پایان فیلم حسن در مناطق بالای شهر و هم در پایین شهر به تصویر کشیده می‌شود که آزادانه در تهران زندگی می‌کند. پایان این داستان برای خانواده وی به‌ویژه برادرانش در خانه نمایش داده می‌شود. بلفید می‌گوید که مردم از تمام شخصیت وی آگاه نمی‌شوند. من موافق کاری که حسن کرد نبودم. البته حسن به‌کار خود ایمان داشت و من به آن احترام می‌گذارم. خانواده پاشید. خانواده من هم عمویشان را نمی‌شناسد. به خاطر بلایی که سر من آورد اگر او را ببینم، کتک می‌زنم.

فیلم می‌کوشد که با این سخنان برادران حسن حتی وی را از خانواده‌ی طردشده‌ی القا کند که هیچ مأمونی در خانواده‌ی خود ندارد حتی اگر به آمریکا برگردد.

- قربانی‌شدن بنیادهای انقلاب به‌واسطه‌ی سازش بین مقامات سیاسی نظام و رسیدن انقلاب اسلامی به اهداف خود در سه دهه‌ی گذشته.

فیلم در پایان نیز با سخنان جوترنتو این نکته را تأکید می‌کند: «آینده او را چگونه می‌بینید؟ او آینده‌ای ندارد؛ دست‌کم الان در ایران ندارد؛ چرا؟ در ایران شاید!» به‌نظر نمی‌رسد که دولت ایران خیلی با او مهربان باشد وی در زندگی‌اش تنهاست. به آدم قاتل و مشکوک نمی‌شود اعتماد کرد. «او به من گفت که جامعه‌ی اسلامی که او دنبال آن می‌گشته در ایران وجود ندارد. حسن همان لحظه که ماشه را کشید و طباطبایی را کشت خودش را نیز کشت. انقلاب اسلامی به اهدافش نرسید. سر همه‌ی اصول و بنیادهای انقلاب سازش شد. این اصول قربانی شد. قربانی انقلاب اسلامی خود اسلام است.» (تصاویر لانه‌ی جاسوسی)

- القای نگاه خوش‌بینانه به برقراری ارتباط بین تهران و واشنگتن و بهره‌برداری اصول‌گرایان از آن به نفع خود برای بالابردن اعتبار خود در میان مردم در شرایط مقتضی.

گری سینگ: «به نظر می‌رسد در مرحله‌ای که تندروها احساس کنند که موقعیت‌شان مستحکم شد و برای بالابردن اعتبارشان در میان مردم و به حساب خود گذاشتن امتیاز برقراری ارتباط با آمریکا به دنبال معامله‌ای با آمریکایی خواهند رفت. من هیچ تردیدی ندارم که دولت و ایالات متحده یک رابطه دیپلماتیک خوب خواهند داشت. اما من نمی‌دانم که کی این اتفاق می‌افتد.»

همان‌طور که ابتدای فیلم با حسن شروع شد، انتهای آن نیز با صحبت‌های حسن در خصوص ادامه زندگی و امیدوار بودنش پایان می‌پذیرد.

### نتیجه‌گیری

شاید بتوان گفت که این فیلم، مستند تحقیقی است، اما مستندی هدفمند که تلاش داشته جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کشوری حامی تروریست به مخاطبان خود القا کند. از این جهت زمان ساخت فیلم و نمایش نیز قابل تأمل است. این فیلم در سال ۲۰۰۶ ساخته و به نمایش درآمد است چرا که اگر نگاهی به زمان جریان‌سازی شبکه‌های خبری غربی بیندازیم، خواهیم دید که در این مقطع زمانی دقیقاً بیشترین حجم‌های تروریستی به جمهوری اسلامی نسبت داده می‌شود.

هرچند فیلم در ابتدا می‌کوشد تا از زبان حسن یا آمریکایی فراری حادثه را بیان کند و بی‌طرفی خود را به مخاطبان نشان دهد، اما در همان دقایق ابتدایی زبان روایت حادثه را از وی گرفته و خود «لافوند» روایتگر فیلم می‌شود. در ادامه حسن جمع‌بندی‌هایی را که در فیلم از طریق کنشگران خودی و تهیه‌کنندگان بیان می‌شود، تأیید می‌کند. از این جهت خود سخنان گزینش‌شده حسن، عامل مشروعیت‌بخش جمع‌بندی‌های تهیه‌کننده فیلم می‌شود.

شیوه چینش و روایت فیلم به‌گونه‌ای است که حسن در دادگاهی که خود خواسته است به اعتراف در این زمینه می‌پردازد، هرچند بخشی از فیلم می‌کوشد که از حسن،

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۴۷

مردی هزارچهره نشان دهد که هویتی چندگانه دارد.

از ویژگی‌های این مستند تحقیقی هدفمند، بهره‌گیری از دیالوگ مستند میان کنشگر اصلی فیلم حسن و تهیه‌کننده و کنشگران اصلی در آمریکا است که مخاطب را جذب خود می‌کند.

فیلم در همان ابتدا می‌کوشد که از حسن چهره‌ای به‌ظاهر پیچیده و چندشخصیتی با توجه به افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده، نشان دهد و مانند یک انسان‌شناس آمریکایی به ابعاد روشنگری و هوش وی اشاره می‌کند.

از نکات قابل تأمل در این فیلم استفاده از تصاویر مستند مرتبط با این موضوع همچون سفرهای شاه، سخنان رئیس‌جمهور آمریکا و موضع‌گیری‌های آن‌ها است. هرچند فیلم رهیافتی کاملاً سیاسی دارد، این‌ها موجب غنای فیلم شده، به‌گونه‌ای که لایه هدفمند سیاسی فیلم، کمتر برجسته شود.

از ویژگی دیگر فیلم، ارائه گفتمان چندصدایی در قالب طرح دو دیدگاه درخصوص موضوع گروگان‌گیری یعنی جمهوری خواهان و دموکرات‌هاست. هرچند موضوع گروگان‌گیری در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر اتفاق افتاده است، اما فیلم با نگاه نرم و غیرمستقیم، از کارتر رفع اتهام می‌کند و حتی در طرح دیدگاه تقابلی دو جناح آن کشور این موضوع را به‌عنوان یک موضوع ملی به مخاطب القا می‌کند. از سوی دیگر می‌کوشد که از دولت کارتر، جبهه‌ای صلح‌دوست ارائه دهد.

چیدمان بخشی از فیلم که حسن درخصوص فتوا صحبت می‌کند به‌گونه‌ای به جلو می‌رود که این شبهه را ایجاد می‌کند که امام خمینی آن فتوا را صادر نکرده بلکه نیروهای تندرو یا افراطی صادر کرده‌اند. اگر هم صادر کرده است با گفتمان برچسب طرفداری و حمایت از تروریسم به او می‌زند.

بخش‌های پایانی فیلم، کاملاً به این موضوع می‌پردازد که حسن فردی احمق است و قربانی ماجرای رژیم ایران شده است. سوءاستفاده از عقاید وی بستر این اقدام



تروریستی را فراهم آورده است و اصولاً حسن، قربانی معامله پنهان رژیم ایران با دولت ریگان شده است.

فیلم به صورت غیرمستقیم می‌کوشد که درخصوص معامله برای آزادی گروگان‌های آمریکایی، ریگان را برنده این معامله نشان دهد. البته از کارتر رفع اتهام می‌کند اما این هشدار را به مقامات آمریکایی می‌دهد که نسبت به اقدامات آتی خودشان درخصوص مسائل ایران با تدبیر تصمیم‌گیری کنند. این ماجرا را به عنوان نمونه برای عبرت گرفتن مقامات سیاسی آمریکا از ماجرای آزادی گروگان‌ها برمی‌شمارد. از سوی دیگر، بر حمایت ایران و عربستان از بن‌لادن تلویحاً تأکید می‌کند. موضوع آزادی گروگان‌ها با بن‌لادن و القاعده ربط پیدا می‌کند و به مقامات سیاسی آمریکا در خصوص معامله با ایران هشدار می‌دهد. از سویی، در بخش‌هایی از فیلم ضمن گزینش سخنان برخی از افراد می‌کوشد که سیاه‌پوستان و مسلمانان را افرادی افراطی، تندرو و تروریست معرفی کند.

اما یکی از ابعاد تبلیغاتی این فیلم نیز تلاش برای پوشاندن تروریسم دولتی آمریکا و تلاش برای تحمیل تعریف ترور بر جامعه جهانی براساس ملاک‌ها و معیارهای آمریکا همچون حقوق بشر و ... است.

در کنار این مسائل از برخی کنشگران همچون گری سینگ مشاور امنیت ملی کارتر استفاده شده است. وی کوشیده است که مستند و مفروضات فیلم را در قالب تز سخنان حسن و آنتی تز سخنان کنشگران آمریکا و روایت فیلم به این ستنر، واقع‌نمایی نزدیک کند که دولت جمهوری اسلامی از همان ابتدا رویکرد خود را بر اقدامات تروریستی قرار داده است.

در بخش‌های دیگری از سخنان گری سینگ دیدگاه خوش‌بینانه درخصوص ارتباط دیپلماتیک تهران و واشنگتن مطرح می‌شود. گروه‌های افراطی برای افزایش اعتبار خود موضوع این تعامل را برای خود رقم خواهند زد. اما در این میان یک سنتز قوی را

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۴۹

مطرح می‌کند. البته این سنتز مشروط است، یعنی اگر گروه‌های افراطی فکر کنند که رژیم به استحکام خود رسیده است.

در نهایت بخشی از گفتمان این فیلم بر این موضوع تلویحاً تأکید دارد که دولت کارتر در موضوع آزادی گروگان‌ها بازیچه رژیم ایران قرار گرفت. از زبان حسن نیز بر این نظر تأکید دارد که حسن سیاه‌پوستی که با این عمل به دنبال اتوپیای خود می‌گشت. خود اعتراف می‌کند که ایران جامعه اسلامی نیست و روایت فیلم نیز تأکید دارد که بنیادهای انقلاب، سازش و قربانی شد و انقلاب اسلامی به اهدافش نرسید. این قربانی انقلاب اسلامی همان قربانی اسلامی است. کاربرد واژگان فیلم نیز به لحاظ بار حقوقی قابل تأمل است؛ به جای تسخیر لانه جاسوسی از حمله به سفارت یاد می‌کنند.

#### ۶-۴-۶- عنوان برنامه «پرگار»

برنامه پرگار یکی از مهم‌ترین برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی است که از سال دوم آغاز به کار این شبکه به مباحث اساسی در چارچوب سیاست رسانه‌ای می‌پردازد. این برنامه از صاحب‌نظران، استادان، منتقدان و مخالفان نظام یا به عبارتی از اپوزیسیون خارج از کشور دعوت می‌کند تا مباحث سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و داخلی کشور به‌ویژه مسائل روز طرح شود.

#### ۶-۴-۱- موضوع برنامه: موانع دموکراسی در ایران

مهم‌ترین محورهای گفتمان تلویحی و القایی برنامه «پرگار» عبارتند از:

- القای نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نظامی غیردموکراتیک (غیردموکراتیک نشان دادن نظام جمهوری اسلامی)؛
- تلاش برای ترسیم نوعی از دموکراسی غربی که مردم ایران در فرایند تاریخ به شیوه‌های مختلف به دنبال رسیدن به آن هستند؛

- طرح موضوع نبود دموکراسی و نقض حقوق بشر در کشورها از جمله ایران و... در جهت بهره‌برداری سیاسی یا مداخله در امور داخلی کشورها؛
- بهره‌گیری از استادان و اپوزیسیون خارج از کشور برای مشروعیت‌بخشی به مفروض‌های خود از جمله بازنمایی غیردموکراتیک بودن نظام جمهوری اسلامی؛
- بازنمایی تغییر شرایط کنونی ایران با دوران انقلاب و گسست مردم به‌عنوان پشتوانه نظام از آن؛
- مقایسه تطبیقی نظام جمهوری اسلامی و رژیم شاه در جهت بازنمایی دموکراتیک بودن رژیم گذشته؛
- القای تنزل پایگاه اجتماعی حکومت به ۸ درصد؛
- قرائت استبدادی از تشیع و نفت به‌عنوان دو عامل توأمان در شکل‌گیری نظام غیردموکراتیک در ایران؛
- بازنمایی دولتی که درآمدهای نفتی را در اختیار دارد، به مثابه ارباب مردم نه خدمتگزار آن‌ها؛
- ارزیابی دموکراسی برای ایران با معیارهای غربی؛
- بازنمایی دولت به‌عنوان نهاد فرهنگ گداپرور در جامعه؛
- قطب‌بندی و غیریت‌سازی «خودی» و «غیرخودی» با طرح دو دیدگاه فکری روحانیت یعنی دیدگاه شیخ فضل‌الله و آیت‌الله نائینی؛
- بازنمایی دیدگاه آیت‌الله نائینی به‌عنوان «خودی» و دیدگاه شیخ فضل‌الله نوری به‌عنوان «غیرخودی» در جهت غیریت‌سازی؛
- «گنجی» در تعریف دموکراسی، موازنه بین دولت و مردم را در شرایط کنونی، موازنه عدم قدرت مردم در مقابل دولت و شکل‌گیری موازنه قدرت مردم را در قالب سازمان‌های نهادینه شده به‌عنوان بخشی از برساختن دموکراسی می‌داند؛

فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۵۱

- گریز گنجی به مباحث سیاسی همچون طرح بحث حزب الله و مقایسه آن با حزب رستاخیز و ترسیم شرایط سقوط رژیم شاه و فرینه‌سازی آن وضعیت برای جمهوری اسلامی در شرایط کنونی؛
- نبود نهادهای مدنی، فرهنگ دموکراسی، نبود اجماع نخبگان و کاهش اعتماد اجتماعی عامل شکل‌گیری نظام غیردموکراتیک در ایران؛
- تأکید بر کاهش و شکاف اعتماد اجتماعی بین دولت و مردم در ۳۰ سال عمر نظام جمهوری اسلامی؛
- دولتی بودن اقتصاد، عدم توازن قوا بین مردم؛
- پاسخگو نبودن دولت به انتظارات مردم به خاطر در اختیار داشتن نفت؛
- تأکید بر حضور دینی در حوزه عمومی، نه دولت و حاکمیت؛
- ارائه روایت‌های بنیادگرایانه از دین و القای تعارض داشتن آن با روح دموکراسی؛
- مقایسه روایت فقه‌تشیع با روایت استالینیستی با تکنیک فرینه‌سازی همچون نداشتن عقلانیت در هر دو تفکر، یعنی در دستگاه حدیثی محمدباقر مجلسی و در استالینسیم، لینینسیم و مارکسیسم. اقلیت روحانیون و حزب در مارکسیسم، حق دارند به شیوه استبدادی حکومت کند؛
- در حاشیه قرار داشتن نخبگان و روشنفکران از مسائل مهم کشور؛
- تأکید بر جدایی دین از سیاست از پیش‌شرط‌های نظام دموکراتیک؛
- دخالت کشورهای چون آمریکا و تحریم‌های بیرونی زمینه‌هایی برای شکل‌گیری دموکراسی.

### مفروض برنامه

#### داریوش کریمی مجری برنامه

موانع دموکراسی در ایران چیست؟ نظام‌های غیردموکراتیک حیات خود را در ایران مدیون چه هستند؟ ایران در ۱۰۰ سال اخیر دو انقلاب دید. در فاصله این انقلاب‌ها مردان و زنان تشنه دموکراسی راه‌های غیرانقلابی را با صبر و حوصله آزموده‌اند، از تلاش در درون نظام‌های غیردموکراتیک برای اصلاح آن‌ها تا فعالیت‌های مدنی در خارج از این نظام‌ها؛ از چانه‌زنی سیاسی در محافل بالای قدرت تا فشار از پایین و سیاست به شیوه خیابانی؛ اما برای جوانان که در یک سال اخیر در کانون این تلاش‌ها بودند، گویی هیچ‌کدام از این شیوه‌ها نتیجه نداده است؛ چرا؟ چرا روند دموکراسی در ایران برای ایرانیان خواهان این نظم به‌ظاهر نتایج چندانی نداده است؟ برای یافتن موانع دموکراسی کجا را باید جستجو کرد؛ ساختار نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران یا فراتر از آن‌ها؟

### تحلیل

موضوع دموکراسی از موضوعات جریان‌ساز کهنه شبکه‌های خبری است که در چند سال اخیر در دستورکار تولید آن‌ها قرار گرفته است. همان‌طور که شاهد هستیم از این موضوع به‌عنوان حربه و ابزاری برای دست‌یابی به اهداف سیاسی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه بهره‌برداری می‌کنند. این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که آمریکا برای براندازی آن در قالب انقلاب‌های نارنجی، مخملی و سبز کوشیده است، برای تحت‌تأثیر قرار دادن نخبگان کشور، هدف است. موضوع دموکراسی، حقوق بشر و تروریسم سه عنصر و ابزار کلیدی غرب است که در یک دهه اخیر برای نفوذ، حضور و دخالت در امور داخلی کشورهای در تعارض با منافع غرب به‌ویژه آمریکا، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. از این سه موضوع در رسانه‌های غربی به‌عنوان اهرمی برای سرکوب

کشورهای مخالف غرب بهره‌برداری می‌شود.

این موضوعات آنقدر مهم بوده که در برخی از کشورها با دامن‌زدن به انقلاب‌های مختلف عوامل خود را سر کار آوردند البته در برخی از کشورها از جمله در گرجستان موفقیت‌آمیز نبوده است.

با توجه به ناکامی دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا در جنگ سرد علیه جمهوری اسلامی، از دهه ۷۰ براندازی جمهوری اسلامی در دستورکار سیاست رسانه‌ای در قالب جنگ نرم قرار گرفت.

### غیردموکراتیک نشان‌دادن نظام جمهوری اسلامی

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، موضوع دموکراسی یکی از عناصر کلیدی برای برجسب‌زدن رسانه‌های غربی، به‌ویژه برنامه «پرگار» بی‌بی‌سی فارسی، به نظام است. این برنامه برای مشروعیت‌بخشی به مطالب خود از افرادی که دارای وجهه سیاسی هستند و به نوعی مخالف، معاند و اپوزیسیون خارج از کشور هستند، بهره می‌گیرد. برای القای تعادل در برنامه و بی‌طرفی آن، در این میزگرد در کنار «عباس میلانی» استاد دانشگاه استنفورد و اکبر گنجی، یک دانشجو (شهاب صدری، برنامه‌ریز شهری) و یک خبرنگار بی‌بی‌سی (حامد فرمند) حضور دارند.

داریوش کریمی مجری در ابتدای برنامه می‌کوشد که آرای بالای ۹۸ درصد به نظام جمهوری اسلامی را نادیده تلقی کند و این نظام را غیرمردمی نشان دهد. برای رسیدن به اهداف خود از تکنیک بازتولید گفتمان حوادث گذشته، در قالب روایت تاریخی و توصیف آن، بهره‌برداری سیاسی می‌کند. در این مقدمه با اشاره به نظام دموکراتیک رژیم شاه و فعالیت‌های ایرانیان در درون و بیرون از جامعه و همچنین ترسیم درگیری بین عناصر مهم نهادی، شخصیت‌های ارشد نظام و مردم، نظام را در جلب افکار عمومی، ناموفق ارزیابی می‌کند. در روند برنامه در پی بازکاوی ساختار نظام سیاسی موجود،

آنرا برای مخاطبان غیردموکراتیک ارزیابی می‌کند.

### قرائت استبدادی از تشیع و همچنین نفت به مثابه دو عامل در شکل‌گیری نظام

#### غیردموکراتیک جمهوری اسلامی

مجری در اولین پانل از عباس میلانی استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد آمریکا مهم‌ترین موانع دموکراسی را می‌پرسد. وی بر دو مانع تأکید دارد: اول، موانع فرهنگی، و دوم، موانع طبیعی. ایشان بر این نکته تکیه دارد که مهم‌ترین مانع و شاید تاحدی کمک‌کننده برای دموکراسی در ایران، نفت بوده است. وی ضمن اشاره به دیدگاه محققان علوم اجتماعی تأکید می‌کند که وقتی در یک کشور نفت پیدا شد دولت به جای آن‌که خدمتگزار مردم باشد، ارباب مردم می‌شود.

مردم ایران در ۱۰۰ سال اخیر تمایل به پرداخت مالیات به دولت نداشته‌اند. دولت

#### ارباب مردم است نه خدمتگزار آن‌ها

در ادامه عباس میلانی می‌کوشد که با زیر سؤال بردن اقدامات دولت، نظام را به‌طور غیرمستقیم غیردموکراتیک نشان دهد. جالب آنکه معیار وی در این ارزیابی، غربی است و نه شرقی و دینی. ایشان می‌کوشد که دولت را نهادی که فرهنگ گداپروری را ترویج می‌کند، معرفی کند. در ادامه نفت را به‌عنوان یک مانع مطرح می‌کند که نه دولت‌کنونی و نه دولت‌های قبلی نتوانسته‌اند یک برنامه انتقادی منسجم داشته باشند. وی ضمن اشاره تاریخی به ۱۰۰ ساله اخیر می‌گوید جریان‌های واپس‌گرا و از آغاز مشروطه از زمان شیخ فضل‌الله در مقابل دموکراسی ایستاده‌اند.

#### بهره‌گیری از قطب‌بندی برای بهره‌برداری سیاسی

عباس میلانی ضمن قراردادادن تفکر آیت‌الله نائینی (خودی) در مقابل تفکر شیخ فضل‌الله نوری (غیرخودی) مطرح می‌کند که با نائینی در کتاب خود، تمایل به آشتی و

همسازکردن تشیع با دموکراسی دارد.

وی همچنین می‌گوید شگفت آن‌که نهضت دموکراتیک که در آخر رژیم شاه در اوج خود بود، فردی را به‌عنوان رهبر انتخاب کرد که نماینده تفکر آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود نه نماینده تفکر آیت‌الله نائینی.

### تأکید بر ساختن دموکراسی

گنجی، نبود پیش‌شرط‌های دموکراسی را از موانع تحقق دموکراسی می‌داند، وی دموکراسی را موازنه قوا بین دولت و مردم بیان می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که برای برقراری دموکراسی باید این موازنه شکل بگیرد که اکنون این چنین نیست. یعنی مردم قدرتمند نیستند. وی تأکید دارد، زمانی که مردم مخالف دولت و حکومت باشند، قدرتمند نیستند استادان بلکه وقتی سازمان‌یافته باشند، دارای قدرتمند. تلویحاً این سخن به جریان‌سازی‌های هفته‌های قبل اشاره دارد که همه مردم باید جزء حزب الله باشند. آنان با بهره‌گیری از سابقه تاریخی حزب رستاخیر شاه را مطرح کردند و نتیجه گرفتند که شرایط کنونی جمهوری اسلامی هم، همان شرایط رژیم شاه در حال سقوط است. وی این موارد را از عواملی می‌داند که به‌عنوان پیش‌شرط دموکراسی در ایران وجود ندارد:

۱. نهادهای مدنی؛

۲. فرهنگ دموکراسی یا دموکراتیک، نخبگان بر سر این موضوع اجماع دارند که دموکراسی، حلال مسائل و مشکلات کشور است. دموکراسی بین خودمان نزاع‌هایی را به‌وجود می‌آورد که اگر نباشد فرهنگ دموکراتیک شکل نمی‌گیرد؛

۳. اعتماد، سرمایه اجتماعی را می‌سازد. یکی از خدمات جمهوری اسلامی در ۳۰ سال اخیر این است که عنصر اعتماد در آن به‌شدت از بین رفته است. مردم کمترین اعتماد را به حاکمیت دارند؛



۴. ۸۵ درصد اقتصاد در دست دولت است و مردم بی‌قدرت‌اند این دولت وقتی از مردم مالیات نمی‌گیرد برای مردم قدرتی قائل نیست و پاسخگوی مردم هم نیست؛  
۵. جدایی نهاد دین از سیاست و دولت. یک کشور با حکومت دینی به هر معنایی که باشد، نمی‌تواند دموکراسی درست کند.

اکبر گنجی نیز فقط با معیارهای غربی دموکراسی برای کشور ما را ارزیابی می‌کند. در تحلیل‌های خود کشورها یا دولت‌ها و حکومت‌های غیردینی را موفق ارزیابی می‌کند. نهادهای مدنی، فرهنگ دموکراتیک، اعتماد بین دولت و مردم و جدایی نهاد دین از نهاد دولت و سیاست را عوامل موفق بودن این کشورها، به مخاطب القا می‌کند. وی می‌افزاید که در ایران چون نهاد دین از دولت جدا نیست و دولت خود را ولایی و رهبری می‌داند، اقدامات دولت و نظام از سه دههٔ اخیر تا این مقطع باعث شده که اعتماد اجتماعی بین دولت و جامعه کم شود و یک شکاف در سرمایه اجتماعی رخ دهد. در نهایت مجری بر این نکته تأکید می‌کند که مذهب تشیع مهم‌ترین مانع در رسیدن به دموکراسی است.

### روایت‌های بنیادگرایانه از دین و تعارض آن با دموکراسی

گنجی در ادامه سخنان خود می‌کوشد که جامعه ایران را به گونه‌ای به مخاطب معرفی کند که در آن دین و سنت اسلامی با روایت‌های مختلف و قرائت‌های گوناگون، نفوذ تاریخی دارند. در واقع اسلام فقهاتی با دموکراسی سازگار نیست. وی در نهایت این نتیجه‌گیری را می‌کند که هر حکومت دینی، غیردموکراتیک است. وی بر این موضوع نیز تأکید می‌کند که هر تعریف از دموکراسی که از سوی حکومت دینی ارائه شود با دموکراسی سازگار نیست. البته به علل آن نمی‌پردازد.

### روایت فقهاتی تشیع با روایت استالینی ویژگی‌های مشترک دارد

میلانی می‌کوشد که ویژگی‌های روایت استالینی از مارکسیسم را—که هنوز کاویده

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۵۷

نشده- با روایت فقهاتی قرینه‌سازی کند. عقلانیت در هر دو تفکر جایگاه ندارد نه در تفکر محمدباقر مجلسی عقلانیت است و نه در استالینیسیم. در هر دو جریان نگاه ابزاری حاکم است. هم در اسلام فقهاتی روحانیون و هم در مارکسیسم حزب حق دارد به شیوه استبدادی حکومت کند.

شهاب صوری دانشجوی برنامه‌ریزی شهری: «برای به وجود آوردن فرهنگ دموکراتیک در کشور باید نخبگان جامعه حتماً بر سر این موضوع اجماع داشته باشند که دموکراسی تنها راه پیشبرد مسائل است. در تاریخ شهر نیویورک، کسانی وجود دارند که در کارشان به روش‌های دموکراتیک اعتقاد ندارند. به فردی مانند «رابرت مزوز» که نیویورک جدید را ساخت، هنوز نقدهای زیادی می‌شود که فردی خودرأی است و به دموکراسی به شکل علمی، اعتقاد ندارد. هنوز بازخوردهای مثبتی از عمل ایشان وجود دارد. آیا باید تمام نخبگان جامعه به تمام روش‌های دموکراتیک اعتقاد داشته باشند یا نه؟»

گنجی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: «سوسیالیسم محقق شده با سوسیالیسم آرمانی فرق دارد و دموکراسی نیز چنین است. وی بر این نکته تأکید دارد که نخست باید درخصوص مفهوم نظری دموکراسی توافق وجود داشته باشد. البته شرط این است که نزاع‌های خود را براساس دموکراسی حل کنیم. نظام دموکراتیک، فرد دموکراتیک را به وجود می‌آورد و افراد دموکراتیک نیز نظام دموکراتیک را شکل می‌دهد.»

البته سؤال شهاب صدری قابل تأمل است؛ وی می‌گوید اگر جامعه آمریکا یا شهر نیویورک ساختار دموکراتیک داشته باشد، خواهیم دید که خود افراد یا کنشگرهای اصلی جامعه آنرا قبول ندارند. وی صرفاً بر بنیان فکری دموکراسی تأکید دارد اما به بُعد عملی آن اعتقاد ندارد و آنرا نسبی ارزیابی می‌کند. در حقیقت اگر ایشان بر موازنه قوا در دموکراسی بین دولت و مردم تأکید دارد پس چرا وقتی افکار عمومی در غرب مخالف جنگ است، این موازنه مانع اقدامات خودسرانه نمی‌شود. دموکراسی‌ای که ایشان از آن یاد می‌کند، صرفاً بستر اقدامات خودسرانه برای راهبردهای سیاسی

کنشگرانی همچون بوش، رامسفلد و دیک‌چنی را فراهم می‌کند. این امر با این نظر او که می‌گوید نظام دموکراتیک فرد دموکرات و افراد دموکرات، نظام دموکراتیک را شکل می‌دهند، کاملاً در تناقض است. تصمیم‌های افراد در جامعه غرب، تأثیر چندانی ندارد؛ زمانی که اجماع بر سر جنگ بین نخبگان مطرح است، این اجماع هیچ نقش مهمی در اقدامات دموکراتیک مانند جنگ ندارد؟

**حامد فرمند:** «آیا نفت به ما کمک می‌کند که به سمت جامعه دموکراتیک برویم؟»  
**میلانی:** «ما قبل از کشف نفت دموکراسی نداشتیم. در تاریخ پدیده‌های زیادی وجود داشت که مؤرخان درباره آن نوشتند که به ایجاد یک دولت مرکزی ابرقدرت کمک کردند. «مارکس» آن را شیوه تولید آسیایی، و «تیفوگل» آن را استبداد شرقی و «کاتوزیان» آن را جامعه هیدرولیک می‌نامند. مراد از همه این‌ها وجود یک دولت مرکزی قوی است برای ساختن قنات که مهم‌ترین مهندسی جهانی برای ما ایرانیان است. وی در ادامه، در نقد سخنان گنجی درخصوص توازن قوا معتقد است که توازن قوا شرط لازم است اما کافی نیست. به‌عنوان مثال، فنودال و دولت در اروپا وجود داشت، بین کلیسا و دولت توازن قوا وجود داشت. جنگ‌ها از به‌هم خوردن این توازن قوا به‌وجود می‌آید از جمله جنگ‌های داخلی انگلستان. نفت مانع دموکراسی بود. محمدرضاشاه یک حکومت ورشکسته را در سال ۱۳۲۵ تحویل گرفت و در سال ۱۳۴۱ یک دولت منسجم ساخت.»  
**کشور متجدد را نمی‌توان دموکراتیک نامید.**

میلانی معتقد است که برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی از الگوی چین تبعیت می‌کنند. اقتصاد توسعه پیدا کند، وضع اقتصادی بهبود یابد ولی توسعه سیاسی به دموکراسی نینجامد.

### جدایی دین از سیاست یکی از پیش‌شرط‌های نظام دموکراتیک

میلانی معتقد است که اول، سکولاریسم و در اروپای شرقی برای بی‌دین کردن مردم

به تمامیت‌خواهی تبدیل شد. دوم، جدایی نهاد دین از نهاد سیاست پیش‌فرض دموکراسی است. سوم، خصوصی‌کردن دین. میلانی می‌گوید ملاک اراده اجتماعی یا عمومی است. ریچارد رورتی می‌گوید هر قدر فضای خصوصی بیشتر باشد، دموکراسی بیشتر است. وی می‌گوید اگر دختر ۹ ساله ازدواج کند، باید خود به آن اعتقاد داشته باشد، اما اراده عمومی مردم ایران مهم است نه آنچه پیامبر گفته است. گنجی معتقد است که «هابرماس» در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۵ می‌نویسد که اگر دین در قلمرو دین نباشد، غیرممکن و غیرمطلوب است. «چارلز تیلور» هم به این مسئله معتقد است، زبان رهبر جنبش حقوق مدنی آمریکا، مارتین لوتر کینگ، انجیلی بوده است، هر دو معتقدند که دین در قلمرو نقش مثبت ایفا می‌کند.

به اعتقاد هابرماس و چارلز تیلور، ما آزادیم تا در قلمرو عمومی هر ادعایی را طرح و نقد کنیم، هابرماس می‌گوید که ما آزادیم تا ارزش‌های خودمان را در قلمرو خودمان طرح کنیم، ولی وقتی که با همدیگر گفتگو می‌کنیم، باید استدلال بیاوریم. یعنی از زبان غیردینی یا سکولار استفاده کنیم. وی معتقد است که همه ادیان و ایدئولوژی‌ها در قلمرو عمومی باید وجود داشته باشند. هر فرد دیندار ارزش‌های عمومی را تبلیغ کند و در موقع گفتگو باید زبان سکولار داشته باشد.

قلمرو و نفوذ دینی در حوزه عمومی با قلمرو دولت متفاوت است. البته این نقش در قلمرو عمومی با دموکراسی منافات ندارد.

میلانی معتقد است که روحانیون بزرگ‌ترین دروغی که در ۱۰۰ سال اخیر به مردم گفتند، این بود که اگر نهاد دین را از نهاد دولت جدا کنید، نمی‌توانید بگویید دیندار هستید. باورها و عقاید به حوزه خصوصی افراد تعلق دارد. شکستن روزه در ماه رمضان حق شماس است. گنجی در مقایسه با این موضوع، از طرح خصوصی‌شدن اقتصاد می‌گوید، که دولت نقش خود را در این حوزه کاهش دهد. وقتی دین از قلمرو دولت بیرون

۲۶۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

می‌آید، نه دولت دینی وجود دارد و نه دین دولتی. دین دولتی اتفاق افتاده است. یعنی آقای خامنه‌ای به عنوان ولی فقیه، مراجع و حوزه‌ها را در مشت خود گرفته و این‌گونه آن‌ها بیشتر آسیب می‌بینند.

**شهاب صدری دانشجوی برنامه‌ریزی شهری:** «سیاست‌های دولت برای مبارزه با قشر متوسط عمدی است یا غیرعمدی؟»

میلانی با اشاره به مباحث ارسطویی معتقد است که قشر متوسط تنها قشر و گروهی است که می‌تواند دموکراسی را نهادینه کند. حامل دموکراسی، ۳ میلیون از طبقه متوسط و تحصیل‌کرده در ایران هستند که در مهاجرت‌اند. اگر این طیف از افراد در ایران بودند نقش مثبتی را در روند دموکراسی داشتند. ویژگی این قشر در مقایسه با دیگر گروه‌ها احتیاط کردن است.»

**حامد فرمند خبرنگار:** «تا نفت هست این شرایط نیز هست. حل این مشکلات کلان خیلی زمان می‌خواهد. اگر موانع دموکراسی خیلی کلان است، باز ایرانیان می‌خواهند که دموکراسی باشد. اگر این قدر دور از دسترس باشد چه معنی دارد؟»

#### پیش شرط‌های دموکراسی

شما نمی‌توانید در افغانستان دموکراسی ایجاد کنید چون جامعه قبیله‌ای است اما در ایران جامعه شهری است. ۷۰ درصد در شهرها زندگی می‌کنند. به اعتقاد گنجی برقراری دموکراسی در ایران کاملاً ممکن است. اکثر جامعه ما با دولت مخالف هستند. ظرف سه دهه زندگی خود را تجربه کرده‌اند. پایگاه اجتماعی حکومت قطعاً کمتر از ۸ درصد است. این نظرسنجی در دوره اصلاحات انجام شده است و قطعاً از این هم کمتر است. به لحاظ جامعه‌شناختی قطعاً کمتر از ۱۰ درصد است و اکثریت با آن نیستند ارزش‌های ۷۵ درصد جمعیت ایران که زیر ۳۵ سال هستند، با دولت متفاوت است.

### رابطه بنیادگرایی دینی و دموکراسی

بنیادگرایی دینی پدیده جدیدی است که با روند دموکراسی در ارتباط است. چقدر بنیادگرایی مدرن و ریشه‌دار است؟ چقدر به فرهنگ مذهبی مربوط است؟ این رژیم بنیادگرا نیست؟

میلانی معتقد است که رژیم جمهوری اسلامی بنیادگرا نیست، بلکه فرصت‌طلبی است که مذهب را ملعبه قرار داده است. آیت‌الله خمینی فتوا داد که اگر مصلحت رژیم اقتضا کند، اصول تشیع را زیر پا می‌گذاریم. این، مصلحت‌گرایی است و بنیادگرایی نیست. مصلحت‌گرایی در غایت مفهوم سیاسی‌اش تمامیت‌خواه و همه چیز در اختیار دولت است.

بنیادگرایی پدیده‌ای مدرن نیست؛ بنیادگرایی از فوت پیامبر به بعد در اسلام بوده است. اشاعره در مقابل معتزله است که دقیقاً بنیادگرایی در پشت شریعت است. خودآگاهی گنجی و سروش در ادامه سنت ۱۳۰۰ ساله معتزله است. آنان می‌گویند اسلام باید از جاهای دیگر هم تغذیه شود.

دولت مدرن پدیده‌ای است که در دوران اخیر در غرب ایجاد شده است. در ایران در دوران تجدد زبان ملی به وجود آمد، زبان‌ها ملی شده‌اند.

**گنجی:** «در مورد بنیادگرایی، اجماع تعریف وجود ندارد. ارکان بنیادگرایی ضدیت با مدرنیته است. خود مدرنیته مربوط به دوران معاصر است. بنیادگرایی واکنش به مدرنیته است (مدرنیته متأخر در طالبان دیده می‌شود).»

**میلانی:** «بنیادگرایی معاند دموکراسی است. در واقع بنیادگرایی مارکسیستی و لیبرالیستی معاند دموکراسی‌اند، بنیادگرایی قرائت یا تصویری از متون بنیادی است که همه مسائل را دربرمی‌گیرند. این متون هیچ استثنا و تضادی ندارند و برای همه زمان‌ها لازم‌الاجرا هستند. قرآن محمدی در زمان محمد(ص) صادق است. دموکراسی معتقد است که هیچ گروهی، حقیقت مطلق ندارد.»

**گنجی:** «همین تشیع از امام یازدهم و فرزند امام دوازدهم که از نظر شیعیان در غیبت است، اجرای حدود اسلامی را استنباط می‌کند. در قرآن فقط غیرمعصوم حدود را اجرا می‌کند. ۱۲ قرن این‌چنین بوده است. در دوران معاصر این احکام تعطیل نشده است. (امام خمینی) متخصصی است که آمده آن‌ها را اجرا کند، مانند نماز جمعه.»

**شهاب صدری:** «راه‌های کوچک برای به‌وجود آوردن دموکراسی و رفع موانع خرد برای دموکراسی کدام‌ها هستند؟ عوامل بین‌المللی خارجی از موانع مهم در رسیدن به دموکراسی‌اند؟»

گنجی معتقد است، یکی از آن‌ها شرایط مساعد بین‌المللی برای رسیدن به دموکراسی است. تحریم‌های اقتصادی، گفتمان تضاد با جامعه بین‌المللی زیر خط فقر بودن ۱۵ میلیون نفر، سیاست‌های دوگانه غرب به‌ویژه آمریکا درخصوص ایران هسته‌ای، سیاست‌های غرب، تحریم‌ها، نظامی کردن منطقه و... از جمله موانع دموکراسی در ایران هستند.

**میلانی:** «تحریم‌ها علیه ایران شامل مردم این کشور نمی‌شود. این تحریم‌ها وابسته به سپاه و شرکت‌های وابسته به قرارگاه خاتم‌الانبیا هستند. فشار بر آن‌ها فشار بر دموکراسی در ایران نیست، بازی را کمی برابرتر می‌کند. برای گذار به دموکراسی در ایران یک رژیم مسلح برای خونریزی در مقابل اکثریتی از مردم مخالف (۱۴ میلیون نفر یعنی حداقل ۷۰ تا ۹۰ درصد) قرار دارد. جامعه بین‌المللی بدون این‌که در اوضاع داخلی ایران دخالت کند. برای برقراری دموکراسی باید دعوا را برابرتر کرد. رژیم جمهوری اسلامی با رژیم آپارتاید بسیار مشابهت دارد.

**مجری:** «گنجی معتقد است که سیاست‌ها و تبعیض‌های غرب که در منطقه دنبال می‌کند، به تضعیف دموکراسی می‌انجامد.»

**میلانی:** «بسیاری را سیاست‌های غرب در چند سال اخیر به دموکراسی در ایران کمک نکرده است. شکستن همه کاسه و کوزه‌ها بر سر غربی‌ها شانه خالی کردن از

مسئولیت‌های داخلی خود ماست.»

با توجه به مباحثی که مطرح شد، نقش رسانه بی‌بی‌سی و سیاست آن بر اساس اهداف اعلام شده و اعلام نشده این رسانه پیش و پس از انتخابات بر همگان مشخص شد. هرچند در القای هدف برنامه «پرگار» این گونه برداشت می‌شود که میهمان‌های دعوت‌شده، بخشی از نمایندگان روشنفکران هستند که دیدگاه‌های خود را در این برنامه بیان می‌کنند و این برنامه به دلیل نبود یک گفتگوی فراگیر بین جریان‌های مختلف فکری در ایران، بستری برای گفتگو بین این جریان‌ها فراهم کرده است. به عبارتی، هدف آن، ایجاد گفتگو بین روشنفکران ایرانی در مورد مسائل جامعه ایران و قراردادن آن‌ها در معرض پرسش‌های جدی است. اخیراً برنامه‌های این شبکه از قبیل پرگار، صفحه دو و به عبارت دیگر در وبلاگ‌ها آمده و فیلم‌های آن نیز روی وبلاگ‌ها قرار گرفته است.

برخی از تحلیل‌های شبکه‌های اجتماعی و وبلاگ‌های مخالف نظام، موفقیت این برنامه را ناشی از این می‌دانند که در ایران همواره جای رسانه‌ای که «گفتگو بین جریان‌های فکری معاصر» را هدف خود قرار دهد، خالی بوده است. نه مجله‌ای، نه رادیویی و نه حتی سایت و رسانه‌ای اینترنتی. حالا بماند که حتی اگر رسانه‌ای هم باشد راضی کردن بسیاری از این افراد به گفتگو و تن سپردن به نقد و مناظره رو در رو یا حتی گفتگو یا مناظره قلمی و مدنی، کار صعب و دشواری است.

با وجود این، برنامه هفته چهارم پرگار به موضوع «موانع دموکراسی در ایران» اختصاص داشت که در آن عباس میلانی استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد آمریکا و اکبر گنجی شرکت داشتند. در این برنامه دوپانله که با اجرای داریوش کریمی است، شهاب صدر دانشجوی برنامه‌ریزی شهری و حامد فرمند خبرنگار، برای جذاب کردن برنامه و به نمایندگی از مخاطبان برنامه حضور داشتند.



### معرفی میهمان برنامه: عباس میلانی

عباس میلانی استاد دانشگاه استنفورد و نویسنده کتاب‌هایی چون «تجدد و تجدد ستیزی در ایران» و «معمای هویدا» است، البته ترجمه کتاب‌های ادبی و فلسفی مانند «مرشد و مارگریتا» اثر «میخاییل بولگاکوف» و دوره سه جلدی کتاب ارزنده «جریان‌های اصلی در مارکسیسم» نوشته «لشک کولاکوفسکی» را نیز باید به کارنامه عباس میلانی افزود.

سؤال‌های این برنامه از میهمان‌ها در خصوص موانع دموکراسی در ایران به ترتیب عبارتند از:

۱. نهادهای مدنی؛
۲. فرهنگ دموکراتیک؛
۳. اعتماد؛
۴. اقتصاد دولتی و نفت؛
۵. حضور دین در قلمرو خصوصی و عمومی؛
۶. دخالت دولت در دین و حضور دین در سیاست؛
۷. طبقه متوسط؛
۸. عوامل بین‌المللی.

میلانی، در این برنامه، ساختار اقتصادی ایران، حاکمیت دولت نفتی و همچنین تلقی خاصی از تشیع را مهم‌ترین موانع دموکراسی در ایران دانست. اکبر گنجی از نیروهای اپوزیسیون خارج از کشور و روزنامه‌نگار، اکنون تحلیلگر، معاند و اپوزیسیون سیاسی علیه نظام در خارج از ایران مشغول به فعالیت است. او فقدان موازنه قوا بین مردم و دولت، ضعف نهادهای مدنی، فقدان سرمایه اجتماعی، اقتصاد دولتی و ادغام نهاد دین در نهاد دولت را مهم‌ترین موانع دموکراسی در ایران دانست. وی همچنین از اجماع نخبگان در مورد دموکراسی به‌عنوان یکی از شروط در

پیش‌زمینه‌های دموکراسی نام برد که شیوه اداره کشور و راه‌حل منازعات است.

### نفت و دموکراسی

عباس میلانی با تأکید بیشتر و اکبر گنجی به نحوی کم‌رنگ‌تر، ساختار اقتصادی ایران را به عنوان یکی از موانع دست‌یابی به دموکراسی مطرح کردند. میلانی به‌طور خاص و صریح به نظریه نفرین منابع<sup>۱</sup> یا پارادوکس فراوانی<sup>۲</sup> و به‌طور خلاصه به موقعیت، سرعت و رشد ناسازواره کشورهای دارای منابع سرشار طبیعی می‌پردازد. چرا که بر طبق مشاهدات تجربی، کشورهای دارای منابع طبیعی بیشتر، غالباً از سرعت رشد کمتری نسبت به کشورهای فقیر به لحاظ منابع طبیعی برخوردار بوده‌اند. نظریه نفرین منابع بیان می‌کند که در اغلب کشورهای غنی از لحاظ منابع طبیعی، رشد اقتصادی در یک دوره طولانی مدت نسبت به دیگر کشورها کمتر است. این نظریه به دنبال توضیح دلایل رشد کند اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی بوده است. میلانی با اشاره به دولت نفتی از آن به عنوان مانع بزرگی در برابر دموکراسی یاد کرد. گنجی نیز با اشاره به تجمیع ۸۵ درصد از اقتصاد کشور در دولت و نهادهای وابسته به رهبری، از مانعی به نام اقتصاد دولتی سخن گفت. البته باید به این نکته توجه کرد که درآمدهای نفتی مهم‌ترین عامل بازتولید اقتصاد دولتی و بزرگ‌ترین مانع اقتصاد آزاد است. چیزی که گنجی به آن اشاره‌ای نکرد. به نظر می‌رسد دموکراسی‌ای که گنجی و میلانی برای ایران ترسیم می‌کنند، دموکراسی غربی است که در خود کشورهای غربی جواب نداده است تا برسد به ایران و کشورهای منطقه. البته در کنار دموکراسی در ایران، مردم‌سالاری دینی وجود دارد که در بحث‌های خود به این موضوع نپرداختند.

هرچند گنجی تأکید دارد که حرکت به سوی سرمایه‌داری و اقتصاد آزاد مطمئن‌ترین راه برای ایجاد یک دولت محدود و پاسخگو و یک طبقه متوسط واقعی است. درست

---

1. Natural resources course

2. Paradox of Planet

مثل اسپانیا، پرتغال، شیلی، تایوان، کره جنوبی و مکزیک، اصلاحات اقتصادی در خاورمیانه نیز می‌تواند تأثیرات سیاسی بر جای گذارد.

وی معتقد است که روشنفکران و نخبگان سیاسی در ایران اگر دموکراسی می‌خواهند، اگر از یک نظام حقوقی سکولار مبتنی بر قواعد حقوق بشر دفاع می‌کنند و اگر مایلند کشورشان از چرخه معیوب عقب‌ماندگی و استبداد رها شود باید بر یک مسئله اجماع کنند.

### اصلاحات اقتصادی

جهت این اصلاحات مشخص است؛ رها کردن اقتصاد از سلطه دولت و حاکمیت، سازوکار بازار آزاد. در واقع پاسخ اصلی به پرسش چرا به دموکراسی نمی‌رسیم را نیز باید در نوع مناسبات اقتصادی کشور جستجو کرد، به تحلیل‌هایی که نقش و اولویت اصلی را به مذهب و فرهنگ می‌دهند از درک زمینه‌ها و ریشه‌های اقتصادی دموکراسی عاجزند.

بسیاری نمی‌توانند یا نمی‌خواهند رابطه بین اقتصاد آزاد و دموکراسی را درک کنند. آن‌ها از درک این نکته ناتوان‌اند که بدون وجود یک بخش خصوصی قدرتمند و یک بورژوازی مستقل و نیرومند صحبت کردن از دموکراسی به فریاد با لب‌های دوخته می‌ماند. نمی‌توان از دموکراسی دفاع کرد اما به بازار آزاد حمله کرد. بررسی تاریخ گذار دموکراتیک نشان می‌دهد که تنها دولت‌هایی دموکراتیک می‌شوند که منابع مالی‌شان را از راه مالیات شهروندان به دست می‌آورند. دولتی که خود به مثابه پدر خانواده در نقش قیم اقتصادی جامعه نیز ظاهر می‌شود، هرگز به دموکراسی تن نمی‌دهد. از اینجاست که نقش پیش‌تاز بورژوازی مستقل از دولت و پیوند وثیق اقتصاد آزاد با دموکراسی رخ می‌دهد: بدون اقتصاد آزاد، بورژوازی مستقل به وجود نمی‌آید و بدون بورژوازی مستقل که موجد مفهوم شهروند و مهم‌ترین منبع مالی دولت باشد، دموکراسی شکل نخواهد

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۶۷

گرفت. در واقع به تعبیر رسا و دقیق برینگتون مور «بورژوازی نباشد، دموکراسی هم نیست»، بورژوازی مستقل و نیرومند بزرگ‌ترین مانع در برابر تعرض دولت به حوزه جامعه مدنی است.

وابستگی شدید بودجه عمومی به درآمدهای نفتی مهم‌ترین مانع آزادسازی اقتصاد و در نتیجه مانع مهمی در برابر پیدایش بورژوازی مستقل و دموکراسی است. ما به دموکراسی نمی‌رسیم به این دلیل که دولت منابع مالی خود را از فروش نفت تأمین می‌کند و احتیاجی به مالیات شهروندان ندارد. «عقلانیت نفتی» جایی برای رشد عقلانیت دموکراتیک نمی‌گذارد. در واقع پول نفت نه فقط مانع دموکراسی در ایران که مانع توسعه و رشد اقتصادی هم هست. مشکل اصلی ایران و بسیاری دیگر از کشورهای خاورمیانه نه مذهب و فرهنگ که وجود دولت نفتی است. فرهنگ در واقع همواره توضیح‌دهنده‌ای کاذب برای تبیین علل شکست جنبش‌های دموکراتیک در خاورمیانه است. تحلیل‌هایی که نقش اصلی را به فرهنگ می‌دهند و از زمینه‌های اقتصادی دموکراسی غفلت می‌کنند نه تنها راه به جایی نمی‌برند که سال‌هاست حرکت‌های دموکراسی خواهانه را به بیراهه برده‌اند. حل مسأله دولت نفتی شاید به معنای پیمودن تمام راه دموکراسی نباشد و قطعاً نمی‌توان از برخی موانع فرهنگی و تاریخی دموکراسی به‌سادگی درگذشت، اما آنچه مسلم است این‌که بدون حل مسأله دولت نفتی، دموکراسی ناممکن است. در واقع، شکستن ساخت دولت مطلقه نفتی از طریق حذف نقش ممتاز درآمدهای نفتی در بودجه عمومی، مقدمه لازم و واجب حرکت به سوی یک ساختار سیاسی و فرهنگی دموکراتیک و یک نظام اقتصادی توسعه‌یافته است. بدین ترتیب عقلانیت اقتصاد مدرن و عقلانیت دموکراتیک، جایگزین عقلانیت نفتی شده و راه برای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی نیز باز می‌شود.

ثروت طبیعی در بسیاری موارد هم مدرنیزاسیون سیاسی و هم رشد اقتصادی را به تأخیر می‌اندازد. (نظریه نفیرین منابع) «جفری دی ساکس» و «اندررو وارنر» دو اقتصاددان

هاروارد با بررسی ۹۷ کشور در حال توسعه طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی نشان دادند که وجود موهبت‌های طبیعی مانند نفت و وابستگی اقتصاد کشور به این منابع ارتباط کاملاً معناداری با توسعه‌نیافتگی و ناکامی اقتصادی دارد.

در عین حال مطالعات آکادمیک نشان‌دهنده آن است که میزان رفاه و سطح توسعه‌یافتگی جوامع ربط وثیقی با دموکراتیک شدن آن‌ها و پایایی دموکراسی‌هایشان دارد. به اعتقاد «سیمور مارتین لیپست»، «هر چه کشوری مرفه تر باشد، بخت آن برای حفظ و تحکیم دموکراسی بیشتر است». لیپست می‌گوید کشورها وقتی از لحاظ اقتصادی توسعه می‌یابند که، جوامع‌شان توانایی‌ها و مهارت‌های لازم برای اداره لیبرالی و دموکراتیک خویش را به دست می‌آورند. مطالعه آماری «آدام پروورسکی» و «فرناندو لیمونگی» هم مؤید همین نکته است. آن‌ها طی مطالعه خود به این نکته پی‌بردند که هرچه سطح درآمد سرانه بالاتر باشد پایایی و عمق دموکراسی بیشتر است.

خاورمیانه محتاج یک رنسانس است، اما این رنسانس پیش از فلسفه و هنر باید از اقتصاد آغاز شود. (در غرب هم همین اتفاق افتاد) نیروی مسحورکننده بازار آزاد و بورژوازی رنسانس را در خاورمیانه پیش خواهد برد به شرطی که پیش از آن مانع سترگ نفت و دولت نفتی از برابرش برداشته شود.

رنسانس در اقتصاد ناگزیر فلسفه، فرهنگ و هنر را نیز تکان خواهد داد. «پیامد اقتصاد آزاد جامعه باز و حکومت دموکراتیک خواهد بود»، به این جمله «میلتون فریدمن» اعتماد کنید، تاریخ جوامع دموکراتیک، خود بهترین گواه این گزاره است.

بنابراین در هرگونه بحث در مورد موانع دموکراسی در ایران نباید از معضل دولت نفتی غفلت کرد. میلانی در بخشی از صحبت‌هایش به این نکته اشاره کرد که «نفت در دست دولت‌های دموکراتیک مفید است» البته این حرف درستی است اما باید توجه داشت که هر دولتی که سهم عمده بودجه عمومی‌اش را درآمدهای نفتی تشکیل می‌دهد در برابر دموکراتیزاسیون مقاومت می‌کند. (در کشورهایی مانند نروژ و آمریکا به

هیچ‌وجه پول نفت سازنده بودجه دولت نیست) بنابراین در کشوری مثل ایران خارج کردن درآمد نفت از دست دولت، اولویتی مهم برای دموکراسی و توسعه است. پس در ایران باید راه‌حلی برای جلوگیری از چنگ‌اندازی دولت بر پول نفت پیدا کرد.

#### مذهب، تشیع و سکولاریسم

هم گنجی و هم میلانی به نقش مذهب - قرائت رایج از مذهب - در عدم شکل‌گیری دموکراسی اشاره کردند، به غیر از این، گنجی ادغام نهاد دین در دولت را یکی از موانع دموکراسی دانست. وی معتقد است که «هیچ نوع حکومت دینی نمی‌تواند دموکراتیک باشد.»

میلانی اما در تحلیلی به خصوصیات مشترک قرائت رایج از تشیع با مارکسیسم استالینی (مارکسیسم - لنینیسم یا به بیان بهتر مارکسیسم انقلابی) اشاره کرد. مارکسیست‌ها هم مانند شیعیان به نوعی به «نقل و حدیث» متوسل می‌شوند منتها منابع آن‌ها نه قرآن و بحارالانوار بلکه کتاب‌های مارکس، لنین و امثالهم است. مارکسیسم انقلابی هم مانند تشیع «شهیدپرور» است. مارکسیست‌ها هم آخرالزمان، بهشت و ناجی خودشان را دارند، مانیفست کمونیسم مارکس وعده بهشت را - البته روی زمین - می‌دهد و پرولتاریا قرار است در آخرالزمان ناجی انسان‌ها باشد. در مارکسیسم انقلابی تنها یک قرائت صحیح از مارکس وجود دارد و حزب پیشتاز طبقه کارگر راوی و حافظ این قرائت است، در قرائت رایج از تشیع نیز همه حقیقت در یک قرائت مستتر است با این تفاوت که در اینجا راوی و حافظ این قرائت، روحانیون هستند. میلانی البته به برخی از شباهت‌های ذکر شده در بالا مانند شهیدپروری مارکسیسم و تشیع اشاره ای نکرد.

گنجی و میلانی در مورد تعریف سکولاریسم نیز - به‌رغم برخی اختلافات و مشکلمان بر سر مفهوم «حوزه خصوصی» - نهایتاً به یک تعریف مشترک رسیدند. در

این تعریف، دین از دولت جداست ولی در عرصه عمومی حاضر است. تعریف آن‌ها از سکولاریسم شبیه به تعریفی است که آرش نراقی در مقاله اخیرش ارائه داده است: «پدیده سکولاریسم در رابطه با عرصه عمومی تعریف می‌شود. مطابق این تلقی، قوانین الزام‌آور و سیاست‌هایی که بناست توسط حکومت و برای تدبیر عرصه عمومی در یک جامعه متکثر، اعمال شود باید تابع سه اصل اخلاقی زیر باشد:

**اصل اول:** برخی دلایل سکولار یا غیردینی می‌تواند قوانین الزام‌آور و سیاست‌های تنظیم‌کننده عرصه عمومی را موجه سازد، اما هیچ دلیل دینی به اعتبار دینی بودنش، نمی‌تواند چنین نقشی ایفا کند.

**اصل دوم:** بنابراین شهروندان اخلاقاً نباید از قوانین و سیاست‌هایی حمایت کنند که به اعتقاد ایشان هیچ بنیان عقلی غیردینی قابل قبولی برای آن‌ها وجود ندارد، ولو آنکه از منظر دینی بتوان برای آن قوانین و سیاست‌ها، شواهد متقنی فراهم آورد. به بیان دیگر وظیفه اخلاقی شهروندان آن است که هرگز نفوذ سیاسی خود را برای تصویب و تحکیم قوانین و سیاست‌هایی که به اعتقاد ایشان فقط بر مبنای دینی توجیه‌پذیر است و هیچ دلیل عرفی مقبولی برای آن وجود ندارد، به‌کار نگیرند.

**اصل سوم:** دین‌باوران و دین‌ورزان می‌توانند از قوانین و سیاست‌هایی حمایت کنند که در باورهای دینی و ایمانی ریشه دارد، اما ایشان باید بتوانند در فضای گفتگوی عمومی و سیاسی در مقام توجیه آن قوانین و سیاست‌ها، دلایل غیردینی خردپسندی نیز ارائه نمایند.»

آنچه گنجی و میلانی بر سر آن تفاهم کردند کم‌وبیش به این تعریف نراقی شباهت داشت. البته سکولاریسم، کلمه‌ای مبهم و فرایندی پیچیده است، ولی آنچه را که گنجی، میلانی و نراقی می‌گویند تقریباً می‌توان مخرج مشترک همه این تعاریف و نتیجه محقق سکولاریسم و همچنین لائیسیته دانست. (البته لائیسیته و سکولاریسم دو فرایند متفاوت‌اند)

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۷۱

شاید بتوان گفت که استفادهٔ میلانی از کلمه «اراده عمومی» در برنامه ابهام‌زا بود؛ او در جایی و در حین بحث در مورد معنای سکولاریسم گفت: «ملاک عمل اجتماعی ارادهٔ عمومی است.» استفاده از کلمهٔ ارادهٔ عمومی در این بحث تا حدود زیادی می‌تواند، گمراه‌کننده باشد. ارادهٔ عمومی، مفهومی است که بیش از همه «ژان ژاک روسو» آن را پرورده است. مفهوم روسویی ارادهٔ عمومی، ضدیت جدی با آزادی دارد و بستر ساز استبداد اکثریت است؛ البته ارادهٔ عمومی، مفهومی مبهم است که بسیاری از مفسران آن را از ارادهٔ اکثریت متمایز دانسته‌اند اما عملاً ارادهٔ عمومی در عرصهٔ واقع چیزی جز ارادهٔ اکثریت نخواهد بود. حاکمیت ارادهٔ عمومی به مفهوم روسویی همان حکایت «حکومت مشتی غوغا» است که میلانی از قول بیهقی نقل کرد.

البته با شناختی که از میلانی داریم، می‌توانیم حدس بزنیم که منظور او از ارادهٔ عمومی متضمن مفهوم روسویی آن نبوده و احتمالاً اقتضائات بحث شفاهی است که گفتار میلانی را در این باب با ابهام مواجه کرده است. در واقع قوانینی که تنها منشأ آن‌ها ارادهٔ عمومی است، می‌توانند ناقض حقوق بشر باشند. تاریخ بشر بارها شاهد قرار گرفتن ارادهٔ عمومی در برابر حقوق بنیادین بشر بوده است. از این رو نمی‌توان گفت که در جامعهٔ سکولار ملاک عمل اجتماعی، تنها ارادهٔ عمومی است، شاید استفاده از مفهوم عقل جمعی - آن هم به نحوی که مقید به رعایت حقوق بنیادین بشر باشد - به جای ارادهٔ عمومی، مشکل این بحث را حل کند.

میلانی در جایی نیز، اشاره‌ای به مفهوم ملت و شکل‌گیری آن در ایران داشت که ابهام برانگیز بود. البته بحث در این مورد را به واسطهٔ پیچیدگی و طولانی بودنش باید به فرصت دیگری وانهاد.

#### بنیادگرایی

اکبر گنجی به سیاق متفکرانی مانند «فرانسیس فوکویاما» و احتمالاً به پیروی از آن‌ها



بنیادگرایی را پدیده‌ای مدرن می‌داند. فوکویاما البته بنیادگرایی دینی را در پیوند با مسألهٔ هویت تعریف می‌کند. وی همچون «برنارد لویس» خطر اسلام‌گرایی رادیکال را برای اروپا بیش از آمریکا می‌داند. «اولیویه روآ» و «ژیل کمپل» اسلام‌شناسان فرانسوی، جهادگران اسلامی را نسل دوم یا سوم مهاجران مسلمان و نه مؤمنان خاورمیانه می‌داند. فوکویاما با اشاره به بمب‌گذاران لندن، مادرید و فرماندهان مهاجمان ۱۱ سپتامبر نظیر «محمد عطا» تأکید می‌کند که ادلهٔ قانع‌کننده‌ای وجود دارد مبنی بر این که ریشهٔ اصلی اسلام‌گرایی افراطی معاصر نه در خاورمیانه که در اروپای غربی نهفته است. به اعتقاد فوکویاما همه افراط‌گرایان اسلامی در اروپا به افراط‌گرایی کشیده شده‌اند. فوکویاما در این مورد هلند را مثال می‌زند که ۶ درصد جمعیت آن مسلمانند و به‌رغم این‌که هلند کشوری مدرن و دموکرات است در این کشور سطح قابل‌توجهی از بنیادگرایی وجود دارد. به هر حال فوکویاما افراط‌گرایی اسلامی در اروپا را واکنشی به بحران هویت نسل دوم و سوم مهاجران مسلمان در کشورهای اروپایی می‌داند.

اما آیا بنیادگرایی واقعاً پدیده‌ای مدرن است؟ عباس میلانی برخلاف اکبر گنجی بنیادگرایی اسلامی را پدیده‌ای مدرن نمی‌داند، او معتقد است در سنت تفکر اسلامی و مدت‌ها پیش، امثال «سید قطب» در اشاعره و افرادی نظیر «امام محمد غزالی» نماینده بنیادگرایی بوده‌اند. به نظر می‌رسد که این رأی میلانی که فکر بنیادگرایی از مدت‌ها پیش در جهان اسلام وجود داشته است تا حدود زیادی صائب و تقریباً انکارناپذیر باشد.

همان‌طور که در دایرةالمعارف بنیادگرایی از مجموعه دایرةالمعارف‌های دین و اجتماع - انتشارات راتلج - هم آمده، برای بنیادگرایان، تنها ایمانی ماندنی است که براساس تفسیر حقیقی و اصلی کتاب مقدس بنا شده باشد. اینان دین خود را به مثابه امری منحصر به فرد، متعالی، بدون هیچ اشتباه و حامل حقیقت مطلق الهی می‌دانند. بنیادگرایان، دعاوی مطلق را در باب حقیقت دینی مطرح می‌کنند و عدم تساهل نسبت به دیگران را به صورت مؤکد در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. تعصب و انحصارگرایی

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۷۳

دینی از طریق پاک کردن اجباری همه شک‌ها و سؤالات از نشانه‌های بنیادگرایی است. از نظر یک بنیادگرا، حقیقت در انحصار اوست و این امر او را مکلف به سرکوب دگراندیشان می‌کند.

با توجه به آنچه در باب معنا و نشانه‌های بنیادگرایی گفته شد، عمر بنیادگرایی اسلامی تقریباً به اندازه عمر اسلام است.

بنیادگرایی، شورش علیه مدرنیته و هرچیزی است که «خارج از متون مقدس» باشد. از این رو بنیادگرایان زمانی تنها با عرفان، فلسفه و سنت کلام اعتزالی ستیز می‌کردند و امروز با مدرنیته نیز به عنوان انحرافی بزرگ و دشمنی خطرناک می‌ستیزند.

بنیادگرایی نه یک پدیده مدرن که یک سنت ریشه‌دار در جهان اسلام است. اما بنیادگرایان معاصر، یک تفاوت بزرگ با اسلاف خویش دارند؛ اگرچه بنیادگرایی معاصر با مدرنیته می‌ستیزد اما به فناوری مدرن مجهز است، از شیمی، فیزیک و انفورماتیک برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کند. بنیادگرایی معاصر، بخش‌هایی از علوم جدید را به خدمتگزاری متن مقدس و جوهره بنیادگرایی گماشته است، شاید همین استفاده بنیادگرایان از ابزار و فناوری مدرن است که باعث شده بسیاری به خطا، بنیادگرایی را مولود مدرنیته بدانند.

#### بنیادگرایی و ماهیت جمهوری اسلامی

گنجی در این برنامه اصرار داشت که جمهوری اسلامی رژیم بنیادگراست، حال آن که میلانی با اشاره به نقش «مصلحت» در تصمیم‌گیری‌های تقنینی و اجرایی جمهوری اسلامی منکر بنیادگرایی جمهوری اسلامی بود. وی معتقد است که آیت‌الله خمینی به عنوان پایه‌گذار مکتبی در فقه شیعه بود که «فقه المصلحه» نامیده می‌شد. فقه المصلحه امام خمینی نتیجه تصادم اسلام فقاهتی با واقعیات حکومت‌داری بود، از نظر امام خمینی و مقام معظم رهبری مصالح حکومت اسلامی می‌تواند، زیرپا گذاشتن و

حتی تعطیل کردن برخی از احکام شرعی را توجیه کند. اندیشه ولایت «مطلقه» فقیه دقیقاً برآمده از همین مصلحت‌جویی‌ها و مبتنی بر فقه المصلحه است.

در حالی که بنیادگرایان، خواهان اجرای بی‌کم و کاست احکام شرعی هستند. اساساً وجود نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام، خود نشانه‌ای از عدول جمهوری اسلامی از اصول بنیادگرایی است، به این دلیل که اگر شورای نگهبان امری را خلاف شرع دانست، مجمع می‌تواند آن امر خلاف شرع را چنانکه به مصلحت نظام باشد، مجاز اعلام کند و به تصویب برساند، در موارد بسیاری چنین مسئله‌ای پیش آمده است. این نهاد مدت‌ها پیش از آنکه در قانون اساسی رسمیت بیابد براساس همان نظریه فقه‌المصلحه به وسیله امام خمینی تأسیس شده بود. به هر حال در قانون اساسی جمهوری اسلامی اکنون نهادی وجود دارد که رسماً حق دارد مصوباتی خلاف شرع داشته باشد.

میلانی معتقد است که بنابراین رژیم جمهوری اسلامی هرچه باشد، بنیادگرا نیست. البته بحث در مورد نسبت جمهوری اسلامی با بنیادگرایان و ماهیت این رژیم مفصل‌تر از آن است که در این مجال بتوان آن را شکافت. این رژیم، ملغمه‌ای است از همه شیوه‌های غیردموکراتیک حکمرانی که باید در فرصت مناسب در باب آن، سخن گفت. شاید لازم باشد که برای بررسی ماهیت جمهوری اسلامی مدخلی جدید در دایرةالمعارف‌های علوم سیاسی باز شود.

#### تحریم‌ها؛ به سود دموکراسی یا علیه دموکراسی؟

یکی دیگر از موضوعات مناقشه برانگیزی که در گفتگوی میلانی و گنجی مطرح شد، مسأله تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بود. گنجی همواره با این استدلال که این تحریم‌ها در نهایت مردم ایران را تحت فشار قرار می‌دهد و متضرر می‌کند با این تحریم‌ها مخالفت می‌کند. البته میلانی در این برنامه از آن دسته تحریم‌هایی که رژیم

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۷۵

ایران و نهادهایی مثل سپاه را تضعیف کند، استقبال کرد. در این مورد هم به نظر می‌رسد آنچه میلانی می‌گوید، منطقی‌تر و اصولی‌تر است و اتفاقاً با تضعیف دولت به همان موازنه قدرت موردنظر گنجی هم کمک می‌کند. جامعه بین‌الملل اگر می‌خواهد به جنبش دموکراتیک ملت ایران کمک کند باید در راه تضعیف بنیان‌های قدرت نامشروع اقتصادی رژیم و تحت فشار قراردادن نهادهای اصلی سرکوب کوشش کند. در این میان ایجاد منع و محدودیت برای مسافرت‌های بین‌المللی سران دولت و خصوصاً شخص احمدی‌نژاد نیز می‌تواند مفید واقع شود. در واقع مجموعه‌ای از تحریم‌های اقتصادی و سیاسی که تضعیف جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است، می‌تواند یاری‌رسان جنبش سبز باشد، بنابراین نمی‌توان و نباید به طور مطلق تحریم‌ها را علیه روند دموکراسی توصیف کرد.

#### اکبر گنجی و سنت حدیث‌خوانی

شاید بتوان گفت که اکبر گنجی روزنامه‌نگاری است که دارای جسارت و قلم زیبایی است و در برخی روزنامه‌ها با مطالبش جریان‌سازی علیه نظام کرد. به‌رغم روزنامه‌نگار بودن، وی الزاماً نمی‌تواند نظریه‌پرداز خوبی هم باشد. مباحث او در این برنامه و بررسی نوشته‌های وی در دوران اصلاحات و در چند سال اخیر در خارج از کشور و به‌ویژه مصاحبه‌های وی درخصوص موضوعات مختلف نشان می‌دهد که نظام فکری گنجی تا حد زیادی دچار تناقض و پریشانی است. هرچند وی مطالعه زیاد و میل وافر به نوشتن دارد، ولی هرگز فرصت انسجام بخشیدن به تفکر خود را نداشته است. آنچه را که خوانده است بی‌تأمل نقل و تأیید می‌کند. در این برنامه گفتگو نیز شاهد استفاده مکرر گنجی از نام‌های بزرگ و نقل قول از آن‌ها بودیم. میلانی استدلال می‌کرد و گنجی در پاسخ درست بر مبنای همان سنت اصالت منقولات شیعی تنها به ردیف کردن نام‌های بزرگ بسنده می‌کرد. به‌عنوان مثال مدام از «چارلز تیلور»،

«هابرماس» و «ویتگنشتاین» نقل قول می‌آورد و به جای استدلال، نقل قول‌های این بزرگان اندیشه را پشتوانه سخن خود می‌کند. البته این یکی از آفات سنت روشنفکری اپوزیسیون خارج‌نشین و برخی از روشنفکران داخلی در ایران است. روشنفکران ما به نقل قول از «بزرگان» به عنوان «حجت خویش» عادت کرده‌اند. این، نه تنها آفت مارکسیست‌هاست که لیبرال‌هایی مثل گنجی هم گرفتار آنند.

در مجموع همان‌گونه که از محتوای این برنامه استنباط می‌شود، این شبکه می‌کوشد که با ارائه این چنین برنامه‌های طراحی شده‌ای بین روشنفکران داخلی و خارج‌نشین بگوید که هیچ مشکلی از جامعه ایران را حل نمی‌شود. افکار عمومی را با این موضوعات به چالش، تنش و یک فضای تاریک از آینده کشور بازنمایی و رهنمون سازد.

#### ۴-۶-۲- موضوع برنامه «اسلام و سیاست»

مهم‌ترین محورهای گفتمان تلویحی و القایی برنامه «اسلام و سیاست» عبارتند از:

- اسلام در قالب اسلام غیرسیاسی از دین جدایی‌پذیر است؛
- بازنمایی تلاش‌های روشنفکران غیردینی از رابطه اسلام و سیاست به‌عنوان تلاش نواندیشانه دینی در طرح اسلام غیرسیاسی؛
- تمایز قائل شدن بین اسلام به‌عنوان یک دین الهی ۱۴۰۰ ساله و اسلام سیاسی به‌عنوان ایدئولوژی اسلامی با عمر پنجاه ساله (جمهوری اسلامی)؛
- القای محدودیت ایجادکردن اسلام یا شریعت اسلامی برای حاکمیت اسلامی در حوزه حقوق بشر؛
- ارائه چهره‌ای جنگ‌طلب از پیامبر(ص) و حکومت دوران صدر اسلام؛
- تأکید بر این مقوله که جهان‌گستری دین به‌خاطر نظامی‌گرایی در تصرف امپراتوری ایران، بیزانس، شمال آفریقا و اسپانیا نشانه‌ای از معطوف‌بودن دین

- اسلام به قدرت است؛
- سیاسی بودن جنبش‌های مهدوی‌گرایی؛
- القای سیاسی بودن غیبت امام زمان (عج) و منتظر ظهور بودن؛
- تقابل گفتمانی گذشته و حال، دخالت نکردن علما و مراجع در سیاست به مثابه یک رکن حکومت (برحسب قدرت و مطلق نبودن از صفویه تاکنون/علمای مشروطه و آیت‌الله سیستانی)؛
- تأکید بر غیرسیاسی کردن شیعه توسط خلیفه عمر؛
- سیاسی نبودن ذاتی دین اسلام؛
- زیر سؤال بردن نقش علما در تدوین قانون اساسی با ارائه نقل‌قولی از آقای مجتهد شبستری که فقه هیچ‌گاه وضع‌کننده قانون اساسی نبوده است؛
- طرح اسلام غیرسیاسی با مقایسه گفتمان اسلام سیاست‌ورز با اسلام حکومت‌ورز؛
- بازنمایی سوءاستفاده ابزاری از دین اسلام در ایران به صورت قانون؛
- توهین صریح به قرآن (قرآن وحی یا کلام مستقیم باری تعالی نیست)؛
- تفسیرهای متفاوت از صفت اسلامی و قیاس مع‌الفارق در ارتباط با آن (ترکیه و حزب عدالت و نبود محدودیت برای مسلمانان در حکومت سکولار در این کشور)؛
- ترویج تفکر سروش و خاتمی به عنوان مردم‌سالاری دینی در جهت تأیید جدایی دین از سیاست و اسلام غیرسیاسی؛
- تأکید بر اهداف سروش و خاتمی در ایدئولوژی‌زدایی و نفی ولایت فقیه؛
- سنتز گفتمان عمل‌گرایانه در ظهور دموکراسی در ایران با تعطیلی برخی از احکام شرعی و فقهی؛
- تأکید بر این‌که از هیچ دینی، دموکراسی بیرون نمی‌آید (با تأکید بر اسلام)؛

- تأکید و تأیید تفکر سروش بر بازنگری در نقش اسلام و حتی قرآن؛
- معرفی اندونزی به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور مسلمان دارای دموکراسی و در کنار آن معرفی کردن ترکیه به‌عنوان دو کشور الگو در جدایی دین از سیاست و اسلام غیرسیاسی؛
- معرفی رساله آیت‌الله نائینی و عبدالرسول کاشانی (رساله انصافیه) به‌عنوان نمونه‌هایی از قرائت دموکراسی از شریعت؛
- معرفی سروش به‌عنوان فرد با جسارت و تأیید دیدگاه‌های وی در خصوص حذف معصومیت از امامان و کمرنگ کردن شأن قدسی پیامبر(ص)؛
- معرفی دین اسلام به‌عنوان دین انحصارطلب (توجه نداشتن به حریم افراد و دستور داشتن برای هر چیزی)؛
- تأکید صریح بر این که پیامبر(ص) هیچ‌گونه قانون و برنامه و سیاست در دوران خود نداشت؛
- معرفی اهل ذمه (مسیحیان) در دوران صدر اسلام به‌عنوان شهروند درجه دوم؛
- تأکید بر این پیش‌فرض که تقدس‌زدایی پیش‌شرط اسلام غیرسیاسی است.

### تحلیل

هدف اصلی این برنامه در حقیقت به چالش کشیدن رابطه سیاست و اسلام است که ابتدای برنامه نیز مجری برنامه داریوش کریمی این نظر را به‌عنوان مفروض برنامه قرار داده است و می‌گوید آیا «دیانت ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت ماست» بیان درستی از رابطه اسلام و سیاست است.

مجری قبل از معرفی میهمانان برنامه ضمن طرح دیدگاه تقابلی گفتمانی برای جذاب کردن و درگیرکردن مخاطبان با برنامه دو دیدگاه در خصوص رابطه اسلام و سیاست مطرح می‌کند. یکی طرفداران نظام اسلامی و دیگری روشنفکران غیردینی که معتقدند

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۷۹

ادعای مسلمانان حاکم در مورد رابطه تنگاتنگ سیاست و اسلام یک پروژه اسلام غیرسیاسی است. آیا این پروژه می‌تواند به آموزه‌های اسلامی وفادار بماند؟ آیا گفتمان طرفداران نظام اسلامی به مثابه تز و گفتمان مخالفان یا روشنفکران غیردینی در قالب آنتی‌تز به این سنتز رهنمون می‌شود که اسلام و سیاست جدایی‌ناپذیرند؟ آیا تلاش‌های نواندیشان دینی در طرح اسلام غیرسیاسی برای دست‌یابی به این سنتز کافی است؟ میهمانان این برنامه عبارتند از: «سعید امیرارجمند»، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه استنی‌بوک نیویورک و «عبدی کلانتری»، پژوهشگر و نویسنده مجموعه مقالات «آیا اسلام می‌تواند غیرسیاسی شود». همچنین دو دانشجوی جوان به‌عنوان نماد روشنفکری به نام‌های «محمدعلی کدیور»، دانشجوی جامعه‌شناسی و «علی هریسچی»، فارغ‌التحصیل حقوق، در این برنامه به طرح سؤالاتی از میهمانان در رابطه با موضوع برنامه می‌پردازند.

اصولاً بهره‌گیری از افراد دانشجو در این برنامه با هدف جذب مخاطب جوان جهت هم‌نوآوری و هم‌سوسازی آن‌ها با دیدگاه‌های تولیدکنندگان این برنامه‌ها صورت می‌گیرد. در عین حال تلاش می‌شود که بین تفکرات روشنفکران غیردینی و جوانان دانشجو و تحصیل‌کرده و روشنفکران نواندیش دینی پیوندی برقرار شود.

کتاب‌های سعید امیرارجمند عبارتند از: «سایه خدا و پنهان امام، بعد از خمینی، عمّامه برای رشد» البته این کتاب‌ها به زبان انگلیسی است و متن آن‌ها در دسترس نیست.

آثار عبدی کلانتری عبارتند از: «روشنفکران، روشنفکری، و انقلاب؛ نور ظلمت، بهبود کیفیت زندگی و نقد خشونت دینی» این کتاب‌ها به زبان فارسی است و در اینترنت قابل دسترسی‌اند.

عبدی کلانتری در پاسخ به سؤال داریوش کریمی مبنی بر این‌که «آیا اسلام و سیاست جدایی‌ناپذیرند؟» بر سه موضوع تأکید می‌کند: ۱. تجربه آغازین تأسیس اسلام؛



۲. تجربه جنبش‌های مهدی‌گرا؛ ۳. نقش علما و مراجع شیعی از دوران صفویه تاکنون. علاوه بر این، او سیاست را نه تنها کشورداری و حکومت، بلکه به معنای وسیع قدرت در سطوح متفاوت جامعه و «اراده معطوف قدرت» تعریف می‌کند. به گمان عبدی کلانتری «تأسیس اسلام، همزمان تأسیس دین و تأسیس جامعه سیاسی است. فراگستری اسلام خارج از شبه‌جزیره عربستان نیز امری سیاسی و نظامی بوده است». این امر به فاصله کوتاهی پس از مرگ پیامبر در زمان جانشینان او (به‌ویژه در دوره خلافت عمر) صورت می‌گیرد. این یک الگوی آغازین یا نمونه برای تمام موارد در تاریخ است که گروهی از مسلمان عزم تسخیر قدرت سیاسی را داشته‌اند. علاوه بر این، برخلاف پندار رایج، منتظر ظهور بودن، شیعه را غیرسیاسی نمی‌کند. مهدی‌گرایی شیعی و پدیده «غیبت امام» و نیز «ظهور ناجی» طی تاریخ پدیده‌هایی سیاسی بوده‌اند که نقش خود را در جنبش‌های شورشی و سیاسی تا همین امروز (از جمله در انقلاب ایران) بازی کرده‌اند. به باور عبدی کلانتری آنچه امروزه «اسلام سیاسی» خوانده می‌شود، ریشه در تجربه آغازین دارد. کافی نیست که بگوییم اسلام سیاسی پدیده‌ای متأخر و مدرن است؛ کافی نیست که اظهارکنیم اسلام سیاسی واکنشی به شرایط استعماری و نواستعماری است؛ کافی نیست که اسلام سیاسی را تنها واکنشی ایدئولوژیک در برابر مدرنیزاسیون آمرانه و استبدادی در کشورهای توسعه‌نیافته به شمار آوریم. برخلاف دیدگاه سعید امیرارجمند، کلانتری سرمنشأ اسلام سیاسی را فقه و شریعت بنیادگرا نمی‌داند، بلکه «فقه سیاسی» اسلام را هدف می‌گیرد. به گمان او راه‌های اصلاح دینی و سیاسی، استمرار قدرت فقها به شکلی دموکراتیک (نهادینه‌کردن شورای نگهبان اسلامی اما با حضور فقیهان روشن‌اندیش و باورمند به حقوق بشر) نیست، بلکه اصلاح باید از طریق بازخوانی و تاریخی‌کردن تجربه نبوی (نص مقدس، و پنداشت نبوت و امامت) صورت گیرد به همان‌سان که در مسیحیت و یهودیت تحقق پذیرفته است. سیاست به فقه کاهش‌پذیر نیست، و اصلاح و نواندیشی متضمن تحول تجربه دینی به‌عنوان تحولی فرهنگی است.

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۸۱

در این برنامه کوشیده می‌شود که دو دیدگاه دربارهٔ رابطهٔ اسلام و سیاست و راه‌های اصلاح دینی در برابر یکدیگر قرارگیرد. سعید امیرارجمند بر آن است که استقرار نوعی «دوگانگی سیاسی» یا قدرت دوگانه، میان روحانیت و قدرت سیاسی (و قانونگذاری) که توازنی را میان دین و حکومت ایجاد کند راه‌حل مردم‌سالار کردن جامعه خواهد بود. او تأکید می‌کند که چنانچه هیئتی از فقهای شیعی که نظارت بر تدوین و اجرای قوانین را خواهد داشت (براساس الگوی مشروطیت، اما در یک جمهوری) قادر شود از وزن «اسلامی» اصول خود بکاهد و عنایت بیشتری به حقوق بشر داشته باشد، خطر استبداد دینی یا حاکمیت استبدادی به‌طور کلی کاهش می‌پذیرد. امیرارجمند معتقد است حاکمیت دینی به نحوی که در ایران می‌بینیم، سابقه‌ای در صدر اسلام و عملکرد پیامبر نداشته، و اسلام سیاسی پدیده‌ای نوین است که طی چند دههٔ اخیر پدید آمده است.

**نقدی بر دیدگاه‌های عبدی کلانتری و سعید امیرارجمند در رابطه با دین و سیاست در اندیشهٔ امام خمینی (ره)**

یکی از مباحث مهم در حوزهٔ اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، رابطهٔ «دین» و «سیاست» است. برخی با انکار هرگونه پیوندی میان دین و سیاست، تداخل یکی از آن دو را در امور دیگری موجب ناکارایی طرف مقابل دانسته‌اند، از این رو جدایی کامل آن دو را توصیه می‌کنند. همان‌طور که در این برنامه نیز این دیدگاه در قالب اسلام غیرسیاسی به مخاطبان عرضه شد و برخی دیگر با قبول وجود رابطه میان دو مفهوم فوق، در کیفیت و نوع رابطه اختلاف نظر دارند. در ادامه به کیفیت ارتباط مفهومی و نهادی دین و سیاست در اندیشهٔ امام خمینی (ره) می‌پردازیم.

از دیرباز یکی از مباحث مهم در حوزهٔ اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی، سمت‌گیری در قبال رابطهٔ دو مقولهٔ «دین» و «سیاست» بوده است. برخی با انکار هرگونه پیوندی

بین این دو، تداخل یکی از آن‌ها را در امور دیگری موجب ناکارایی طرف مقابل دانسته‌اند و به جدایی کامل آن‌ها از یکدیگر با هدف حفظ حرمت هر یک از آن دو توصیه کرده‌اند. سابقه تاریخی چنین توصیه‌ای به اروپای پس از قرون وسطی باز می‌گردد. حاکمیت هزار ساله کلیسا بر کلیه شئون زندگی در غرب آن دوران و ناکارایی آن در قرن‌های متمادی، بعضی از اندیشمندان سیاسی آن زمان را واداشت تا به اندیشه تفکیک دین از حوزه حیات اجتماعی روی آورند و به تحدید دخالت دین در حوزه خصوصی زندگی انسان‌های غربی رضایت دهند.

ظهور چنین اندیشه و پدیده‌ای به تشکیل حکومت‌هایی در جهان غرب انجامید که خود را ملتزم به مقررات دینی در سطح اجتماع، سیاست داخلی و امور خارجی نمی‌دیدند. این اندیشه پس از فراگیر شدن اندیشه‌های غربی در غالب کشورهای اسلامی نیز شیوع پیدا کرد؛ به طوری که امروزه بسیاری از این کشورها یا به طور رسمی دارای حکومت‌های سکولارند یا عملاً شیوه لائیک، اعمال حکومت را دارا هستند.

در مقابل نظریه جدایی کامل دین از سیاست، اعتقاد برخی اندیشمندان بر وجود رابطه وثیق بین دو مفهوم فوق است. بدیهی است که غالب چنین اندیشمندانی متدین به دینی یا حداقل عملاً مبادی آداب مذهبی بوده‌اند. گرچه کیفیت رابطه این دو در این طیف مورد تنازع و اختلاف نظر بوده است، اما هیچ‌گاه اصل وجود رابطه مورد انکار واقع نشده است. اختلاف در کیفیت نوع این رابطه از آن جا ناشی شده است که نظرگاه‌های اندیشمندان در خصوص تعریف دین و تعریف سیاست، مبانی دین و مبانی سیاست، هدف دین و هدف سیاست با یکدیگر تفاوت کرده است.

سابقه تاریخی چنین نظریه‌ای به پیدایش ادیان الهی و ظهور پیامبران - دارای رسالت اجتماعی، سیاسی و فردی برمی‌گردد. با فرض این که دین برنامه جامع هدایت بشر در زندگی دنیوی و تأمین کننده سعادت وی در حیات دنیوی و اخروی است، پیامبران الهی که مظهر و نماد تجلی دین در بعد عینی خود بوده‌اند، شکل‌دهی به حیات سیاسی و

اجتماعی بشر را تکلیف اصلی خویش می‌دانسته‌اند.

واضح است که با چنین فرضی انکار رابطه دین و سیاست بی‌مورد بوده است. پس از ظهور اسلام و گذشت حدود ۱۴۰۰ سال از تجلی عینی پیوند دین و سیاست با تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام به دست پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع)، در دنیای اسلام عملاً چنین ارتباطی ناگفته به کناری نهاده شد؛ به عبارت دیگر، گرچه در ظاهر حکومت امویان و عباسیان و غیره نام اسلام را بر خود داشتند، ولی در واقع دین را به خدمت سیاست گرفته بودند. این روند تاریخی با شروع نهضت امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۲ بار دیگر فرایند «بازگشت به خویشتن» را آغاز کرد.

شروع درس ولایت فقیه یا حکومت اسلامی به سال ۱۳۴۸ شمسی توسط حضرت امام (ره)، آغازی بر طرح مجدد نظریه رابطه عمیق و فراگیر دین و سیاست بود. پیامد طرح چنین نظریه‌ای در جهان امروزی و دنیای فارغ از دخالت دین در شئون اجتماعی و سیاسی، در عین حال که شگفتی متفکران معاصر را موجب گردید، تأمل در این باره را نیز سبب شد. ملت ایران با دادن شعار «استقلال، آزادی و حکومت اسلامی» و سپس «جمهوری اسلامی» در راهپیمایی‌های دوران شروع، تداوم و پیروزی انقلاب اسلامی، حمایت از چنین نظریه‌ای را در دنیای جدید متجلی ساخت و پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران براساس اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، مبین تحقق عینی چنین نظریه‌ای بود.

یکی از زوایای بررسی رابطه دین و سیاست، مطالعه رابطه این دو مقوله در دو سطح مختلف مفهومی و نهادی و تبیین رابطه این دو سطح با یکدیگر است. در این نگرش، ابتدا سنجش جایگاه مفهوم دین در قبال مفهوم سیاست صورت می‌گیرد و سپس رابطه نهاد دین با نهاد سیاست در بعد عینی بررسی می‌گردد و در نهایت نشان داده می‌شود که تبیین مفهومی رابطه این دو مفهوم چه نسبتی با تبیین عینی رابطه آن دو دارد.

بنابراین منظور از تعامل که پیش‌تر ذکر شد، رابطه متقابل بین مفهوم دین و مفهوم سیاست، رابطه بین نهاد دین و نهاد سیاست و در نهایت ارتباط موجود بین این دو سطح است. همچنین دین و سیاست در اینجا هم شامل مفهوم می‌شود و هم نهاد و بالاخره با وجود وضوح مفهوم دین و سیاست باید اشاره شود که منظور از نهاد دین، روحانیت یا به‌طور کلی و کارشناسان دین و منظور از نهاد سیاست حکومت است.

#### ۱. رابطه دین و سیاست در بعد مفهومی

حضرت امام (ره) که به دنبال تشکیل حکومت اسلامی در دنیای غیرمذهبی بودند، تلاش کردند با استناد به دلایل و شواهد فراوان نشان دهند که بین مفهوم دین اسلام و مفهوم سیاست اسلامی رابطه از نوع وحدت برقرار است. این «وحدت» که دائمی و باقی است با «اتحاد» که از حیث معنایی موقت هم می‌تواند باشد، تفاوت می‌کند. جهت نشان دادن این وحدت، ایشان تعریفی از دین و سیاست ارائه می‌دهد. جالب است که به دلیل تلاش مجدانه جهت نشان دادن رابطه وحدتی دین و سیاست، به هنگام ارائه تعریف از دین، لوازم تعریف و ملزومات آن با یکدیگر مخلوط شده است و جالب‌تر اینکه این تعاریف در نهایت سادگی و وضوح و همه فهم بیان شده و از پیچیدگی‌های علمی معمول در زبان بیان مطالب علمی به دور است.

#### الف) تعریف دین

از منظر حضرت امام (ره) دین اسلام برنامه الهی جامع سعادت دنیوی و اخروی کلیه افراد بشر در حوزه حیات اجتماعی و خصوصی آنهاست. این تعریف در کلمات متعددی از ایشان بیان شده که واضح‌ترین آن مطلب زیر است:

«اسلام مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و

معنوی نقش دارد فروگذار نکرده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد کرده و در رفع آن‌ها کوشیده است.<sup>(۱)</sup>

از بیان فوق، چند نکته مرتبط با بحث حاضر استنباط می‌شود که از این قرار است:

۱. اسلام مکتبی توحیدی بوده و خود قائم به هویتی منحصر به فرد است؛ بنابراین بین اسلام و مکاتب غیرتوحیدی تفاوت‌های اساسی وجود دارد. این تفاوت‌ها موجب شده که حل مسائل اساسی مکتب اسلام در چارچوب هویت خود قابل جستجو باشد؛

۲. دخالت این مکتب توحیدی در تمامی شئون متصور زندگی انسان‌ها مطلق و عام بوده و کلیه امور آن‌را دربرمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، جهت‌دهی به تمامی نیازهای انسان‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی صورت گرفته است و هرچیزی را باید در این محدوده جستجو کرد.

۳. هدف این مکتب کمک به رشد و تکامل انسان‌ها هم از لحاظ فردی و هم از لحاظ اجتماعی است. به این ترتیب باید انتظار داشت، و این انتظار هم بجا خواهد بود، که سیاست نیز از متن چنین مکتبی استخراج شده و اعمال گردد؛ به عبارت دیگر، نحوه جهت‌دهی به امور اجتماعی را باید در متن همین مکتب جستجو کرد.

#### ب) تعریف سیاست

حضرت امام (ره) از سیاست تعریفی همه فهم و بسیار روان و ساده، و نه کلاسیک و آموزشی، ارائه کرده است. ایشان این تعریف را در ضمن نقل خاطره‌ای به صورت زیر بیان کرده‌اند:

آن مردک (یکی از مقامات دولتی ایران) وقتی که آمد (در زندان) پیش من، گفت: «سیاست عبارت از بدذاتی، دروغ‌گویی و... خلاصه پدر سوختگی است و این را

بگذارید برای ما! راست هم می‌گفت، اگر سیاست عبارت از این هاست، مخصوص آن‌ها است. اسلام که سیاست دارد، مسلمانان که دارای سیاست هستند، ائمه هدی (علیهم‌السلام) که «ساسة العباد» هستند، غیر این معنایی است که او می‌گفت.»<sup>(۲)</sup>

بیان فوق آشکارا بر وجود دو نوع سیاست در این دیدگاه دلالت دارد: «سیاست معمول در دنیای حاضر که سیاست‌گذاران غیرمذهبی آن را طراحی و اجرا می‌کنند، و سیاستی برخاسته از متن دین که با عینیت‌های موجود در حوزه سیاست کنونی دنیا تفاوت ماهوی و صوری دارد.

سیاست نوع اول را با استفاده از مبانی فکری حضرت امام(ره) می‌توان سیاست ضاله و سیاست دوم را سیاست عادلانه نامید. در جای دیگری نیز ایشان به سیاست عادلانه در بیان خود اشاره کرده و آن را پذیرفته اند: «اسلام برای اقامه حکومتی عدل‌گستر آمده است.»<sup>(۳)</sup>

چنانکه از این کلام به دست می‌آید، هدف دین برپایی حکومتی است که هدفش تدوین و اعمال سیاستی در جهت اجرای عدالت است؛ به عبارت دیگر، هدف دین از این منظر، ایجاد سیاست عادلانه است.

بدین ترتیب، سیاست ضاله در نگاه حضرت امام(ره)، شیوه اداره بشری جامعه است که از مکتب اسلام برخاسته باشد. در این سیاست که مورد قبول دین اسلام نیست، توجیه وسیله با هدف امری طبیعی است و چون اهداف مطرح شده در این جا مبتنی بر مذهب نیستند، ابزارهای دستیابی به آن‌ها نیز اصولاً با ابزارهای مکتبی، دستیابی به هدف تفاوت ذاتی خواهند داشت. به همین دلیل است که حضرت امام(ره) این نوع سیاست را غیر از سیاستی دانسته اند که در اسلام موجود است و مسلمانان به آن معتقدند و به دست «ساسة العباد» اعمال شده است.

نکته مهمی که از بیان بالا استنباط می‌شود و مقدمه‌ای بر طرح وحدت مفهومی دین

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۸۷

و سیاست است، آن است که برای دین و سیاست در این دیدگاه دو مبنای جداگانه تصویر نشده است، بلکه دین پایه قرار گرفته و سیاست در جوهر آن قرار داده شده است. این دیدگاه متفاوت از نظریه‌ای است که به سیاست مبنای دنیوی می‌دهد و برای سیاست پایه‌ای الهی قائل می‌شود و حکومت دین بر سیاست حداقل از حیث نظری را نتیجه می‌گیرد و یا آن دو را جدای از یکدیگر تصور می‌کند.

با این توصیف، سیاست مورد نظر حضرت امام آن نحوه اداره انسان و جامعه انسانی است که با احکام اسلامی منافاتی نداشته باشد. عدم مغایرت این نوع مدیریت انسان و جامعه انسانی با قوانین اسلام حاکی از وجود عین آن‌ها در آن مکتب یا حداقل تأیید آن‌ها توسط دین اسلام است.

۱. امام روح الله خمینی، (۱۳۷۱)، «وصیت نامه سیاسی - الهی»؛ تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۸

۲. همو، «نامه‌ای از امام موسوی کاشف الغطاء»؛ (بی جا: بی نا، بی تا) صص ۱۹۳ -

۱۹۲ و نیز صص ۸ - ۷، دال بر همین است: اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند، دین کسانی است که استقلال و آزادی می‌خواهند.

۳. همو، (۱۳۶۹)، «شئون و اختیارات ولی فقیه»؛ ترجمه ولایت فقیه از کتاب البیع،

تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۰.

#### ۴-۷- عنوان برنامه «کوک»

##### مقدمه

برنامه «کوک»، برنامه‌ای هفتگی درباره دنیای موسیقی، شامل مرور رویدادهای جالب در این عرصه و پخش تازه‌ترین موزیک ویدیوهای روز از بخش‌های گوناگون این برنامه است. با خواننده‌ها و نوازنده‌های معروف و نوپای ایرانی، افغان، و تاجیک گفتگو و



۲۸۸ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

اجراهایشان را به مخاطبان معرفی می‌کند. در این رشته برنامه‌ها بهزاد بلور چند روزی را با معروف‌ترین ستاره‌های دنیای موسیقی پاپ ایرانی می‌گذراند. بهزاد در این برنامه‌ها با ستاره‌های دنیای موسیقی پاپ در پشت صحنه کنسرت‌هایشان همراه می‌شود و جنبه‌های مختلف زندگی شخصی آن‌ها را که به‌ندرت دیده شده، نشان می‌دهد.

**برخی از عناوین برنامه‌های پخش شده در برنامه کوک**

#### **گفتگو با شاهین نجفی**

شاهین نجفی نام آشنا در زمینه رپ فارسی است؛ ولی بعد از تشکیل گروه جدیدش «آنتی کاریزما»، به سبک‌های بلوز و راک هم کار می‌کند. شاهین گذشته پر ماجرا و متنوعی در زمینه موسیقی و شعر دارد که در این برنامه کوک از زبان خودش و دوستانش و موسیقی‌اش، می‌شنویم و حتی می‌بینیم!

#### **مجارستان - گروه گلستان**

در این برنامه، از سری تابستانی برنامه کوک که در مجارستان اجرا و ضبط شده، به دیدن گروه گلستان می‌رویم و پای موسیقی و صحبت این گروه می‌نشینیم.

#### **آمستردام، مضراب**

دومین برنامه از سری تابستانی کوک: این برنامه در آمستردام اجرا و ضبط شده. در این قسمت از برنامه تابستانی به کافه مضراب می‌رویم و پای موسیقی و صحبت سه‌سند صاحب دیوانی و چند گروه و نوازنده دیگر می‌نشینیم.

#### **آلمان، خاک**

برنامه‌ای از سری تابستانی کوک: این برنامه در آلمان اجرا و ضبط شده. در این قسمت از برنامه تابستانی پای موسیقی و صحبت گروه راک خاک می‌نشینیم.

### آمستردام، پاشا کرمی

سومین برنامه از سری تابستانی کوک: این برنامه در آمستردام اجرا و ضبط شده. در این قسمت از برنامه تابستانی پای موسیقی و صحبت پاشا کرمی، نوازنده تمبک، می‌نشینیم.

برخی از محورهای بازنمایی شده در برنامه کوک برای پنهان کردن سیاست رسانه‌ای این برنامه عبارتند از:

- موفق جلوه دادن جوانانی ایرانی خارج از کشور در حوزه موسیقی؛
- تمایل جوانان ایرانی به موسیقی و رقابت آن‌ها پایه‌پای موسیقی کشورهای دیگر؛
- نبود آزادی فعالیت برای موسیقی در ایران؛
- ترسیم فضای شاد و بانگیزه از جوانان ایرانی خارج از کشور؛
- بازنمایی برنامه کوک به مثابه پل ارتباطی در معرفی خوانندگان جوان ایرانی داخل و خارج به مخاطبان؛
- بازنمایی استقبال از موسیقی جوانان ایرانی هم در داخل و هم در خارج از کشور.

### تحلیل

برخی از منتقدان بر این باورند که موسیقی پس از انقلاب اسلامی ایران به دلیل قوانین و مجازات‌های شدید در مقابل موزیک و آنچه تهاجم فرهنگی غرب خوانده می‌شد، نتوانست نسل جوان ایران را از توجه به موسیقی باز دارد. مقاومت مردم و جوانان، نظام را بارها وادار به عقب‌نشینی کرد تا جایی که بسیاری از ادوات موسیقی که در ابتدای انقلاب ممنوع و حرام شناخته شده بود، پس از چندی مجاز اعلام شد. جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر با راه‌اندازی شبکه‌هایی ماهواره‌ای از قبیل

۲۹۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

مهاجر اینترنشنال، ایران موزیک، ایران بیوتی، مهاجر نتورک تا مجاز شمردن اشعار عاطفی میان دو جنس مخالف عقب‌نشینی کرد. اما این عقب‌نشینی نه تنها موسیقی زیرزمینی در ایران را متوقف نساخت بلکه با هوشیاری و ذکاوت جوانان به آن شدت بخشید.

طی سال‌های اخیر موسیقی زیرزمینی در ایران با وجود تمام محدودیت‌ها، خطرات و فقدان امکانات به پرقدردترین موسیقی‌های فارسی مبدل شد. بسیاری از گروه‌های زیرزمینی رپ، هیپ هاپ، هوی متال و راک، امروزه به یکی از محبوب‌ترین انواع موسیقی در میان نسل جوان ایران، تبدیل شده‌اند. این نوع موسیقی برای خود محدودیت قائل نیست و تمامی مرزهای مذهبی و اسلامی را پشت سر می‌گذارد.

هرچند در سال‌های اخیر اقداماتی از قبیل فیلترکردن در راستای برخورد با آن صورت گرفته است، اما با توجه به این که سایت‌های ارائه‌دهنده آن‌ها پیوسته فیلتر می‌شوند اما وسعت و تعداد بی‌شمار این سایت‌ها و وبلاگ‌ها، مقابله با آن‌ها را غیرممکن ساخته است.

اما عجیب‌تر آنکه این نوع موسیقی در رسانه‌های ایرانی ماهواره‌ای نیز جایگاهی ندارد. جز در رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی از جمله رادیو بی‌بی‌سی و تلویزیون صدای آمریکا، موسیقی زیرزمینی ایران در هیچ رسانه‌ای مورد حمایت و پشتیبانی قرار نمی‌گیرد.

از جمله حامیان اصلی موسیقی زیرزمینی در ایران در حال حاضر بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی انگلستان است. تا جایی که چند برنامه هفتگی را به این نوع موسیقی اختصاص داده است. حتی یکی از این برنامه‌ها که شب‌های جمعه ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه به وقت ایران به مدت یک ساعت پخش می‌شود، شامل محدودیت سنی بالای ۱۸ سال است.

از دیگر برنامه‌های حامی موسیقی زیرزمینی در ایران که محدودیت سنی ندارد برنامه «زیگزاگ» در این رادیو است. این برنامه هر پنجشنبه شب ساعت ۹:۳۰ به وقت

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۹۱

ایران پخش می‌شود. حمایت زیگزاگ از گروه‌های موسیقی زیرزمینی ایران چنان مشهود است که یکی از محبوب‌ترین این گروه‌ها، ترانه‌ای با نام زیگزاگ را به این برنامه تقدیم کرده است. این ترانه در ایران به‌عنوان ترانه جشن تولد زیگزاگ شهرت یافته است.

اما تلویزیون صدای آمریکا نیز در برخی از برنامه‌های خود از جمله میزگردی با شما، به‌صورت پراکنده به موضوع موسیقی زیرزمینی در ایران پرداخته و از آن حمایت می‌کند.

جز این دو رسانه در هیچ رسانه فارسی‌زبان دیگری از این نوع موسیقی که نشانه سال‌ها مقابله جوانان داخل ایران با قوانین و محدودیت‌های مذهبی است، حمایت نمی‌شود.

در این میان باید برنامه کوک تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی را جدی‌ترین شبکه تلویزیونی برشمرد که در مدت راه‌اندازی خود با اختصاص برنامه ویژه کوشیده است سیاست‌های حمایت و جهت‌دهی به موسیقی زیرزمینی و ارتباط عوامل و مخاطبان را لحاظ رسانه‌ای رقم زند.

در این زمینه بهزاد بلور پدیده جالبی در تشکیلات بی‌بی‌سی فارسی است. درحالی‌که پس از تحولات سال ۲۰۰۳ و ماجراهای منتهی به مرگ مشکوک دکتر «دیوید کلی» دانشمند وزارت دفاع بریتانیا و اخراج «اندرو گیلیگان» که به منع کارکنان بی‌بی‌سی در نوشتن برای دیگر رسانه‌ها یا داشتن وبلاگ و وب سایت اختصاصی انجامید، بلور، این متخصص محترم سرگرمی و امور فرهنگی بی‌بی‌سی، ضمن کار در رادیو و نوشتن برای بخش آنلاین بی‌بی‌سی، سایت اینترنتی شخصی خود را دارد که دارای لینک مستقیم به محتویات بی‌بی‌سی است و البته برای وبسایت‌ها و وبلاگ‌های آشکار و نهان متعدد وابسته به بی‌بی‌سی فارسی نیز مطلب می‌نویسد و برنامه تهیه می‌کند.

قاعدتاً با توجه به پس‌زمینه‌ای که آقایان «آفاق»، «چپمن» و «سمبروک» درباره اهمیت برنامه‌های تفریحی و فرهنگی و ضرورت کمک بریتانیا به برقراری رسانه‌های آزاد و مستقل مطرح می‌کنند، باید توقع داشت که بهزاد بلور نیز به‌عنوان تهیه‌کننده ارشد حرفه‌ای و باسابقه از کوشاترین افراد در تحقق این اهداف مورد ادعا باشد. به‌ویژه آنکه این قبیل فعالیت‌های فرهنگی - تفریحی موجب‌شده تا آقای بلور حتی در سرویس‌های دیگر بی‌بی‌سی نیز به‌عنوان «مفسر امور فرهنگی ایران» شناخته شده و به استناد سخنان وی این‌گونه اعلام شود که «قانون زندگی در تهران این است که موی مردم باید شسته‌نشده به‌نظر برسد» یا این‌که «جالب‌ترین کار در ایران حضور در پارتهای شبانه است».

بلور هم اکنون نیز به مدد میلیون‌ها یوروی مرحمتی پارلمان و وزارت خارجه هلند برای دخالت در امور ایران به‌عنوان تنویر افکار ایرانیان، در بخش «تراست» بی‌بی‌سی (یکی از مهم‌ترین نهادهای بی‌بی‌سی جهانی در زمینه جذب، تربیت و آموزش کادرهای متخصص موردنظر از کشورهای جهان سوم) در کنار دیگر زعمای این قوم کارآمد، به آموزش روزنامه‌نگاران جوان خام‌دست و جویای نام ایرانی مشغول است.

مروری بر برنامه‌های رادیویی و نوشته‌های اینترنتی بهزاد بلور و واکنش مخاطبان نشان می‌دهد که ایشان حتی در بین هواداران خود (نه با مقیاس و معیارهای اسلامی و ایرانی که با معیارهای رسانه‌ای انگلیسی) به وقاحت و پرده‌داری شهرت داشته و این قضاوت عمومی به‌سادگی در اظهارنظرهای مخاطبان برنامه‌های وی قابل مشاهده است.

برای بررسی این ادعا به چند نمونه اشاره می‌شود: این تهیه‌کننده به‌اصطلاح تفریحی فرهنگی بی‌بی‌سی فارسی در یک برنامه زنده رادیویی نشانی ایمیل یک دختر ۱۴ ساله مخاطب ایرانی را برای ارسال عکس‌های عریان خود برای آن نوجوان، خواستار شد!

کسانی که با قوانین جزایی در بریتانیا آشنایی و سروکار داشته باشند به‌خوبی می‌دانند که چنین اقدامی ضمن آنکه در یک رسانه عمومی دولتی، خلاف عرف و رویه

#### فصل چهارم - یافته‌های تحقیق ۲۹۳

بوده و موجب اخراج گوینده آن خواهد شد، از نظر قانونی نیز جرم محرز و مصداق کامل سوءاستفاده جنسی از کودکان زیر سن قانونی بوده و بدون تردید مستوجب پیگرد حقوقی، محاکمه و زندان است. ولی چه باید کرد که مخاطب، ایران و ایرانی است و در برخورد با ایران هیچ آداب، ترتیب و منع اخلاقی وجود ندارد، هرچند متولی اصلی اجرای پروژه تلویزیون فارسی بی‌بی‌سی و شماری از همکاران ریز و درشت داخلی و فرامرزی وی منتسب به یک فرقه مذهبی (بهائیت) باشند که مدعی احترام به اصول شرافتی و رعایت مکارم اخلاقی است.

مورد دیگر سردمداری بلور در اشاعه فرهنگ، موسیقی مبتذل خیابانی آکنده از فحاشی رکیک است که وی این مسئله را از بی‌بی‌سی به مجری‌گری کنسرت‌های لندن با استفاده از عنوان و سمت بی‌بی‌سی نیز کشانده است.

شدت ابتذال برخی از این محصولات موسیقی پخش شده در بی‌بی‌سی فارسی به حدی است که حتی برخی از شبکه‌های بدنام و بی‌اعتبار لس‌آنجلسی نیز به دلیل اشاعه فرهنگ دریدگی و مبتذل از پخش آن خودداری می‌کنند.

کسانی که با رسانه‌های بین‌المللی و چرخه انتشار مطالب در رادیوها و دیگر رسانه‌های عمومی آشنا باشند به‌خوبی می‌دانند که فاصله بین تولید اولیه تا پخش، فاصله زیادی است و در این مسیر، مسئولان و دبیران مختلفی مطلب را بررسی می‌کنند. این در حالی است که مردم عادی در مقام مقایسه معتقدند که رادیوهای اسرائیل و آمریکا مغرض و غیرحرفه‌ای‌اند و بی‌بی‌سی منصف و حرفه‌ای است. این موضوع را هم باید در زمره غلط‌های مشهوری گذاشت که باید در آن‌ها تجدیدنظر و بازنگری مجدد صورت گیرد.

آیا تولید و وجود این‌گونه مطالب ارزشمند است که آقای «سمبروک» را واداشته تا در نتیجه‌گیری سخنان خود اظهارنظر کند: «ایران نیازمند گوش کردن بیشتر به دنیا است!»<sup>۹۱</sup>

خوش‌خیالی و خام‌دستی است اگر تصور کنیم که مدیریت بی‌بی‌سی از شاهکارهای بهزاد بلور بی‌خبر باشد. پرسشی که در این میان وجود دارد این است که اگر اقدامی مشابه نوشته‌ی بلور توسط یک نویسنده بخش انگلیسی سرویس داخلی بی‌بی‌سی، آن هم با استفاده از نام، شهرت و نفوذ آن شبکه، صورت می‌گرفت چه برخوردی با او می‌شد؟ تجربه‌ی موارد متعدد قبلی نشان می‌دهد که اخراج سریع و قطعی، کمترین پاسخ به این پرده‌داری بود. پرده‌داری‌ای که حتی با معیارهای رسانه‌ای در غرب و بریتانیا نیز هرگز از یک تهیه‌کننده‌ی ارشد شبکه‌ی دولتی که با پول مالیات‌دهندگان یک کشور اداره می‌شود، انتظار نمی‌رود.

بنابراین، پخش این قبیل دسته‌گل‌های رادیویی، اینترنتی و احتمالاً در آینده تلویزیونی آیا بدون اطلاع مسئولان بی‌بی‌سی فارسی بوده یا این که عمدی در کار است. روند چندماهه‌ی پرتکرار این موارد به سختی می‌تواند گواه اشتباه موردی و فردی باشد. البته برنامه‌ی کوچک بهزاد بلور دقیقاً همین فرایند برنامه‌های رادیویی را طی می‌کند و در این خصوص هنجارشکنی‌های او در برنامه‌ها مؤید این مهم است.

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری





## بحث و نتیجه‌گیری

### ۵-۱- نتیجه‌گیری

نگاهی اجمالی به کنش گفتمانی رسانه‌های فارسی‌زبان در سه دهه اخیر، حاکی از آنست که این رسانه‌ها (در وهله اول رادیوهای بیگانه) با پیروزی انقلاب، حمایت و از عملکرد ضدانقلاب در ایران و ارائه چهره‌ای به‌زعم خود ضد‌مردمی از جمهوری اسلامی را در دستورکار قرار دادند. در واقع گفتمان حاکم بر برنامه‌های این شبکه‌ها «سیاسی» و تلاش شبکه‌های رادیویی در این دوره، طرح مسائل سیاسی، برای تحول رفتارهای سیاسی مردم ایران بود تا از این طریق ضمن تضعیف پایگاه مردمی نظام، موقعیت مخالفان نظام را نیز تقویت کنند.

اما در مرحله دوم عمدتاً از اواخر دهه ۱۳۶۰، تغییر چشم‌گیری در کمیت، کیفیت و جهت‌گیری‌های رسانه‌های ضدایرانی با امکانات کشورهای غربی صورت گرفت. برخی آمارها حکایت می‌کند که تا سال ۱۳۷۵ تنها ۵۰ شبکه تلویزیونی و رادیویی فارسی‌زبان در کشور آمریکا و سوئد فعالیت می‌کردند. شبکه‌هایی مانند *NITV*، *ITN*، تلویزیون

پارس، کانال یک، طپش، شبکه آزادی و... از جمله آن‌ها بود. رویکرد گفتمانی شبکه‌های ضدایرانی در این دوران، فرهنگی-سیاسی و تمرکز بیشتر آن‌ها هججه‌های فرهنگی بود. پخش برنامه‌های مبتذل، تضعیف باورها و اعتقادات مردم محور اصلی این رسانه‌ها را تشکیل می‌داد. در عین حال بزرگنمایی مشکلات داخل ایران یا دروغ‌پردازی‌ها علیه نظام و مسئولان، پشتیبانی رسانه‌ای برخی اعتراضات داخلی در دستورکار این شبکه‌ها قرار داشت. به‌رغم کوشش‌های فوق، این رسانه‌ها در مراحل اول و دوم نتوانستند موفقیتی به‌دست آورند. دلایل مختلفی در ناکارآمدی فعالیت شبکه‌ها در این دوران می‌توان برشمرد که مهم‌ترین آن‌ها ناآگاهی از جامعه ایران و تعامل ملت با نظام بود. البته دلایل دیگری هم داشت. اختلاف میان شبکه‌ها، ساده‌اندیشی حاکم بر این شبکه‌ها، رعایت نکردن نزاکت، ادب و اخلاق در گفتارهای سیاسی، توهین به مقدسات، ضعف برنامه‌ها، دریافت‌نشدن اکثر شبکه‌های فارسی‌زبان روی ماهواره «هات‌برد» از جمله دلایلی است که درخصوص ناکامی این رسانه‌ها ذکر می‌شود.

با وجود این، رسانه‌های فارسی‌زبان به‌رغم ادامه فعالیت‌های خود، در مرحله سوم یعنی نیمه دوم دهه ۱۳۷۰- بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶- رویکرد همه‌جانبه سیاسی، فرهنگی و جنگ روانی علیه کشورمان را در دستورکار رسانه‌ای خود قرار دادند. رسانه‌های غربی و ضدانقلاب با توجه به تحولات سیاسی داخل کشور انگیزه فعالیت بیشتری پیدا کردند. این رسانه‌ها به موازات برنامه‌های فرهنگی و تهاجم علیه اخلاق و باورهای مردم ایران، برنامه‌های سیاسی گسترده‌ای را با هدف جریان‌سازی و ایجاد شکاف ملت-دولت و تضعیف پایگاه مردمی پخش کردند.

با وجود این، جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های رسانه‌های غربی و ضدانقلاب تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر و تا حدودی پس از گذشت یکی دو سال پس از این حادثه معطوف به تضعیف بنیادهای سیاسی نظام جمهوری اسلامی و فعال کردن «شکاف‌های سیاسی» در ایران بود. بنابراین ایجاد، آموزش و تشویق برخی گروه‌ها و شبکه‌های داخلی برای

ایجاد «جنبش‌های اجتماعی» در ایران یکی از محوری‌ترین برنامه‌های ضدانقلاب و رسانه‌های غربی بود. این رویکرد و تمرکز بر آن در واقع ناشی از شکست تلاش‌های غرب و آمریکا در تضعیف و واژگون‌سازی جمهوری اسلامی از یک‌سو و ناتوانی در برخورد نظامی با ایران از سوی دیگر بود. علاوه بر این، سیاست‌های اعمال‌شده در خاورمیانه و سیاست‌های ضد ایران، سبب تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شد، چنان‌که «گری سیک» مشاور امنیت ملی جیمی کارتر رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، بارها در اظهارات خود، ایران را قدرت اصلی در حال ظهور در منطقه خاورمیانه و همچنین تحولات آن را عامل افزایش قدرت راهبردی و منطقه‌ای تهران عنوان کرده است.

موضوع قومیت‌ها و نیز حقوق‌بشر هنوز به‌شدت در دستورکار کاخ سفید قرار دارد و هم اکنون نیز جهت‌گیری‌های رسانه‌های خارجی و ضدانقلاب مانند شبکه‌العربیه دنبال می‌شود.

اما آنچه در سال‌های اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار است، ظهور نسل جدیدی از رسانه‌های فارسی‌زبان مانند تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی است که راه‌اندازی آن را با توجه به اهداف اعلامی این شبکه همچون پاسخ به نیاز مخاطبان، شکست انحصار تهران در پخش تلویزیونی، پرکردن خلأهای رسانه‌ای، پدیدآوردن معیارهای نو در عرصه پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان فارسی، اهداف غیراعلامی آن از جمله تأثیرگذاری بر افکار عمومی در بلندمدت، تغییر نگرش و رفتار مخاطبان، ظرفیت‌سازی در ساختار فکری مخاطبان، موجه نشان‌دادن و ترمیم چهره غرب، ایجاد تریبون برای مخالفان و منتقدان نظام و ادامه پروژه براندازی نرم را به مثابه پیک تهدید نرم پنداشت. این در حالی است که در روزهای آغازین راه‌اندازی این شبکه روزنامه تایمز لندن نوشت: «هدف سرویس فارسی جدید، تغییر رژیم نیست بلکه تعامل است. ایران یک جامعه پویا، پرچالش و متفرد است که در خردادماه، انتخابات برگزار می‌کند. نبرد بین واقع‌گرایان و تندروها

۳۰۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

شدید خواهد بود. بی‌بی‌سی می‌تواند برآن مباحثات، تأثیرگذار باشد و این کار را خواهد کرد»<sup>۱</sup> روزنامه گاردین نیز نوشت: «این شبکه تلویزیونی کمبود اطلاعات ناشی از کنترل دولتی رسانه‌ها را جبران خواهد کرد»<sup>۲</sup> همچنین ظهور این شبکه را باید قطب‌بندی نوینی در جغرافیای رسانه‌های فارسی‌زبان تلقی کرد.

نگاهی به راهبرد آمریکا نیز مؤید این نکته است که دولت جدید این کشور برای رسیدن به اهداف خود سه ابراز: سازمان‌های بین‌المللی، قدرت نرم رسانه‌ها و احیای ارزش‌های آمریکایی را در دستورکار سیاست‌های راهبردی خود قرار داده است. همچنین توجه به دیدگاه‌های «هیلاری کلیتون» در زمینه بهره‌گیری از قدرت هوشمند و دیپلماسی رسانه‌ای در کنار رویکرد نرم دولت اوباما و راه‌اندازی بی‌بی‌سی فارسی در آستانه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و ناکارآمدی دولت‌های غربی در رویکرد قدرت سخت علیه ایران، نشان‌دهنده آن است که این کشورها در مقطع کنونی قدرت نرم رسانه‌ای را به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در ادامه پروژه آنچه براندازی نرم خوانده شده است، در دستورکار قرار داده‌اند.

در واقع به نظر می‌رسد که اولویت جدید رسانه‌ای جهان غرب به‌ویژه دولت انگلیس علیه ایران کاملاً به رویکرد نرم تغییر کرده است که این رویکرد در جنگ رسانه‌ای دوران گذشته کمتر مشاهده شده است. از همین رو به نظر می‌رسد که جنگ رسانه‌ای علیه ایران با سه محور اساسی از سوی شبکه‌های فارسی‌زبان دنبال می‌شود که عبارتند از: ناکارآمد نشان‌دادن نظام سیاسی، تضعیف ایمان و باورهای دینی در جامعه و از بین بردن هویت ایرانی - اسلامی.

در کشور ما امکان دریافت شبکه‌های ۳۰ ماهواره از حدود ۸۰ ماهواره وجود دارد. ۸۰ ماهواره برنامه‌های حدود ۶۸۰۰ شبکه تلویزیونی را پخش می‌کنند که از این تعداد،

---

۷.۱ ژانویه ۲۰۰۹

۹.۲ ژانویه ۲۰۰۹

### فصل پنجم - بحث و نتیجه‌گیری ۳۰۱

برنامه‌های حدود ۳ هزار شبکه در ایران، قابل دریافت است. در سال‌های اخیر گرایش به راه‌اندازی تلویزیون‌های فارسی‌زبان بیشتر شده است و در آینده نزدیک نیز تلویزیون‌های فارسی‌زبان ترکیه، اتحادیه اروپا، شبکه فارسی‌زبان *ITN NEWS* (ITN) راه‌اندازی می‌شوند.

بررسی روند راه‌اندازی شبکه‌های فارسی‌زبان نیز نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱، یک شبکه، در سال ۱۳۸۲، هفت شبکه، در سال ۱۳۸۳، ۱۴ شبکه، در سال ۱۳۸۴، شش شبکه، در سال ۱۳۸۵، ۱۸ شبکه، در شش ماهه اول سال ۱۳۸۶ نیز، چهار شبکه فارسی‌زبان بر تعداد شبکه‌های قبلی قابل رؤیت در ایران، افزوده شده است. در سال ۱۳۸۷ نیز امکان دیدن شبکه‌های رنگارنگ، کانال جدید، *MBC* فارسی و تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در ایران، فراهم شده است و اکنون ۷۸ شبکه فارسی‌زبان برای مخاطبان فارسی‌زبان برنامه پخش می‌کنند.

با وجود این، شبکه‌های ماهواره‌ای از مهم‌ترین و قوی‌ترین ابزارهای تهاجم فرهنگی غرب و برهم زدن بهداشت روانی و امنیت اخلاقی جامعه به‌شمار می‌روند و راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی به زبان فارسی را باید موج جدیدی از «جنگ رسانه‌ای نرم» علیه ایران دانست، اگر چه در کوتاه‌مدت با رویکرد سیاسی خواهد بود اما در بلندمدت فرهنگ، اعتقادات، هویت (ایرانی-اسلامی)، قومیت، باورهای مردم و به‌ویژه سه کشور فارسی‌زبان ایران، تاجیکستان و افغانستان را هدف جنگ رسانه‌ای خود قرار می‌دهند و مصداق بارز این موضوع را می‌توان در برنامه‌های تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در عناوین برنامه‌های آن از جمله «تک همسری و چندهمسری؛ تصور ذهنی شما از خدا؛ خط فقر و هزینه زندگی؛ تصور زیر ۳۰ ساله‌ها از انقلاب اسلامی و...» ملاحظه کرد. این رویکرد را در برنامه‌های اکران، آپارات، به عبارت دیگر، صفحه دو، پرگار و کوک براساس ساختار و ماهیت برنامه‌هایشان می‌توان ملاحظه کرد حتی این رویه نسبت به زمان راه‌اندازی آن تشدید و کاملاً ملموس‌تر شده است.

از همین‌رو به‌نظر می‌رسد که در دو دههٔ اخیر رسانه‌های فارسی‌زبان فعالیت‌های رسانه‌ای علیه کشورمان را در ابعاد مختلف در دستورکار خود قرار داده‌اند. در مقابل نهادهای فرهنگی مسئول از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و رسانهٔ ملی، با توجه به مأموریت و وظایف نهادی خود نیز در این مدت، کوشیده‌اند میزان تأثیرگذاری و جذب مخاطبان از سوی این رسانه‌ها را دست‌کم خنثی کند.

نکتهٔ مهم در این‌باره آن است که با ظهور تلویزیون صدای آمریکا و تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی، برنامه‌ریزی برای مواجهه با این‌گونه شبکه‌های حرفه‌ای که از حمایت آشکار دولت‌های‌شان برخوردارند- برخلاف شبکه‌های قبلی فارسی‌زبان که در ظاهر عموماً فردی بودند- دو راهبرد متفاوت در کوتاه مدت و بلندمدت را از سوی رسانه ملی می‌طلبد.

این درحالی است که دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکایی‌ها، پس از ناکامی‌های پی‌درپی در خاورمیانه، به فکر جایگزین کردن مؤلفه‌های «قدرت نرم» با «قدرت سخت» افتاده و بدین ترتیب، «جنگ نرم» را به‌جای جنگ سخت، علیه کشورهایی که با آنان تضاد منافع دارند، به راه‌انداخته‌اند.

از همین‌رو، آمریکایی‌ها از سال ۲۰۰۲ با تقویت سه نهاد رسانه‌ای، دیپلماسی خارجی و سازمان اطلاعات مرکزی، اهداف جنگ نرم خود را در ایران جستجو می‌کنند.

هدف این نهادها از به‌کارگیری قدرت نرم، راه‌اندازی و حمایت از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی، حمایت از گروه‌های ضدانقلاب و حمایت از برنامه‌های تخریبی و امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران در برابر ایران، در جهت اغوا و فریب افکار عمومی جامعهٔ ایرانی است.

این جهت شبکه‌های ماهواره‌ای به‌خصوص شبکهٔ تلویزیونی بی‌بی‌سی سعی می‌کند که با توجه به نظریهٔ انگاره‌سازی در خبر تصویری از شخصیت‌ها (شخصیت‌های

### فصل پنجم - بحث و نتیجه‌گیری ۳۰۳

سیاسی و مقامات برجسته ایران) و رویدادها به مخاطب ارائه دهد که مخاطب فکر کند با بازتاب واقعیت‌ها سروکار دارد درحالی‌که با توجه به ارائه انگاره‌ها واقعیت‌ها به نوعی دستکاری می‌شود و با تفسیر پنهان و نه آشکار به معنی‌سازی در خبر که خواهان آن هستند، می‌پردازند. انگاره‌هایی از قبیل خشونت‌طلب بودن، بی‌اعتمادی بین حاکمیت و مناطق اقلیت‌نشین، تقابل قدرت و ... .

همچنین در برنامه‌های مختلف این شبکه سعی کرده‌اند تا با برجسته‌سازی دست به تبلیغات اقناعی بزنند و با اولویت‌بندی موضوع‌ها و برجسته‌کردن بعضی از شخصیت‌ها و رویدادها از جنبه‌های مثبت یا منفی مخاطبان خود را به موضوعات خاص سوق دهند و با فن متقاعدسازی به ایجاد تغییر نگرش در مخاطبان بپردازند، تا مخاطب استنباط کند که خبرها و موضوعات شبکه‌های بی‌بی‌سی به بهترین نحو در خدمت منافع آن‌هاست. اما باید متذکر شد که برای دستیابی به این امر سعی کرده‌اند که به دلایل عملی، منطقی، احساسی و عاطفی دست یابند. برای این منظور نیز مثال‌ها، آمارها و نقل‌و‌قول‌های ذکر شده در برنامه جهت اقناع و متقاعد ساختن مخاطبان بوده است.

تکنیک دیگری که در برنامه‌های شبکه بی‌بی‌سی مورد استفاده قرار گرفته است، توجه به نیازهای مخاطبان است. چرا که مخاطب نسبت به تمامی رویدادها و حوادثی که اجازه نشر یافته‌اند توجه یکسانی ندارد و اهمیت مساوی برای آن‌ها قائل نمی‌شود. این شبکه سعی کرده است که با توجه به رویدادها و شناخت بافت سیاسی، اجتماعی حاکم بر جوامع به آن سطح از نیازهای مخاطبان که از نظر زمانی و مکانی مهم است، بپردازد.

با وجود این، در دو دهه اخیر راهبرد غرب در مواجهه با جمهوری اسلامی «از جنگ سخت به جنگ نرم» با راه‌اندازی و حمایت از شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی‌زبان چرخش پیدا کرده است، بنابراین راهبرد نهادهای فرهنگی مسئول کشور در مقابله با تهدیدات شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای فارسی‌زبان از جمله تلویزیون



بی‌بی‌سی فارسی چگونه باید باشد؟

۵-۱-۱- محوره‌های القایی جنگ رسانه‌ای تلویزیون بی‌بی‌سی علیه ایران عبارتند از:

- الف) معرفی ایران به‌عنوان کشوری که در حال دستیابی به سلاح‌های اتمی است؛
- ب) معرفی ایران به‌عنوان ناقض حقوق بشر و مخالف آزادی بیان؛
- پ) زدن اتهام‌های گوناگون از قبیل تروریست یا حامی تروریست بودن؛
- ت) سعی در وانمودکردن این‌که مردم ایران در مخالفت خود با غرب و ارزش‌های غربی صادق نیستند و بیشتر تحت‌تأثیر فشارهای گروه حاکم یا گروه‌های خاص، وانمود می‌کنند که با غرب مخالف‌اند؛
- ث) کوشش در اقناع مردم ایران یا دیگر کشورها به این‌که در داخل طبقه حاکم جناح‌های متخاصم و مخالفی وجود دارد. به عبارتی سعی در قبولاندن این‌که در سطوح اداره‌کنندگان مملکت اتفاق نظر کم است و اختلاف نظر زیاد (بزرگ‌نمایی اختلافات)؛
- ج) تغییر نگرش افکار عمومی داخل، نسبت به اهداف ملی و اوضاع داخلی؛
- ح) کوشش در جهت نابسامان جلوه دادن اوضاع اقتصادی؛
- چ) برجسته‌کردن اختلاف نظرهای جزئی بین مسئولان مملکت و انعکاس اغراق‌آمیز آن از طریق رسانه‌ها؛
- خ) القای یأس و ناامیدی و ایجاد اختلاف میان مردم و مسئولان؛
- د) انتخاب گزینشی رویدادهای مربوط به ایران با سوگیری منفی برای ارائه بسته اخبار منفی؛
- ذ) نشر اخبار آمیخته با مطالب کذب، شایعات پیچیده و فراگیر و انعکاس ندادن خبرهای مثبت؛
- ز) پرداختن به مسائل مربوط به ایران که بیشتر از ارزش خبری برخوردار و درگیری

برخوردار باشد؛

(ر) بهره‌گیری از هر رویداد، حتی مسائل عادی و طبیعی علیه جمهوری اسلامی ایران؛

(ژ) پی‌جویی مسائل به‌نحوی که میان مشکلات داخلی ایران و ریشه آن در اصل نظام، رابطه برقرار کنند.

در اینجا قبل از پرداختن به راهکارهای مقابله با جنگ نرم تلویزیون بی‌بی‌سی، ابتدا به ضعف‌ها و کاستی‌هایی که زمینه‌ساز موفقیت جنگ نرم علیه کشورمان می‌شود، می‌پردازیم.

#### حوزه اول: آسیب‌پذیری‌های ناشی از مشکلات نظری

۱. آسیب‌پذیری در فهم و درک مسائل فرهنگی و هنری بین صاحب‌نظران غیرحکومتی و مسئولان نظام که موجب تعارض در معیارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه شده است؛

۲. عدم تعمیق بینش، دانش و تربیت دینی به‌عنوان مبانی فرهنگ و اندیشه ملی؛

۳. عدم تبیین دقیق و همه‌جانبه اندیشه‌های مختلف؛

۴. پاسخ‌ندادن استادان و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه به نیازهای نظری و فکری جامعه؛

۵. عدم تبیین مبانی و سیاست‌های اصولی نظام در عرصه فرهنگ و هنر؛

۶. تفکر انفعالی جامعه علمی و فنی کشور در برابر غرب و تأثیرپذیری فرهنگی ناشی از آن؛

۷. وجود بنیان‌های فکری مبنی بر ناکارآمدی نظام حکومت مبتنی بر دین؛

۸. عدم شناخت دقیق و عمیق غرب در ایران و روی آوردن به سطوح ظاهری آن؛

۹. بی‌توجهی به گذشته تاریخی کشور در مسیر شناخت و برنامه‌ریزی حال و آینده؛

۱۰. عدم ارتباط نظام‌مند معرفتی بین حوزه و دانشگاه در جهت حل مشکلات

فکری و بینشی.

حوزه دوم: آسیب‌پذیری‌های ناشی از اشکالات یا ویژگی‌های ساختاری (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی)

#### الف) فرهنگی

۱. فقدان الگوی فرهنگی در سطوح مختلف فرهنگی؛
۲. وجود ضعف‌های جدی در نظام تعلیم و تربیت؛
۳. یکسان‌پنداری عملکرد مدیران، روحانیان و اسوه‌های فکری با ارزش‌های دینی و دامن‌زدن به این باور در نگرش عمومی؛
۴. نبود الگوی تبیینی برای تعمیق ارزش‌ها و باورهای دینی در جامعه.

#### ب) اجتماعی

۱. نارسایی در گستره عدالت اجتماعی؛
۲. مطلق‌گرایی در تحقق و تأمین ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها بدون توجه به واقعیات موجود؛
۳. ناهمگونی نهادهای اجتماعی و تداخل در وظایف؛
۴. فقدان پیوند مستحکم بین نهادهای اجتماعی و قشرهای گوناگون مردم؛
۵. جوان بودن جمعیت کشور.

#### ج) اقتصادی

۱. عدم توجه به اقتصاد بومی و منطقه‌ای در فرایند نوسازی اقتصادی؛
۲. نارسایی در رویکرد اقتصاد فرهنگ و هنر کشور.

#### د) سیاسی

۱. آمیختگی مصالح فرهنگی نظام با منافع گروه‌ها؛
۲. تسلط بعضی خرده‌فرهنگ‌ها از طریق سیاسی بر فرهنگ ملی در تاریخ کشور؛

۳. نقش تخریب متقابل جناح‌های سیاسی؛

۴. قطبی شدن فضای سیاسی کشور و تضعیف فضای اعتدال، عقلانیت و صمیمیت.

### حوزه سوم: آسیب‌پذیری‌های ناشی از اشکالات برنامه‌ریزی - اجرا

۱. فقدان نظام ارزیابی عملکرد فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی؛

۲. بی‌توجهی به سیاست‌های مصوب فرهنگی نظام جمهوری اسلامی؛

۳. کم‌توجهی به فرهنگ در نظام برنامه‌ریزی کشور؛

۴. نشناختن درست نیازهای فرهنگی جامعه؛

۵. بی‌توجهی به نیازهای فرهنگی مناطق مختلف کشور در برنامه‌ریزی فرهنگی؛

۶. توزیع نامناسب امکانات فرهنگی؛

۷. کم‌توجهی به نیازهای طبیعی و جدید جامعه به‌ویژه طبقه جوان در

برنامه‌ریزی‌های فرهنگی؛

۸. تضعیف یا بی‌توجهی به نهادهای فرهنگی سنتی و عدم جایگزینی نهادهای جدید؛

۹. وجود آثار نسبتاً عمیق سیاست‌های فرهنگی دوران گذشته به‌ویژه دوران

پهلوی؛

۱۰. تغییرات مکرر در سیاستگذاری و جهت‌گیری‌های سازمانی؛

۱۱. فرایند جهانی شدن و جلوگیری نکردن از آثار مضر آن در فرهنگ خودی.

### راهبردهای انسجام‌بخشی اجتماعی و جلوگیری از فعالیت‌های گرایش‌های قومی

۱. ارائه طرح مفهوم شهروندی به‌جای ما - دیگری - قومیت و...؛

۲. توسعه نهادهای مشارکتی و گشودن باب مذاکره؛

۳. پرهیز از سرکوب و تبدیل نقش سرکوبگرانه دولت به رأفت و رحمت؛

۴. جلوگیری از بسط محرومیت (در پست‌های سیاسی، حمایت‌های اقتصادی و...)

۵. نفی الگوی دولت معیوب و رسیدگی به همه کشور؛

۶. خشکاندن فضای ذهنی محرومیت و محرومیت‌زدایی؛
۷. جامعه‌پذیری سیاسی کارآمد و هدایت نهادهایی چون خانواده و مدرسه برای آموزش نسل جدید و رفع شکاف؛
۸. تحقیر نکردن خرده‌فرهنگ‌ها در عرصه هنر، ادبیات و...؛
۹. نفی صلح منفی (عاجز بودن افراد در مقابل یک کانون سیاسی مقتدر) و ایجاد صلح مثبت در برقراری نظام عادلانه، کسب رضایت افراد و پرهیز از خشونت.

#### ۵-۱-۲- سیاست‌های مقابله با جنگ نرم تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی

##### الف) سیاست‌های کلی

- مشخص کردن نقاط تهدید و مورد هجوم؛
- گزینش و اولویت‌بندی بخش‌های مورد تهاجم؛
- توجه به بخش فرهنگ در نظام کلی برنامه‌ریزی توسعه کشور؛
- رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی - ایرانی در برنامه‌ریزی‌های توسعه کشور؛
- ارزیابی و بازشناسی مستمر سیاست‌ها، معیارها و ضوابط فعالیت‌های فرهنگی؛
- ساماندهی و هماهنگ کردن فعالیت‌های فرهنگی نهادها و دستگاه‌های فرهنگی کشور؛
- تلاش برای قانونمندی بیشتر در فعالیت‌های فرهنگی و معنوی؛
- تحکیم وحدت و همبستگی ملی ضمن احترام به آداب، رسوم و فرهنگ‌های محلی؛
- ترویج و گسترش معرفت و ارزش‌های اسلامی - ایرانی و انقلاب اسلامی و رسوخ در قلوب افراد؛
- تلاش هرچه بیشتر برای برقراری عدالت اجتماعی؛
- اهتمام به آراستگی سیمای جامعه به مظاهر اسلام و انقلاب اسلامی؛
- احیا و حمایت از نهادهای فرهنگی مردمی؛

### فصل پنجم - بحث و نتیجه‌گیری ۳۰۹

- توجه به کارآمد بودن دین در امر حکومت و مبارزه با تفکر جدایی دین از سیاست؛
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای حمایت از روحیه ابداع هنری و نوآوری در حوزه‌های مختلف؛
- اهتمام به اطلاع‌رسانی صحیح و بارور کردن اوقات فراغت جامعه از طریق رسانه‌ها؛
- ایجاد زمینه‌های رشد کمی و کیفی آثار و خدمات فرهنگی و بهره‌گیری از فناوری مناسب روز؛
- فراهم آوردن امکان استفاده بهینه از آثار و خدمات فرهنگی برای عموم مردم؛
- اهتمام نسبت به معرفی شخصیت‌های تاریخی اسلام و ایران؛
- به‌کارگیری شیوه‌ها و بیان هنری در ترویج مفاهیم اسلامی - ایرانی و اصلاح فرهنگ عمومی؛
- ارائه سرمشق‌های مناسب برای آحاد جامعه و گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛
- تفکیک نتایج عملکرد مدیران بخش‌های گوناگون از ارزش‌های دینی؛
- اصلاح رفتار مدیران؛
- توسعه و گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشور؛
- توجه شخصیت‌ها و گروه‌های مرجع در خصوص پیامدهای نامطلوب مواضع و رفتار آنان؛
- رعایت اصل پاسخگویی منطقی و با سعه صدر به ابهامات، به جای تخطئه سیاسی یا ارزشی.

#### ب) راهبردهای اجرایی

- آشنا ساختن طیف مخاطبان هدف با افکار، آرا و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مبانی انقلاب اسلامی؛

- تعمیق بینش نسل انقلاب در مواجهه علمی با فرهنگ‌ها و مظاهر تمدن، تبادل و اشاعه فرهنگی؛
- تلاش در جهت آشنا ساختن نسل‌های بعد با جنبه‌های مثبت فرهنگی اقوام، ملت‌ها و تمدن‌ها و وجوه اشتراک و افتراق آن با فرهنگ خودی؛
- تشویق جوانان نسبت به امر اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در مراکز علمی و دانشگاهی و هدایت تلاش‌های آنان در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی؛
- اهتمام نسبت به معرفی منابع اصیل فرهنگی اسلام و ایران به مخاطبان، به‌ویژه جوانان؛
- نقد و بررسی، اصلاح، تصحیح و تنقیح متون و منابع و مآخذ علمی و فرهنگی اسلام و ایران جهت تسهیل امر استفاده علمی نسل هدف؛
- نیازسنجی و بررسی تقاضاهای فرهنگی جوانان و پاسخگویی مناسب به آن از طریق ارائه الگوسازی؛
- تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه تلاقی و تعارض افکار؛
- فراهم آوردن امکان حضور فعال و مشارکت نوآوران در برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی و اصلاح نگرش جامعه مبنی بر اعتماد و باورداشتن به توانایی‌ها و شایستگی‌های نسل جوان؛
- نشاط‌آفرینی فرهنگی از طریق ایجاد و گسترش تسهیلات ورزشی و پرورش و تقویت روح و جسم؛
- معرفی هنر اصیل و سازنده به جوانان.

### ج) برنامه‌های فرهنگی و هنری

نقش نهادهای فرهنگی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و...) در مقابله با تلویزیون

بی‌بی‌سی فارسی

- توجه به تولید مؤثر فرهنگی؛
- ترویج معارف اسلامی و رعایت حد اعتدال در تبلیغ و تقویت روحیه تقوا و اخلاق اسلامی؛
- الگوسازی مناسب و توجه به سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)؛
- توجه به تاریخ اسلام و معرفی اصحاب و یاران پیامبر گرامی و ائمه اطهار(ع)؛
- یادآوری حماسه ایثار شهدا، جانبازان و آزادگان در دوران انقلاب و دفاع مقدس؛
- توجه جدی جهت عملی کردن فرمایش‌های حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری درباره صداوسیما؛
- هماهنگی در تبلیغ و فعالیت‌های رسانه‌ای؛
- به‌کارگیری قالب‌های متنوع هنری برای عرضه مفاهیم فرهنگ اسلامی؛
- نیازسنجی از مخاطبان در زمینه‌های مختلف فرهنگی؛
- تربیت نیروی انسانی دست‌اندرکار در عرصه‌های فرهنگی متناسب با اهداف فرهنگی نظام به‌ویژه در بخش‌های تصمیم‌گیری، ارزیابی و نظارت مستمر بر فعالیت آن‌ها؛
- فعال‌تر کردن تبلیغات اسلامی در نمادهای محلی فرهنگی؛
- تشکیل، تقویت و تجهیز مراکز اطلاع‌رسانی و حمایت و هدایت صحیح این مراکز؛
- تشویق مردم به مشارکت و هدایت انگیزه‌های آنان برای فعالیت در امور فرهنگی و هنری؛
- تلاش برای تبیین و تعمیق ایمان مذهبی مخاطبان با بهره‌گیری از بهترین ابزارهای



هنری؛

- ارائه الگوهای مناسب برای قشرهای مختلف مخاطبان به‌ویژه کودکان، نوجوانان و

جوانان؛

- فراهم‌سازی زمینه‌های ارتقای آگاهی مخاطبان (بینش و دانش) در زمینه‌های

مختلف علوم و فرهنگ، به‌ویژه دین در کلیه برنامه‌ها با جهت‌گیری مناسب و منطقی؛

- ارتقا بخشیدن کیفیت محتوایی تولیدات با ارتباط جدی با استادان حوزه و

دانشگاه؛

- بهره‌گیری از تولیدات داخلی و در صورت لزوم برنامه‌های خارجی تلویزیونی با توجه

به ارزش‌های اسلامی و عدم مغایرت آن‌ها با دینداری، ساده‌زیستی و اخلاق اسلامی؛

- ایجاد زمینه‌های مناسب برای بهره‌گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از

اوقات فراغت و تفریح؛

- تقویت ارتباط مناسب و مکمل بخش فرهنگ با مردم؛

- هماهنگی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی فرهنگی با بخش‌های فرهنگی.

**نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (معاونت سینمایی و...)**

- پذیرش تعدد قومیت‌ها و فرهنگ‌ها و تلاش برای بازشناسی ویژگی‌های آن در

قالب فیلم‌های سینمایی و مستند؛

- بازتولید گفتمان رسانه‌ای در قالب ملی و استانی با ویژگی‌های خاص خود جهت

هماهنگ‌سازی گفتمان اسلامی - انقلابی با روح زمانه و پاسخگویی به نیازهای

مخاطبان؛

- بازتولید رابطه مبتنی بر اعتماد میان گروه‌های مرجع و نسل جدید جهت ایجاد

الگوهای رفتاری؛

- معماری جامعه‌ای امن و توأم با آرامش و نشاط؛

### فصل پنجم - بحث و نتیجه‌گیری ۳۱۳

- بازسازی هویت تاریخی و ملی و بازتعریف وفاق نسلی، قومی و فرهنگی؛
- بازتعریف سبب فرهنگی جامعه با توجه به مسئولیت‌ها و کارکرد نهادهای فرهنگی کشور؛
- بازنگری در کیفیت انتقال فرهنگی در تولید رسانه‌ای؛
- تقویت آموزه‌های فرهنگ دینی و ملی؛
- بازتعریف موقعیت جامعه و کشور در حوزه جهانی و طراحی نحوه مواجهه سیاستمداران، تصمیم‌گیران و نخبگان فرهنگی جامعه در برابر امواج تهاجم فرهنگی در قالب جهانی شدن؛
- بازتعریف فرهنگ اسلامی- ایرانی در برابر فرهنگ‌های وارداتی؛
- تفکیک کارکردهای حوزه‌های فرهنگی و تمایزبخشی آن از مقوله‌های تبلیغی؛
- ضرورت شناخت مخاطبان و بهره‌وران حوزه فرهنگ و هنر و تولید محتوای مورد نیاز آن‌ها؛
- ارزیابی و نقد عملکردهای نهادهای فرهنگی در حوزه هدف‌گذاری، سیاستگذاری و اجرا؛
- توجه جدی به ابعاد معرفتی تولیدات و محتوای فرهنگی و رجحان آن به ابعاد زودگذر و مقطعی؛
- تناسب بین تولیدات با محتوای فرهنگی با میزان مخاطبان و طیف‌های آن؛
- توجه به حساسیت‌های دینی و ارزشی مردم و تحریک نکردن گرایش‌ها و احساسات قابل احترام ایشان، در برابر تولیدات فرهنگی رسانه‌ای؛
- ارائه تولیدات مطلوب و با کیفیت با رعایت ارزش‌ها، سنت‌ها، اسطوره‌ها و تصورات تاریخی فرهنگ عمومی؛
- تنظیم اولویت اهداف فرهنگی کشور متناسب با نیاز مخاطبان، شرایط ملی، منطقه‌ای و جهانی.

### نکات قابل تأمل درخصوص برنامه‌های مورد بررسی بی‌بی‌سی فارسی و راهکارهای مقابله با آن

- هدف بی‌بی‌سی فارسی در برنامه‌های فرهنگی تغییر نگرش مخاطبان است. به‌عنوان مثال، در برنامه «نوبت شما» با موضوع «تک‌همسری و چندهمسری» و... به ساختار شکنی منفی هنجارهای دینی پرداخت؛
- در بعد خبری و سیاسی نیز تحلیل‌هایی که از این شبکه ارائه می‌شود، کاملاً در جهت سیاست‌های رژیم اسرائیل و آمریکا است؛
- بی‌بی‌سی فارسی به دنبال ایجاد چالش بین مخاطبان با حکومت، از طریق تغییر نگرش عمیق و تغییر رفتار آنان در بلندمدت است، اما این که در این روند چه میزان موفق خواهد شد هنوز نمی‌توان در خصوص آن اظهار نظر کرد. در مجموع اراده راه‌اندازی این شبکه ادامه پروژه براندازی نرم را دنبال می‌کند؛
- بی‌بی‌سی می‌کوشد که بین نسل پرسشگر، سؤال‌دار و مسئله‌دار در سنین مختلف با بیرون ارتباط برقرار کند و پاسخی به نیازهای آن داده شود. از این طریق به دنبال جذب است که بخشی از آن در خبررسانی است. البته این جذب به معنای پخش خبر خوب نیست، گرچه در حوزه خبر دارای نقص‌هایی هست، اما یکسری برنامه‌ریزی‌هایی را برای جذب مخاطبان کرده‌اند که جای تولید این برنامه‌ها در شبکه‌های ما خالی است؛
- هدف بی‌بی‌سی موجه نشان دادن وجهه آمریکا و انگلیس در اذهان مخاطبان فارسی‌زبان است. به‌عنوان مثال، با پخش فیلم «دایی جان ناپلئون» کوشید که نگرش‌های منفی تاریخی مخاطبان فارسی‌زبان به انگلیس را از اذهان آن‌ها حذف یا پاک کند؛
- بررسی روند برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی در این مدت نشان می‌دهد که یکی از

### فصل پنجم - بحث و نتیجه‌گیری ۳۱۵

- اهداف غیراعلامی این شبکه ترمیم چهره اروپا و آمریکا است و این حرکت در نقش تاریخی بی‌بی‌سی در حفظ جایگاه آمریکا در جهان کاملاً مشهود است؛
- بی‌بی‌سی تلاش می‌کند که در قشرهای مختلف تأثیر بگذارد، از این جهت تمرکز اولیه‌اش تأثیرگذاری بر نخبگان جامعه است که با شیوه‌های چون رعایت ادب و نزاکت، تنوع برنامه‌ها، پخش تصاویر از مکان‌های دیدنی ایران و... در برنامه‌های خود دنبال می‌کند؛
- بی‌بی‌سی فارسی می‌کوشد که تصویری بینابین، بین رسانه‌های خودی و ضدانقلاب ایجاد کند. رویکرد این شبکه بر این اساس خواهد بود که از رسانه‌های ضدانقلابی مانند *NITV* و پارس‌تی‌وی فاصله بگیرد و با این شیوه هویت رسانه‌ای بینابینی برای خود تعریف و ارائه کند؛
- ترکیب نیروها، مدیران و مدیریت شبکه بی‌بی‌سی بخشی از اهداف آن در ادامه پروژه براندازی نرم است که پیگیری سوابق این افراد این موضوع را نشان می‌دهد؛
- هدف بی‌بی‌سی فارسی جنگ رسانه‌ای به شکل نرم است. در دیدار اخیر «هاله اسفندیاری» و گروه همراه وی با اواما، ضمن بیان نقص اصلی اصلاح‌طلبان در حوزه رسانه، بر وجود بدیل‌های مخالفت در داخل ایران تأکید شده است، ولی شواهد نشان می‌دهد که تلاش غرب برای برخورد با ایران، به‌صورت نرم خواهد بود؛
- یکی از بزرگترین مزیت‌های این شبکه دسترسی به نخبگان خارج از کشور از هر دو طیف است که در برنامه‌های آتی از آن‌ها برای موفقیت خود بهره خواهد گرفت؛
- شاید این سؤال مطرح شود که چرا در این مقطع بی‌بی‌سی راه‌اندازی شد. به‌نظر می‌رسد که این اتفاق حساب شده بود. در بعد داخلی، انتخابات ریاست جمهوری ما، در مقطع معقول قبل از سالگرد پیروزی انقلاب و در فاصله حرفه‌ای با زمان انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، همزمان با آمدن اواما

بود و همه این‌ها تصادفی نبوده است. اگر ماهیت آمدن او با ما را درست تحلیل کنیم، آمدن یک رسانه جدید تأثیرگذار، با فلسفه آمدن رویکرد نرم رئیس‌جمهور جدید آمریکا می‌تواند مرتبط باشد. این موضوع را در مصاحبه اخیر او با تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در واکنش به سخنرانی احمدی نژاد در سازمان ملل در جهت جنگ نرم می‌توان ارزیابی کرد؛

- با افزایش شبکه‌های فارسی‌زبان، هرکدام از این شبکه‌ها تلاش می‌کنند که طیفی از مخاطبان را جذب کنند. بی‌بی‌سی فارسی با توجه به نداشتن دفتر در تهران، برای برقراری ارتباط با خبرنگاران آزاد، با بهره‌گیری از رسانه‌های نوین ارتباطی و آموزش آن به مخاطبان در وبسایت فارسی کوشیده است. خلاصه‌های کنونی خود را جبران کند. این تمهیدات رسانه‌ای (استفاده از خبرنگار شهروندمحور) جذاب، به‌ویژه در جذب مخاطبان جوان، باعث تفاوت بی‌بی‌سی با بقیه رسانه‌ها می‌شود؛

- اکثر شبکه‌های فارسی‌زبانی که راه‌اندازی شدند، با یک جریان مستمر، با فراز و نشیب قابل پیش‌بینی آمدند و به‌طور کلی در یک ردیف بودند به‌جز رادیو فردا و VOA که با فترت و ناکامی‌های اولیه، خود را بازسازی و متفاوت از بقیه رسانه‌ها شدند. راه‌اندازی بی‌بی‌سی فارسی در جهت حفظ و تأثیرگذاری (رادیو بی‌بی‌سی) در افکار عمومی ایران همچون گذشته است. بی‌بی‌سی فارسی در برنامه‌های خود با ایجاد نگرش جهان‌وطنی در مخاطبان، سرنوشت همه را به یکدیگر مرتبط بازنمایی می‌کند؛

- استفاده این شبکه از شگرد همگون‌سازی در برخی از برنامه‌های خود. این شبکه بخش‌هایی از فیلم‌های مستند یا موسیقی ما را در برنامه‌های خود استفاده می‌کند که این رویکرد در جهت ایجاد تداخل در هویت شبکه‌های رسانه ملی است. در بعضی موارد به منفعل عمل کردن رسانه ملی در بعد سیاسی انجامیده به‌طوری

### فصل پنجم - بحث و نتیجه‌گیری ۳۱۷

که این رسانه‌ها علیه خود ما بهره‌برداری می‌کنند؛

- در بخش موسیقی مواد خام ندارد، تنظیم خبر درست ندارد، ولی بخش جوانان مانند «کوک» برنامه‌های بی‌محتوا و به‌ظاهر جذاب ارائه می‌کند؛

- تأثیرسنجی‌ها نشان می‌دهد که نفوذ و تأثیرگذاری‌های برنامه‌های این شبکه‌ها در رویدادهای خاص در بُعد سیاسی و اجتماعی محدود بوده است. ویژگی بی‌بی‌سی فارسی امروز ناشی از اعتبار گذشته آن است، با وجود این، رویکرد و ملاحظات لس‌آنجلسی ندارد؛

- منفعت و فشار گروه‌های سیاسی نیز در راه‌اندازی بی‌بی‌سی بی‌تأثیر نبوده است. کسانی که برای این شبکه و سایر شبکه‌ها برنامه‌سازی می‌کنند بی‌تردید مرتبط با عوامل داخلی یا دستیارند و کار را فرا می‌گیرند یا در رفت‌وآمد هستند. به‌عنوان مثال، مجوزهایی که برای برخی از برنامه‌سازی‌ها داده می‌شد، (کارهای اجتماعی) گاه این شک و تردید را به‌وجود می‌آورد که احتمالاً از این تصاویر سوءاستفاده شود. به‌نظر می‌رسد که باید از توان و ظرفیت نیروهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما استفاده شود و هر بخش نسبت به مجموعه خود، کنترل داشته باشند.

## منابع

۱. آشنا، حسام‌الدین، (۱۳۸۷)، جزوه درسی «جامعه‌شناسی تبلیغات».
۲. بدیعی، نعیم، (۱۳۷۵)، «تجزیه و تحلیل محتوا»؛ مجلهٔ معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی، شمارهٔ ۱.
۳. تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مدیریت بحران؛ فرهنگ گفتمان.
۴. ترابی، مهناز، (۱۳۸۵)، تحلیل محتوای اخبار فاکس‌نیوز در مورد مسائل هسته‌ای ایران؛ مرکز تحقیقات صداوسیما.
۵. ترابی، مهناز؛ غفوری، فلور، (۱۳۸۲)، بررسی ساختار و محتوای شبکه العالم، مرکز تحقیقات صداوسیما.
۶. جعفر، طبرسی، «تلویزیون‌های فارسی بی‌بی‌سی چه برنامه‌هایی برای ایرانیان دارد؟»، پایگاه تحلیلی فرارو، ۱۳۸۷/۳/۸.
۷. جنیدی، رضا، (۱۳۸۷)، «نگاهی به تکنیک‌های عملیات روانی در رسانه»؛ سایت رجا نیوز، ۲۶ فروردین.

## منابع ۳۱۹

۸. جهانگردی، مجتبی، (۱۳۸۶)، *تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در ایران*؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. چپمن، نایچل (مدیر سرویس جهانی بی‌بی‌سی)، «گفتگو با رادیو بی‌بی‌سی»؛ مهرماه ۱۳۸۰.
۱۰. دالگران، پیتر، (۱۳۸۰)، *تلویزیون و گستره عمومی*؛ ترجمه مهدی شفق، تهران: سروش.
۱۱. ذوالقدر، حسین و عنایتی، علی، (۱۳۸۵)، *نظرسنجی از مردم ۱۸ شهر مرزی درباره شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی کشورهای همسایه*؛ مرکز تحقیقات صداوسیما.
۱۲. رضوی زاده، (۱۳۷۷)، «راهنمایی و سلطه در جریان بین‌المللی خبر»؛ فصلنامه رسانه.
۱۳. زنده‌دل، محمود، (۱۳۸۱)، «مقایسه بخش‌های خبری سیاسی شبکه خبر سیما و شبکه الجزیره»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
۱۴. زورق، محمدحسن، (۱۳۶۸)، *مبانی تبلیغ*؛ چاپ اول، تهران: سروش.
۱۵. سالک، رضا، (۱۳۸۱)، «نقش ارتباطات رسانه‌ای و میان‌فردی در شکل‌گیری افکار عمومی»؛ فصلنامه افکار عمومی، شماره ۱۸، مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه‌ای.
۱۶. سیلان‌اردستانی، حسن، (۱۳۸۶)، «عملیات روانی و دیپلماسی رسانه‌ای»؛ معاونت سیاسی، شماره ۱۱۹، ۸۴۲۲۱۲۰.
۱۷. سلطانی‌فر، محمد و شهناز هاشمی، (۱۳۸۲). *پوشش خبری*؛ تهران: سیمای شرق.
۱۸. شعارغفاری، پیروز، (۱۳۷۹)، «تبلیغ سیاه، سفید، خاکستری، ویژه آموزش»؛ فصلنامه رسانه.



۳۲۰ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

۱۹. شهریار، رادپور، «تحولات روزنامه‌نگاری در سرویس جهانی بی‌بی‌سی»؛ سایت فارسی بی‌بی‌سی، ۱۳۸۷/۹/۲۹.

۲۰. شهریار، رادپور، «سالگردی در گرماگرم چالش‌های عصر جدید»؛ سایت فارسی بی‌بی‌سی، ۱۳۸۷/۹/۲۲.

۲۱. شولتز، دوان، (۱۳۷۸)، *نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کریمی*؛ تهران: ارسباران.

۲۲. صمدی، حمید و احمدی‌فر، مهدی، (۱۳۸۶)، *تلویزیون فارسی زبان پارلمان اروپا*؛ اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی.

۲۳. عباسی، شهاب‌الدین، (۱۳۸۲)، «دین و فناوری تلویزیون از دید نیل پستمن»؛ فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۵.

۲۴. علیخواه، فردین، (۱۳۸۶)، *بررسی دلایل تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران*؛ مرکز تحقیقات صداوسیما.

۲۵. غفوری، فلور، (۱۳۸۶)، *نظرسنجی از مردم ۳۲ شهر درباره اخبار صداوسیما* (تیر- مهر- دی - اسفند سال ۸۶)، مرکز تحقیقات صداوسیما.

۲۶. فتحی، ابراهیم، علیخواه، فردین، (۱۳۸۵)، *نظرسنجی از مردم ۳۱ شهر کشور درباره شبکه‌های ماهواره‌ای*؛ مرکز تحقیقات صداوسیما.

۲۷. فرکلاف نورمن، (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*؛ گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۲۸. لطفیان، ابراهیم، (۱۳۸۳)، «عملیات روانی در نبرد سلطه»؛ فصلنامه عملیات روانی، سال دوم، شماره ۷.

۲۹. محمدی نجم، سیدحسین، (۱۳۸۴). «فصلنامه عملیات روانی»؛ سال سوم، شماره ۹.

۳۰. مسعودی، امیر، (۱۳۸۷)، «شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای خبر، پژوهش و

## منابع ۳۲۱

- سنجش؛ تابستان و پاییز، مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه‌ای.
۳۱. مهرداد، هرمز، (۱۳۸۰)، *نظریات و مفاهیم ارتباطات*؛ تهران: فاران.
۳۲. نیک‌ملکی، محمد و مرادی، سیروس، (۱۳۸۶)، *بررسی شبکه بی‌بی‌سی*؛ اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی.
۳۳. نیک‌ملکی، محمد، (۱۳۸۶)، *راه‌اندازی تلویزیون فارسی‌زبان بی‌بی‌سی*؛ اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی.
۳۴. سایت اینترنتی آفتاب، ۱۶/۳/۱۳۸۷.
۳۵. سایت و پایگاه اطلاع‌رسانی «صوت‌الحکیم»، «تعاریف و مفاهیم جنگ رسانه‌ای»؛
۳۶. وب‌سایت مرکز آموزش مؤسسه همشهری.
37. Brown & Yule, G. (1983), *Discourse analysis*, Cambridge university press.

## پیوست‌ها

### دستورالعمل کدگذاری تحلیل محتوای برنامه «نوبت شما» تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی

نام متغیر	برچسب متغیر	کدها
X1	موضوع مدار یا فراینده مدار بودن	۱. موضوع مدار ۲. فرآینده مدار
X2	موضوع برنامه	۱. سیاسی ۲. فرهنگی - اجتماعی ۳. اقتصادی ۴. هنری ۵. ورزشی ۶. تاریخی ۷. مذهبی یا دینی
X3	موضوعات مطرح شده به لحاظ حوزه جغرافیایی	۱. ایران ۲. تاجیکستان ۳. افغانستان ۴. ترکیه ۵. کشورهای فارسی‌زبان منطقه ۶. هیچ کدام
X4	کشور یا اشخاص مرتبط با گفت‌وگو متهم‌سازی	۱. ایران ۲. افغانستان ۳. تاجیکستان ۴. عراق ۵. ترکیه

پیوست‌ها ۳۲۳

		<p>۶. پاکستان          ۷. مسئولان ایرانی          ۸. مسئولان افغانستان و طالبان          ۹. مسئولان تاجیکستان          ۱۰. مسئولان عراقی          ۱۱. مسئولان ترکیه          ۱۲. مسئولان پاکستان          ۱۳. ایران و پاکستان          ۱۴. هیچ کدام از موارد</p>
X5	<p>تکنیک‌های مورد استفاده در راستای القای اهداف برنامه</p>	<p>۱. برجسته‌سازی          ۲. بهره‌گیری از گروه‌های مرجع برای اثبات ادعاها          ۳. تکنیک تقابل گفتمانی          ۴. اشاره به پیشینه رویدادها</p>
X6	<p>محورهای گفتمان القایی و تبلیغات</p>	<p>۱. زیر سوال بردن عملکرد و اقدامات مسئولان بویژه دولت دهم          ۲. زیر سوال بردن فعالیت‌های نظام در طول سه دهه گذشته          ۳. برجسته‌سازی و القاء عدم رضایت افکار عمومی از عملکرد مسئولان          ۴. متهم‌سازی مسئولان نظام و القاء بدبینی افکار عمومی به آنها          ۵. اختلاف‌افکنی با موضوع شیعه و سنی بین کشورهای فارسی‌زبان و کشورهای منطقه با ایجاد چالش در روابط بین کشورهای همسایه          ۶. دامن زدن به شکاف نسلی          ۷. ترمیم چهره استعماری انگلیس          ۸. القاء تناسب نداشتن مدیریت اقتصادی کشور با (توسعه آینده‌نگر)          ۹. تأثیرگذاری نرم بر تحولات ایران (بویژه در دیپلماسی رسانه‌ای)          ۱۰. انزوای منطقه‌ای ایران          ۱۱. تفرقه‌افکنی در تعاملات قوای سه‌گانه ایران          ۱۲. طرح مباحث فقهی با هدف مجادله سیاسی          ۱۳. انعکاس فضای فرهنگی - اجتماعی در قالب «گفتمان جنبش»          ۱۴. ارائه قطب‌بندی مجازی از فضای سیاسی کشور          ۱۵. فضاسازی درباره کارنامه دولت در عرصه داخلی          ۱۶. فضاسازی درباره کارنامه دولت در عرصه سیاست خارجی          ۱۷. القای چند پارگی در مثلث ایران، سوریه و حزب‌الله          ۱۸. تنوع‌بخشی به حوزه‌های ادعایی دخالت ایران در مسائل داخلی کشورهای منطقه          ۱۹. وارونمایی مسائل فرهنگی و اجتماعی</p>

۳۲۴ بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های ...

		۲۰. هیچ کدام
X7	نگرش و زاویه دید مجری نسبت به موضوع برنامه	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی
X8	بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی	۱. دارد ۲. ندارد
X9	نگرش یا گفتمان القایی بازنمایی شده در بررسی وبلاگ‌ها	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی و بی‌طرف
X10	دیدگاه مخاطبان ایرانی (تلفنی) داخل کشور نسبت به موضوع برنامه	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی و بی‌طرف
X11	دیدگاه مخاطبان ایرانی (تلفنی) خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی و بی‌طرف
X12	نظرات مخاطبان ایمیلی داخل ایران به وب‌سایت بی‌بی‌سی نسبت به موضوع برنامه	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی و بی‌طرف
X13	نظرات مخاطبان ایمیلی ایران خارج از کشور به وب‌سایت بی‌بی‌سی نسبت به موضوع برنامه	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی و بی‌طرف
X14	دیدگاه مخاطبان ایرانی (وب‌کم) خارج از کشور نسبت به موضوع برنامه	۱. مثبت و موافق ۲. منفی و مخالف ۳. خنثی و بی‌طرف
X15	سیاست رسانه‌ای برنامه در خصوص موضوعات مطرح شده	۱. انتقادی ۲. نقد بی‌طرفانه ۳. خنثی ۴. هنجارشکن (عبور از خطوط قرمز)
X16	مخاطبان هدف برنامه	۱. مسئولان ۲. جوانان ۳. عامه مردم (افکار عمومی) ۴. دست‌اندرکاران رسانه‌ای رقیب



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

آغاز به کار تلویزیون بی بی سی فارسی با پوشش جغرافیایی سه منطقه فارسی زبان، برخی تمایزات جدی محتوایی و روشی را میان این رسانه نوپا و سایر تلویزیون های ماهواره ای آشکار می سازد. با تحلیل محتوای برنامه های تلویزیون بی بی سی فارسی در یک دوره، می توان برخی از ویژگی های خاص این رسانه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و از این رهگذر مسئولان اجرایی کشور، اصحاب فرهنگ، قلم و رسانه را به اهمیت ورود به عرصه تولید برنامه های جذاب، تأثیرگذار و بازدارنده گرایش جوانان به این تلویزیون فارسی زبان وابسته به دولت انگلیس رهنمون شد.